شماره ۸۲

نشریهٔ اتحادیهٔ انجمن‌های
دانشجویان مسلمان خارج کشور
(هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران)

جمعه ۲۴/بهمن/۱۳۶۵ (۱۳/فوریه/۱۹۸۷)
تکشماره معادل نیم دلار (۵۰ ریال)

۲۰ جمادی‌الاخر (۳۰/بهمن)
خجسته میلاد فاطمه زهرا (ع)
بانوی اول اسلام انقلابی و الگوی
عقیدتی-تاریخی زنان قهرمان مجاهد خلق
را به پیروان پاکباز آن حضرت تهنیت می‌گوئیم

قطعنامهٔ سراسری تظاهرات
میتینگ‌ها و آکسیون‌های سراسری
انجمن‌های دانشجویان مسلمان
بمناسبت ۱۹ بهمن
پنجمین سالروز عاشورای مجاهدین
«حماسهٔ اشرف و موسی»

در صفحه‌ی ۴۲

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

(قسمت اول)

(در صفحات ۲ تا ۷ و ۴۴ تا ۵۱)

پاسخ برادر مجاهد مسعود رجوی به سوال خبرنگار رادیو صدای مجاهد درباره پیام اخیر خمینی ولجن پراکنی یزید پلید جماران علیه مجاهدین

در صفحه‌ی ۵۳

عملیات انقلابی رزمندگان مجاهد خلق

★ در جریان یک درگیری گسترده و حماسی بین رزمندگان مجاهد خلق و پاسداران خمینی دژخیم در منطقهٔ ایرانشهر-سراوان فرماندهٔ مزدوران و ۱۵ تن از آنان بهلاکت رسیدند و دهها تن از پاسداران بشدت زخمی شدند

★ قائم‌مقام فرماندهٔ سپاه ضد خلقی خمینی در چاه‌بهار و ۲ پاسدار مزدور محافظ وی با آتش مسلسل رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسیدند

★ ۴ تن از مزدوران سرکوبگر خمینی در باسگاه «سالار» واقع در دوراهی ایرانشهر-بمبور با آتش سلاح ستیم‌سوز رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسیدند

★ رزمندگان یک واحد رزمی مجاهد خلق پاسگاه بازرسی دشتین در نزدیکی شهرستان بم را با آتش مسلسل درهم کوبیده و به آتش کشیدند

(در صفحات ۸ و ۹)

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

تظاهرات حدود ۷,۰۰۰ تن از هموطنان در بُن یک حرکت کاملاً بیسابقه در تاریخ مبارزات خارج کشور بود. در واشنگتن ۳,۰۰۰تن، در دهلی‌نو بیش از ۲,۵۰۰تن، در سوئد بیش از ۱,۵۰۰تن و در لندن بالغ بر ۱,۰۰۰ تن راهپیمایی کردند و هزاران هموطن دیگر نیز در تظاهرات میتینگ‌ها و آکسیون‌های سایر کشورها شرکت نمودند. گزارشات این تظاهرات توسط خبرگزاری‌ها و مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های کشورهای مختلف وسیعاً منعکس گردید.

(در صفحات ۱۱ تا ۱۹ و ۳۸ تا ۴۳)

آلمان

آلمان

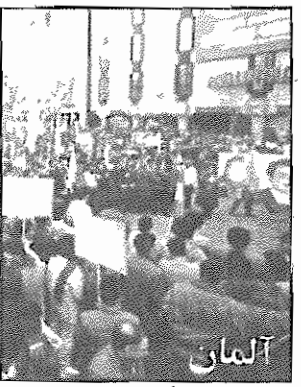
آلمان

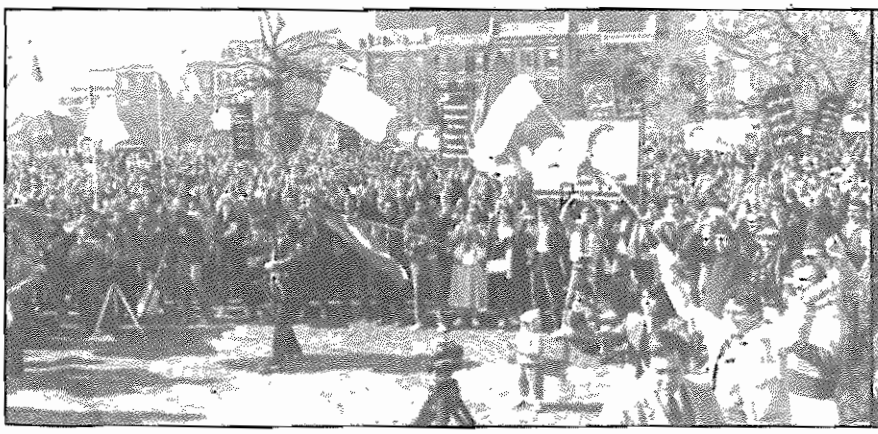

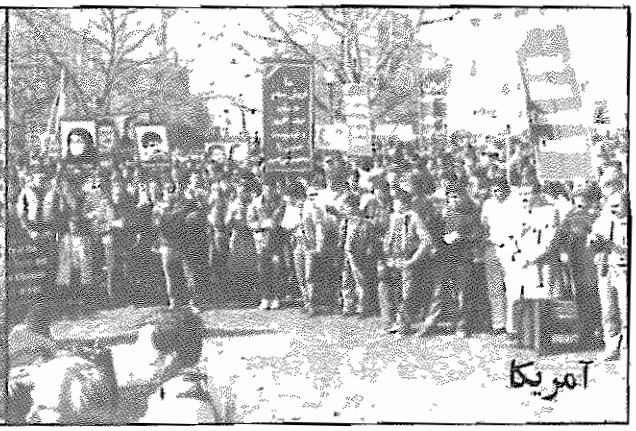
آمریکا

www.iran-archive.com

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران

(قسمت اول)

بنام خدا
بنام ایران و بنام آزادی
بنام انقلاب نوین و رهائیبخش
خلق قهرمان ایران

هموطنان عزیز،
مردم آگاه و مبارز ایران؛

با ایقان به پیروزی انقلاب نوین ایران و سرنگونی محتوم و تردیدناپذیر دیکتاتوری دجال و ضدبشری خمینی؛ که وحشیانه‌ترین و سفاک‌ترین استبداد تاریخ ما را تحت لوای دین برپا داشته است؛ هشتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی و سقوط دیکتاتوری دست‌نشانده‌ی شاه گرامی‌باد.

یاد بنیانگذاران، پیشتازان و همه‌ی شهیدان و اسیران و خانواده‌های داغدار انقلاب شکوهمند ضدسلطنتی بخیر. بویژه یاد رهبران پیشتاز و پرچمداران مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی که سنگ‌بنای آن انقلاب را بنیاد گذاشتند. قهرمانان پاکباز و بن‌بست‌شکنی همچون محمد حنیف‌نژاد، سعیدمحسن، اصغر بدیع‌زادگان، مسعود احمدزاده، پرویز پویان و بیژن جزنی که بر قله‌ی هزاران شهید و اسیر مجاهد و فدایی دیگر، طلسم سازش و تسلیم و توهم زبونانه‌ی ضربه‌ناپذیری شاه و ساواک دژخیم او را برغم همه‌ی احزاب فرصت‌طلب و سازشکار، برغم میانه‌بازان فرومایه و برغم آخوندهای ارتجاعی درهم‌شکستند.

آری بقول پدر طالقانی این روح راستین و مردمی انقلاب ضدسلطنتی، آنچنانکه در رثای شماری از مجاهدین شهید خاطرنشان نمود؛ پرچمداران مبارزه‌ی مسلحانه با نثار خون خود راه مبارزه و جهاد گشودند. چنین بود که راه جنبش عمومی خلق هموار شد و سرانجام در موقعیت مناسب طوفان‌ها و سیلاب‌ها بپاخاست و طومار حیات دیکتاتوری دست‌نشانده را درهم‌پیچید.

اما در سالروز ۲۲بهمن یک چشم مردم ایران خندان و چشم دیگر گریان است. چون این سالروز از یکسو یادآور فرود آمدن بهمن شگرف اراده‌ی خلق ما و سرنگونی ابدی نظام ستم‌شاهی است. اما از سوی دیگر متاسفانه در همین سرفصل بود که به شیخ‌سالاری میدان داده شد. غفلتی عظیم در کانون آن بهمن شگرف و خودجوش که همه‌ی عقب‌ماندگی‌ها، و ناآگاهی‌های جامعه و تاریخ ما را یکجا برملا نمود و بیش از پیش مبین سازمان‌نایافتگی انقلاب ضدسلطنتی و فقدان یک سازمان رهبری‌کننده‌ی انقلابی و مردمی در قلب آن بود. آخر چندی قبل از ربوده شدن رهبری ــ یعنی سرنوشت‌سازترین و تعیین‌کننده‌ترین موضع در هر انقلاب ــ توسط بزرگترین دزد تاریخ ایران (خمینی) فرصت‌طلبان چپ‌نما سازمان مجاهدین خلق ایران را در یک مقطع متلاشی کرده و حتی شماری از اعضای مقاوم آنرا با شکنجه و ترور و سوزاندن نابود کرده بودند.

افسوس و صدافسوس که در خلاء رهبری ذیصلاح و در فقدان سازمان رهبری‌کننده‌ی انقلابی و یک جانشین دمکراتیک و مردمی لشکر اوباش و اراذل به رهبری خمینی که از این پیش‌تر بندوبست‌های استعماری را در نوفل‌لوشاتو بپایان رسانده بود، از راه رسید و شد آنچه که در این هشت سال سیاه تمامی مردم ایران طعم تلخ آنرا بسختی چشیدند.

وقتی خمینی راهبر و "امام" گردید در قدم اول "کلمه" ذبح و عاری از محتوی و مفهوم شد. کلمات ارزشمند همچون "انقلاب"، "اسلام"، "استقلال"، "آزادی" و "جمهوری" و... پیاپی خوار و بی‌مقدار و مبتذل و بی ارزش شدند. خمینی بساط دجالیت پهن نمود و انبوه شارلاتان‌ها و میوه‌چینان سیاسی و دین‌فروشان حرفه‌ای گرداگردِ کجاوه‌ی خلافت و ولایت‌فقیه او را گرفتند.

افسوس و صدافسوس که در خلاء رهبری ذیصلاح و در فقدان سازمان رهبری‌کننده‌ی انقلابی و یک جانشین دمکراتیک و مردمی لشکر اوباش و اراذل به رهبری خمینی که از این پیش‌تر بندوبست‌های استعماری را در نوفل‌لوشاتو بپایان رسانده بود، از راه رسید و شد آنچه که در این هشت سال سیاه تمامی مردم ایران طعم تلخ آنرا بسختی چشیدند.
وقتی خمینی راهبر و "امام" گردید در قدم اول "کلمه" ذبح و عاری از محتوی و مفهوم شد. کلمات ارزشمند همچون "انقلاب"، "اسلام"، "استقلال"، "آزادی" و "جمهوری" و... پیاپی خوار و بی‌مقدار و مبتذل و بی ارزش شدند. خمینی بساط دجالیت پهن نمود و انبوه شارلاتان‌ها و میوه‌چینان سیاسی و دین‌فروشان حرفه‌ای گرداگردِ کجاوه‌ی خلافت و ولایت‌فقیه او را گرفتند.

چنین بود که وقتی خمینی امام و راهبر شد، شورای ارتجاع را "شورای انقلاب" نامیدند و دولت موقت تاجرپیشه نیز دولت امام‌زمان نام گرفت! چندی بعد نمایشات گروگانگیری به صحنه آمد که هدف آن اساساً مات کردن قوای انقلابی در آستانه‌ی رفراندم قانونی اساسی و انتخابات ریاست‌جمهوری و حال اینکه در آن زمان نیز سازمان مجاهدین خلق ایران تنها سازمان سیاسی ــ نظامی و تنها نیروی دمکراتیک ــ انقلابی بود که در شرایط خاص ایران از پشتوانه‌ی ایدئولوژیک ــ تاریخی و از ظرفیت اجتماعی و تشکیلاتی لازم برای تشکیل یک جانشین دمکراتیک و مستقل برخوردار بود و می‌توانست در ارائه‌ی چنین جانشینی نقش محوری برعهده بگیرد و بدینوسیله مانع سلطه‌ی مجدّد ارتجاع و استعمار گردد.

بهرحال، افسوس و صدافسوس که در خلاء رهبری ذیصلاح و در فقدان سازمان رهبری‌کننده‌ی انقلابی و یک جانشین دمکراتیک و مردمی لشکر اوباش و اراذل به رهبری خمینی که از این پیش‌تر بندوبست‌های استعماری را در نوفل‌لوشاتو بپایان رسانده بود، از راه رسید و شد آنچه که در این هشت سال سیاه تمامی مردم ایران طعم تلخ آنرا بسختی چشیدند.

وقتی خمینی راهبر و "امام" گردید در قدم اول "کلمه" ذبح و عاری از محتوی و مفهوم شد. کلمات ارزشمند همچون "انقلاب"، "اسلام"، "استقلال"، "آزادی" و "جمهوری" و... پیاپی خوار و بی‌مقدار و مبتذل و بی‌ارزش شدند. خمینی بساط دجالیت پهن نمود و انبوه شارلاتان‌ها و میوه‌چینان سیاسی و دین‌فروشان حرفه‌ای گرداگردِ کجاوه‌ی خلافت و ولایت‌فقیه او را گرفتند. چنین بود که وقتی خمینی امام و راهبر شد، شورای ارتجاع را "شورای انقلاب" نامیدند و دولت موقت تاجرپیشه نیز دولت امام‌زمان نام گرفت! چندی بعد نمایشات گروگانگیری به صحنه آمد که هدف آن اساساً مات کردن قوای انقلابی در آستانه‌ی رفراندم قانونی اساسی و انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس بود. سپس خائنانه‌ترین قرارداد استعماری تاریخ ایران درست در شرایطی به امضاء رسید که بوق‌وکرنای مبارزه‌ی ضدامپریالیستی به سبک خمینی گوش فلک را کر کرده بود. ملیت‌های تحت ستم بشدت سرکوب شدند. منطق یا روسری یا توسری در همه‌جا بوسیله‌ی چماقداران خمینی بکار گرفته شد. دانشگاهها را بستند و کودتای سیاه ضدفرهنگی را "انقلاب فرهنگی" نام نهادند.

از راه نرسیده ۱۲۰میلیارد تومان سود خالص توسط تجّار باند خمینی بالا کشیده شد، اما تا بخواهید در اوصاف "امید مستضعفان جهان" نعره زدند و یقه‌درانی کردند. بر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها نام "تعزیر" گذاشتند و تا توانستند تحت لوای دین و "مشروعه" دست بریدند و چشم درآوردند و سنگسار کردند. روزنامه‌ها و اجتماعات مسالمت‌آمیز را تعطیل و سرکوب کردند. زندان‌ها و شکنجه‌گاهها در ابعادی صدبار بیشتر از رژیم شاه بازگشوده شد.

www.iran-archive.com

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت
بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران

فحشاء و اعتیاد و بیکاری در کنار صنعت پاسدارسازی و پرورش کمیته‌چی رواج بی‌سابقه‌ای پیدا کرد. صدور تروریسم برای منحرف کردن اذهان از گسترش تروریسم و سرکوب داخلی اوج گرفت و زمینه‌ی جنگ‌افروزی شد. آنگاه جنگ‌کثیف و وحشی "موهبت الهی" نام گرفت...

درحالیکه رشیدترین فرزندان این میهن را پس از حلق‌آویز یا تیرباران در پرچم آمریکا می‌پیچاندند، نگو که خود تا خرخره با "شیطان بزرگ" و "رژیم اشغالگر قدس" رفته بودند! ای ننگ و نفرین بر این خمینی و شجره‌ی خبیثه‌ی او که پرپرکننده‌ی امید و اعتماد شکوفای خلق ایران بود.

مأموریت و نقش ضدتاریخی خمینی این بوده که آتشفشان گدازان انقلاب ضدسلطنتی را سرد و خاموش کند و آنرا دقیقاً از همان نقطه‌ضعف رهبری‌کننده‌اش به فساد و انهدام بکشاند و جامعه و تاریخ ما را بطور مضاعف به عقب برگرداند و اگر توانست میهنمان را نیز از هم بپاشد... بنابراین امسال نیز باید تکرار کنم:

یقیناً خمینی بزرگترین بلیّه‌ی سیاسی و اجتماعی و مذهبی تاریخ ایران است. آزمایش "وجود" و "لاوجود" ایران و ایرانی است. بقا یا فنای فرهنگ و میهن و تاریخ و تمامیت ایران لاجرم به غلبه یا شکست ما در نبرد با این ارتجاع ضدتاریخی، مشروط می‌شود. یعنی مردم ایران امروز درگیر سهمگین‌ترین نبردها و پنجه‌درپنجه‌ی درنده‌ترین گرگ‌های تاریخ این سرزمین‌اند. دشمنی که قدرت سیاسی و مذهبی و اقتصادی را تماماً در یک نقطه در چنگ گرفته و صرف سرکوب خلق ما می‌کند.

باشد که در آینده‌ای نه‌چندان دور با سوزاندن ریش‌وریشه‌ی او و رژیمش هر دو چشم مردم ایران در چنین سالروزی روشن و خندان گردد. باشد که با موکب صلح و آزادی امیدها و اعتمادهای پرپرشده و آن شور شگفت و همدلی و همنوایی بی‌مانند روزهای انقلاب ضدسلطنتی با آگاهی و عمقی صدبرابر، به کوری چشم خمینی از سرگرفته شود. راستی که خمینی شوم‌ترین ارمغان ارتجاعی و استعماری معاصر است.

مأموریت تاریخی این شخص را می‌توان در یک کلام در خراب کردن انقلاب ضدسلطنتی بر سر نیروهای محرکه‌اش و به بند کشیدن مجدد انقلاب و اجتماع ما خلاصه کرد. بگذریم که به یُمن مجاهدت شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران این مأموریت ارتجاعی و ضدتاریخی قرین توفیق نبوده و نخواهد بود.

سوابق زندگی خمینی نیز شایان تأمل و تردیدبرانگیز است. وی تا پنجاه‌وچند سالگی در میدان سیاست چندان حضوری نداشته و در سلک ارتجاعی‌ترین آخوندهای مشروعه‌چی و در شمار هواداران شیخ‌فضل‌الله نوری خصم مجاهدان آزادی‌ستان صدر مشروطه بوده است. و بنا به مندرجات یکی از کتاب‌هایش در سال‌های بعد از شهریور/۱۳۲۰ نیز نه‌فقط هیچ مخالفتی هم با اساس سلطنت نداشته بلکه مؤید آن نیز بوده است. سپس در آستانه‌ی کودتای ۲۸/مرداد در سلک افراد آخوند کاشانی به ضدیت با پیشوای نهضت ملی ایران دکتر مصدق فقید برخاسته و هنوز هم بقول خودش از "سیلی خوردن" مصدق توسط دربار شاه و استعمارگران حامی آن شاد و ممنون است.

سپس در سلک حامیان کودتای استعماری ۲۸/مرداد (۱۳۳۲) تا سال ۴۲ باز هم ساکت و سربزیر بوده. ولی به هنگام یکپایه‌شدن رژیم شاه و دربار او یعنی به هنگام استقرار دیکتاتوری سرمایه‌داری وابسته و چرخش شاه بجانب آمریکا و اولویت دادن به آن در قبال انگلیس و پایگاههای فئودالی داخلی آن، خمینی یکباره سر برمی‌دارد و از موضع قرون‌وسطایی و مادون‌سرمایه‌داری از جمله از موضع مخالفت با آزادی زنان و تقسیم اراضی بنای مخالفت با دیکتاتوری شاه می‌گذارد...

سپس چنانکه می‌دانیم خمینی به تبعید می‌رود و سرانجام پس از آنهمه دروغ و ریا در پاریس و پس از بسیاری بندوبست‌های پشت‌پرده که شمه‌ای از آنها تاکنون آشکار شده همچون بلایی عظیم و محنتی بی‌پایان بر مردم ایران نازل می‌شود. می‌زند و می‌بندد و می‌خورد و پایمال می‌کند. می‌گیرد و می‌کشد و می‌سوزاند و ویران می‌کند. براستی که اشتهای خمینی برای خونریزی سیری‌ناپذیراست. همین خمینی که در آن سال‌های شاه با مبارزه‌ی مسلحانه و "جاری شدن خون" مخالفت می‌ورزید و هیچگاه آن را روا نشمرد.

پس مأموریت و نقش ضدتاریخی خمینی این بوده که آتشفشان گدازان انقلاب ضدسلطنتی را سرد و خاموش کند و آنرا دقیقاً از همان نقطه‌ضعف رهبری‌کننده‌اش به فساد و انهدام بکشاند و جامعه و تاریخ ما را بطور مضاعف به عقب برگرداند و اگر توانست میهنمان را نیز از هم بپاشد... بنابراین امسال نیز باید تکرار کنم:

یقیناً خمینی بزرگترین بلیّه‌ی سیاسی و اجتماعی و مذهبی تاریخ ایران است. آزمایش "وجود" و "لاوجود" ایران و ایرانی است. بقا یا فنای فرهنگ و میهن و تاریخ و تمامیت ایران لاجرم به غلبه یا شکست ما در نبرد با این ارتجاع ضدتاریخی، مشروط می‌شود. یعنی مردم ایران امروز درگیر سهمگین‌ترین نبردها و پنجه‌درپنجه‌ی درنده‌ترین گرگ‌های تاریخ این سرزمین‌اند. دشمنی که قدرت سیاسی و مذهبی و اقتصادی را تماماً در یک نقطه در چنگ گرفته و صرف سرکوب خلق ما می‌کند.

هموطنان عزیز؛

در روزهای اخیر زعمای رژیم خمینی به صحنه آمدند و به زبان‌های مختلف بیلانی از ۸سال حکومت خمینی ارائه کردند:

از جمله رفسنجانی سخنگو و کارگزار شماره یک خمینی در نمایش جمعه ۱۰/بهمن اظهار داشت که اگر مسائل جنگ نبود ما اکنون می‌توانستیم ارقام و آمار بسیار عظیمی در مورد پیشرفت‌های اقتصادی و عمرانی بدهیم...!

رفسنجانی سپس افزود: "اکنون ما شاهد تحولات بسیاری در سطح جهان هستیم. در ترکیه مسئله‌ی حجاب مطرح است و در پاکستان تظاهرات ضدآمریکایی می‌شود.." رفسنجانی در پایان تأکید کرد که اکنون مردم ما برای خوابیدن و خوردن زنده نیستند. و اگر همگی ما گرسنه هم باشیم مسئله‌ای نمی‌تواند باشد...

ملاحظه می‌کنید؟! مردم گرسنه باشند مسئله‌ای نیست! می‌توانند به این دلخوش کنند که در ترکیه مسئله‌ی حجاب مطرح شده و در پاکستان تظاهرات ضدآمریکایی صورت گرفته! اگر چه خمینی و دارودسته که این جلوه‌ی (ضدامپریالیستی) در محراب و منبر می‌کنند چون به خلوت می‌روند با آمریکا و

www.iran-archive.com

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت
بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

اسرائیل کار دیگر می‌کنند!!

جمعه‌ی گذشته (۱۷/بهمن‌ماه) خامنه‌ای رئیس‌جمهور رژیم نیز ـ که مانند سایر رئیس‌جمهورهای خمینی مقامی باسمه‌ای بیش نبوده و نیست ـ به ارائه‌ی بیلان "دستاوردهای" ۸ساله‌ی رژیم پرداخت و گفت: "پیشرفت نظام جمهوری اسلامی ایران در کار رسیدگی به روستاها، رسیدگی به امر آموزش و پرورش، رسیدگی به قشرهای مختلف مستضعف و درهم کوبیدن ثروتمندان و سازندگی داخل جامعه و خلاقیت است..." آنچه را رئیس‌جمهور فاسد و علیل خمینی، درباره‌ی پیشرفت روستاها و آموزش و پرورش گفته است بعداً بیشتر مورد اشاره قرار خواهیم داد، اما عجالتاً باید دانست که دولت خمینی در همین امسال بطور متوسط روزی ۴۱۰میلیون تومان از درآمدهای خود را صرف جنگ و سرکوب داخلی نموده. این رقم در مجموع طی سال جاری ۷۹٪ ستون درآمدهای دولت خمینی را در بودجه‌ی سالیانه‌اش تشکیل می‌دهد که از روی آن می‌توان میزان رسیدگی به آموزش و پرورش و رسیدگی به روستاها را دریافت. بگذریم که این ۴۱۰میلیون تومان یومیه، فقط عدد رسمی است و عدد واقعی که صرف جنگ و سرکوب شده بسا بیشتر از این است.

درباره‌ی "رسیدگی به قشرهای مختلف مستضعف و درهم‌کوبیدن ثروتمندان" نیز خوبست خاطرنشان کنیم که چندی پیش وزیر برنامه و بودجه‌ی رژیم مشخصاً اعلام نمود که درآمد تجّار و بازرگانان (دارودسته‌ی خمینی) معادل بودجه‌ی کل کشور است!(*)

جالب اینکه این سودخواری و ثروت‌اندوزی نجومی که به چند صدمیلیارد تومان بالغ می‌شود در کشوری است که بخش اعظم اقتصاد آن (حدود ۹۰٪) از نفت و گاز و مس و پتروشیمی گرفته تا راه‌آهن و ذوب‌آهن و شیلات و دخانیات و بانک‌ها و دهها رشته‌ی دیگر منحصراً در اختیار دولت است.

بنظر می‌رسد رئیس‌جمهور رژیم خمینی حتی نیازی به قرائت اظهارات وزیران و اطلاعیه‌های رسمی دوایر اجرایی که وی در روی کاغذ ریاست همه‌ی آنها را برعهده دارد، احساس نمی‌کند، والاّ در بهم‌بافتن اراجیف قدری رعایت می‌کرد! خامنه‌ای در همین سخنرانی جمعه (۱۷/بهمن) تعداد کشته‌ها و مجروحین عراق در تهاجم ضدکربلای۵ را یکصدهزار و تعداد تانک‌های منهدم‌شده و به غنیمت گرفته‌شده‌ی طرف عراقی را در مجموع ۸۰۰ عدد ذکر نمود. حال اینکه شب قبل (یعنی پنج‌شنبه‌شب ۱۶/بهمن‌ماه) سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ خمینی تلفات طرف عراقی را (اعم از کشته و مجروح) پنجاه‌هزار و "تعداد تانک‌ها و ماشین‌های جنگی منهدم شده" را فقط ۶۰دستگاه ذکر کرده بود!

ملاحظه می‌کنید که اعداد و ارقام وقتی یک دست می‌چرخد و از ستاد تبلیغات جنگ تا خامنه‌ای که رئیس شورایعالی دفاع رژیم نیز هست طی طریق می‌کند، اینقدر اضافه می‌شود و البته از روی آن می‌توان حدس زد در مسیری که اعداد و ارقام طی نموده تا به ستاد تبلیغات رژیم برسد چه بر سرش آمده!

حال اگر از خمینی و زعمای رژیمش بخاطر کثرت جنایات و تبهکاری‌هایشان بیلان و عدد و رقم درست بیرون نمی‌آید، اجازه بدهید خود با اختصار تمام نظری به بیلان ۸ساله‌ی رژیم خمینی در برخی از زمینه‌ها بیندازیم:

۱ ـ کشتار و تیرباران و حلق‌آویز کردن دهها‌هزار تن از رشیدترین فرزندان این آب و خاک، طلایه‌داران انقلاب رهائیبخش و نوین مردم ایران که انبوهی از آنها در زیر سبعانه‌ترین شکنجه‌های ضدبشری جان باخته‌اند.

تا ۳۰/خرداد سال گذشته بر اساس گزارشات مستند و ارزیابی‌های ارائه‌شده توسط سازمان مجاهدین خلق ایران تعداد شهدای مقاومت را حدود ۵۰,۰۰۰تن و تعداد اسرا را ۱۴۰,۰۰۰نفر برآورد می‌کردیم. اما ضمن یکسال‌ونیم گذشته مستمراً به گزارشات و نمونه‌هایی برخورد کرده‌ایم که بر اساس آنها تعداد شهدا اکنون خیلی بیشتر از عدد اعلام‌شده‌ی قبلی برآورد می‌شود

بنظر می‌رسد که دشمن ضدبشری ـ آنچنانکه از اظهارات مسئولین شکنجه‌گاهها و زندان‌هایش نیز برمی‌آید ـ در این فاصله (و یا حتی قبل از آن) سیاست جدیدی پیشه نموده و در ازای رها کردن گروههایی از دستگیرشدگان که در اساس یا آنها را بی‌جهت دستگیر کرده بود و یا بدلایل مختلف نگهداری‌شان را در زندان مصلحت ندیده؛ زندانیانی را که خطرناکتر تشخیص می‌داده دسته‌دسته به جوخه‌های اعدام سپرده است.

بهرحال برخی از مسئولین رژیم در محافل خصوصی تعداد اعدام‌ها را حدود ۷۰,۰۰۰ ذکر کرده‌اند که حدود ۹۰٪ آنها در کل کشور از مجاهدین هستند.

آمار جدید شهدا و زندانیان سیاسی توسط سازمان مجاهدین خلق ایران در دست بررسی و تحقیق است و در آینده همراه با فهرست تکمیلی یا فهرست جدید اعلام خواهد گردید.

*

در مورد شکنجه‌های سبعانه و توصیف‌ناپذیر که تاکنون بیش از شصت‌وچند مورد آنرا با ذکر تمامی جزئیات شماره کرده‌ایم علاوه بر مواردی که در پیام‌های پیشین نام برده‌ام گاه به مواردی برمی‌خوریم که موی بر اندام هر آدمی راست می‌کند، پشت را می‌لرزاند و جگر را می‌خراشد. چه بسا حیوانات موذی نیز رؤیت شکنجه‌های خمینی را طاقت نیاورند:

از قبیل "زنده‌سوز" آنچنانکه در پائیز۶۴ در شکنجه‌گاه شهر اردبیل در مورد مجاهد شهید مرتضی قاسمی‌نژاد انجام شده است. دژخیمان خمینی او را زنده‌زنده سوزاندند. خواهر این مجاهد شهید، پس از شنیدن خبر این

تا ۳۰/خرداد سال گذشته بر اساس گزارشات مستند و ارزیابی‌های ارائه‌شده توسط سازمان مجاهدین خلق ایران تعداد شهدای مقاومت را حدود ۵۰,۰۰۰تن و تعداد اسرا را ۱۴۰,۰۰۰نفر برآورد می‌کردیم. اما ضمن یکسال‌ونیم گذشته مستمراً به گزارشات و نمونه‌هایی برخورد کرده‌ایم که بر اساس آنها تعداد شهدا اکنون خیلی بیشتر از عدد اعلام‌شده‌ی قبلی برآورد می‌شود. بنظر می‌رسد که دشمن ضدبشری در این فاصله سیاست جدیدی پیشه نموده و در ازای رها کردن گروههایی از دستگیرشدگان زندانیانی را که خطرناکتر تشخیص می‌داده دسته‌دسته به جوخه‌های اعدام سپرده است.
بهرحال برخی از مسئولین رژیم در محافل خصوصی تعداد اعدام‌ها را حدود ۷۰,۰۰۰ ذکر کرده‌اند که حدود ۹۰٪ آنها در کل کشور از مجاهدین هستند.

پاورقی:

(*) ـ وزیر برنامه و بودجه ـ ۶۵/۶/۸ در استان لرستان

www.iran-archive.com

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت
بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

جنایت وحشیانه و توصیف‌ناپذیر، درحالیکه باردار بود دچار حمله‌ی قلبی گردید و به برادر شهیدش پیوست.

"جوجه‌کباب" یکی دیگر از آخرین ره‌آوردهای خمینی جنایتکار در امر شکنجه است. آنچنانکه در شکنجه‌گاه نجف‌آباد بر روی تعدادی از مجاهدین اعمال شده، اسیر را در حالت درازکش به میله‌ی آهنی درازی می‌بندند و سپس وی را روی شعله‌ی آتش می‌چرخانند.

"نوک‌بریدن" نیز همچنانکه مواردی از آن در شکنجه‌گاه قزل‌حصار دیده شده از دیگر ابداعات دژخیم پلید جماران است. در این شکنجه نوک زبان اسیر را می‌بُرند.

"چشم درآوردن" در آستانه‌ی اعدام نیز یکی از جدیدترین شیوه‌های رایج در زندان‌های این جانی ددمنش است. بدین‌وسیله از چشم زندانیان برای پیوند زدن به چشم پاسدارانی که در جبهه‌های جنگ ضدمیهنی نابینا می‌شوند استفاده کرده و سپس آنها را به جوخه‌های اعدام می‌سپارند.

"تخت‌تاشو" یک مدل دیگر است. اسیر را با شکم بر روی تخت می‌خوابانند و دست و پایش را محکم به دو انتها می‌بندند. آنگاه تخت تدریجاً از وسط به سمت بالا تا می‌خورد. در این وضعیت فشار خردکننده‌ای بر روی ستون فقرات و مهره‌های کمر اسیر وارد می‌شود. گاه تا بگوش رسیدن صدای شکستن استخوان‌ها شکنجه ادامه می‌یابد. غالباً رگ‌های چشم و گوش رزمنده‌ی اسیر نیز بر اثر فشار وارده پاره شده و دچار خونریزی می‌گردد.

تیرباران در حال اعتصاب غذا نیز چنانکه بعنوان نمونه در ۳۶/آذرماه گذشته در مورد ۴۰تن از اسرای مقاومت در شکنجه‌گاه اوین اجرا شد، داغ ننگ پاک‌نشدنی دیگری بر پیشانی دشمن پلید ضدبشری است.

شکنجه‌های خمینی در مورد خواهران و زنان قهرمان ما هم براستی باورنکردنی است و گویا که از مافی‌الضمیر حیوانی این دژخیم ضدبشر تراوش می‌کند. بی‌گمان یک روز مردم ایران خواهند فهمید که خمینی در واحد شکنجه‌ی موسوم به "واحد مسکونی" در زندان قزل‌حصار با خواهران ما چه کرده است...

فقط از عمق وجود، با تمام توش و توان و از بُن استخوان سوگند می‌خورم، به شرف خلق قهرمان ایران و مجاهدین خلق ایران سوگند می‌خورم که تا وقتی یک مجاهد نیز در این جهان وجود داشته باشد این رژیم سفاک و عمّال خون‌آشام آنرا با هر وسیله‌ی ممکن از بُن برخواهیم کند. وحشیگری و جنایت دشمن ضدبشری جز آنکه بر قهر و کین سوزان و خروشان مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی بیفزاید و اراده‌هایمان را صیقل بزند هیچ حاصل دیگری برای خمینی و خمینی‌صفتان نخواهد داشت.

در تابستان گذشته یکی از وزرای خمینی (بهزاد نبوی مزدور) با اشاره‌ی تلویحی به همین قهرمانی‌ها و مقاومت افزاینده‌ی مجاهدین در برابر مسیر بی‌حاصل و آبروباختگی رژیم تصریح کرد که "قهرمانی که درست کرده‌ایم مقابل خودمان ایستاده و خلاصی نداریم"!(*)

پس ننگ و نفرین بر خمینی و همه‌ی فرومایگان و دنائت‌پیشگانی که عاری از درد و رنج مردم ایران بالاخص در دیار فرنگ مقاومت مسلحانه و مشروع و عادلانه‌ی مردم ما را به انحاء طرق "تروریسم" می‌خوانند! یقین داریم که این خیانتکاران فرصت‌طلب از خوشرقصی‌های زبونانه‌ی خود برای امپریالیسم و ارتجاع، طرفی نخواهند بست جز اینکه هر چه بیشتر مطرود و منفور تاریخ و خلقمان واقع شوند.

*

در همین مبحث ضروری است به دستگیری‌های گسترده و بی‌حساب‌وکتاب توسط ارگان‌های سرکوبگر رژیم اشاره کنیم:

بعنوان مثال از مجموعه‌ی آمار و ارقام اعلام‌شده توسط کمیته‌های ضدخلقی چنین برمی‌آید که در فاصله‌ی زمانی فروردین/۶۴ تا مرداد/۶۵ فقط آمار دستگیری‌های کمیته (اعم از موارد سیاسی و غیرسیاسی) که در هر حال مبیّن درجه‌ی شگفت‌انگیز اختناق و سرکوب عمومی نیز می‌باشد بیش از یکصدهزار نفر در کل کشور بوده است. چنانکه می‌دانیم دستگیری آنهم نه‌فقط دستگیری موارد سیاسی، بلکه دستگیری مردم عادی و عابران کوچه و خیابان به بهانه‌های بسیار مبتذل در حکومت خمینی امر بسیار رایجی است. آنگاه درصدی از دستگیرشدگان با پرداخت رشوه آزاد می‌شوند. بهانه‌ی بسیاری دستگیری‌های دیگر جرایم عمومی و اخلاقی و قاچاق است. حال اگر فقط تنها ده‌درصد از دستگیرشدگان مورد ظنّ سیاسی واقع شده باشند طی مدت مورد بحث تنها یک ارگان سرکوبگر یعنی کمیته‌ی ضدمردمی ۱۰,۰۰۰تن را دستگیر و لاجرم برای چندهزار نفر از آنها تشکیل پرونده داده است.

برای آشنایی بیشتر به آمار دستگیری‌ها کافیست یادآور شویم که کمیته‌ی استان خراسان در اردیبهشت‌ماه گذشته‌ی خود اعلام نمود که در سال ۶۴، حدود ۳۸,۰۰۰ مورد دستگیری داشته است.

کمیته‌ی استان آذربایجان‌شرقی تعداد دستگیری‌های خود از مهر/۶۴ تا مرداد/۶۵ را ۱۶,۶۰۰نفر اعلام کرده است. آمار دستگیری‌های استان همدان در سال ۶۴ متجاوز از ۷,۰۰۰ است و در شهر تهران از خرداد/۶۴ تا خرداد/۶۵ بیش از ۱۰,۰۰۰تن توسط کمیته‌های ضدمردمی دستگیر گردیده‌اند. آمار متوسط ماهیانه در شهر کرج ۵۰۰نفر می‌باشد.

اما آمار دستگیری سیاسی در مرزهای غرب کشور که اساساً پس از انتقال مقر مرکزی مقاومت مسلحانه‌ی سراسری به خاک عراق فعال گردیده بطور متوسط در ماههای اخیر متجاوز از ۲۷۰۰تن (در ماه) بوده است. ساواک خمینی و کمیته‌های ضدمردمی در این مناطق دارای پست‌های بازرسی متعدد هستند که بسیاری از آنها جدیداً تأسیس شده است.

در مورد شکنجه‌های سبعانه و توصیف‌ناپذیر که تاکنون بیش از شصت‌وچند مورد آنرا با ذکر تمامی جزئیات شماره کرده‌ایم علاوه بر مواردی که در پیام‌های پیشین نام برده‌ام گاه به مواردی برمی‌خوریم که موی بر اندام هر آدمی راست می‌کند، پشت را می‌لرزاند و جگر را می‌خراشد. فقط از عمق وجود، با تمام توش و توان و از بُن استخوان سوگند می‌خورم، به شرف خلق قهرمان ایران و مجاهدین خلق ایران سوگند می‌خورم که تا وقتی یک مجاهد نیز در این جهان وجود داشته باشد این رژیم سفاک و عمّال خون‌آشام آنرا با هر وسیله‌ی ممکن از بُن برخواهیم کند. وحشیگری و جنایت دشمن ضدبشری جز آنکه بر قهر و کین سوزان و خروشان مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی بیفزاید و اراده‌هایمان را صیقل بزنند هیچ حاصل دیگری برای خمینی و خمینی‌صفتان نخواهد داشت.

پاورقی:

(*) ــ کیهان خمینی ۶۵/۵/۱

www.iran-archive.com

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت
بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران

هم‌اکنون در مجموع ۱۹۴ پست بازرسی در گلوگاههای شهری و جاده‌های اصلی کل کشور وجود دارد که رژیم خمینی اساساً آنها را بمنظور مقابله با مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی ایجاد کرده است. اضافه بر این، بسیج ضدمردمی نیز ۷۱۵مقر اختناق در تهران و حدود ۱۲۰۰۰مقر سرکوبگر دیگر در سایر نقاط کشور ایجاد کرده است. بتازگی نیز کمیته‌ی ضدخلقی مرکز، یک گردان ویژه‌ی ضدشورش دایر نمود.

افتتاح دانشکده‌ی جدید ساواک خمینی زیر نظر وزارت ساواک او نیز از تازه‌ترین شاهکارهای رژیم است. براستی که با مختصر دقتی در بیلان سرکوب و اختناق خمینی بار دیگر بوضوح می‌توان نتیجه گرفت که:

اولاً ـ جنگ‌طلبی خارجی درواقع سرپوشی است بر سرکوب و اختناق داخلی.

ثانیاً ـ بدون جنگ و اختناق رژیم منفور خمینی هیچ شانسی برای ادامه‌ی حکومت ندارد.

اما از همه‌ی اینها مهمتر، این حقیقت است که اگر رژیم شاه توانسته باشد به مدد شکنجه و ساواک بر اریکه‌ی قدرت باقی بماند و سرنگون نگردد، رژیم خمینی نیز خواهد توانست از دست مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران بگریزد و جان سالم بدر ببرد! لذاست که قویاً باید تأکید کنم: ولو خمینی هر روز چند پست بازرسی و مقر جدید کمیته و بسیج دایر کند، رزمندگان مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی اکنون قادرند هر سد و دیوار نظامی و حلقه‌ی پلیسی را درهم شکسته و با انهدام دژخیمان سرکوبگر راه قیام خلق را هموار کنند.

همچنین تأکید می‌کنم که بدنبال انتقال مقر مرکزی ما به خاک همسایه و استقرار رزمندگان‌مان در قرارگاهها و پایگاههای جدید مرزی، چشم‌انداز پیشرفت و اعتلای این مقاومت عادلانه‌ی تاریخی پیوسته روشن و روشن‌تر می‌گردد و دور نیست روزی که دشمن پلید ضدبشری به آن اذعان کند. دور نیست که دسته‌دسته رزمندگان پرشور آزادی به آمادگی‌های لازم دست یابند.

البته طی مدت گذشته برای احراز آمادگی بیشتر و هموار گردن راه پیشروی با شدائد و تنگناهای فراوان مواجه بودیم. دشمن و مزدوران و متحدان رسمی و غیررسمی او نیز بسرای کندکردن پیشرفت‌های انقلاب نوین ایران از هیچ توطئه و جنایتی فروگزار نکردند. اما از آغاز هم قرار نبوده است که راه صلح و آزادی و استقلال و جاده‌ی پیروزی سهل و هموار باشد. و راستی کدام مشکل و گرهی است که در پرتو حمایت خلق قهرمان ایران و هموطنان آزاده و شریفمان در داخل و خارج کشور نتوان آنرا با عزم و اراده‌ی پولادین انقلابی از هم بازگشود و به پیش رفت. بگذریم که مقاومتی که در آستانه‌ی جهش به آخرین منزل‌هاست، در برابر توطئه‌ها و نامردمی‌های مکرر و مستمر سالیان پیشین ـ آنهم در غربت فرنگ و در معرض همه‌ی یورش‌های ارتجاعی و امپریالیستی و فرصت‌طلبانه ـ به قدر کافی با چنگ‌زدن به ریسمان رهائیبخش مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی و مردمی آسیب‌ناپذیر و روئین‌تن شده است که از مشکلات مسیر بیم و باکی به دل راه ندهد.

اکنون اجازه بدهید ببیلان عملکردهای رژیم خمینی را پیگیری کنیم.

۲ ـ سرکوب مستمر ملیّت های محروم و اقلیت‌های مذهبی و ملی در سراسر کشور یکی دیگر از سیاهترین عملکردهای حکومت ۸ساله‌ی خمینی است. بالاخص در کردستان که پیشمرگان مقاوم و مردم زحمتکش آن از آغاز گناهی جز درخواست رفع ستم مضاعف و برخورداری از حق بدست گرفتن اداره‌ی امور داخلی منطقه‌ی خود و خودمختاری در چارچوب وحدت و تمامیت ارضی میهنمان نداشته و ندارند و عاری از هرگونه سیاست‌پیشگی و مذاکره‌جویی و سازش‌پذیری اغلب به ضرورت حیاتی پیوند مقاومت منطقه‌ای با مقاومت انقلابی سراسری وقوف دارند و آینده‌ی خود را نیز در آن می‌بینند. این مردم ستمکشیده و بی‌آلایش در تجربه‌ی طولانی و مستمر خود بخوبی دریافته‌اند که دستیابی به حقوق حقه‌شان جز با یک جانشین دمکراتیک و مردمی برای کل ایران بی‌پاسخ خواهد ماند و از اینرو با تمام وجود از رژیم خمینی بیزار و متنفرند. همین رژیم ضدمردمی که با سرکوبی هفت‌ساله، بسا شهادت‌ها، اسارت‌ها خانه‌خرابی‌ها و کوچ‌دادن‌های اجباری به آنان تحمیل کرده است.

روشن است که سرکوب ضدبشری رژیم خمینی خاص فارس یا کُرد نبوده و عموم مردم ایران را از ترک و ترکمن تا بلوچ و عرب‌زبان و از شیعه و سنّی گرفته تا مسیحی و کلیمی و زرتشتی و پیروان سایر ادیان و مکاتب و مذاهب دربرمی‌گیرد و درست به همین دلیل بر همه‌ی مردم ایران است تا دست‌دردست یکدیگر برای صلح و آزادی و برای احراز استقلال و حاکمیت ملی و مردمی علیه دشمن تمامی خلق قیام کنند. تا در ایران آزاد و دمکراتیک و پیشرفته، عاری از هرگونه تبعیض و ستم مضاعف، به جمیع حقوق حقه و متساوی خود دست یابند.

۳ ـ ادامه و تشدید جنگ ضدمیهنی با عراق.

مواضع دائماً اعلام‌شده‌ی مقاومت ایران راجع به نحوه‌ی زمینه‌سازی یا چگونگی اوج‌گرفتن جنگ ایران و عراق و قضایای مربوط به صدور بیانیه‌ی صلح در دیماه سال۶۱ (مابین نایب نخست‌وزیر عراق و مسئول شورای مقاومت ایران) و طرح صلح شورا و پذیرش آن بعنوان مبنای قابل قبولی برای آغاز مذاکرات صلح از سوی طرف عراقی نیازمند تکرار نیست. همچنین فکر می‌کنم همگان از دیدار صلح در بغداد (مابین اینجانب و رئیس‌جمهور عراق) و اطلاعیه‌ی رسمی مربوط به آن مطلعند و می‌دانند که من در آن دیدار نیز از سوی مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران تصریح کردم که البته ما هنگامی که قوای عراقی در خاکمان بودند با آنها

اگر رژیم شاه توانسته باشد به مدد شکنجه و ساواک بر اریکه‌ی قدرت باقی بماند و سرنگون نگردد، رژیم خمینی نیز خواهد توانست از دست مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران بگریزد و جان سالم بدر ببرد! لذاست که قویاً باید تأکید کنم: ولو خمینی هر روز چند پست بازرسی و مقر جدید کمیته و بسیج دایر کند، رزمندگان مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی اکنون قادرند هر سد و دیوار نظامی و حلقه‌ی پلیسی را درهم شکسته و با انهدام دژخیمان سرکوبگر راه قیام خلق را هموار کنند.

همچنین تأکید می‌کنم که بدنبال انتقال مقر مرکزی ما به خاک همسایه و استقرار رزمندگانمان در قرارگاهها و پایگاههای جدید مرزی، چشم‌انداز پیشرفت و اعتلای این مقاومت عادلانه‌ی تاریخی پیوسته روشن و روشن‌تر می‌گردد.

www.iran-archive.com

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت
بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران

جنگیدیم، اما از روزی که عراق در اواخر بهار سال۶۱ (یعنی ۴سال قبل از دیدار صلح) خاک ما را تخلیه نموده و موکداً و مکرراً صلح‌خواهی خود را اعلام کرد؛ بر آن بوده و هستیم که دیگر هیچ موجبی برای ادامه‌ی جنگ باقی نمانده است و لذا از آن پس این جنگ دیگر جنگ رژیم خمینی با عراق است و نه جنگ مردم ایران با کشور همسایه‌شان.

در همین راستا در پیام ۲۲بهمن سال گذشته نیز تاکید کرده بودم که ما بعنوان جانشین رژیم خمینی و بمثابه دولت موقت انتقالی بر همزیستی مسالمت‌آمیز با همه‌ی همسایگانمان صرفنظر از ماهیت و نوع رژیم‌های حاکم بر آنها بر اساس اصول استقلال کامل، تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر تاکید می‌کنیم. پس جنگ ما یعنی جنگ هر ایرانی میهن‌پرست و آزاده تنها با دیکتاتوری ضدملی و ضدمردمی خمینی است که بی‌دریغ زوزه‌ی "جنگ، جنگ، اختناق" می‌کشد.

*

اما تلفات این جنگ ضدمیهنی اکنون تنها در طرف ایران به ۱/۵میلیون کشته و مجروح و معلول بالغ شده است.

تنها در تهاجم "ضد کربلای۵"، که البته هنوز رسماً پایان نیافته، خمینی حدود ۱۰۰,۰۰۰کشته و مجروح و معلول برجای گذاشت.

۲ هفته‌ی قبل از آن ۵۰,۰۰۰کشته و مجروح و معلول دستآورد تهاجم "ضدکربلای۴" بود. تلفات تنور جنگ خمینی در سال ۶۵ علاوه بر اینها ۳۰,۰۰۰کشته و ۶۰,۰۰۰مجروح و معلول دیگر را نیز دربرمی‌گیرد که مربوط به "ضدکربلا"های قبلی است.

در سال ۶۴ نیز خمینی مبادرت به تهاجماتی تحت عناوین "قدس" و "ظفر" و باصطلاح "عاشورا" و "والفجر" نمود که حدود ۴۵۰۰۰کشته و ۸۵۰۰۰مجروح و معلول بر جای گذاشت. روندی که در تمامی سال ۶۳ و قبل از آن نیز ادامه داشت.

بله البته باور کردن عدد ۱/۵میلیون که نیمی از آنرا باید کشته به حساب آورد مشکل است. اما اگر کسی به گورستان‌های مختلف شهرها و روستاهای ایران نظر کند و یا دقایقی به تماشای فیلم‌های تلویزیونی مربوط به صحنه‌های جنگ بنشیند ابعاد فاجعه را بهتر درخواهد یافت.

بنیاد موسوم به شهید در اواخر سال۶۴ به خمینی گزارش کرده بود که می‌تواند ۲۲۰,۰۰۰خانواده‌ی قربانیان جنگ را با لطایف‌الحیل و با اعمال فشار به ملاقات خمینی بیاورد. این تعداد البته تمامی خانواده‌های قربانیان را شامل نمی‌گردید و تنها $\frac{2}{3}$ خانواده‌های ثبت‌شده را دربرمی‌گرفت. بگذریم که انبوهی از قربانیان همچنان مفقودالاثرند.

*

درباره‌ی اسرای جنگی نیز باید گفت که بسیاری از این هموطنان ۷سال است در اسارت بسر می‌برند و دور از شهر و دیار و خانمان و عزیزان خود نگران آنند که این جنگ لعنتی تا کی ادامه خواهد یافت. یادآور می‌شوم که رئیس‌جمهور عراق در دیدار صلح تابستان گذشته اطمینان داد که به مجرد آمادگی خمینی برای آزاد کردن اسرای عراقی، عراق کلیه‌ی اسرای ایرانی را آزاد خواهد نمود و تا آن تاریخ نیز تا آنجا که امکانپذیر باشد هموطنان اسیر ما همچون میهمان تلقی خواهند شد.

*

درباره‌ی ۳میلیون آواره‌ی جنگی نیز ــ که در مواقع بمباران لااقل ۲میلیون نفر دیگر از سایر شهرها به آنها اضافه می‌شود ــ نیازی به توصیف وضعیت دلخراش آنان نمی‌بینم. هر کس رنج دربدری و خانه‌بدوشی را ولو برای مدت کوتاهی کشیده باشد، می‌تواند وضعیت آوارگی دائمی و چادرنشینی و فقدان حداقل‌های بهداشتی و رفاهی را دریابد و حالت اهل و عیال و زن و فرزند مردم بی‌پناه در چنین شرایطی را دریابد. بخصوص وقتی که خانه و خانواده از سوی کمیته‌چی و پاسدار و حزب‌اللهی و آخوند و سایر باج‌گیرها که پیوسته در جان و مال و نوامیس هموطنان جنگ‌زده‌ی ما طمع می‌ورزند، در معرض تهدید باشد. ای ننگ بر خمینی!

*

در مورد خسارات مالی در طرف ایران باز هم ارقام سرسام‌آور و نجومی است.

تا سال گذشته ۳۰۰۰روستا و ۵۰شهر ویران شده بود و چنانکه می‌دانید ویرانی‌های دائم‌التزاید همچنان ادامه دارد. در میان انبوه خسارات وارده بر صنایع نفت که تا پایان پنجمین سال جنگ به ۱۶۰میلیارد دلار بالغ می‌شد می‌توان از ۳۰مخزن نفتی در جزیره‌ی خارک که جز معدودی از آنها باقی نمانده و ۸اسکله (از ۱۲اسکله) که بکلی از میان رفته نام برد.

سال گذشته وزیر کشور خمینی مجموعه‌ی خسارت‌های مادی جنگ را ۳۵۰میلیارد دلار اعلام نمود. امسال وزیر خارجه و نخست‌وزیر پیشین اسرائیل(*) هزینه‌های ایران در جنگ با عراق را ۴۰۰میلیارد دلار اعلام کرد.

حقیقت اینست که خسارات مالی را تاامروز دست‌کم باید از سر دولت خمینی خائن که هنوز هم به این جنگ ضدمیهنی ادامه می‌دهد حدود ۵۰۰میلیارد دلار برآورد کرد. علاوه بر این بودجه‌ی رسمی جنگ را هم باید درنظر گرفت که تاکنون محققاً از ۷۵۰میلیارد تومان در گذشته است...

*

ولی هنوز گیج نشوید! کمی صبر کنید تا با ذکر شمه‌ای از اخاذی‌ها با ابعاد زیان‌های ناشی از جنگ لعنتی خمینی بیشتر آشنا شویم:

بر اساس محاسبه‌ی یک کارشناس بانکی میزان این اخاذی‌ها دست‌کم معادل

بقیه در صفحه‌ی ۴۴

پاورقی:

(*) ــ شیمون پرز ۳۰ دیماه ۱۳۶۵ نقل از خبرگزاری‌ها

در این مختصر نمی‌خواهم مواضع دائماً اعلام‌شده‌ی مقاومت ایران راجع به نحوه‌ی زمینه‌سازی یا چگونگی اوج‌گرفتن جنگ ایران و عراق و قضایای مربوط به صدور بیانیه‌ی صلح در دیماه سال۶۱ و طرح صلح شورا و پذیرش آن بعنوان مبنای قابل قبولی برای آغاز مذاکرات صلح از سوی طرف عراقی را تکرار کنم. همچنین فکر می‌کنم همگان از دیدار صلح در بغداد و اطلاعیه‌ی رسمی مربوط به آن مطلعند و می‌دانند که من در آن دیدار نیز از سوی مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران تصریح کردم که اگرچه ما هنگامی که قوای عراقی در خاکمان بودند با آنها جنگیدیم، اما از روزی که عراق در اواخر بهار سال۶۱ خاک ما را تخلیه نموده و موکداً و مکرراً صلح‌خواهی خود را اعلام کرد؛ بر آن بوده و هستیم که دیگر هیچ موجبی برای ادامه‌ی جنگ باقی نمانده است و لذا از آن پس این جنگ دیگر جنگ رژیم خمینی با عراق است و نه جنگ مردم ایران با کشور همسایه‌شان.

www.iran-archive.com

عملیات انقلابی رزمندگان مجاهد خلق

قائم‌مقام فرماندهٔ سپاه ضدخلقی خمینی در چاه‌بهار و ۲ پاسدار مزدور محافظ وی با آتش مسلسل رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسیدند

*** جواد کریمی جنایتکار قائم‌مقام فرمانده‌ی سپاه سرکوبگر خمینی در چاه‌بهار درحالیکه در مسیر ایرانشهر ـ چاه‌بهار در حال تردد بود مورد تهاجم انقلابی رزمندگان دلاور مجاهد خلق قرار گرفت و به سزای جنایات ننگین ضدخلقی‌اش رسید.**

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی ـ نظامی مجاهدین خلق در استان سیستان و بلوچستان، یک واحد از رزمندگان دلاور مجاهد خلق، طی یک عملیات متهورانه قائم‌مقام جنایتکار فرمانده‌ی سپاه ضدمردمی خمینی در چاه‌بهار و ۲پاسدار محافظ وی را بهلاکت رساندند.

بر اساس این گزارش در ساعت۱۱و۳۰دقیقه‌ی روز ۱۵ بهمن‌ماه جاری، یک واحد از رزمندگان دلاور مجاهد خلق با متوقف ساختن خودروی فرماندهی سپاه پاسداران ضدخلقی چاه‌بهار که در مسیر ایرانشهر ـ چاه‌بهار در حال تردد بود، جواد کریمی جنایتکار قائم‌مقام فرمانده‌ی سپاه جنگ و جنایت خمینی در چاه‌بهار بسزای جنایات ضدخلقی‌اش رساندند در جریان این عملیات انقلابی ۲تن از پاسداران مزدوری که وی را محافظت می‌کردند بهلاکت رسیدند. فرمانده‌ی جنایتکار سپاه ضدمردمی در شهرستان "پیشین" بنام غلامی نیز که سرنشین همین خودرو بود، با آنکه مسلح بود، در اثنای تهاجم رزمآوران دلاور مجاهد خلق، زبونانه پا به فرار گذاشته و موقتاً جان سالم بدر برد.

فرماندهی سیاسی ـ نظامی مجاهدین خلق در سیستان و بلوچستان در ادامه‌ی گزارش خود می‌افزاید: "رزمآوران دلاور مجاهد خلق پس از مصادره‌ی انقلابی خودرو فرماندهی سپاه ضدخلقی در چاه‌بهار و مصادره‌ی سلاح‌های کریمی جنایتکار و دو پاسدار محافظ او اقدام به عقب‌نشینی از صحنه‌ی عملیات نمودند. در مسیر عقب‌نشینی خودرو دچار سانحه گردید و یکی از رزمندگان مجاهد خلق در این سانحه بشهادت می‌رسد.

بنا به گزارش رسیده، دشمن ضدبشری که از ضربه‌ای که دریافت کرده بود، بشدت وحشت‌زده و سراسیمه شده بود، در شرایطی که بخاطر تهاجم دلاورانه‌ی دو روز پیش رزمندگان مجاهد خلق به پاسگاه سالار ایرانشهر و کشته و مجروح شدن چندین تن از مزدورانش در حالت بسیج و آماده‌باش بسر می‌برد، نیروهای خود را جمع‌آوری کرده و اقدام به تعقیب رزمندگان مجاهد خلق نمود.

رزمآوران مجاهد خلق پس از سانحه و از دست دادن خودرو، به کوههای اطراف منطقه‌ی "سرباز" رفته و در این منطقه موضع می‌گیرند و طی یک درگیری گسترده و نابرابر با نیروهای دشمن ضدبشری درگیر می‌شوند.

در این نبرد سنگین، دو تن از رزمندگان قهرمان مجاهد خلق پس از آنکه تا آخرین گلوله با مزدوران جنایتکار خمینی می‌جنگند و شماری از آنان را بهلاکت می‌رسانند، خود در قله‌ی شرف و افتخار به شهادت رسیدند.

فرماندهی سیاسی ـ نظامی مجاهدین خلق در سیستان و

بقیه در صفحه‌ی بعد

درجریان یک درگیری گسترده و حماسی بین رزمندگان مجاهد خلق و پاسداران خمینی دژخیم درمنطقهٔ ایرانشهر ـ سراوان فرماندهٔ مزدوران و ۱۵ تن از آنان بهلاکت رسیدند و دهها تن از پاسداران بشدت زخمی شدند

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی ـ نظامی مجاهدین خلق در استان سیستان و بلوچستان، روز ۱۹ / بهمن‌ماه جاری، طی یک درگیری حماسی و گسترده میان گروهی از رزمندگان دلاور مجاهد خلق با دهها تن از پاسداران جنایتکار خمینی در حدفاصل ایرانشهر ـ سراوان، فرمانده‌ی جنایتکار پاسداران و ۱۵پاسدار دیگر با آتش سلاح ستم‌سوز مجاهد خلق دردم بهلاکت رسیدند و دهها تن دیگر نیز بشدت مجروح گشتند.

این درگیری هنگامی روی داد که سه خودروی حامل رزمندگان مجاهد خلق، در ساعت ۷و۳۰دقیقه‌ی صبح به تور گسترده‌ی پاسداران ضدمردمی خمینی که تعداد آنها حداقل به ۶۰تن می‌رسید برخورد کردند.

رزمآوران آهنین‌عزم مجاهد خلق بمحض برخورد با کمین پاسداران جنایتکار، بر اساس اصل طلایی حداکثر تهاجم، بر مزدوران زبون خمینی تهاجم کردند و با آتش رگبارهای بی‌امان سلاح‌های خود در اولین یورش حداقل تعداد زیادی از مزدوران را از پای درآوردند که ۱۵تن از آنان بهلاکت رسیدند. پاسداران زبون که از تهاجم برق‌آسای رزمندگان مجاهد خلق بشدت سراسیمه شده بودند، پا به فرار گذاشته و در ارتفاعات اطراف جاده موضع گرفتند. از این لحظه به بعد و با موضعگیری متقابل رزمندگان دلاور مجاهد خلق، نبرد سنگینی میان دو نیروی نابرابر آغاز شد که تا ساعت۱۱ ادامه یافت.

در جریان این درگیری، پاسداران سرکوبگر، از انواع سلاح‌های سبک و نیمه‌سنگین و منجمله موشک‌انداز R.P.G تفنگ نارنجک‌انداز و تیربار قناسه استفاده نمودند. اما رزمندگان دلاور مجاهد خلق با اتکا به تهور و جنگندگی بی‌مانند خود مزدوران زبون دشمن را که بویژه پس از هلاکت فرمانده‌شان، روحیه‌ی خود را بشدت باخته بودند، ناچار به عقب‌نشینی و فرار زبونانه از صحنه‌ی نبرد کردند.

در جریان این درگیری علاوه بر فرمانده‌ی مزدوران، یک پاسدار شرور و جنایتکار منطقه‌ی سراوان بنام علیرضا خِتّت که بدلیل سوابق ننگین و جنایت‌بارش در تمامی منطقه‌ی بلوچستان و برای مردم ستمدیده‌ی این خطّه چهره‌ای شناخته‌شده و منفور است نیز بهلاکت رسید.

همچنین در این درگیری دو خودروی مزدوران توسط رزمندگان مجاهد خلق به آتش کشیده شد و بکلی منهدم گردید.

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی ـ نظامی مجاهدین خلق در سیستان و بلوچستان، در جریان این نبرد حماسی و قهرمانانه، دو تن از رزمندگان مجاهد خلق بنام‌های مهرداد کلاسی (ناصر) و عبدالمجید سلامی (مسیح) و همچنین یکی از هواداران دلیر سازمان در بلوچستان بنام یارمحمد دلیری، اهل سراوان، بشهادت رسیدند، و سایر رزمندگان پس از عقب راندن و به فرار واداشتن نیروهای بزدل خمینی، سرفرازانه به پایگاههای خود بازگشتند.

شایان ذکر است که مجاهد شهید یارمحمد دلیری، در جریان تظاهرات قهرمانانه‌ی مردم ایرانشهر در تاریخ ۱۵ آذرماه گذشته نقش فعالی ایفا نمود

• • •

www.iran-archive.com

عملیات انقلابی رزمندگان مجاهد خلق

۴ تن از مزدوران سرکوبگر خمینی در پاسگاه «سالار» واقع در دوراهی ایرانشهر ـ بمپور با آتش سلاح ستم‌سوز رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسیدند

*** مزدوران سرکوبگر خمینی در این پاسگاه هنگامی که قصد بازرسی یک واحد عملیاتی مجاهد خلق را داشتند مورد تهاجم انقلابی رزمندگان مجاهد خلق قرار گرفتند و ۴ تن از آنان بهلاکت رسیدند و چند تن دیگر مجروح شدند.**

"در این نبرد نابرابر یک رزمنده‌ی مجاهد خلق با انفجار متهورانه‌ی نارنجک خویش قهرمانانه بشهادت رسید و چند تن از مزدوران را نیز از پای درآورد.

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی ـ نظامی مجاهدین خلق در استان سیستان و بلوچستان، طی یک درگیری مسلحانه میان رزمندگان دلیر مجاهد خلق و مزدوران سرکوبگر خمینی در پاسگاه "سالار" واقع در دوراهی ایرانشهر ـ بمپور، ۴تن از مزدوران با سلاح ستم‌سوز رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسیدند و چند تن دیگر از آنان منجمله یک آخوند خمینی‌صفت بنام نجاتی مجروح شدند.

این درگیری در ساعت ۳بعدازظهر دوشنبه ۱۳ بهمن‌ماه جاری و هنگامی که مزدوران سرکوبگر مستقر در این پاسگاه قصد بازرسی و ایجاد مزاحمت برای یک واحد عملیاتی رزمندگان مجاهد خلق را داشتند، روی داد.

در این نبرد نابرابر یکی از رزمندگان مجاهد خلق بنام "خلیل صاحب‌الزمانی" (جمشید) هنگامیکه مجروح شده بود و مزدوران قصد دستگیری وی را داشتند، با انفجار نارنجک خویش و با کشته و مجروح کردن تعدادی از افراد دشمن، قهرمانانه بشهادت رسید. مزدوران دشمن ضدبشری چنان از این اقدام قهرمانانه وحشت‌زده شده بودند که تا هفت ساعت پس از شهادت خلیل قهرمان نیز بخاطر ترس از انفجار یک نارنجک دیگر، جرات نزدیک شدن به پیکر بیجان او را نداشتند. در جریان این درگیری دلیرانه، یکی دیگر از رزمندگان مجاهد خلق با مصادره‌ی یک اتومبیل اقدام به خروج از صحنه‌ی نبرد کرد این رزمنده‌ی مجاهد خلق، بر اساس اطلاعات واصله، فردای آنروز به اسارت مزدوران رژیم درآمد.

این عملیات قهرمانانه که طی آن حداقل چهارتن از مزدوران رژیم بهلاکت رسیده و گروهی مجروح شده‌اند، موجی از شادی و سرور در میان مردم محروم و ستمدیده‌ی بلوچستان بویژه اهالی ایرانشهر برانگیخته است، کارگزاران پلید و ضدمردمی خمینی که از این تهاجم انقلابی بشدت وحشت‌زده شده بودند با اعزام نیروهای سرکوبگر از سایر شهرها به ایرانشهر تلاش نمودند تا شهر را تحت کنترل بگیرند و از انجام عملیات بیشتر توسط رزمندگان مجاهد خلق یا بروز حرکت‌های اعتراضی توسط مردم دلیر و بجان‌آمده‌ی ایرانشهر جلوگیری نمایند. ترس و وحشت این مزدوران از فضای ملتهب شهر بحدی است که پاسداران وارداتی از سایر شهرها بدلیل بی‌اعتمادی شدید به نیروهایشان، کمیته‌چی‌های محلی را نیز دستگیر می‌کنند

رزمندگان یک واحد رزمی مجاهد خلق پاسگاه بازرسی دشمن در نزدیکی شهرستان بم را با آتش مسلسل درهم کوبیده و به آتش کشیدند

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی ـ نظامی مجاهدین خلق در استان کرمان، رزمندگان دلاور مجاهد خلق در تاریخ ۱۶/بهمن طی یک تهاجم انقلابی به پاسگاه بازرسی بروات واقع در محور کرمان ـ ایرانشهر، این پاسگاه را با رگبار مسلسل‌های خود درهم کوبیدند.

در تهاجم متهورانه‌ی یک واحد از رزم‌آوران دلاور مجاهد خلق در پست بازرسی پاسداران جنایتکار رژیم، در ورودی شهرستان بم رزمندگان مجاهد خلق مخزن بنزین پاسگاه را نیز هدف رگبار خود قرار دادند که در اثر آن، مخزن مزبور با صدای مهیبی منفجر گردید و شعله‌های سرکش آتش پاسگاه را طعمه‌ی خود ساخت.

گزارش فرماندهی ـ سیاسی نظامی مجاهدین خلق در استان کرمان حاکیست که رزمندگان دلیر مجاهد خلق پس از پایان این عملیات پیروزمندانه سالم به پایگاه خود بازگشتند. از شمار تلفات دشمن هنوز اطلاع دقیقی نرسیده است.

قائم‌مقام فرماندهٔ سپاه ضدخلقی خمینی در چاه‌بهار و ۲ پاسدار مزدور محافظ وی با آتش مسلسل رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسیدند

بقیه از صفحه‌ی قبل

بلوچستان در پایان گزارش درباره‌ی این عملیات با نثار درودهای آتشین به رزمندگان دلیر و قهرمان مجاهد خلق که در جریان این عملیات و درگیری قهرمانانه و حماسی بشهادت رسیدند، به مزدوران سرکوبگر خمینی منطقه‌ی بلوچستان که بمنظور خوشرقصی برای دژخیم جماران، دست به خون رشیدترین فرزندان مجاهد خلق آغشته‌اند، قویاً اخطار کرده است که خلق ما از خون فرزندانش هرگز نخواهد گذشت و رزمندگان مجاهد خلق سوگند می‌خورند که مزدوران سرکوبگر را به مجازاتی که شایسته‌ی آنند خواهند رساند. همچنانکه در همین عملیات و درگیری قهرمانانه، بسیاری از مزدوران و منجمله قائم‌مقام فرمانده‌ی سپاه سرکوب و جنایت خمینی در چاه‌بهار به مجازات رسیدند.

و سیعلم‌الذین ظلموا ایّ منقلب ینقلبون

* * *

مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحلهٔ کنونی

مبارزهٔ انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحلهٔ کنونی

www.iran-archive.com

آخرین طرح‌های جنایتکارانهٔ رژیم به‌منظور اعزام اجباری و به‌کشتن دادن هرچه بیشتر دانش‌آموزان در جبهه‌های مرگ

گزارشات موثق حاکیست که بدنبال شکست مفتضحانه‌ی رژیم در تهاجمات ضدکربلای۴ و ۵ و تلفات سرسام‌آور آن که تمامی نقشه‌ها و دعاوی رژیم را نقش برآب ساخت، بدستور خمینی، کارگزاران جنایتکار رژیم طرح‌های تازه‌ای را بمنظور اعزام اجباری دانش‌آموزان به مسلخ جنگ تدارک دیده‌اند. یکی از این طرح‌های ضدمردمی تعیین سهمیه‌ی اعزام اجباری برای آموزش و پرورش کلیه‌ی استان‌های کشور است.

سهمیه‌ی هر استان که توسط وزارت آموزش و پرورش و در مرکز تعیین‌شده طی بخشنامه‌های مجرمانه‌ای به مدیران کل استان‌های مختلف ابلاغ شده است. بر اساس اطلاعات بدست آمده سهمیه‌ی تعیین‌شده برای برخی استان‌ها در دهه‌ی موسوم به فجر از این قرار است: استان تهران ۱۴,۵۰۰نفر، استان مرکزی ۲,۲۰۰نفر، سهمیه‌ی کل استان کرمان ۵,۰۰۰نفر که ۱,۶۰۰ تا ۱,۷۰۰نفر از آنان سهمیه‌ی آموزش و پرورش می‌باشد و سهمیه‌ی کردستان ۲,۰۰۰نفر، در مورد میزان زیاد سهمیه‌های تعیین شده حتی مدیران کل آموزش و پرورش استان‌های مختلف کشور نیز با توجه به جو مقاومت در میان دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان از گردآوری این تعداد دانش‌آموزان برای جبهه‌های جنگ ابراز ناامیدی کرده و بعضاً مخالفت خود را اظهار کرده‌اند.

بنا بر همین گزارشات برای استان آذربایجان شرقی یک سهمیه‌ی ۱۱,۵۰۰نفره تعیین شده است که قسمت عمده‌ی آنرا آموزش و پرورش باید تامین کند، اما کارگزاران جنایتکار رژیم در آموزش و پرورش آذربایجان شرقی با توجه به مقاومت گسترده‌ای که در مقابل اعزام اجباری وجود دارد، از گردآوری این تعداد نیرو اظهار عجز کرده‌اند و گفته‌اند نهایتاً با استفاده از هر شیوه‌ی سرکوبگرانه و ضدمردمی، نمی‌توانند بیش از یک‌چهارم سهمیه‌ی مزبور را برای اعزام اجباری تامین نمایند. در اولین اعزام سپاهیان ضدحضرت محمد بیش از ۴۰% از نیروهای اعزامی را دانش‌آموزان تشکیل می‌دادند اما در مراحل دوم و سوم تعداد نیروهای اعزامی و منجمله دانش‌آموزان بنحو چشمگیری کاهش یافت. بطوریکه کارگزاران جنایتکار اعزام اجباری برای حفظ ظاهر، گروهی از نیروها را که برای گذراندن مرخصی از جبهه‌ها آمده بودند بعنوان نیروهای جدید جا زدند.

گزارش رسیده از استان فارس حاکیست که برای این استان یک سهمیه ۹,۰۰۰نفره تعیین شده و برای گردآوری این میزان نیرو تاکنون چندین جلسه در اداره‌ی کل آموزش و پرورش شیراز برگزار شده است. برای استان زنجان نیز یک سهمیه‌ی ۳,۸۰۰نفری تعیین شده است.

از سوی دیگر مقاومت در قزوین در برابر اعزام اجباری بسیار بالاست بطوریکه در مرحله‌ی دوم و سوم اعزام سپاهیان ضدمحمد هیچ نیرویی از این شهر به جبهه‌ها اعزام نشد و تنها روز ششم بهمن‌ماه در یک نوبت ۶۰نفر از دانش‌آموزان و ۴۰نفر از معلمین و فرهنگیان بزور روانه‌ی جبهه‌های مرگ شدند.

مجموع اعزامی‌های آموزش و پرورش قزوین از اوایل آذرماه تاکنون به ۲۰۰نفر می‌رسد. کارگزاران جنایتکار خمینی در آموزش و پرورش وقتی با تجمع خانواده‌ها در مدارس و ادارات آموزش و پرورش و اعتراضات آنان مواجه می‌شوند، دانش‌آموزان را با حیله‌های رذیلانه و از طرقی غیر از مدرسه روانه جبهه‌های برگ می‌نمایند.

کارگزاران جنایتکار خمینی در آموزش و پرورش علاوه بر تعیین سهمیه، بعضی استان‌های کشور را مکلف کرده‌اند که ۵۰درصد از دانش‌آموزان اعزامی آنها بایستی اعزام مجدد باشند تا بدون فوت وقت به جبهه‌های مرگ اعزام شوند.

از سوی دیگر کارگزاران جنگ‌وجنایت رژیم، در سمیناری که بمنظور تسریع در اعزام اجباری دانش‌آموزان و به کشتن دادن آنها در حسینه‌ی ارشاد برگزار کردند، بر اساس دستور خمینی تصمیم گرفتند که مطابق سهمیه‌های تعیین شده، دانش‌آموزان را بطور ضربتی و تا تاریخ بیستم بهمن‌ماه جاری به زور روانه‌ی جبهه‌های مرگ سازند.

در این سمینار که روز هشتم بهمن‌ماه و با حضور چندتن از فرماندهان جنایتکار سپاه ضدمردمی، معاون امور جنگ وزارت آموزش و پرورش و اعضای ستاد جنگ مدارس تشکیل شده بود، تصمیم گرفته شد که در سطح تمامی دبیرستان‌ها و مدارس راهنمایی پسرانه، حداقل ۲۰دانش‌آموز و ۲معلم و پرسنل آموزشی به جبهه‌ها اعزام گردند.

بر اساس بخشنامه‌ای که در ارتباط با این سمینار به کلیه‌ی مدارس ابلاغ شده شرکت اعضای ستاد جنگ در این سمینار الزامی تلقی شده بود. در این گردهمایی چگونگی اعزام اجباری دانش‌آموزان، چگونگی اخاذی بیش از پیش از دانش‌آموزان و فرهنگیان مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار گرفت.

درسمینار مزبور همچنین مقرر گردید که دانش‌آموزان اعزامی بایستی سه‌ماه را در جبهه‌های مرگ بگذرانند.

جدیدترین دستورالعمل‌های نخست‌وزیر جنایتکار خمینی جهت اعزام اجباری کارکنان مؤسسات دولتی به جبهه‌های مرگ

بدنبال شکست مفتضحانه‌ی رژیم و تلفات سرسام‌آور آن در جریان تهاجم ضدکربلای۵، رادیوی ارتجاع روز سه‌شنبه ۱۴/بهمن گزارش داد که نخست‌وزیر جنایتکار خمینی با صدور دستورالعملی، کلیه‌ی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، مؤسسات دولتی و استانداری‌های سراسر کشور را موظف ساخته است که بیشترین تعداد ممکن از کارکنان خود را برای اعزام به جبهه‌های مرگ، در اختیار سپاه ضدحضرت مهدی قرار دهند.

در دستورالعمل جنایتکارانه‌ی موسوی خائن، پس از دجالگری‌های معمول و ضمن آنکه اعزام اجباری به مسلخ جنگ شوم و ضدمیهنی "ادای وظیفه‌ی الهی" توصیف گردیده، تاکید شده است که سازمان‌ها و مؤسسات دولتی علاوه بر اعزام حداکثر نفرات به جبهه‌های مرگ، بایستی حداکثر امکانات خود را نیز به منظور تامین تدارکات جنگ‌افروزی‌های مورد نظر به جبهه‌ها اختصاص دهند.

بر اساس گزارشات رسیده، در برخی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی منجمله در بخش‌هایی از شرکت نفت، کارکنان از تسلیم شدن به این تحمیل جنایتکارانه امتناع کرده و به آن اعتراض نموده‌اند و عده‌ی زیادی نیز درصدد استعفا و بازخرید برآمده‌اند.

• • •

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه
برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

روز جمعه‌ی گذشته ۱۷/بهمن‌ماه جاری، تظاهرات، راهپیمایی‌ها و مراسم ایرانیان شریف و آزاده و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در خارج کشور در سالروز عاشورای مجاهدین، حماسه‌ی اشرف و موسی، امسال باشکوه و عظمت بی‌سابقه‌ای بطور همزمان در ۱۴ شهر بزرگ آسیا، اروپا، آمریکا و استرالیا برگزار شد و مراسم سه شهر بزرگ دیگر اروپا یعنی پاریس و لیژ و وین نیز در روزهای بعد برگزار گردید. هموطنان مبارزمان با شرکت در تظاهرات، راهپیمایی‌ها، میتینگ‌ها و آکسیون‌هایی که توسط اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور ـ هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران ـ ترتیب یافته بود، ضمن گرامیداشت خاطره‌ی تابناک حماسه‌ی عاشورای مجاهدین در ۱۹/بهمن سال ۶۰ و شهادت سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار شهید خلق و آزادی، موسی خیابانی و ۱۸تن از همرزمان پاکبازشان، صدای مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران را در سراسر جهان طنین‌انداز کردند.

آنان به شورانگیزترین شکل و بیان، عواطف عمیق و انقلابی خود را نسبت به رهبری انقلاب نوین ایران مسعود و مریم ابراز کردند و حمایت قاطع خود را از مقاومت انقلابی مسلحانه برای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی اعلام نمودند.

این حرکت بزرگ و گسترده که در نقاط مختلف جهان صورت گرفت، بازتاب بسیار وسیعی در رسانه‌های خبری و مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های جهان یافته است و حقاً جا دارد که مضمون و پیام و اهمیت این حرکت عظیم جهانی را مورد بررسی قرار دهیم.

آنچه در این تظاهرات قبل از هر چیز جلب‌توجه می‌کرد، افزایش چشمگیر تعداد شرکت‌کنندگان آن نسبت به مراسم سال گذشته و سایر راهپیمایی‌ها و مراسمی است که پیش از این برگزار شده است. بطوریکه امسال در بُن پایتخت آلمان فدرال شاهد بزرگترین گردهمایی و تظاهراتی بودیم که تاکنون در خارج کشور شکل گرفته است. تجمع و تظاهرات هفت‌هزار نفر از هم‌میهنان در بُن، یک حرکت کاملاً بی‌سابقه در تاریخ مبارزات خارج کشور است. که بویژه با ترکیب متنوع جمعیت شرکت‌کننده و کیفیت روحیه‌ی مبارزاتی و شور و اشتیاق آنان ممتاز می‌گردید. کیفیتی که البته در تظاهرات سایر کشورها نیز بارز و مشهود بود. جمعیت شرکت‌کننده در تظاهرات عظیم هموطنان در پایتخت آلمان حدود سه‌برابر جمعیت مراسم ۱۹بهمن سال گذشته در این شهر بود.

در دهلی‌نو پایتخت هند نیز جمعیت شرکت‌کننده در تظاهرات بیش از ۲۵۰۰نفر گزارش شده است. شمار شرکت‌کنندگان در مراسم امسال در بسیاری از کشورهای دیگر نیز نسبت به سال گذشته افزایشی چشمگیر داشت.

در واشنگتن ۳۰۰۰نفر، در استکهلم پایتخت سوئد ۱۵۰۰نفر، در لندن هزارنفر و در پایتخت‌های چندین کشور اروپایی دیگر از جمله آمستردام، کپنهاک، برن، اسلو، مادرید، آتن و سیدنی (استرالیا) نیز هزاران تن از هواداران مجاهدین و ایرانیان مبارز و آزاده‌ای که بخاطر ستم و بیداد خمینی، رنج غربت را به جان خریده و ترک دیار و خانمان کرده‌اند، گرد هم آمدند، تا با گرامیداشت حماسه‌ی کبیر ۱۹بهمن با سمبل‌های جاودان مقاومت خلق قهرمان ایران، اشرف و موسی، برای از ریشه‌برکندن رژیم پلید و ضدبشری خمینی تجدیدپیمان کنند.

اکنون اگر در نظر آوریم که کل مراسم گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در ۱۷کشور جهان بطور همزمان و به یک مناسبت و زیر یک پرچم و در مسیر یک آرمان و یک شعار انجام گرفت، آنگاه عظمت این حرکت، که بمثابه یک مراسم جهانی واحد نمودی از عظمت و توان انقلاب نوین ایران است، بهتر نمودار می‌گردد.

علاوه بر افزایش شگفت‌انگیز تعداد شرکت‌کنندگان در تظاهرات امسال، شور و اشتیاق هموطنانمان در مراسم مزبور مشخصاً بالاتر و برجسته‌تر از تمامی موارد پیشین بود و این کیفیت اساساً خود را در ابراز صمیمانه‌ترین و عمیق‌ترین عواطف انقلابی نسبت به رهبری انقلاب نوین ایران و در غریو شعارهای مرگ بر خمینی، درود بر رجوی و ایران رجوی ـ رجوی ایران، نشان می‌داد که این خود مشت محکمی بود بر دهان همه‌ی اضداد مجاهدین و انقلاب نوین مردم ایران و در رأس همه‌ی آنها رژیم ضدبشری و درمانده‌ی خمینی. بدین‌ترتیب متحدین بالفعل ارتجاع خون‌آشام حاکم علیه مجاهدین، ـ میانه‌بازان فرومایه و مرتجعین چپ‌نما و بقایای سوخته و حسرت‌بدل دیکتاتوری ننگین سلطنتی ـ که بعد از پرواز تاریخساز صلح و آزادی رهبر مقاومت ایران خواب پنبه‌دانه‌ی سوختن مجاهدین را می‌دیدند، بار دیگر بور شدند. بار دیگر مسلم گردید که وقتی یک انقلاب و یک مقاومت به خلق تکیه دارد؛ علیرغم همه‌ی توطئه‌های ارتجاعی و امپریالیستی همواره رو به اعتلا است.

بدیهی است که افزایش و رشد کمی و کیفی حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران و رهبری پاکباز مقاومت در میان هموطنان خارج کشور، مستقیماً انعکاس و نمودی از موقعیت رو به اعتلای مقاومت انقلابی در داخل کشور و گسترش روزافزون محبوبیت و اعتبار مجاهدین در میان توده‌های مردم ایران است.

همچنین روشن است که برگزاری پیروزمند تظاهرات جهانی گرامیداشت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین و افزایش چشمگیر ابعاد کمی و کیفی آن همراه با استقبال شگرف هم‌میهنان مقیم خارج کشور از جهات مختلف حائز اهمیت است و ما در اینجا بطور مختصر به پاره‌ای از ابعاد آن اشاره می‌کنیم:

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه
برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین
خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

۱ــ این تظاهرات عظیم جهانی در شرایطی برگزار گردید که پس از پرواز تاریخساز صلح و آزادی رهبر مقاومت ایران و انتقال ستاد فرماندهی مقاومت به جوار خاک میهن، اغلب کادرها و مسئولینی که در زمینه‌ی پیشبرد خطوط سیاسی سازمان و شورای ملی مقاومت در سطح بین‌المللی عهده‌دار مسئولیت بودند، به جوار خاک میهن منتقل شدند و در خدمت پیشبرد خطوط نظامی سازمان و سازماندهی قوای رزمی مجاهد خلق درآمدند. به همین ترتیب بخش عمده‌ای از بدنه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور نیز که از سازمان‌دهندگان تظاهرات و راهپیمایی‌های قبل بودند، بنا به درخواست مصرانه‌شان به پایگاههای نظامی سازمان انتقال یافتند و در واحدها و گروهان‌های رزمی مجاهدین و در صفوف مقدم نبرد انقلابی مسلحانه جای گرفتند.

در این شرایط اضداد رنگارنگ مجاهدین و انقلاب نوین ایران گوش خوابانده و خام‌خیالانه گمان می‌کردند که ممکن است در خارج کشور فضایی بدست آورند. اما حقیقت رو به اثبات انقلاب نوین مردم ایران و حقانیت رهبری آن در پیشبرد خطوط انقلابی و مردمی، این خواب و خیال‌های حسرت‌بدلان سوخته و آبروباخته را نقش بر آب کرد و علیرغم انتقال شمار کثیری از کادرها و اعضا و هواداران فعال سازمان و انجمن‌ها از اروپا و آمریکا، نیروهای جایگزین بسرعت و با شایستگی مسئولیت یاران خود را به دوش گرفتند، و از عهده‌ی تدارک و سازماندهی این تظاهرات عظیم به بهترین وجه برآمدند. و این خود از یک پتانسیل و جوشش انقلابی فوق‌العاده حول محور سازمان مجاهدین خلق ایران و از اعتماد و عشق و ایمانی زاینده و نیروبخش نسبت به رهبری انقلاب نوین ایران خبر می‌دهد که به حق بایستی آنرا یکی از سرمایه‌های ویژه‌ی خلق انقلابی ما برای بر زمین زدن خمینی و سپس ساختن ایران آزاد و آباد فردا بر ویرانه‌های نظام پلید و قرون‌وسطایی کنونی محسوب کرد.

۲ــ این بالندگی و افزایندگی شگرف نیروهای مقاومت در شرایطی است که رژیم خمینی در باتلاق بحران‌های بیرونی و درونی رژیمش که انعکاس اعتلای مقاومت انقلابی است دست‌وپا می‌زند و با سرعتی شتابان در سراشیب فروپاشی افتاده است. برملاشدن بحران لاعلاج بی‌جانشینی که با به زیر کشیدن منتظری ابله از مسند ولایتعهدی آشکار شده، برملا شدن افتضاح عالمگیر روابط و معاملات و مبادلات پنهانی تسلیحاتی و اطلاعاتی رژیم با اسرائیل و آمریکا، ورشکستگی مطلق و اوضاع مرگبار اقتصادی، با حدود ۲۰۰ میلیارد تومان کسری بودجه در سال جاری، شکست‌های پی‌درپی و مرگبار تهاجمات اخیر خمینی در جبهه‌های جنگ ضدمیهنی که به بهای دهها و صدهاهزار کشته و زخمی تمام شده، ازسرگرفته‌شدن جنگ فاجعه‌بار شهرها بدنبال دور جدید تهاجمات تجاوزکارانه‌ی خمینی و اوجگیری بیسابقه‌ی اعتراضات و مخالفت‌های مردمی، بنحوی که امروز فریادهای مرگ بر خمینی و لعن و نفرین به این رژیم پلید را بوضوح می‌توان از هر گوشه‌ی ایران شنید، و بالاخره طرد و انزوای بیسابقه‌ی رژیم خمینی در منطقه و جهان که در جریان کنفرانس سران کشورهای اسلامی در کویت بوضوح نمایان گردید، همه و همه چهره‌ی یک رژیم درهم‌شکسته و محتضر را ترسیم می‌کند که واپسین دمان عمر خود را می‌گذراند و هیچ کورسوی نجاتی هم در جبینش نیست.

۳ــ همزمان با اعتلای نوین مقاومت مردمی و تشدید جریان فروپاشی رژیم خمینی با افشای جزئیات مزدوری و مواجب‌گرفتن سردمداران جریانات ضدانقلاب و میانه‌باز از سازمان سیا، کارت سلطنت بطور تمام‌عیار سوخت و خط استحاله نیز به آخر خط ننگین خود رسید، و بلامصرف بودن این آلت‌دست‌های استعماری ــ ارتجاعی با صدای بلند توسط اربابانشان جار زده شد و به این ترتیب دگان آلترناتیوسازی‌های امپریالیستی نیز تخته شد و بیش از پیش به اثبات رسید که تنها جانشین ممکن دمکراتیک ــ انقلابی برای رژیم رو به مرگ خمینی، با گسترده‌ترین پایگاه اجتماعی در داخل کشور و در میان توده‌های مردم همان شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران است. واقعیتی که تظاهرات گسترده و جهانی گرامیداشت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین نیز بار دیگر آنرا در انظار جهانیان به اثبات رساند.

و بالاخره نکته‌ی آخر اینکه اکنون هم رژیم خمینی و هم سایر دشمنان آزادی و استقلال ایران این واقعیت را خوب دریافته‌اند که سمت‌وسوی همه‌ی نیروهایی که حول سازمان مجاهدین خلق ایران در داخل و یا خارج کشور، شکل می‌گیرند، مبارزه‌ی مسلحانه است، یعنی اشکال مختلف فعالیت این نیروها، اعم از تبلیغاتی، مالی و اجتماعی و غیره در جهت پیشبرد مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه برای سرنگونی رژیم خمینی است. درواقع بسیاری از هواداران مجاهدین در خارج کشور نیروهای رزمنده‌ای هستند که برای حضور در صفوف مقدم نبرد لحظه‌شماری می‌کنند. به این ترتیب بسیاری از آنان که این روزها فریادهایشان در پایتخت‌های جهان طنین‌انداز شد، کسانی هستند که فردا دوش‌بدوش انبوه هواداران و رزمندگان سازمان که از نقاط مختلف کشور بسوی قرارگاههای رزمی مجاهدین روانه شده‌اند، و همگام با هزاران رزمنده‌ی مسلح و آموزش‌دیده‌ی مجاهد خلق سلاح برخواهند گرفت و غرش مسلسل‌هایشان در فضای میهن خمینی‌زده‌ی ما طنین‌افکن خواهد گردید.

آری دور نیست روزی که خروش حق‌طلبانه‌ی مقاومت عادلانه‌ی خلق قهرمان ایران و غرش مسلسل‌های پیشتازان مجاهد خلق، بیت‌العنکبوت خمینی دجال و ضدبشر را بلرزه بیافکند. نیرویی که با آتش توفنده‌ی سلاحش، و با برق اراده‌ی رزمنده‌اش، طومار سیاه حکومت ضدبشری و قرون‌وسطایی دژخیم جماران را درهم خواهد پیچید.

اکنون توجه شما را به گزارشات تظاهرات، مراسم و میتینگ‌های جهانی گرامیداشت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین جلب می‌کنیم:

www.iranarchive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

آلمان

بمناسبت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین روز جمعه ۱۷/بهمن/۶۵ در پایتخت آلمان بزرگترین و شکوهمندترین تظاهرات هموطنان ایرانی‌مان که در تاریخ فعالیت‌ها و مبارزات سیاسی ایرانیان در خارج کاملاً بیسابقه بود، برگزار گردید. در این تظاهرات سالگرد حماسه‌ی عقیدتی و میهنی شهادت اشرف زنان مجاهد خلق و سردار خیابانی و هیجده تن از یاران قهرمانشان، با شرکت حدود ۷۰۰۰ تن از هموطنان مقیم آلمان‌غربی که تعدادشان به ۳برابر جمعیت شرکت‌کننده در تظاهرات سال گذشته می‌رسید در ساعت ۱۱ صبح در شهر بُن برگزار گردید.

برنامه‌ی تظاهرات با خیرمقدم و اعلام یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت خاطره‌ی سمبل جاودان زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی و سایر شهیدان قهرمان ۱۹ بهمن آغاز شد و پس از اجرای دستجمعی سرود ایران‌زمین راهپیمایان در صفوف منظم بحرکت درآمدند. کثرت جمعیت و فشردگی صفوف در تمامی طول مسیر طولانی تظاهرات جلوه و شکوه بی‌نظیری داشت. پیشاپیش تظاهرکنندگان پلاکارد معرفی تظاهرات، پرچم ایران، آرم سازمان مجاهدین و تصاویر رهبری انقلاب نوین مردم ایران مسعود و مریم رجوی و سپس تصاویر و پلاکاردهای اشرف و موسی و ۱۸تن از همرزمان قهرمانشان در ۱۹ بهمن سال ۶۰ حمل می‌شد. همچنین صف منظم و سازمان‌یافته‌ی تظاهرکنندگان با تصاویر رهبری انقلاب نوین مردم ایران که در طرفین آن صدها پرچم ایران و آرم سازمان قرار داشت، آراسته بود. پلاکاردهایی به زبان‌های آلمانی و فارسی مبنی بر محکومیت رژیم جنگ‌طلب خمینی و فروش سلاح به این رژیم ضدبشری و در تأیید و حمایت از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران و رهبری آن و بزرگداشت

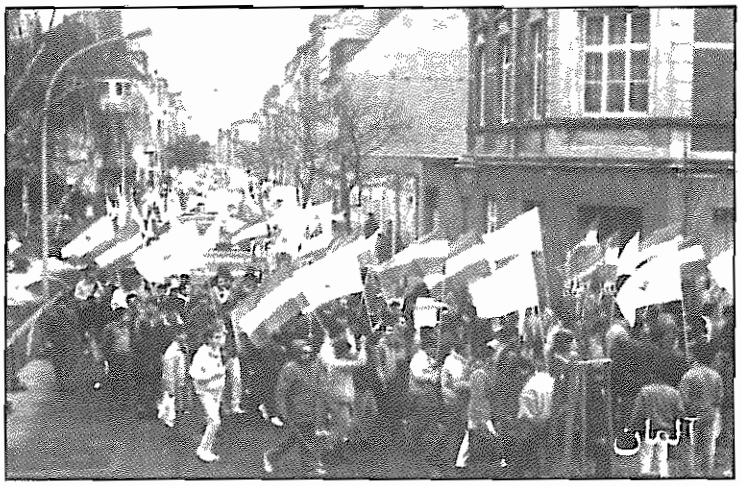
آلمان

روز ۱۹ بهمن، توسط تظاهرکنندگان حمل می‌شد.

در میان شرکت‌کنندگان علاوه بر خواهر مجاهد زهرا تیفتکچی عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین خلق ایران، جمعیت فارغ‌التحصیلان هواداران شورای ملی مقاومت، خانواده‌های ایرانی مقیم آلمان، ورزشکاران، تعداد قابل‌توجهی از هموطنان عزیز پیرو سایر ادیان، و همچنین شمار کثیری از پناهندگان ایرانی که حاکمیت رژیم ددمنش خمینی را در ماههای اخیر ترک کرده‌اند، بچشم می‌خورد. جمعیت شرکت‌کننده در این تظاهرات از حدود ۱۵۰شهر و شهرک سراسر آلمان و با صدها وسیله‌ی نقلیه خود را به این تظاهرات رسانده بودند.

شعارهای پُرطنین تظاهرکنندگان فضای خیابان‌های طول مسیر راهپیمایی را می‌لرزاند. آنان درحالیکه مشت‌ها را گره کرده و یا دست‌ها را بالای سرشان بهم می‌زدند این شعارها را فریاد می‌کردند:

"خمینی، جنگ جنگ اختناق رجوی، صلح صلح آزادی- ایران رجوی، رجوی ایران- قسم به خون اشرف قسم به عزم موسی که تا رهایی خلق دمی ز پا نشینیم- ۵۰هزار اعدامی ۱۴۰هزار زندانی ای مرگ بر خمینی"

راهپیمایان پس از طی یک فاصله‌ی ۱/۵کیلومتری به میدان مونستر وارد گردیدند. سپس در قسمت ابتدایی میدان، رو به جمعیت، آکسیون سمبلیک "صلح" بنمایش گذاشته شد. این آکسیون بطور سمبلیک استقرار صلح و آزادی در ایران و سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی را نشان می‌داد. در این نمایش نیروهای پیشتاز مشعل‌های فروزانی که نشانه‌ی پیروزی محتوم مقاومت بود، در دست داشتند. در پایان این آکسیون سرود صلح توسط جمعیت اجرا گردید و چندین کبوتر به نشانه‌ی استقرار صلح به پرواز درآمدند. سپس پیشتازان به همراه گروهی که با پوشیدن لباس زندانی ۱۴۰هزار اسیر مقاومت را بخاطر می‌آوردند و گروهی که با لباس‌های سفید خود ۵۰هزار

آلمان

آلمان

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

شهید جاودان راه آزادی خلق را تداعی می‌کردند، در میان شوروشوق و ابراز احساسات جمعیت شرکت‌کننده در تظاهرات پایکوبان در وسط میدان، پیروزی محتوم مقاومت علیه رژیم ضدبشری خمینی را تجسم بخشیدند. و برای رسیدن به این هدف یکصدا با فریاد شعار ایران- رجوی، رجوی- ایران با رهبری انقلاب نوین مردم ایران؛ تجدیدعهد کردند.

در پایان این مراسم قطعنامه‌ی سراسری اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور بمناسبت تظاهرات پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین قرائت گردید که مواد آن با فریادهای حمایت انبوه جمعیت مورد تأئید قرار گرفت.

این تظاهرات گسترده و بی‌نظیر، شرکت‌کنندگان در راهپیمایی و خبرنگاران و شهروندان آلمانی را بشدت تحت تأثیر قرار داده بود. یکی از هموطنان می‌گفت: بوی میهنم و آزادی ایران را حس کردم. این سومین تظاهراتی است که در آن شرکت می‌کنم و این تظاهرات سرنگونی خمینی را بیش از هر زمان نوید می‌دهد.

یکی از شهروندان آلمانی با تعجب می‌گفت: *"فقط در آلمان ۷هزار طرفدار فعال دارید؟ این خیلی جالب است، شما نیروی پیروز ایران هستید"*

خبرنگار روزنامه‌ی ترجمان می‌گفت: *"تا حالا تظاهراتی بدین پرشوری ندیده بودم"*

یکی از هموطنان می‌گفت: این نکته برایم اثبات شده است که سازمان تنها نیروی مستقل و زنده‌ای است که اکنون شایسته‌ی هرگونه حمایت است. اگر دشمن اصلی، خمینی است و مخالف اصلی او نیز مجاهدین هستند پس باید با تمام نیرو از آنان حمایت کرد.

و هموطن دیگری می‌گفت: *این تظاهرات نسبت به تظاهرات قبلی خیلی فرق داشت. انگار وارد مرحله‌ی جدیدی شده‌ایم.*

مراسم با پخش قسمتی از پیام خواهر مجاهد مریم رجوی بمناسبت عاشورای مجاهدین و در میان شور و ابراز احساسات بی‌نظیر هموطنان مبارز مقیم آلمان بپایان رسید.

آمریکا

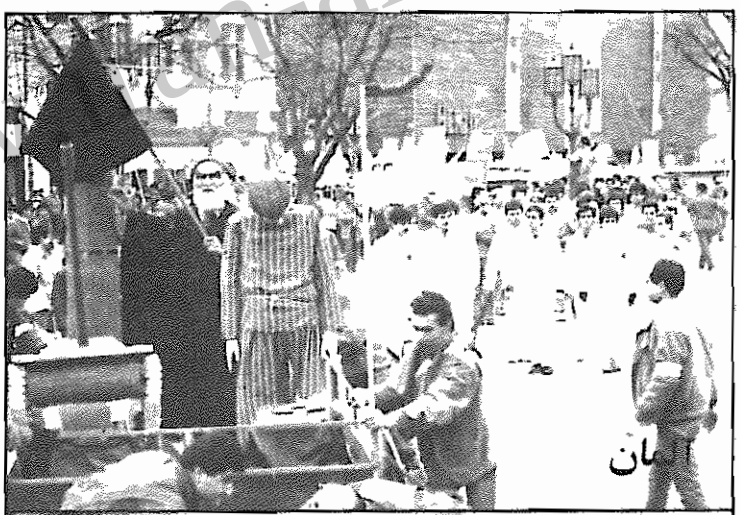
آلمان

آلمان

آمریکا

روز جمعه ۱۷/بهمن، ۳۰۰۰تن از هموطنان مقیم آمریکا بمنظور بزرگداشت پنجمین سالگرد حماسه‌ی اشرف و موسی، عاشورای مجاهدین در مرکز شهر واشنگتن تظاهرت باشکوهی برگزار کردند.

این تظاهرات ساعت ۱۱صبح از پارک لافایت (مقابل کاخ سفید) با مقدمه‌ای در توضیح مناسبت تظاهرات آغاز گردید و سپس نوار قسمتی از سخنرانی خواهر مجاهد مریم رجوی در رابطه با شأن و منزلت اشرف زنان مجاهد خلق و نیز قسمتی از نوار صحبت سردار موسی خیابانی و همچنین بخشی از رازونیاز رهبر انقلاب نوین ایران برادر مجاهد مسعود رجوی در شهادتگاه سیدالشهداء و طلب یاری او از مردم ایران برای سرنگونی خمینی پخش گردید.

پس از اجرای دستجمعی سرود فرمان مسعود، مادر رضائی‌های شهید پشت تریبون قرار گرفت و پس از یادآوری خاطره‌ی شهدای ۱۹ بهمن و ثمرات خونشان که باعث شد نقاب دجالیت و مردم‌فریبی از چهره‌ی خمینی برگرفته شود، به ضرورت پشتیبانی هرچه بیشتر از مقاومت و مجاهدین خلق ایران اشاره کرد و خطاب به شرکت‌کنندگان در تظاهرات گفت: *"فرزندان عزیزم! امروز بیش از هر زمان دیگر این کلمات موسی که در آخرین نامه‌اش قبل از شهادت نوشت، برای من پرمعنا شده است. او نوشته بود با چنین نیروهای سرشار از عشق و ایمانی که ما داریم بدون شک بر این پیرگفتار خون‌آشام و دارودسته‌ی پلید او پیروز خواهیم شد. شب تیره در حال پایان و صبح روشن پیروزی در شرف طلوع است. مرگ بر خمینی- درود بر رجوی"*.

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

آمریکا

آنگاه جمعیت شرکت‌کننده با شعارهای کوبنده‌ی "قسم به خون اشرف، قسم به عزم موسی که تا رهایی خلق دمی ز پا نشینیم" عزم و آمادگی خود را برای مبارزه تا سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی ابراز داشتند.

سپس برادر مجاهد سرهنگ خلبان بهزاد معزی پشت تریبون قرار گرفت. وی در سخنرانی خود که با استقبال گرم و پرشور شرکت‌کنندگان روبرو شد گفت: "در سالگرد شهادت پرافتخار شهیدان کبیرمان اعلام می‌کنم که تا پایان‌دادن به این جنگ ضدمیهنی، ضدملی و ضدایرانی و استقرار صلح و آزادی در میهن عزیزمان ایران، یکدم از پای نخواهیم نشست و محکم و قاطع تحت فرمان رهبری نوین انقلاب مسعود و مریم خواهیم بود تا ایران‌مان را از لوث وجود خمینی پلید و دارودسته‌ی جنایتکارش پاک کنیم."

در ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه انبوه جمعیت شرکت‌کننده در راهپیمایی در صفوف فشرده‌ی ۱۵ نفره درحالیکه تصاویر بزرگی از رهبری انقلاب نوین ایران برادر مجاهد مسعود رجوی و خواهر مجاهد مریم رجوی، عکس‌هایی از سمبل‌های حماسه‌ساز مقاومت ایران اشرف و موسی و همچنین پرچم برافراشته‌ی ایران و آرم سازمان مجاهدین خلق ایران در پیشاپیش آنان حمل می‌شد و درحالیکه گروه موزیک سرود صلح را می‌نواخت با شعارهای انقلابی بحرکت درآمدند.

در پیشاپیش صفوف راهپیمایان مادر رضائی‌های شهید، برادر مجاهد سرهنگ خلبان بهزاد معزی و پروفسور هادی مهابادی (نماینده‌ی شورا در کانادا)، محمدحسین حبیبی (نویسنده مبارز و متعهد)، مجاهدین شکنجه‌شده بهزاد نظیری و اعظم ریاحی و قهرمانان ملی ورزش ایران پهلوان مسلم‌اسکندر فیلابی، دکتر محمد قربانی و برادر مجاهد محسن رضائی عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین خلق ایران حضور داشتند. در طول صفوف تظاهرات پلاکاردهایی حمل می‌شد که بر روی آن به زبان‌های فارسی و انگلیسی شعارهایی مبنی بر حمایت از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران و رهبری آن، برقراری صلح و آزادی در ایران و محکومیت رژیم جنگ‌افروز و ضدبشری خمینی نوشته شده بود. همچنین شعارهای پرطنین مرگ بر خمینی ـ درود بر رجوی و ایران رجوی ـ رجوی ایران

آمریکا

که توسط انبوه جمعیت شرکت‌کننده در تظاهرات تکرار می‌شد، توجه هر ناظری را بخود جلب می‌کرد. بویژه این شعار تظاهرکنندگان به زبان انگلیسی که می‌گفت "نه جنگ، نه خمینی، نه سلاح برای خمینی"، توجه و حمایت شهروندان آمریکایی را برمی‌انگیخت. آنان به نشانه‌ی حمایت و همبستگی با مقاومت ایران این شعار را تکرار می‌نمودند یا دستشان را به علامت آرزوی موفقیت بلند می‌کردند. یک خانم مسن آمریکایی درحالیکه در حاشیه‌ی صفوف تظاهرات حرکت می‌کرد با صدای بلند شعار می‌داد و از عابرین آمریکایی که در کنار پیاده‌رو نظرشان به جمعیت جلب شده بود با حرکات مداوم دست دعوت می‌کرد که به صف تظاهرات ملحق شوند و شعار بدهند. همچنین موقعیکه صف تظاهرکنندگان از کنار یک ساختمان نیمه‌تمام رد می‌شد، تعدادی از کارگران از طبقه‌ی چهارم ساختمان با تکان‌دادن کلاه‌های خود و مشت کردن دست خود با تظاهرکنندگان اعلام همبستگی کردند و این صحنه‌های پرشور، توجه همه‌ی ناظران را بشدت جلب می‌کرد.

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

پس از اینکه تظاهرکنندگان به محل پایانی (که همان محل شروع تظاهرات بود) رسیدند قطعنامه‌ی تظاهرات به زبان فارسی و انگلیسی قرائت گردید و جمعیت شرکت‌کننده هر بند آنرا با ابراز احساسات پرشور خود مورد تأیید قرار می‌دادند.

گزارش دریافتی حاکی است که بیش از ۶۰خبرنگار از ۴۰رسانه‌ی خبری مختلف در تظاهرات و راهپیمایی باشکوه پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین "حماسه‌ی اشرف و موسی" در واشنگتن حضور داشتند و به تهیه‌ی عکس و فیلم و گزارش پرداختند. اخبار و گزارشات این تظاهرات به همراه عکس و فیلم آن بفاصله‌ی چند ساعت در خبرگزاری‌های بین‌المللی و در مهمترین رسانه‌های خبری آمریکا وسیعاً انعکاس یافت.

انگلستان

بمناسبت بزرگداشت پنجمین سالروز حماسه‌ی تاریخی ۱۹ بهمن (عاشورای مجاهدین) روز جمعه ۱۷/بهمن از ساعت ۲ بعدازظهر تظاهراتی با شرکت بالغ بر ۱۰۰۰تن از هموطنان ایرانی مقیم انگلیس از میدان راسل لندن آغاز گردید. مراسم راهپیمایی پس از خوش‌آمدگویی و اعلام برنامه و پخش سرود ایران‌زمین، آغاز شد. در پیشاپیش صفوف تظاهرات تصاویر بزرگ رهبری انقلاب نوین مردم ایران مسعود و مریم، عکس‌هایی از سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار شهید خلق موسی خیابانی و همچنین پلاکاردهایی مبنی بر محکومیت اعزام اجباری کودکان و نوجوانان به جبهه‌های مرگ و در محکومیت ارسال سلاح برای رژیم خمینی و ابراز حمایت از مقاومت مسلحانه‌ی سراسری و رهبری آن حمل می‌شد.

تظاهرکنندگان با غریو شعارهای "ایران رجوی، رجوی ایران" "سلاح آمریکایی، سرکوب ارتجاعی، دیگر اثر ندارد ــ خمینی ضدخلق، از آتش مسلسل، راه فرار ندارد" "خروش خلق ایران همیشه توفنده باد، مسلسل مجاهد همیشه غرنده باد" همبستگی خود را با جنبش مسلحانه و مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران برعلیه دیکتاتوری سفاک خمینی ابراز می‌نمودند. نکته‌ی چشمگیر تظاهرات انگلستان عزم و جوشش انقلابی شرکت‌کنندگان و نظم صفوف تظاهرکنندگان بود که توجه جمعیت کثیری از شهروندان انگلیسی را که ناظر بودند جلب کرده بود.

مادری که در این تظاهرات شرکت کرده بود می‌گفت: *"همانطور که پیش‌بینی می‌کردم تعداد زیادی از هموطنان خارج کشور در این راهپیمایی شرکت کردند. بخدا اگر مجاهدین نبودند خدا می‌داند که چه بر سر ملت ایران می‌آمد. الان این امید هست که مجاهدین، ملت ایران را از شر این دژخیم خلاص کنند وگرنه اگر مجاهدین نبودند اینها مثل رژیم شاه تا ۵۰سال دیگر می‌ماندند."* وی در ادامه‌ی صحبتش گفت: *"چند ماه پیش از ایران آمده‌ام و تا جایی که از دستم بربیاید به مجاهدین و انقلاب کمک می‌کنم. پیام به هموطنان این است که جوان‌ها باید همت کنند که شر این دژخیم را از سر ملت ایران کم کنند."*

این تظاهرات که نمایندگان مهمترین رسانه‌های خبری و منجمله خبرگزاری‌های رویتر، آسوشیتدپرس، یونایتدپرس و تلویزیون N.B.C و C.B.S آمریکا و خبرنگاران روزنامه‌ی گاردین و حریت ترکیه از آن گزارش و فیلم تهیه کردند، در ساعت ۴بعدازظهر به وقت لندن، پس از قرائت قطعنامه و در میان ابراز احساسات شدید ایرانیان شرکت‌کننده در تظاهرات نسبت به رهبری انقلاب نوین ایران مسعود و مریم رجوی به پایان رسید.

سوئد

روز ۱۷/بهمن بیش از ۱۵۰۰نفر از هموطنان شریف و آزاده‌ی مقیم سوئد، در سرمای شدید استکهلم گرد آمدند تا با خاطره‌ی شورانگیز عاشورای مجاهدین و حماسه‌ی کبیر اشرف و موسی تجدیدپیمان کنند.

در این تظاهرات علاوه بر ایرانیان مقیم سوئد بسیاری از ایرانیانی که بتازگی توانسته‌اند از حاکمیت ننگین خمینی خارج شوند، شرکت داشتند. در هنگام شروع تظاهرات سرود فرمان مسعود پخش شد و به شرکت‌کنندگان خیرمقدم گفته شد. سپس در ساعت ۱۲ بوقت محلی، راهپیمایی از میدان "سرگل" استکهلم با نظم چشمگیر آغاز گردید. راهپیمایان در سراسر مسیر تظاهرات پلاکاردهایی در حمایت از رهبری انقلاب نوین ایران برادر مجاهد مسعود رجوی و خواهر مجاهد مریم رجوی و عکس‌هایی از حماسه‌آفرینان عاشورای مجاهدین، سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار شهید خلق موسی خیابانی و نیز پلاکاردهایی مبنی بر محکومیت ارسال سلاح برای رژیم جنگ‌افروز خمینی با خود حمل

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

سوئد

می‌نمودند. همچنین پرچم‌های سه‌رنگ ایران و آرم پرافتخار سازمان مجاهدین خلق ایران در طول صف تظاهرکنندگان جلب‌نظر می‌نمود. در تمامی مسیر راهپیمایی شرکت‌کنندگان در تظاهرات خشم و کینه‌ی انقلابی خود را نسبت به رژیم ضدبشری خمینی و عشق و علاقه به رهبری انقلاب نوین مردم ایران را با شعارهای پرطنین مرگ بر خمینی، درود بر رجوی و ایران رجوی، رجوی ایران ابراز می‌نمودند.

یکی از شرکت‌کنندگان در تظاهرات با ابراز خوشحالی از شرکت فعال ایرانیان در تظاهرات می‌گفت: *"تمامی این تلاش‌ها و شور و شعف را مدیون رهبری سازمان هستیم."*

تعداد زیادی از مردم استکهلم که مجذوب شکوه این تظاهرات و شعارهای پرشور تظاهرکنندگان شده بودند، در پیاده‌روها و یا از پشت پنجره‌ها با تظاهرکنندگان ابراز همبستگی می‌کردند.

بنا به گزارش دریافتی، در این راهپیمایی جامعه‌ی متخصصین و فارغ‌التحصیلان ایرانی مقیم سوئد و همچنین آقای مهدی صدیق‌زاده نماینده‌ی شورای ملی مقاومت نیز شرکت داشتند.

تعدادی از خبرنگاران و عکاسان رسانه‌های سوئد مانند خبرگزاری سراسری این کشور T.T و روزنامه‌ی پرتیراژ و مهم داگنزنی‌هیتر و چندین روزنامه‌ی محلی سوئد در تظاهرات و راهپیمایی شرکت داشتند و به تهیه‌ی عکس و گزارش از این مراسم پرشور پرداختند.

در انتهای تظاهرات و پس از تجمع مجدد هموطنان در میدان "سرگل" قطعنامه‌ی سراسری تظاهرات به زبان‌های فارسی و سوئدی قرائت گردید که مورد استقبال و حمایت شدید حاضرین قرار گرفت. تظاهرات در ساعت ۲ و ۳۰دقیقه بعدازظهر به وقت محلی با پخش سرود صلح پایان یافت.

هند

روز جمعه ۱۷/بهمن در پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین، تظاهرات و راهپیمایی باشکوهی بمناسبت گرامیداشت این روز تاریخی در دهلی‌نو پایتخت هندوستان با جمعیتی بیسابقه برگزار شد.

تعداد شرکت‌کنندگان در این تظاهرات که علاوه بر هموطنان شریف و آزاده‌ی مقیم هند، شمار قابل توجهی از مردم آزادیخواه و صلحدوست هند را نیز در بر می‌گرفت؛ به بیش از ۲۵۰۰نفر می‌رسید. و این تظاهرات پرشکوهترین تظاهراتی بود که تاکنون توسط ایرانیان در هندوستان برگزار گردیده است. هموطنانی که در این تظاهرات شرکت کرده بودند مسافت‌های طولانی را برای رسیدن به محل تظاهرات پشت‌سر گذاشته بودند و برخی از آنان می‌گفتند که برای این منظور ۳۸ساعت راه، را با قطار طی کرده‌اند! صفوف تظاهرکنندگان در ساعت ۱۲ بوقت محلی با نظم چشمگیر از میدان راملیلای دهلی‌نو آغاز به حرکت کرد. در پیشاپیش صفوف منظم تظاهرکنندگان پرچم سه‌رنگ ایران، آرم سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران، تابلوی بزرگ تصویر رهبری انقلاب نوین ایران مسعود و مریم رجوی و تصاویر بزرگی از سمبل زن انقلابی مجاهد خلق اشرف رجوی و سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی در حرکت بود. در طول مسیر راهپیمایی استقبال مردم دهلی از تظاهرات و شعارهای راهپیمایی بویژه از شعارهای "مرگ بر خمینی- درود بر رجوی" و نیز شعار "ایران رجوی- رجوی" ایران بسیار گرم و پرشور بود و مردم این شعارها را تکرار می‌کردند در طول مسیر هزاران نفر از مردم دهلی ضمن ابراز حمایت از تظاهرات، تراکت‌های توضیحی را با علاقه مطالعه می‌کردند.

یکی از هموطنان می‌گفت *"دلم نمی‌آید با اینهمه شور و اشتیاق و عظمت تظاهرات، پرچم ایران را یک لحظه آرام نگهدارم. حالا فهمیدم که خمینی چرا از مجاهدین می‌ترسد"*

همچنین یک هموطن ارمنی در جواب به سؤالی راجع به علت شرکتش در تظاهرات گفت: *"ما اقلیت‌های مذهبی بخاطر شرایط ایران مجبور شده‌ایم از کشور خارج شویم ولی امیدواریم که خمینی هرچه زودتر سرنگون شده تا آقای رجوی سر کار بیایند و ما به وطنمان برگردیم."*

بنابه گزارشات دریافتی از دهلی‌نو، گروهی از شخصیت‌های برجسته‌ی هندی نیز در راهپیمایی سالروز عاشورای مجاهدین شرکت داشتند و در پایان راهپیمایی سخنرانی کردند. منجمله آقای راج‌بالدو رئیس مجمع ائتلاف ملی هند، آقای لاکسی نارین رهبر ۵اتحادیه‌ی کارگری در هند و از نمایندگان مجلس عوام حزب کنگره (حزب حاکم)، آقای کی‌کی شوکلا رهبر بزرگترین اتحادیه‌ی کارگری هند (H.M.F) -شاخه‌ی دهلی- آقای گوبینا مرکوتی از وکلای برجسته‌ی هند و رهبر یک سازمان مهم حقوقی می‌توان نام برد.

سخنرانان در نطق‌های خود همبستگی و حمایت خود را نسبت به مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران، به رهبری برادر مجاهد مسعود رجوی اعلام کردند و رژیم ضدبشری خمینی را محکوم نمودند.

سخنرانی آقای راج‌بالدو رئیس مجمع ائتلاف ملی هند

آقای راج‌بالدو در قسمتی از سخنرانی خود گفت: *"تظاهرات امروز در حمایت از آقای رجوی و خانم مریم رجوی می‌باشد ایندو رهبران واقعی ایران هستند و علیه رژیم خونخوار خمینی مبارزه می‌کنند. این تظاهرات در حمایت از صلح برعلیه جنگ نیز هست. جنگی که نه‌تنها برای هر دو کشور عراق و ایران زیانبار است، بلکه برای کشورهای اسلامی و جهان‌سوم نیز زیانبار می‌باشد. در این جنگ سربازان ایرانی بیگناه بخاطر جنگ بی‌معنی کشته*

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

می‌شوند." وی در انتهای سخنانش گفت که "آقای رجوی در سرتاسر دنیا از سمپاتی زیادی برخوردار است و من او را در فرانسه ملاقات کردم و از ملاقات و ابتکاراتش برای «صلح» حمایت نمودم."

در پایان این راهپیمائی و تظاهرات باشکوه که یکی از بزرگترین تظاهرات غیربومی در این کشور محسوب می‌شود، قطعنامه‌ی سراسری اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان

خارج از کشور (هواداران مجاهدین خلق ایران) قرائت گردید که با دست‌زدن‌ها و شعارهای ایران رجوی- رجوی پیران و مرگ بر خمینی درود بر رجوی توسط هموطنان آزاده و شریف مقیم هند مورد استقبال و تأیید قرار گرفت.

در راهپیمایی پرشکوه هند تعداد قابل توجهی از خبرنگاران و فیلمبرداران و عکاسان خبرگزاری‌های بین‌المللی و نمایندگان مهمترین رسانه‌های خبری در هند منجمله خبرنگاران صدای آمریکا، B.B.C، رویتر اینترناشنال، ایندیا تایمز آو ایندیا و روزنامه‌ی استیتس‌مَن و ایونینگ‌نیوز شرکت داشتند و خبر برگزاری این تظاهرات در بسیاری از رسانه‌های مهم خبری هند منعکس گردید.

دانمارک

روز جمعه ۱۷/بهمن‌ماه تظاهرات باشکوه و بی‌سابقه‌ی ۷۰۰تن از هموطنان ایرانی مقیم دانمارک به منظور بزرگداشت خاطره‌ی شهادت سمبل زن انقلابی مجاهد شهید اشرف رجوی و سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی و نیز حمایت از مقاومت انقلابی مسلحانه‌ی مردم ایران به پیشتازی مجاهدین خلق ایران و به رهبری مسعود و مریم رجوی در هوای سرد و بشدت بارانی شهر کپهناک برپا شد. این تظاهرات از میدان شهرداری در مرکز شهر در ساعت۱۲ به وقت محلی آغاز گردید و پس از اعلام برنامه و خوشآمد به شرکت‌کنندگان؛ با سرود ایران‌زمین و توضیح اهداف تظاهرات ادامه یافت. پس از انجام راهپیمایی در خیابان‌های اصلی شهر صفوف تظاهرکنندگان در ساعت ۱و۳۰دقیقه‌ی بعدازظهر به همان محل شروع بازگشت.

آنچه در این تظاهرات بسیار چشمگیر بود کمیت بی‌نظیر این تظاهرات نسبت به تظاهرات برگزارشده‌ی قبلی در دانمارک و همچنین شور و اشتیاق جمعیت بود که لاینقطع شعار می‌دادند. جمعیت بویژه شعارهای "ایران رجوی، رجوی ایران" و "قسم به خون اشرف، قسم به عزم موسی که تا رهایی خلق دمی زپا نَشینیم" را با شور خاصی تکرار می‌کردند. بسیاری از شرکت‌کنندگان در این تظاهرات از شهرهای مختلف دانمارک خود را به این مراسم رسانده بودند گروهی از شهروندان دانمارکی که برای دیدن این تظاهرات در اطراف میدان شهرداری این شهر تجمع کرده بودند، بسیار تحت تأثیر تظاهرات پرشور ایرانیان در هوای سرد و در زیر باران شدید، قرار گرفته بودند و با تکان دادن دست تظاهرکنندگان را تأیید و همراهی می‌کردند.

در پیشاپیش صفوف تظاهرات پلاکارد توضیح اهداف تظاهرات به زبان دانمارکی حمل می‌شد و پشت سر آن به ترتیب پرچم ایران و آرم سازمان پرافتخار مجاهدین و عکس‌های رهبری انقلاب نوین مردم ایران و نیز تصاویر سمبل زن انقلابی مجاهد خلق اشرف رجوی و سردار شهید خلق موسی خیابانی حمل می‌شد. و پلاکاردهایی نیز، با مضمون محکومیت معاملات تسلیحاتی محرمانه و مفتضحانه‌ی رژیم خمینی با آمریکا و اسرائیل و همچنین محکومیت جنگ‌طلبی خمینی و حمایت از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران علیه خمینی به رهبری مسعود و مریم حمل می‌گردید. در پایان این مراسم قطعنامه‌ی تظاهرات به زبان‌های فارسی و دانمارکی قرائت گردید و پس از خواندن دستجمعی سرودهای فرمان مسعود و گل توفان اشرف و فرمان موسی، تظاهرات در ساعت ۲و۳۰دقیقه‌ی بعدازظهر در میان تشویق و ابراز احساسات شدید شرکت‌کنندگان نسبت به رهبری انقلاب نوین ایران مسعود و مریم رجوی بپایان رسید.

هلند

تظاهرات و راهپیمایی بمناسبت بزرگداشت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین با شرکت حدود ۴۵۰تن از هم‌میهنان شریف و مبارز مقیم هلند روز جمعه ۱۷/بهمن در هوای سرد و بارانی آمستردام که با توفان شدید نیز همراه بود با شور و حرارت بسیار برگزار شد.

علیرغم شرایط جوی نامناسب هموطنان ایرانی از ۱۳شهر هلند با طی مسافت‌های طولانی خود را به محل تظاهرات رسانده بودند. تظاهرات در ساعت ۱۲ و ۳۰دقیقه‌ی بعدازظهر با خواندن دستجمعی سرود ایران‌زمین آغاز شد سپس آقای مارتن‌فان‌ترا دبیر روابط بین‌المللی حزب کارگر هلند که در تظاهرات شرکت کرده بود، سخنرانی نمود و مراتب حمایت حزب خود را از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران به رهبری برادر مجاهد مسعود رجوی اعلام کرد.

او گفت: "من اینجا هستم تا برای شما و مقاومتتان آرزوی موفقیت بکنم برای ایرانی دمکراتیک و بهتر برای مردان و زنان انسان‌دوست. آرزویی برای پایان جنگ و پایان نقض حقوق‌بشر در ایران. از جانب حزب کارگر هلند برای شما آرزوی موفقیت می‌کنم."

آنگاه پس از اجرای دستجمعی سرود فرمان مسعود،

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

صفوف منظم راهپیمایان درحالیکه پلاکاردهای معرفی، پرچم ایران و آرم سازمان مجاهدین خلق ایران و تصاویر رهبری انقلاب نوین مردم ایران مریم و مسعود رجوی و تصاویر سمبل و سردار مقاومت اشرف و موسی را حمل می‌کردند شعارهای خروشان انقلابی و میهنی را تکرار می‌نمودند، بحرکت درآمد.

در مسیر تظاهرات شعارهای "مرگ بر خمینی، درود بر رجوی"، "۵۰هزار اعدامی ۱۴۰هزار زندانی ای مرگ بر خمینی" "ایران رجوی- رجوی ایران" بصورتی پرطنین و همراه با طبل و سنج و کف زدن جمعیت به زبان‌های فارسی و هلندی تکرار می‌شد.

در طول مسیر راهپیمایی، گروههایی از مردم هلند در اطراف تظاهرکنندگان گرد آمده و با شور و اشتیاق از آنان استقبال می‌کردند. تعدادی از مردم هلند نیز به صف راهپیمایان پیوسته و بدین‌ترتیب حمایت و همبستگی خود را با مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران علیه دیکتاتوری قرون‌وسطایی و ضدبشری خمینی ابراز نمودند.

یکی از خانم‌های ایرانی شرکت‌کننده در تظاهرات می‌گفت: *"اینجا با مجاهدین آشنا شدم با این هوای سرد و طوفانی اصلاً فکر نمی‌کردم این همه جمعیت شرکت کند و الان می‌خواهم بگویم تنها سازمانی که می‌تواند خمینی را نابود کند مجاهدین هستند به‌همین خاطر از هیچ کمکی به سازمان نباید فروگذار کرد."*

یکی از هواداران سازمان می‌گفت: مجاهدین با همین تظاهرات تودهنی محکمی به همه‌ی اضداد مجاهدین که کاری جز تلاش برای به انفعال کشاندن ایرانیان در خارج کشور ندارند، زد و حساب‌های همه‌ی آنها را بهم ریخت.

در قسمت پایانی مراسم، قطعنامه‌ی سراسری تظاهرات قرائت گردید. و مراسم در میان شعارهای پرشور و احساس هموطنان ایرانی که یکصدا فریاد می‌زدند "با مسعود با مریم، همسنگر هم‌پیمان می‌جنگیم تا پایان" در ساعت ۱۵ و ۳۰دقیقه با اجرای سرود دستجمعی "قسم" به پایان رسید.

در این تظاهرات پرشور و هیجان‌انگیز، گروهی از خبرنگاران و عکاسان رسانه‌های خبری بین‌المللی و هلندی منجمله آسوشیتدپرس (A.P)، خبرگزاری رسمی هلند A.N.P و ANEFO و رادیوهای سراسری KRO - NCRV - VARA و روزنامه‌های محلی نیوزآودواخ، اترنتس‌نیوزبلاد برای تهیه‌ی عکس و گزارش از جریان راهپیمایی حضور داشتند.

نروژ

مراسم بزرگداشت پنجمین سالگرد حماسه‌ی اشرف و موسی در اسلو پایتخت نروژ با شرکت گروه کثیری از هواداران سازمان و ایرانیان آزاده‌ی مقیم این کشور که از نقاط مختلف نروژ به این شهر آمده بودند برگزار شد.

این تظاهرات باشکوه و بی‌سابقه در ساعت ۱۱و۳۰دقیقه بوقت محلی در ایستگاه راه‌آهن مرکزی اسلو و با اجرای دستجمعی سرود فرمان مسعود آغاز گردید و آنگاه جمعیت با نظم چشمگیری و درحالیکه طول صف به ۲۵۰ تا ۳۰۰متر می‌رسید، راهپیمایی خود را آغاز کرد. شعارهای خروشان انقلابی و میهنی منجمله شعار ایران رجوی- رجوی ایران توجه مردم اسلو را کاملاً به خود جلب کرده بود.

در طول مسیر راهپیمایی که امسال برای اولین بار در نروژ برپا می‌شد، ابراز همبستگی مردم نروژ با مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران بسیار جالب و چشمگیر بود. مردم اسلو با وجود سرمای هوا و بارش باران در دو طرف مسیر راهپیمایان ایستاده و با کف‌زدن و شعار دادن از تظاهرکنندگان حمایت می‌کردند، و گروهی از آنان نیز به صفوف راهپیمایان پیوستند.

تظاهرکنندگان پس از طی خیابان اصلی شهر در مقابل پارلمان نروژ متوقف شدند و درحالیکه غریو شعارهای ایران رجوی- رجوی ایران در فضا طنین‌انداز بود قطعنامه‌ی تظاهرات قرائت گردید.

بنا به گزارش رسیده، این راهپیمایی و تظاهرات، انعکاس گسترده‌ای در رسانه‌های خبری در نروژ داشت. تلویزیون نروژ در اخبار سراسری خود، خبر آن و صحنه‌هایی از مراسم را پخش کرد، همچنین رادیوی نروژ مصاحبه‌ای با آقای پرویز خزایی نماینده‌ی شورای ملی مقاومت ترتیب داد و در برنامه‌ی خبری خود نیز، گزارشی از این تظاهرات پخش نمود.

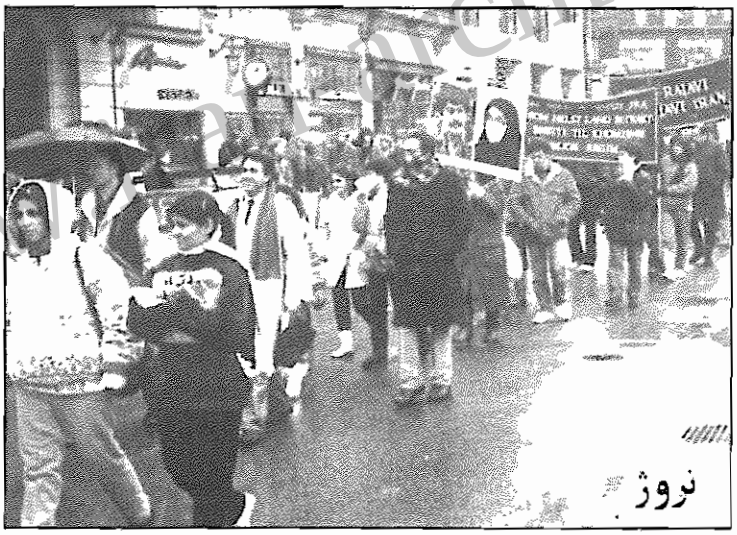

نروژ

نروژ

اسپانیا

تظاهرات و راهپیمایی گروه کثیری از ایرانیان شریف و آزاده‌ی مقیم اسپانیا، بمناسبت پنجمین سالگرد حماسه‌ی اشرف و موسی، در ساعت ۱۱صبح روز جمعه ۱۷ بهمن‌ماه در میدان آنتون مارتین واقع

بقیه‌در صفحه‌ی ۳۸

www.iran-archive.com

مصاحبهٔ سیمای مقاومت با خانم مریم متین دفتری

مصاحبه‌ی سیمای مقاومت با خانم مریم متین‌دفتری از مؤسسین جبهه‌ی دمکراتیک ملی ایران و عضو هیئت نمایندگی این جبهه در شورای ملی مقاومت ایران، در هفته‌ی اول بهمن‌ماه جاری از سیمای مقاومت پخش گردید. در اینجا متن این مصاحبه را که صرفاً از حالت گفتار به نوشتار تبدیل شده، ملاحظه می‌کنید.

سؤال: خانم متین دفتری با توجه به اینکه شما در جلسات شورای ملی مقاومت شرکت می‌کنید، در مورد شورا و مناسبات درونی آن برای بینندگان سیمای مقاومت توضیحاتی بدهید.

جواب: حقیقتش من از بدو تأسیس شورا در جلسات شورا شرکت نکردم. منتها چون عضو شورای جبهه‌ی دمکراتیک ملی بودم همیشه در رابطه‌ی نزدیک با شورا بودم. به هر حال با دوستان و رفقا و دیگران که عضو شورای ملی مقاومت بودند در تماس دائم بودم و از طریق آنها وقایع از آنچه که در شورا می‌گذشت باخبر بودم. از زمانی که خودم شاهد و ناظر جلسات شورا بودم، همیشه جلسات شورا با شور و تفاهم و حسن‌نیت و صمیمیت برگزار شده است. در مورد مسائلی که مهم نیست که پیش شود تا همه به نقطه‌نظرهای مشترک برسند، با تشخیص ضرورت‌ها، واقعاً یک تفاهم کلی روی مسائلی بوجود می‌آید. ببینید، در شورا همه‌ی اعضای شورا رأی مساوی دارند. سازمان‌ها و گروههای سیاسی عضو شورا حق وتو دارند. پس در هیچ تصمیمی در درون شورا نمی‌تواند گرفته شود مگر آنکه با توافق همگی باشد. اغلب جلسات شورا بسیار طولانی است و اغلب مسائلی که پیش می‌آید به بحث و بحث گذاشته می‌شود و در راجع به آنها بحث می‌شود تا اینکه بالاخره یک مخرج‌مشترکی پیدا شود و همه بتوانند در این زمینه به یک اتحاد عملی برسند. هیچکس هم نظرش را تحمیل به دیگری نمی‌کند. این خودش نمونه‌ی بارزی است در تمرین دمکراسی برای ایران آینده که سازمان‌ها و گروههای سیاسی و اجتماعی با داشتن طرزفکر و افکار و نظرات مختلف بتوانند در کنار هم قرار بگیرند و در واقع راجع به مسائل اساسی که حفظ حقوق جامعه است و در واقع آزادی و استقلال میهن ما را تأمین می‌کند، به تفاهم برسند. اصلاً مسئله این است که افراد مختلف، با عقاید مختلف، بتوانند با همدیگر تفاهم کنند. این یک نمونه‌ای است که بتوانند در کنار هم بنشینند و نظرات مخالف را بشنوند و همدیگر را تحمل کنند.

سؤال: خانم متین دفتری دستاوردهای شورا در زمینه‌ی احقاق حقوق زنان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب: البته به نظر من این خود زنان هستند که باید مسائل خودشان را بررسی کنند و با واقع‌بینی و تعهد نسبت به اجتماع، گره‌گشایی بکنند و راه رسیدن به مساوات با مردان را پیدا بکنند. شورای ملی مقاومت همه‌ی تضمین‌ها را داده و خواهد داد. ببینید در دورانی که مصائب عمده‌ی اجتماعی گریبانگیر مردم است، زن و مرد دوش به دوش هم برای دفع این مصائب مبارزه می‌کنند ما نمونه‌ی بارزش را دیدیم که در ممالک دیگر، در جنبش‌های رهائیبخش، زنان مبارز دوش به دوش مردان مبارزه کردند ولی وقتی که آزادی در دسترس بوده، درست موقعی که امکان داشته زنان هم مثل مردان از امتیازاتی که استقلال و آزادی برای بشر به ارمغان می‌آورد بهره‌برداری بکنند، درست در همان موقعیت بخاطر مسائل سنتی، بخاطر عقب‌افتادگی‌هایی که در اجتماع هست، به این هدف نرسیدند. ولی در واقع شورای ملی مقاومت با تضمینی که برای احقاق حقوق زن داده و بطور مشخص مسئله‌ی زنان را مطرح کرده راهی باز کرده که چنین واهمه و ترسی برای فردای ایران وجود ندارد. از این گذشته، زنان مبارز ما که در زندان‌ها، در شکنجه‌گاهها، در جبهه‌ی نبرد علیه خمینی شرکت می‌کنند، زنانی که درواقع بعنوان ستون فقرات فامیل و خانواده هستند و پسرشان، پدرشان، بچه‌هایشان را برای مبارزه با خمینی و مبارزه با ظلم و استبداد بسیج می‌کنند، فردا طبیعی است که حقشان را نمی‌گذارند پایمال شود. با این حال فکر می‌کنم باید هنوز خود زنان باشند که کوشش کنند و در این امر پیگیر باشند.

سؤال: خانم متین دفتری همانطور که اطلاع دارید بعد از انقلاب ایدئولوژیکی درونی مجاهدین خواهر مجاهد مریم رجوی در جایگاه رهبری قرار گرفت. می‌خواستم نظرتان را درباره‌ی این امر و تاثیرات اجتماعی آن بپرسم.

جواب: بنظر من قرارگرفتن خانم مریم رجوی در سطح رهبری سازمان مجاهدین یک عمل بسیار مثبت و مهمی بوده است. صرفنظر از اینکه خانم مریم رجوی صلاحیت و قابلیت رسیدن به یک‌چنین مرتبتی را دارد، این اولین‌بار است که در مملکت، در سطح سازمان‌های سیاسی راه برای رهبری یک زن، رهبری سیاسی یک زن، باز شده است. ببینید بخاطر همان ستم مضاعفی که از نظر اجتماعی زن با آن روبرو بوده است از مردها عقب مانده و برای حقوقی که بین زن‌ها و مردها مشترک است، همیشه تلاش کرده و دست آخر هم سهم کمتری به او رسیده است. سازمان مجاهدین تنها سازمانی است که به این امر در مملکتِ ما توجه کرده و از نظر جنبشِ زنان در فردای ایران بسیار مهم است که راه را یک نیروی مقاومت [باز می‌کند]. نیروی مقاومتی که زنانش دوشادوش مردان برای آزادی و استقلال میهنشان مبارزه کردند، زنانی که در جنبش ما در مقاومت شرکت کردند، دوشادوش مردان جامعه با ظلم و ستم جنگیدند، زندان رفتند، شکنجه شدند، آواره شدند، فرزندشان را، شوهرشان را، خانواده‌شان را از دست دادند؛ الان می‌بینم که راهی برایشان باز شده و می‌توانند درواقع برای احقاق‌حقوق خودشان مبارزه کنند. اینکه شما می‌پرسید چه اثری در سطح جامعه داشته، این یک مسئله‌ای است که نیاز به زمان دارد و شاید یک‌شبه نشود ره صدساله را رفت. زنان قدرتمندی هم بودند در ممالک مختلف در سطح رهبری جامعه، خانم آکینو در فیلیپین، خانم تاچر در انگلستان، خانم گاندی نخست‌وزیر قدرتمندی بود در هند، ولی هیچکدام اینها به تنهایی مسئله‌ی زنان را، تساوی زن با مرد را در جامعه حل نکردند. اینها بهرحال رسوبات جامعه و سنت‌ها است. باید با کل آن مبارزه کرد و زمان می‌برد. مسئله این است که راه برای آزادی زن باز شود. من فکر می‌کنم درواقع رهبری مریم رجوی این موقعیت مثبت را در اجتماع ما بوجود بیاورد.

سؤال: وضعیت زنان میهنمان در حاکمیت ضدبشری خمینی چگونه است؟

جواب: والله زنان ما در حکومتِ خمینی فکر می‌کنم دچار ظلم و ستمی شدند که بیسابقه بوده است. درست است که مرد و زن در جامعه‌ی ما توسط رژیم متحجر خمینی حقوقشان تضییع شده، ولی زنان سهم بیشتری از این فشار و اختناق بردند. ببینید، زنان ما از دوران مشروطیت به بعد برای احقاق حقوقشان مبارزه کردند. بعد شهریور ۲۰ در دانشگاهها باز کردند و واردِ دانشگاه شدند و اسم‌نویسی کردند. خمینی در دانشگاه

بقیه در ۵

www.iran-archive.com

مصاحبه سیمای مقاومت با خانم مریم متین دفتری

بقیه از صفحه‌ی قبل

به روی اینها بسته است. یعنی درواقع در پیشرفت و امکان فراگیری را بر روی زنان جامعه‌ی ما بسته است. ما در جهان سوم مملکت پیشرفته‌ای هستیم. درصد زنان باسواد جامعه‌ی ما کم نیست. با این حال تمام حقوق اکتسابی زنان ما را خمینی پایمال کرد. از بین برد. از آنها پس گرفت. ببینید با زنان مبارز ما چه کرده است: از توهین، تجاوز، شکنجه، اعدام و اعدام زن باردار تا شنیع‌ترین واقعاً شرایط و وضعیتی که من هر بار در روزنامه‌ها خاطرات دختران مجاهد را یا خاطرات زنانی که چند صباحی در زندان‌های خمینی گذرانده‌اند را می‌خوانم پس ازمدتی آنچنان فشار ذهنی‌ام زیاد می‌شود که حتی تحمل پذیرش آنها را ندارم. حتی احساس می‌کنم که می‌خواهم یک پرده‌ی فراموشی روی این مصائبی که زنان ما تحمل می‌کنند، بکشم. ببینید انقلاب می‌توانست موجب رهایی زنان ما شود. زنان زحمتکش و محروم جامعه‌ی ما در دوران انقلاب از قید و بندهای سنتی رها شدند. به خیابان آمدند و درواقع برای آزادی در مبارزه شرکت کردند. در مبارزه علیه رژیم شاه شرکت کردند. ولی خیلی سریع این حرکتِ انقلابی زنان با سوءاستفاده‌ی عمال رژیم خمینی و سرکوب عامه‌ی زنان روبرو شد. تا جایی که امروز ما می‌بینیم برای بهره‌برداری از زنان و بهره‌بردن از رایی که به صندوق برای حکام رژیم خمینی می‌ریزند، بعنوان پشت‌جبهه از آنها استفاده می‌کنند. خلاصه بگویم، در رژیم خمینی از هیچ ظلم و فشاری بر زنان کوتاهی نکرده‌اند.

سؤال: خانم متین دفتری بنظر شما زنان میهن ما در قبال رژیم خمینی چه باید بکنند و چه نقشی را برعهده بگیرند؟

جواب: با مقاومت باید همراهی کنند. باید برعلیه جنگ تبلیغ کنند، برای صلح تبلیغ کنند. زنان در صفوف مقدم مقاومت نقش خودشان را محرز کرده‌اند ولی بطور عمده زنان می‌توانند در پشت‌جبهه‌ی مقاومت نقش بزرگی را ایفا کنند. می‌توانند علیه جنگ تبلیغ کنند؛ می‌توانند از صلح حمایت کنند؛ می‌توانند از شورای ملی مقاومت حمایت کنند؛ می‌توانند از رزمندگان مجاهد حمایت کنند؛ می‌توانند درواقع امکاناتِ ـ هر جور امکانات ـ مالی و معنوی دراختیارشان بگذارند؛ می‌توانند در پشتِ جبهه، مقاومت منفی بکنند و در یک کلام اگر بخواهم خلاصه بکنم ندای مرگ بر خمینی را باید سر بدهند.

آغاز فعالیت جامعهٔ متخصصین و فارغ‌التحصیلان ایرانی در انگلستان

جامعه‌ی متخصصین و فارغ‌التحصیلان ایرانی (هواداران شورای ملی مقاومت) در انگلستان، با انتشار بیانیه‌ای، ضمن اعلام موجودیت این "جامعه"، حمایت خود را از شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران، ابراز نمود.

متخصصین و فارغ‌التحصیلان ایرانی مقیم انگلستان در بیانیه‌ی خود پس از مرور تاریخچه‌ی مبارزات خلق قهرمان ایران از انقلاب مشروطیت به اینسو، تحلیلی از شرایط کنونی ایران و موقعیت انقلاب نوین مردم ایران ارائه داده و منجمله می‌نویسند: *"پروسه‌ی مبارزه‌ی بین خلق و ارتجاع و رشد روزافزون مبارزه‌ی مسلحانه، فرمان تسلیح عمومی مسئول شورای ملی مقاومت را بهمراه می‌آورد که آتش بر جان ارتجاع و حامیان داخلی و خارجی‌اش می‌اندازد... همچنین پرواز تاریخساز رهبر مقاومت و انقلاب دمکراتیک نوین ایران آقای مسعود رجوی بجوار خاک میهن و حضورش در کنار مبارزین نبرد انقلابی مسلحانه، چنان شوری بپا می‌سازد که امام باصطلاح ضدامپریالیست برای حفظ رژیمش اینبار علناً به آغوش «شیطان بزرگ» پناه می‌برد و نمایندگان او را به ایران دعوت می‌نماید و معادلات منطقه‌ای چنان دستخوش تغییر می‌گردد که «رژیم اشغالگر قدس» بی‌وقفه به «امید مستضعفان جهان» سلاح می‌دهد تا «از طریق کربلا قدس! را فتح» نماید."*

جامعه‌ی متخصصین و فارغ‌التحصیلان ایرانی (هواداران شورای ملی مقاومت) در انگلستان در پایان بیانیه‌ی خود تأکید می‌کند: *"ما که تاکنون بصورت فردی و گروهی بطریق پراکنده فعالیت می‌کردیم در چنین سرفصلی از تاریخ میهنمان با شناخت کامل از برنامه‌ی شورای ملی مقاومت، وظیفه‌ی ملی و میهنی خود می‌دانیم تا با تمام توان خود منسجم‌تر از این شورا و سازمان محوری‌اش، مقاومت خلق ایران در مبارزه برای سرنگونی رژیم ددمنش خمینی حمایت نموده و آمادگی خود را برای بازسازی ایرانی آزاد و دمکراتیک بر ویرانه‌هایی که از خمینی بجا می‌ماند اعلام نمائیم."*

تهاجم شکست خورده ضدکربلای ۵

۱۵۰ هزار تلفات از اتباع ایران بجای گذاشت

به گزارش خبرگزاری رویتر، (۹/بهمن) رژیم خمینی از آغاز تهاجم ضدکربلای۵ در نوزدهم دیماه گذشته که با هدف تصرف بصره آغاز شد و به شکست کامل انجامید، تاکنون بیش از ۱۵۰هزار نفر تلفات متحمل شده است.

گزارش خبرگزاری‌ها همچنین حاکیست که سخنگوی وزارت دفاع آمریکا با استناد به تصاویر ماهواره‌ای از جبهه‌های جنگ اعلام کرد که عراق ابتکار عمل را در نبردهای جبهه‌های جنوبی که رژیم خمینی برای تصرف بصره براه انداخته بود در دست گرفته است.

سخنگوی وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که ارتش عراق مواضع استراتژیک را تسخیر کرده و نیروهای رژیم خمینی را مجبور به ترک جاپای کوچک خود در خاک عراق واقع در غرب دریاچه‌ی ماهی که در ابتدای تهاجم تصرف نموده بود کرده است. بگفته‌ی سخنگوی وزارت دفاع آمریکا نیروهای خمینی از یک جزیره‌ی متعلق به عراق نیز عقب رانده شدند.

خبرگزاری فرانسه (۱۲/بهمن) نیز به نقل از ستاد فرماندهی ارتش عراق گزارش داد که این کشور در روز شنبه یازدهم بهمن مواضع دو طرف کانال آبرسانی دریاچه‌ی ماهی و همچنین جنوب‌غربی این دریاچه و اطراف رودخانه‌ی جاسم را از رژیم خمینی باز پس گرفته است. همین خبرگزاری به نقل از وزیر دفاع عراق افزود که در جریان این جنگ‌ها ۸۰هزار تن از نیروهای خمینی کشته شده‌اند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه در اختیار گرفتن مجدد این بخش از خاک عراق توسط نیروهای عراقی که رژیم خمینی با تحمل تلفات بسیار در ابتدای تهاجم ضدکربلای۵ تصرف نموده بود به آنها امکان کنترل جنوب دریاچه‌ی ماهی و نوار مرزی بین ساحل شرقی این دریاچه و مرز را خواهد داد.

در همین حال خبرگزاری رویتر گزارش داد که نیروهای عراق، جاده شلمچه را نیز که قبلاً نیروهای رژیم خمینی در آنجا مستقر شده بودند به کنترل خود درآورده‌اند.

رویتر می‌افزاید: نیروهای عراق چند حمله‌ی خود را از روز جمعه ۱۰/بهمن شروع کردند و مناطقی را که از دست نیروهای رژیم خمینی گرفته‌اند از نظر لجستیکی برای آنان حائز اهمیت است.

www.iranarchive.com

گزیده مطبوعات جهان

ایل‌جورناله ـ ایتالیا

۵/فوریه/۸۷

il Giornale

Una «pasionaria» contro gli ayatollah

دیداردررم
بافاطمه‌رمضانی عضوسازمان‌مجاهدین
یك «پاسیوناریا»* علیه‌آیت‌الله‌ها

رم ـ فاطمه رمضانی در سازمان مجاهدین خلق ایران که برعلیه "بلای" دیکتاتوری آیت‌اللهها مبارزه می‌کند، مسئولیت بزرگی را بعهده دارد: او دبیر روابط بین‌المللی و عضو هیئت اجرایی این سازمان است. سازمانی که مثل یک دولت مخفی عمل می‌کند...

شوهر سابقش در زندان اوین، در تهران درحالیکه شکنجه‌گران خمینی او را شکنجه می‌کردند کشته شد. خواهر و شوهرخواهرش در حین یک درگیری مسلحانه شهید شدند، یعنی بوسیله‌ی پاسداران کشته شدند...

فاطمه رمضانی که در حال سفر به چند پایتخت اروپایی است، به رم آمده و فردا در یک میتینگ مقاومت ضدخمینی که از طرف انجمن دانشجویان مسلمان ایرانی برای بزرگداشت پنجمین سالگرد شهادت دو تن از رهبران ارزشمند مجاهدین یعنی، اشرف رجوی و موسی خیابانی ترتیب داده شده است شرکت می‌نماید.

ـ خانم، بنظر شما واقعاً خمینی در حال پیروزی در جنگ خلیج برعلیه عراق می‌باشد؟

ـ "رژیم خمینی وعده‌ی پیروزی را تا پایان سال تقویم ایرانی، که ۲۱/مارس پایان می‌یابد، اعلام کرده بود. برای دست‌یافتن به این هدف که سرپوشی بر بحران‌های داخلی‌اش می‌باشد، قوانین سختی را برای ادامه‌ی جنایات جنگی‌اش بتصویب رساند که منجمله اعزام اجباری بچه‌هایی را که حتی قادر به بدست گرفتن یک تفنگ هم نیستند را توجیه کند.

بدلیل بالا بودن مخالفت‌ها، پاسداران به دستگیری‌های گسترده‌ای (برای اعزام به جبهه‌ها) دست زدند، در طول ۳ماه ۱۳ هزار جوان دستگیر شدند، اما پیروزی بدست نیامد. بعکس برای پیشروی تنها ۲ یا ۳کیلومتر بطرف بصره دهها هزار نفر کشته شدند. در طول تابستان گذشته با تبلیغات زیاد تشکیل «سپاه محمد» متشکل از صدهزار نفر اعلام شده بود. ولی درحالیکه تهاجمات موسوم به «کربلای۴» و «کربلای۵» با استفاده از جان انسان‌ها شروع شده بودند از «سپاه محمد» دیگر صحبتی به میان نمی‌آید".

خانم رمضانی با لحن تند توضیح می‌دهد می‌توان گفت که این لحن مسیح‌گونه برای یک اروپایی تقریباً ناراحت‌کننده است. ولی این ناراحتی مدتش کوتاه است. چرا که کافیست یک لحظه به سرنوشتی که مجاهدین در این جنگ چریکی بسوی آن می‌روند اندیشه کرد...

فاطمه رمضانی بازگو می‌کند: "اخیراً ۲تن از شخصیت‌های شوم رژیم را از بین بردیم: در دوم ژانویه گذشته، در شهر مشهد شخصی بنام حسین قانع‌گلیان، شکنجه‌گر بیرحم مخالفین رژیم، کشته شد. وی به "جلاد مشهد" معروف بود. و همچنین در شهر اهواز در ۱۹/ژانویه آخوند طباطبایی که از مسئولین شکنجه‌های وحشی و اعدام‌های دستجمعی بود از بین رفت."

ـ خانم رمضانی، همه معتقدند که عراق نمی‌تواند جنگ را ببرد، حال شما مجاهدین چطور فکر می‌کنید که رژیم خمینی سقوط خواهد کرد؟

ـ "بنا به همان دلایلی که رژیم سلطنتی شاه سقوط کرد؛ این خلق ایران خواهد بود که قیام نموده و او را به کیفر خواهد رساند. باید در نظر گرفت که خمینی نسبت به شاه خیلی بیشتر منفور شده است و بسیار بیشتر هم حاکمیتش بی‌ثبات می‌باشد. مقاومت روزبروز در تمام اقشار جامعه بهتر سازماندهی می‌شود. یک جبهه‌ی منسجم و پرجنب‌وجوش است که روزبروز افزایش قدرت می‌یابد. شرایط اقتصادی ایران وخیم است و در سال ۱۹۸۶ درآمد ارزی ۷۵% کاهش داشته است.

مقارن با اجلاسیه‌ی اخیر سران کشورهای اسلامی در کویت، خمینی بر روی پیروزی نظامی با قصد منتفی کردن هرگونه صحبتی از صلح حساب کرده بود که نه‌تنها به آن دست نیافت و نه فقط تلفات انسانی سنگین بودند، بلکه تضادهای حاد درونی رژیم را بصورت تصاعدی رشد خواهد داد.

درباره‌ی این تضادهای درونی دو مثال می‌زنم: رئیس دیوانعالی موسوی‌اردبیلی، رفسنجانی را متهم نمود که مسئول شماره یک شکست می‌باشد، و منتظری که بعنوان جانشین خمینی انتخاب شده بود، به کنار گذاشته شده و بعبارتی مقامش را گرفته و به کنارش زده‌اند..."

باید ذهن را روی جنایات خمینی متمرکز کرد تا سمپاتیِ انسان برای این "پاسیوناریا"ی باحجاب برانگیخته شود. بهرحال یک چیز مسلم است: مجاهدین به طرق خودشان به دمکراسی معتقدند (یک دمکراسی چندبُعدی با گرایشات متعدد) و آنان میهن‌پرستان شجاعی هستند. و تنفری که نسبت به آیت‌الله پیر و بیرحم دارند کاملاً بخاطر این است که یکی از آنها نیست که به معنای واقعی کلمه به زندان سفت و سخت، شکنجه یا اعدام خانواده‌ها آشنا نباشد. ارقام تقریبی بوضوح صحبت می‌کنند: تابحال رقم مجاهدین اعدام‌شده ۵۰هزار تن می‌باشد و آنهایی که در زندان هستند یعنی جایی که شکنجه بطور روزانه اعمال می‌شود متجاوز از ۱۴۰،۰۰۰ نفر هستند.

ـ خانم رمضانی، چرا به ایتالیا آمدید؟

ـ "بخاطر اینکه به حمایت افکار عمومی جهان نیازمندیم وقتی که مطبوعات غرب اعتراضات ما را بازگو می‌کنند خمینی بخشم می‌آید. و (همینطور بخاطر) شرکت در میتینگ فردای رُم که قرار بود این میتینگ با یک تظاهرات عمومی در میدان سانتی‌آپوستولی همراه باشد. ولی شهربانی این تظاهرات را «بدلایل نظم عمومی» ممنوع کرد. خبری که مسلماً آیت‌الله را خوشنود خواهد کرد..."

*

پاورقی:

*"پاسیوناریا" نام یک زن قهرمان در مبارزات ضدفاشیزم در اسپانیا است که وجود خود را فدای مبارزه می‌کند.

www.iran-archive.com

گزیده مطبوعات جهان

میامی‌هرالد ـ آمریکا

The Miami Herald

۲۴/فوریه/۸۷

When Khomeini leaves stage, so do his extreme policies

وقتی خمینی صحنه‌را ترک کند، آنوقت سیاست‌های افراطی‌اش تمام خواهد شد

بقلم: علی صفوی

بدنبال داستان مجادله‌آمیز فروش سلاح آمریکایی به رژیم تروریست خمینی، عده‌ای سعی کرده‌اند این "علامت حسن‌نیت" را با ارائه‌ی دلایل زیر توجیه کنند: ۱ـ ایران از نظر ژئوپولیتیک و استراتژیک مهم است؛ ۲ـ خمینی سیاست صدور ترورش را اصلاح کرده است؛ ۳ـ بنظر می‌رسد مدره‌ها در جنگ داخلی قدرت دست بالا را بدست آورده‌اند و ۴ـ خمینی ممکن است بزودی بمیرد و هرج‌ومرج متعاقب آن تمامیت ارضی ایران و ثبات منطقه‌ی خلیج‌فارس را تهدید می‌کند.

هیچکس در مورد اهمیت ژئوپولیتیک و استراتژیک ایران شکی ندارد اما این بحث باید همینجا متوقف شود. جغرافی خط‌مشی نمی‌سازد؛ دولت‌ها این کار را می‌کنند. خمینی برای مردم ایران و خاورمیانه چیزی جز مرگ و ویرانی به ارمغان نیاورده است. اگر ایرانی‌ها برای تنفر از شاه یک دلیل داشتند آنها برای مخالفت با خمینی هزار دلیل دارند. از زمان سرقت قدرت در سال ۱۹۷۹ خمینی برای حفظ حاکمیت نامشروعش متکی به ایجاد بحران بوده است.

وقتی جنگ شروع شد خمینی از این بحران جدید بعنوان "یک جنگ مقدس و یک موهبت الهی" استقبال کرد. این آخوند آدمکش اعدام‌های دستجمعی مخالفین را تحت عنوان "ریشه‌کن‌کردن عوامل امپریالیسم" توجیه کرده و هواداران مجاهدین را قبل از اعدام در پرچم آمریکا می‌پیچید.

در ضمن، صدور ترور و خشونت همواره وسیله‌ی مؤثری برای دستیابی به هدف‌های سیاست خارجی بوده‌اند. رژیم تروریست‌ها را آموزش داده و به سراسر دنیا بمنظور گسترش "انقلاب اسلامی" اعزام می‌کند. آنها گروگان گرفته‌اند، ساختمان‌ها را بمب‌گذاری کرده‌اند، به فرودگاهها حمله کرده‌اند، هواپیماهای مسافربری را ربوده‌اند و دیپلمات‌ها را بقتل رسانده‌اند. و همه‌ی اینها تحت نام خدا. جنگ‌طلبی‌های مستمر، شکست‌های اقتصادی و ترور داخلی، ذات ضدبشری خمینی را افشا کرده‌اند. علیرغم ادعاهای قبلی رژیم خمینی مبنی بر یک پیروزی نهایی تا پایان سال، جنگ در یک بن‌بست قرار دارد. زور و اجبار هم نیروی انسانی لازم را برای انجام تهاجم پائیز که مدت‌هاست پیش‌بینی می‌شده فراهم ننموده است. درآمد سالانه‌ی نفت از ۱۶ میلیارد دلار، در سال گذشته به ۶میلیارد دلار تنزل کرده است.

کمبودهای مستمر، نارضایتی عمومی را تشدید کرده است. علیرغم ۵۰,۰۰۰اعدام و ۱۴۰,۰۰۰زندانی سیاسی، رژیم در سرکوب جنبش مقاومت شکست خورده است. مجاهدین خلق، به رهبری مسعود رجوی، بیش از ۲۰۰حرکت را در سال گذشته سازماندهی کرده، و آخرین آنها یک راهپیمایی توسط ۵۰,۰۰۰نفر از ساکنین تهران در ۱۰/اکتبر/۱۹۸۶ بود.

مطمئناً مردم ایران هیچ امیدی به هرگونه اعتدال و رفرم از طرف آخوندهای قرون‌وسطایی ندارند. هیئت حاکمه کاملاً پیرو سیاست‌های سرکرده‌ی ظالم خود می‌باشند و آنها را سازگار با طرز تفکر عقب‌مانده‌شان می‌دانند و آگاهند که خمینی هیچ نوع مخالفتی را تحمل نمی‌کند...

۷ سال بعد از اینکه او یک انقلاب مردمی را دزدید، این مکار عمامه‌بسر با سقوط غیرقابل اجتناب روبروست. هر کوشش برای نزدیکی با آمریکا در حال حاضر نتایج جبران‌ناپذیری خواهد داشت. بعلاوه، رژیمش دارای حداقل انسجام و ثبات سیاسی نیست که حتی به چنین تغییر سیاست کشنده‌ای بیاندیشد. از نظر داخلی، خمینی می‌بیند که همراهانش دارند یکدیگر را می‌بلعند. در خارج، او بخاطر جنایت و جنگ‌طلبی محکوم است. درست همانطور که سیستم فاسد سلطنتی بعد از شاه دوام نیاورد، بعد از رفتن خمینی حکومت منفور ملاها هم باقی نخواهد ماند. اما این فرضیه که [بعد از

بقیه‌در صفحه‌ی ۳۶

تلویزیون سراسری شبکه ۳ ـ ایتالیا

۶/فوریه/۸۷

به فاصله‌ی ۸ سال بعد از سقوط شاه، ایران در صحرای بیرون بصره متوقف شده است. اقتصاد ورشکسته است و مقاومت مجاهدین به رهبری مسعود رجوی آماده است یک قیام جدید مردمی که قادر به سرنگون‌ساختن خمینی باشد را به‌اجرا درآورد. این فاطمه رمضانی است که صحبت می‌کند وی بعبارتی وزیر خارجه‌ی مجاهدین است در یک سالن در رُم پس از اینکه پلیس اجازه‌ی تظاهرات در فضای سرباز را نفی کرده بود، چندصد نفر از مخالفین رژیم آخوندها جمع شده‌اند. رمضانی عنوان کرد که نیروهای مقاومت برای خاتمه‌دادن به جنگ و استقرار صلح تلاش می‌کنند. کاری که در عهده‌ی رژیم حاکم بر تهران نیست. اکنون امواج انسان‌ها است که بر زمین می‌افتند و دهها هزار تن کشته می‌شوند. تظاهراتی مشابه تظاهرات رُم، در سایر کشورهای اروپا نیز برگزار گردیده است.

*

رادیو جی‌اِتره ـ ایتالیا

۶/فوریه/۸۷

اپوزیسیون رژیم خمینی آماده است تا قیام عمومی را با استفاده از بحران شدیدی که کشور با آن مواجه است، سازماندهی کند. این را فاطمه رمضانی، یک مقام جنبش مقاومت ضدخمینی مجاهدین خلق در رُم گفت. رمضانی برای شرکت در تظاهرات ایرانیانی که در کشور ما زندگی می‌کنند در پایتخت ایتالیا بسر می‌برد.

مسئول مجاهدین توضیح داد که سقوط رژیم آیت‌الله‌ها منجمله بخاطر اینکه ادامه‌ی جنگ با عراق جان ایرانیان را به لب رسانده، نزدیک است. او گفت که ایران از شروع جنگ در سال ۱۹۸۱ متحمل یک‌میلیون کشته و زخمی شده است. فاطمه رمضانی همچنین در مورد سرکوب سیاسی در کشور بیلانی عرضه نمود و گفت که در ۶ سال اخیر ۵۰ هزار مخالف رژیم اعدام و ۱۴۰ هزار نفر دستگیر شده‌اند.

www.iran-archive.com

اخبار ... و رویدادهای سیاسی

موج تازه‌ای از محکومیت سیاست جنگ‌طلبانهٔ خمینی در بالاترین سطوح بین‌المللی

در ادامه‌ی موج محکومیت‌های جهانی سیاست جنگ‌طلبانه‌ی خمینی، پاپ‌ژان‌پل دوم رهبر کاتولیک‌های جهان روز ۱۵/بهمن بار دیگر طی سخنانی در اجتماع مردم در میدان سنت‌پیترز واتیکان نگرانی عمیق خود را از ادامه‌ی جنگ ایران و عراق ابراز داشت و خواستار پایان یافتن این جنگ ۷ساله گردید.

* ابوبکر عطاس رئیس‌جمهوری دمکراتیک خلق یمن (یمن‌جنوبی) طی مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی کویتی الانباء (مورخ ۷/بهمن) ضمن تاکید براینکه یمن‌جنوبی همواره مخالف ادامه‌ی جنگ ایران و عراق بوده است گفت: *"بطور کلی این جنگ جز به دشمنان ایران و عراق خدمت نخواهد کرد و ما امیدواریم که تلاش برای پایان دادن به این جنگ ادامه یابد".*

* ضیاءالحق رئیس‌جمهور پاکستان نیز درباره‌ی جنگ ایران و عراق اظهار داشت: *"قطعنامه‌ی مصوب اجلاس اخیر کنفرانس سران کشورهای اسلامی در کویت بمثابه یک فشار اخلاقی بر رژیم خمینی عمل می‌کند."* روزنامه‌ی الاتحاد (مورخ ۱۰/بهمن) چاپ امارات‌متحده‌ی عربی که این مطالب را به نقل از ضیاءالحق نوشته افزود که رئیس‌جمهور پاکستان گفته است: *"مشکل جنگ ایران و عراق، در شروط رژیم خمینی برای توقف جنگ نیست بلکه مشکل اساساً در شیوه و طرز تفکر سیاسی این رژیم و چگونگی برخورد با آن است."* او در این سخنان بر ماهیت جنگ‌طلبانه و تجاوزکارانه‌ی دجال جماران انگشت گذاشته است.

* همچنین بنا به گزارش خبرگزاری فرانسه، معاون بخش خاورمیانه در کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست شوروی، طی بیانیه‌ای بر ضرورت خاتمه بخشیدن به جنگ ایران و عراق تأکید کرد. معاون بخش خاورمیانه در کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست شوروی ضمن بیان اینکه این جنگ هرچه بیشتر دیوانه‌وار می‌گردد موضع دولت شوروی را یادآور گردید و گفت *"این جنگ نیروهای امپریالیست را در منطقه تشویق می‌نماید و ادامه‌ی آن کوشش محافل حکومت در تهران را برای گسترش تماس‌هایشان با آمریکا تقویت می‌کند."*

محکومیت ادامهٔ جنگ توسط کمیسیون خاورمیانهٔ بین‌الملل سوسیالیست

در ادامه‌ی موج محکومیت جهانی سیاست جنگ‌طلبانه‌ی رژیم خمینی؛ کمیسیون خاورمیانه‌ی بین‌الملل سوسیالیست نیز ادامه‌ی جنگ خانمانسوز ایران و عراق را که تنها خمینی خواستار آن است محکوم نمود.

به گزارش خبرگزاری فرانسه؛ این کمیسیون که جهت بررسی اوضاع خاورمیانه در لیسبون پایتخت پرتغال تشکیل شد، روز چهارشنبه ۱۵/بهمن در نشست خود مسئله‌ی جنگ ایران و عراق را بررسی نمود و خواهان قطع فوری آن گردید.

ریاست این جلسه را هانس یورگن ویشنوسکی از رهبران حزب سوسیال‌دمکرات آلمان برعهده داشت.

کشتار پزشکان و دانشجویان رشته‌های پزشکی در جبهه‌های مرگ

رژیم خائن خمینی دانشجویان دانشکده‌های پزشکی و همچنین پزشکانی که دوران خدمت آموزشی را می‌گذرانند با زور و اجبار به جبهه‌های مرگ اعزام می‌کند.

بنا به گزارشات رسیده در دانشکده داروسازی دانشگاه تهران، ایادی خائن رژیم ۵۹نفر از دانشجویان داروسازی را بعنوان دکتر از سر کلاس درس به جبهه‌های جنگ برده‌اند.

کارگزاران جنگ و جنایت خمینی همچنین از پادگان آموزشی صفر–یک (۱ – ۰) ۳۹پزشک که دوران خدمت آموزشی خود را می‌گذراندند به اجبار روانه‌ی جبهه‌های جنگ ضدمیهنی نموده‌اند.

خون‌گرفتن از دانش‌آموزان برای جبهه‌های مرگ

در اواخر دیماه، مدیر خودفروخته‌ی مدرسه‌ی اندرزگو واقع در غرب تهران بنام محمدیان، دانش‌آموزان این مدرسه را برای گرفتن خون بطور دستجمعی به یکی از بیمارستان‌ها برده است.

گزارش رسیده حاکیست درحالیکه پزشکان بیمارستان بعلت ضعف کودکان معصوم اجازه‌ی گرفتن خون از آنها را نداده‌اند، مزدور جنایتکار خمینی تأکید کرده که بایستی از دانش‌آموزان خون گرفته شود چون جبهه‌ها به خون نیاز دارند. در این میان تعدادی از دانش‌آموزان مدرسه از فرصت استفاده کرده و از بیمارستان فرار کردند.

موج آوارگی در شهرهای کشور

در نتیجه‌ی جنگ فاجعه‌بار شهرها که بدنبال تهاجمات تجاوزکارانه‌ی اخیر رژیم خمینی به خاک عراق به نحو بیسابقه‌ای شدت یافته است، میلیون‌ها نفر از مردم ستمدیده‌ی میهنمان در تهران و بسیاری از شهرهای جنوب و غرب کشور خانه و کاشانه‌ی خود را رها کرده با امکانات بسیار محدود آواره‌ی مناطق دیگر شده‌اند.

بنا به گزارشات رسیده، در تهران گروههای زیادی از مردم به منظور درامان‌ماندن از بمباران‌های هوایی از شهر خارج شده و علیرغم سرمای شدید زمستان و محدودیت امکانات در اطراف مناطق کوهستانی بسر می‌برند.

در تبریز، مرکز شهر کاملاً خالی از سکنه شده و بسیاری از مردم این شهر به روستاهای اطراف تبریز و شهرهای دیگر آذربایجان پناه برده‌اند.

در اصفهان، عده‌ای از مردم به کوه و بیابان در خارج اصفهان پناه برده‌اند.

در بروجرد محله‌های مختلف این شهر، منجمله محله‌های میدان شهدا و صوفی توسط مردم تخلیه شده و مدارس نیز تعطیل است.

در مسجدسلیمان مردم، شهر را تخلیه کرده‌اند اما مزدوران رژیم با زور و ارعاب مانع خروج کارمندان بانک‌ها شده‌اند. مزدوران رژیم جنگ‌افروز و میهن‌بربادده‌ی خمینی برای تحت فشار قرار دادن باز هم بیشتر مردم بلادیده‌ی این شهر به آنها گفته‌اند که کوپن ارزا فقط در شهر داده می‌شود.

www.iran-archive.com

اخبار ... و رویدادهای سیاسی

میلیون‌ها دلار از اموال خلق تنها به دلالان اسلحه داده شد

منابع کمیته‌ی اطلاعاتی مجلس سنای آمریکا فاش ساختند که دارودسته‌ی خمینی جنگ‌افروز، میلیون‌ها دلار از سرمایه‌های مردم ستمزده‌ی ایران را برای دریافت سلاح‌های آمریکایی به جیب دلالان و قاچاقچیان اسلحه سرازیر کرده‌اند.

روزنامه‌ی فیلادلفیا اینکوایرر (مورخ ۹/دی) در همین زمینه می‌نویسد: *بنا به گفته‌ی منابع کمیته‌ی اطلاعاتی مجلس سنای آمریکا، رژیم خمینی ۶۴/۷میلیون دلار برای خرید سلاح‌های آمریکایی که بعضی از آنها را هیچوقت دریافت ننمود، به واسطه‌ها پرداخته است. رژیم برای ۵۰۸موشک ضدتانک تاو ارسال‌شده توسط اسرائیل، ۶میلیون دلار پرداخته است. بزرگترین پرداخت رژیم، ۴۱میلیون دلار بوده که در نوامبر/۱۹۸۵ برای موشک‌ها و قطعات هاگ پرداخت شده است. از ۱۲۰ موشکی که رژیم پول آنرا (به واسطه‌ها) پرداخت کرده بود تنها ۱۸ موشک هاگ به ایران تحویل داده شد.*

افشای یک معاملهٔ کلان سلاح بین رژیم خمینی و آمریکا

روزنامه‌ی نیویورک‌تایمز مورخ ۱۳/بهمن طی مقاله‌ای تحت عنوان "معامله‌ی غیرقانونی عظیم اسلحه ایران برای آمریکا شناخته شده بود" از یک معامله‌ی کلان اسلحه بین رژیم خمینی و آمریکا پرده برداشته است. قسمت‌هایی از این مقاله بدین شرح است:

"مطابق مدارک محرمانه و دست‌اندرکارانی که دولت را در جریان گذاردند، مقامات عالی اطلاعاتی پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) بیش از یکسال پیش دریافتند که معامله‌گران خصوصی اسلحه سعی داشتند که بصورت غیرقانونی ۳۹هواپیمای جنگنده‌ی ساخت آمریکا و مقادیر متنابهی از دیگر سلاح‌ها را به ایران ارسال دارند، اما این مقامات این فروش‌ها را متوقف نگردند. این منابع گفتند که این کوشش‌های غیرقانونی اجازه داده شد که ادامه یابند چون مقامات نظامی امیدوار بودند اطلاعات جاسوسی منجمله اطلاعات در مورد ایران و دست‌یابی به تانک‌های روسی پیشرفته که ایران از عراق به غنیمت گرفته بود، بدست آورند...

نام این معاملات پروژه‌ی دماوند بوده و منابع نظامی عراق می‌گویند که از پائیز سال گذشته هواپیماهای اف–۴ بیشتری برای ایران در عملیات شرکت داشته‌اند. ارزش این معامله بیش از یک‌میلیارد دلار بوده است.

این معامله شامل موشک‌های هارپون و سایدواینذر، ۳۹جنگنده‌ی اف–۴ و ۵۰تانک اِم–۴۸ و حداقل ۲۵هلی‌کوپتر تهاجمی می‌شد. دلالان اسلحه می‌گویند مقدار کل سلاح‌های آمریکایی که به ایران داده شد شامل ۱۲,۰۰۰ موشک ضدتانک، ۲۰۰موشک هوا به هوای فینیکس به قیمت بیش از یک میلیون دلار برای هر کدام و ۱۵۰میلیون دلار وسایل یدکی می‌شود. در این مقاله آمده که ایران آمادگی خود را برای معاوضه‌ی تانک تی–۸۰ روسی که در جنگ بغنیمت گرفته را با اسلحه ابراز داشته است."

رژیم خمینی بخشی از سلاح‌های آمریکایی را از کره جنوبی دریافت کرده است

روزنامه‌ی بوستون‌گلوب (۱۲/بهمن): در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) بیست‌وپنج هلیکوپتر... و سیستم آتش موشک‌های تاو که روی آن سوار می‌شود (توسط آمریکا) به کره جنوبی فروخته شد که احتمال می‌رود دولت کره‌جنوبی آنها را به ایران فروخته باشد و به همین خاطر هیئتی قرار است که برای تحقیق به کره‌جنوبی برود. مقامات وزارت خارجه گفته‌اند که یک کشور خارجی ممکن است سیستم موشک تاو را کپی کرده و به ایران یا دیگر کشورها فروخته باشد. یک تحقیق‌گر گفت ما می‌خواهیم بدانیم ایران چگونه نیازهای عظیم خود به سلاح‌های آمریکایی را در چهار سال اول جنگ تأمین کرده است.

حساب‌های بانکی آخوندهای جنایتکار در سوئیس پشتوانهٔ اعتباری معاملات سلاح با آمریکا و اسرائیل

روزنامه‌ی نیویورک‌تایمز مورخ ۱۱/بهمن مطالبی پیرامون معاملات تسلیحاتی رژیم خمینی با آمریکا و اسرائیل و حساب‌های بانکی آخوندهای جنایتکار در سوئیس که پشتوانه‌ی مالی و اعتباری این معاملات بوده منتشر کرده است. در قسمتی از این مقاله آمده است: *"نیمرودی می‌گوید که چون شک داشته قربانی‌فر بتواند ۵۰ میلیون دلار بابت سلاح‌ها بپردازد با او به بانک او یعنی SUISSE CREDIT می‌رود و تایید می‌شود که او به ۱۰۰ میلیون دلار در حساب شرکتی بنام کمپانی نفت ایران که متعلق به دولت ایران است دسترسی دارد. آقای نیمرودی گفت، «قربانی‌فر و سه آیت‌الله دارنده‌ی این حساب بودند»"*

در زمانی که نام اسرائیل را از روی خمپاره‌ها پاک می‌کردند تا آماده‌ی فرستادن به ایران شود، ناگهان قربانی‌فر به اسرائیل آمده و می‌گوید ما الان نیاز به موشک‌های تاو داریم چون با ۲۰۰۰ تانک عراقی روبرو هستیم و خمپاره‌ها را بعداً می‌خریم. او تقاضای ۵۰۰ موشک‌تاو می‌کند.

خمینی روابط تسلیحاتی با اسرائیل را قبل از آمریکا آغاز کرد

روزنامه‌ی نیویورک‌تایمز ۱۲/بهمن‌ماه گزارشی درباره‌ی روابط و همکاری‌های تسلیحاتی رژیم خمینی با اسرائیل منتشر کرده است. در این گزارش آمده است:

"تاجر اسرائیلی که معامله را ترتیب داده است امروز گفت که وزارت دفاع اسرائیل ترتیب دادن فروش ۵۰میلیون دلار اسلحه ساخت اسرائیل را تقریباً دو ماه قبل از اولین درخواست گزارش شده‌ی آمریکا برای کمک اسرائیل به نزدیک شدن به تهران، مورد تایید خود قرار داده بود... مطابق اظهارات تاجر اسرائیلی یعقوب نیمرودی، اسرائیلی‌ها فروش تسلیحاتی خودشان را به ایران تعقیب می‌کردند چون آنها موقعیتی را برای برقراری دوباره‌ی تماس‌ها با عوامل پراگماتیست در بالاترین حلقات قدرت در تهران مشاهده نمودند..." در دنباله‌ی این مقاله آمده است: *"یک مقام عالیرتبه‌ی اسرائیل که نامش فاش نمی‌شود گفت که این امر با گفته‌های قبلی اسرائیل در مورد دخالت در فروش اسلحه به تقاضای آمریکا منافاتی ندارد چون در این معامله صحبت از سلاح‌های اسرائیلی بوده و نه آمریکایی.*

www.iran-archive.com

اخبار ... و رویدادهای سیاسی

پاسداران سرکوبگر خمینی در اهواز مردم اعتراض‌کننده را به گلوله بستند

در جریان یک درگیری خونین میان گروهی از مردم خشمگین و بجان‌آمده با پاسداران سرکوبگر خمینی در اطراف اهواز، پاسداران جنایتکار به روی جمعیت آتش گشودند و تعدادی را کشته و مجروح نمودند.

این حرکت اعتراضی مردمی و مقاومت آنان در برابر پاسداران جنایتکار خمینی در تاریخ نهم بهمن‌ماه جاری در منطقه‌ی میرداوود مابین اهواز و رامهرمز روی داد و طی آن با رگبار پاسداران سرکوب و جنایت خمینی، حداقل ۳ تا ۴ نفر از مردم بیدفاع مظلومانه بشهادت رسیدند و گروهی نیز مجروح شدند.

سفارتخانهٔ پشت‌پردهٔ خمینی دجال در آمریکا

روزنامه‌ی کریستین‌ساینس مانیتور طی مقاله‌ای فاش ساخت که روابط دیپلماتیک رژیم دجال خمینی با آمریکا علیرغم ادعای قطع آن، نه‌تنها طی ۶ سال گذشته هیچگاه قطع نبوده بلکه سرپرست و کلیه‌ی اعضای هیئت دیپلماتیک رژیم خمینی در آمریکا که تعدادشان به دهها نفر بالغ می‌گردد یا دارای تابعیت آمریکایی بوده و یا دارای کارت سبز اقامت دائم می‌باشند. در این مقاله که رادیو آمریکا در ۱۵/بهمن‌ماه ترجمه‌ی آنرا پخش کرد درباره‌ی سفارت رژیم خمینی که تحت عنوان دفتر حفاظت از منافع ایران ظاهراً بخشی از سفارت الجزایر محسوب می‌شود، آمده است که همه‌چیز دفتر حفاظت از منافع ایران به یک سفارتخانه می‌ماند. این دفتر کیلومترها با سفارت الجزایر فاصله دارد و ۳۰ کارمند آن همگی ایرانی‌الاصل هستند. پس از گذشتن از در ورودی با ماموری روبرو می‌شوید که در آنسوی باجه نشسته و مراجعین را با پرسشنامه‌ها به طبقات بالا می‌فرستد و عکس‌های تبلیغاتی رژیم خمینی بر درودیوار نصب شده است. هر چند که کارمندان سعی می‌کنند زیاد در اتاق انتظار آفتابی نشده و از هرگونه پاسخ به سؤالاتی درباره‌ی ارتباطشان با سفارت الجزایر سرباز میزنند.

به نوشته‌ی کریستین ساینس مانیتور اگرچه ممکن است باعث تعجب بسیاری از آمریکائیان شود، اما اینها همه به منزله‌ی دفتر هیئت دیپلماتیک حکومت خمینی در پایتخت آمریکاست و نشانه‌ی دیگری است از اینکه روابط دو کشور برغم نداشتن روابط ظاهری تماسی طی ۶ سال گذشته هیچگاه قطع نشده است.

کریستین ساینس مانیتور در گزارش خود پیرامون روابط مستمر رژیم خمینی با آمریکا که عنوان کنایه‌آمیز: *"آیا برای ایران ویزا میخواهید؟"* را بر آن گذاشته نوشت: نحوه‌ی کار دفتر حافظ منافع ایران نیز خود موضوع جالبی است. اعضای این هیئت همگی متولد ایران هستند اما یا تابعیت آمریکا را دارند و یا دارای کارت سبز اقامت دائم در این کشور هستند. سرپرست این هیئت که رابطه‌ی تنگاتنگی با دولت خمینی دارد شخصی است بنام علی صفدریان که او نیز دارای کارت اقامت دائم در آمریکاست.

نمونه‌ای دیگر از منجلاب روابط رسواشدهٔ خمینی دجال با "شیطان بزرگ"

مجله‌ی الوطن‌العربی (مورخ ۲۷/دی) مصاحبه‌ای با عدنان خشوجی سرمایه‌دار و واسطه‌ای ک مستقیماً دست‌اندرکار معاملات سلاح رژیم خمینی با آمریکا بوده انجام داده است. او در این مصاحبه جزئیات دیگری از سفر مکفارلن به تهران و رسوایی روابط پنهانی رژیم دجال خمینی با آمریکا را فاش نموده است. قسمتی از مصاحبه را در اینجا آورده‌ایم: مکفارلن به آنها تا ساعت ۳ بعدازظهر روز سوم مهلت داد که یا پاسخ لازم را بدهند و یا آنکه مکفارلن تهران را ترک خواهد کرد. پاسخی را که مکفارلن انتظار داشت بکارگیری نفوذ ایران، برای آزادی همه‌ی ۵ گروگان آمریکایی، یکجا بوده است. در اینجا "سیا" وارد خط شد و شخص "ویلیام‌کیسی" اقدام کرده و با پسر رفسنجانی در همان زمانی که مکفارلن در تهران بود تماس گرفت مبادا مکفارلن تهران را با روسیاهی ترک کند. فوراً پسر رفسنجانی را به نزد وی فرستادند و توسط او درخواست هزار موشک "تاو" و یک لیست از یدکی‌های موشک‌های "هاگ" به مقدار ۵ میلیون را دادند و معامله فوراً از طریق پسر رفسنجانی انجام شد، بدون آنکه به نخست‌وزیر ارجاع شود و از پشت سر "رابط ایرانی" کالاها را باز کردند، با قیمت ۸ هزار دلار برای یک قطعه، درحالیکه همان قطعه را به نخست‌وزیر خمینی به ۱۲ هزار دلار می‌فروختند. آمریکایی‌ها معتقد شده بودند که به سرچشمه دست یافته‌اند و رفسنجانی همان کسی است که راه‌حل تهران و رابط مطلوب در آنجاست. آنگاه که جناح‌های دیگر و از جمله جماعت منتظری از این حکایت باخبر شدند قیامت بپا کردند و علیه رفسنجانی نشریاتی منتشر نموده و وی را به اینکه ایران را به آمریکا فروخته است متهم کردند و روانه‌ی سوریه شده و تمامی قضیه را برای آنان نیز باز کردند. در همین وقت آمریکا حملاتی بر ضد سوریه را آغاز کرده بود. در نتیجه سوری‌ها دچار تردید نشده و خبر را منتشر ساختند و نقشه‌ی معاملات، با فضیحت روبرو گردید...

اما پسر رفسنجانی فراری شده و به کانادا سفر کرده است. برای نخست‌وزیر خمینی نیز آشکار شد که بین قسمت‌ها تناسبی وجود ندارد.

نقش کمک‌های تسلیحاتی در تحریص جلاد جنگ افروز جماران برای تهاجم به بصره

روزنامه‌ی واشنگتن‌پست طی مقاله‌ای به تاریخ ۷/بهمن تحت عنوان: *"سلاح‌های آمریکایی در ایران دیده شدند"*، نقش سلاح‌های دریافتی خمینی از آمریکا را در تهاجم تجاوزگرانه و شکست‌خورده‌ی او به بصره که حدود ۱۵۰ هزار تلفات برای رژیم بجای گذاشت مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله که گویا قبل از شکست این تهاجمات جنایتبار نوشته شده آمده است: *"کارشناسان نظامی در اینجا می‌گویند که ایران از سلاح‌ها و قطعات یدکی ارسالی از آمریکا در حمله‌ی نسبتاً موفقیت‌آمیزش در بصره استفاده نموده. بررسی دقیق فیلم‌های جبهه که از تلویزیون پخش می‌شود و گوش کردن به جزئیات حملات از جانب سربازان، کارشناسان را متقاعد کرده که نیروهای ایرانی قابلیت خوبی در جنگ‌های ضدتانک، ضدهوایی و استفاده از هلیکوپترهای توپدار کبری از خود نشان داده‌اند. کسانی که اخیراً از جبهه دیدن کرده‌اند می‌گویند که دهها تانک ازکارافتاده‌ی عراقی تقریباً منفجر شده‌اند که کار آر.پی.جی و بازوکا نمی‌تواند باشد. ایران همواره از هلیکوپترهای کبری استفاده کرده اما استفاده‌ی بسیار وسیع از این هلیکوپترها در جبهه‌ی بصره نشان می‌دهد که بسیاری از این هلیکوپترها که بخاطر عدم وجود قطعات یدکی از کار افتاده بودند حالا دوباره قابل استفاده هستند."*

www.iranarchive.com

اخبار ... و رویدادهای سیاسی

فاجعهٔ تلخ و مرگبار محاصرهٔ غذایی آوارگان فلسطینی توسط گروه مزدور امل با حمایت خمینی، اسرائیل و سوریه

به گزارش خبرگزاری‌ها محاصره‌ی چندین ماهه‌ی غذایی و دارویی اردوگاههای آوارگان فلسطین در لبنان توسط گروه مزدور امل، جان هزاران آواره‌ی فلسطینی ساکن این اردوگاهها را بطور جدی در معرض مرگ قرار داده است.

مزدوران امل که از جانب رژیم خمینی، سوریه و اسرائیل حمایت می‌شوند علاوه بر اینکه از اواسط مهرماه گذشته راه رسیدن آذوقه به اردوگاههای آوارگان فلسطینی را بسته‌اند، به گلوله‌باران و توپ‌باران جنایتکارانه‌ی اردوگاههای مزبور نیز ادامه می‌دهند.

گزارش خبرگزاری‌ها حاکی است که شرایط زندگی برای آوارگان فلسطینی بدلیل فقدان مواد غذایی بشدت وخامتبار شده است. بطوریکه هم‌اکنون ۱۷ هزار آواره‌ی فلسطینی در اردوگاه رشیدیه و ۲۰ هزار آواره‌ی ساکن اردوگاه برج‌البراجنه در خطر مرگ قرار گرفته‌اند.

در همین رابطه یک رهبر فلسطینی در برج‌البراجنه از رهبران مذهبی در بیروت خواست اجازه‌ای صادر کنند که آوارگان ساکن این اردوگاه برای سدجوع و جلوگیری از مرگ بر اثر گرسنگی، بتوانند از گوشت اجساد کشته‌شدگان استفاده کنند.

خبرگزاری رویتر نیز روز ۱۹/بهمن، به نقل از پزشکان خارجی که در اردوگاه برج‌البراجنه مستقر هستند، گزارش داد که برخی از آوارگان فلسطینی ساکن در این اردوگاه، برای زنده ماندن خوردن گوشت سگ و گربه را آغاز کرده‌اند.

از سوی دیگر ابوجهاد معاون فرمانده‌ی کل انقلاب فلسطین که درحال حاضر در بغداد مستقر است طی مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی الاتحاد (۱۷/بهمن) با اشاره به اینکه اردوگاههای آوارگان فلسطینی در شرایط خفه‌کننده‌ای بسر می‌برند گفت که فلسطینی‌ها به تعهدات خود در مقابل شکستن محاصره‌ی اردوگاهها وفادارند. اما مزدوران امل به هیچیک از تعهدات خود در برداشتن محاصره‌ی اردوگاهها عمل نکرده‌اند.

در همین حال "نَبیه بری" رئیس باند امل، بمناسبت هشتمین سالگرد حاکمیت شوم و ننگین دجال جنگ‌افروز جماران، پیام‌هایی برای وی و دارودسته‌ی جنایتکارش فرستاد.

رادیوی رژیم (۱۹/بهمن) خبر ارسال پیام رئیس باند امل برای سران ارتجاع را با آب‌وتاب پخش کرد و گفت که این پیام‌ها به سفارت رژیم در بیروت تسلیم شده است.

رادیو فلسطین: رژیم خمینی طعمهٔ کینه‌توزی و تجاوز خود شد

رادیو فلسطین ۱۳/بهمن طی تفسیری درباره‌ی تجاوزات شکست‌خورده‌ی اخیر خمینی به خاک عراق گفت: نیروهای خمینی در شرق بصره نابود شدند و آرزوی خمینی در رسیدن به بصره با همه‌ی سلاح‌های امپریالیستی و صهیونیستی که دریافت کرده بود، ناکام ماند.

رادیو فلسطین با تأکید بر اینکه رژیم دجال جنگ‌افروز جماران، مدت‌هاست که خصیصه‌ی توسعه‌طلبی و تجاوزکاری خود را بروز داده، افزود: *"رژیم جنایتکار خمینی، در آتشی که شعله‌ور کرده بود سوخته و طعمه‌ی کینه‌توزی خود گردید".*

بنگاه خصوصی چپاول خامنه‌ای و رفسنجانی

درحالیکه رژیم قرون‌وسطایی خمینی پذیرش دانشجو در دانشگاههای کشور را با مشکلات و محدودیت‌های بسیار جدی مواجه ساخته است، دانشگاه باصطلاح آزاد ضداسلامی که زیر نظر مستقیم رفسنجانی و خامنه‌ای بطور خصوصی اداره می‌شود ضمن پذیرش دانشجو با دست بازتر به مرکز و محمل مناسبی جهت غارت و چپاول مردم تبدیل شده است.

در همین رابطه شهریه‌ی این باصطلاح دانشگاه بطور صعودی رو به افزایش است، بطوریکه شهریه‌ی هر "واحد عملی" بیش از ۲ برابر افزایش یافته و از ۳۵۰ تومان به ۸۰۰ تومان رسیده است.

کارگزاران خائن رژیم در این مرکز غارت و چپاول همچنین بابت انصراف دانشجویان از ادامه‌ی تحصیل، در ازای هر ترم تحصیلی مبلغ ۱۰ هزار تومان مطالبه می‌کنند.

بنا به آمار منتشره توسط رژیم خمینی، با احتساب دانشجویان تک‌درس، شمار کل دانشجویان این باصطلاح دانشگاه در سراسر کشور به ۱۰۰ هزار نفر می‌رسد.

شایان ذکر است که خامنه‌ای دزد و جنایتکار چندی پیش در سالگرد تاسیس این مرکز غارت و چپاول اعتراف کرد که این مؤسسه با ۳میلیارد تومان سرمایه‌ی اولیه سه سال پیش براه افتاده است. وی بدون اینکه به منبع اصلی این سرمایه‌ی عظیم اشاره کند تنها به ذکر این نکته اکتفا کرد که راه‌انداختن این مرکز به توصیه‌ی مستقیم رفسنجانی و با تایید کامل خمینی صورت گرفته است.

تا یک قطره خون، یک خانه یا آجری روی آجر باقیست!!

موسوی نخست‌وزیر جنایتکار خمینی طی مصاحبه‌ای در روز ۱۹/بهمن با اشاره به پیام دژخیم جماران که در آن بار دیگر بر ادامه‌ی خونریزی و تجاوز تأکید شده و نعره‌های شوم جنگ‌جنگ سرداده بود به تشریح سیاست کشتار، تجاوزگری آشکار و مرگ و نابودی که رژیم پلید برای مردم ایران تدارک دیده پرداخت و گفت: *"این پیام بیان‌کننده‌ی خط‌مشی بسیار روشن نظام... در زمینه‌ی مقاومت تا آخرین خانه، آخرین نفس و آخرین قطره‌ی خون برای سرکوب متجاوزین است و تا آجری بر روی آجر است خواهیم ایستاد."*

وی افزود: *"پیام اخیر خمینی پیام صدور انقلاب بود و سیاست خارجی ما همچنان بر این اصل اصیل تکیه داشته و خواهد داشت... امروز هدفمان اگر چه دفع تجاوز و تنبیه رژیم جنایتکار عراق است اما در باطن و اصل، می‌خواهیم به یاوه‌گویی ابرقدرت‌ها که می‌گویند این جنگ نباید پیروز داشته باشد مشت بکوبیم."*

ورشکستگی اقتصادی رژیم خمینی

بنا به گزارشات موثق، درآمد ارزی رژیم متزلزل و ورشکسته‌ی خمینی طی ۸ ماهه‌ی اول سال جاری، تنها ۲ میلیارد دلار بوده است و رژیم جنگ‌افروز خمینی تلاش دارد با به‌تاراج‌دادن ثروت‌های ملی ایران منجمله نفت درآمد این رژیم را تا پایان سال جاری به ۴میلیارد دلار برساند.

در عین حال اخبار دریافتی حاکیست که تا پایان آذرماه گذشته میزان استقراض دولت از بانک مرکزی که بیانگر کسر بودجه‌ی دولت ضدمردمی است به رقم ۱۵۵ میلیارد تومان رسیده است.

استقراض از سیستم بانکی در شرایط محدودیت درآمدهای ارزی و ورشکستگی اقتصادی به معنای انتشار اسکناس بدون پشتوانه و غارت باز هم بیشتر درآمدهای مردم از طریق کاهش ارزش پول در گردش می‌باشد.

www.iran-archive.com

اخبار ... و رویدادهای سیاسی

دجالگری رسوا و مفتضح خمینی خون‌آشام

یزید پلید و آبروباخته‌ی جماران، روز سه‌شنبه ۲۱/بهمن در منتهای افلاس و درماندگی و در پاسخ به اوجگیری خشم و تنفر عمومی از جنگ ضدمیهنی و ابعاد سرسام‌آور تلفات آن به صحنه آمد و از به کشتن دادن و ریختن جوانان کشور در تنور جنگ ضدمیهنی‌اش، ابراز شادمانی و لذت نمود. اهریمن خون‌آشام جماران، با بکار بردن کلمه‌ی "اسلام" بعنوان نام مستعار خود و رژیم منحوسش بی‌اعتنا به جان میلیون‌ها کشته و مجروح و آواره و معلول جنگ خانمانسوز و میهن‌بربادده گفت: "*کشتن و کشته‌شدن (هست)... وقتی انگیزه برای اسلام* (یعنی همان رژیم ضداسلامی و ضدبشری خمینی) *شد، دیگر لذت دارد، نه غم.*"

جلاد جنگ‌افروز جماران، سپس جنگ تجاوزکارانه و جنایتکارانه‌اش را که اکنون همگان می‌دانند اسلحه و مهمات آن از اسرائیل و آمریکا می‌رسد خائنانه "جهاد در راه اسلام" خواند. خمینی جنایتکار در سخنان خود، مخالفت گسترده‌ی مردم ایران علیه جنگ ضدملی، ضدمردمی و ضداسلامی‌اش را که در موارد متعدد به تظاهرات و حرکات اعتراضی انجامیده و موج فرار از جبهه‌ها و غیبت مشمولین و همچنین فرار هموطنان به خارج کشور را گسترش داده، "استثناء" خواند و افزود که عموم مردم دارند با شور و شوق بطرف مرگ می‌روند البته استثناء هم دارد، در همه‌جا استثناء هست، در زمان رسول‌الله هم استثناء بود.

اینجاست که به گفته‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی باید از این پیرکفتار خون‌آشام پرسید که اگر دروغ نمی‌گویی که حکومت تو هواداران بیشمار دارد و مردم هوادار آن هستند چرا با اینهمه دستگیری (باز) هم به سربازگیری اجباری دست می‌زنی؟

چرا محصل‌های مدارس را از سر کلاس‌های درس به اجبار و بعنوان گوشت دم توپ به میدان‌های مین می‌فرستی؟

آیا نمونه‌ای هست که رسول‌اکرم یا علی علیه‌السلام به سربازگیری اجباری دست زده باشند؟

یزید پلید جماران که از درون پناهگاههایی که با صرف صدها و هزارها میلیون دلار برای خود و مزدوران درجه‌اولش ساخته سخن می‌گفت: بار دیگر نعره‌ی جنگ‌جنگ سر داد و درباره‌ی مصائب میلیون‌ها هموطنی که آنها را بی‌دفاع در معرض آتش جنگ و بمباران قرار داده، گفت: "*اینها از همان زیر آوارها که درمی‌آیند حرفشان این است که ما باید تا پیروزی جنگ کنیم.*"

خمینی جنگ‌افروز و خون‌آشام سپس با افلاس و درماندگی و ملتمسانه از مواجب‌بگیرانی که بعنوان "میهمانان خارجی" برای نمایشات تبلیغاتی موسوم به دهه‌ی‌فجرش به تهران آورده خواست تا در نجات رژیم وی از انزوای شدیدی که در سطح منطقه و در سطح بین‌المللی بدان دچار شده به وی کمک کنند.

شایان ذکر است چندی پیش یکی از مزدوران خود رژیم درباره‌ی ین باصطلاح میهمانان خارجی که مزدوران مواجب‌بگیر و مدیحه‌سرای خمینی هستند گفته است: در دنیا دربدر بدنبال عده‌ای بقال و چغال ی‌رویم، دستشان را می‌بوسیم خرجشان می‌کنیم و آنها را دعوت ی‌کنیم اینجا بعنوان امام‌جمعه و بعد هم می‌روند به ما فحش ی‌دهند.

اولین شرط برای عادی‌سازی روابط فرانسه و ایران

بدنبال مسافرت مزدوری بنام علی آهنی به فرانسه جهت ادامه‌ی مذاکرات عادی‌سازی روابط بین فرانسه و ایران، خبرگزاری فرانسه به نقل از نخست‌وزیر فرانسه (ژاک‌شیراک) روز پنجشنبه ۱۹/بهمن اعلام نمود: "*از زمانی که ما مسئله‌ی حضور اپوزیسیون رژیم ایران در سرزمینمان را حل کردیم مذاکرات بین پاریس و تهران فقط روی یک نکته است: اختلاف مالی. بنظر می‌رسید که آقای شیراک یکی از خواسته‌های مطرح گردیده در هفته‌ی گذشته توسط علی آهنی نماینده‌ی وزیر خارجه‌ی ایران را رد می‌کند. او یادآور شده بود که اولین شرایط مطرح گردیده توسط تهران برای عادی‌سازی «مسئله‌ی مخالفین ایرانی و امکاناتی که در اختیار آنها قرار گرفته می‌باشد»*. آقای شیراک روز پنجشنبه تأکید نمود که *این مسئله حل گردیده و حالا دیگر فقط صحبت از اختلاف مالی می‌باشد...*"

سابقهٔ پشتیبانی استعمارکهنه از خمینی

نشریه‌ی التضامن (مورخ ۱۰/دی) می‌نویسد یک روزنامه‌نگار سیاسی و کارشناس شوروی در امور خاورمیانه می‌گوید که وی طی بررسی‌های خود بدین نتیجه رسیده است که انگلیس در پشت انقلاب خمینی قرار داشته است.

تماس‌های مقامات کاخ سفید با رأس رژیم خمینی

روزنامه‌ی نیویورک‌تایمز ۲۰/بهمن نوشت: "*دستیاران بوش، معاون ریاست‌جمهوری (آمریکا)، امروز اظهار داشتند که دیگر مقامات عالیرتبه در کاخ سفید، تابستان گذشته خبر داشتند که تماس‌ها با عوامل افراطی، و نه میانه‌رو، در ایران برای کسب آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان در جریان بوده است.*"

خط تماس تلفنی مستقیم بین خمینی و ریگان

رادیو ارتجاع روز سه‌شنبه ۲۱/بهمن به نقل از آسوشیتدپرس گفت: "*دولت پرزیدنت رونالد ریگان پس از ماهها پافشاری بر اینکه تنها با جناح‌های میانه‌رو در ایران معامله کرده است، دیروز اعتراف کرد که «...مسئله‌ی میانه‌روها و رادیکال‌ها تفاوتی نسبی برحسب شرایط است و سعی ما در برقراری رابطه با برخی عناصر مطلوب برای آمریکا بود* (که طبعاً نمی‌تواند کسانی به‌غیر از خود خمینی و رفسنجانی مورد نظر باشند). *حال شما می‌توانید آنها را میانه‌رو یا هر چیز دیگر بنامید.*»

از طرف دیگر خبرگزاری رویتر در تاریخ ۲۲/بهمن اظهارات ملیجک دربار خمینی در نمایش روز ۲۲/بهمن را چنین مخابره کرد: "*هاشمی رفسنجانی به گروهی از میهمانان خارجی اظهار گرد، آمریکا کوشش می‌کرد که با رهبر ایران چند روز قبل تلفنی تماس بگیرد و به این جهت یک خط مستقیم تلفن برای ریگان اختصاص داده شد. وی گفت واشنگتن پیش‌آهنگ صحبت با کسی شد که «دقیقاً او را می‌شناسد» رفسنجانی گفت، آنها به ما شماره‌تلفنی دادند و گفتند می‌توانید هر وقت که بخواهید مستقیماً با پرزیدنت ریگان صحبت کنید.*"

www.iran-archive.com

اخبار ... و رویدادهای سیاسی

تلاش‌های رسوا و مذبوحانهٔ خمینی دجال درقبال اعتراضات مردم بجان‌آمده علیه جنگ ضدمیهنی

بدنبال اوجگیری اعتراضات مردم بجان‌آمده علیه رژیم جنگ‌افروز خمینی که همچنان بر ادامه‌ی جنگ خانمانسوز اصرار می‌ورزد، ننگین‌نامه‌ی جمهوری تلاش کرد تا اتحاد شوروی را مسئول جنگ شهرها و کشته و مجروح‌شدن مردم بیگناه قلمداد کند.

روزنامه‌ی حزب منفور چماقداران خمینی در سرمقاله‌ی روز سه‌شنبه ۱۴/بهمن خود، شوروی را شدیداً مورد حمله قرار داد که مسئول خانه‌خرابی و کشته و مجروح شدن مردم بیگناه است.

روز پیش از آن نیز در پی شکست فضیحت‌بار رژیم در تهاجم ضدکربلای۵ که به گزارش خبرگزاری‌ها بیش از ۱۵۰هزار تلفات بجای گذاشت، رژیم جنایتکار خمینی در سوزوگداز از گسترش روزافزون پایگاه مجاهدین در بین مردم و پیروزی‌های فزاینده‌ی مقاومت در سطح بین‌المللی با صدور اطلاعیه‌های مسخره‌ای توسط ستاد تبلیغات جنگ درصدد برآمده بود که با وقاحت و بلاهت تمام گناه بمباران‌های متقابل شهرها را به گردن مجاهدین بیاندازد. این اتهام وقیحانه با واکنش سازمان مجاهدین مواجه گردید و دفتر مجاهدین خلق در پاریس علل متوسل شدن رژیم درمانده‌ی خمینی به این شیوه‌ی احمقانه و رسوا را برملا کرد.

تهاجم رژیم خمینی به جزیرهٔ فاو بر اساس اطلاعات نظامی دریافتی از آمریکا انجام گرفت

روزنامه‌ی کریستین‌ساینس‌مانیتور مقاله‌ای درباره‌ی روابط اطلاعاتی رژیم خمینی با آمریکا درج کرده و در آن به بخش‌هایی از گزارش کمیته‌ی اطلاعاتی مجلس سنای آمریکا استناد نموده است. بخش‌هایی از گزارش کریستین‌ساینس‌مانیتور که در برنامه‌ی ۱۳/بهمن‌ماه رادیو آمریکا پخش شده بقرار زیر است:

"برطبق گزارش کمیته‌ی اطلاعاتی مجلس سنا، کارکنان کاخ سفید علاوه بر تأمین موشک‌های ضدتانک تاو و قطعات شدیداً مورد نیاز نیروهای تضعیف‌شده‌ی ایران، به مقامات اطلاعاتی ایالات‌متحده دستور دادند که اطلاعاتی پرارزش را به نشانه‌ی حسن‌نیت ایالات‌متحده در قبال ایران در اختیار منوچهر قربانی‌فر دلال ایرانی اسلحه قرار دهند..." کریستین‌ساینس‌مانیتور می‌نویسد *"جزئیات تازه‌ی اطلاعاتی که سازمان‌های اطلاعاتی ایالات‌متحده در اختیار رژیم اسلامی قرار داده‌اند در گزارش کمیته‌ی اطلاعاتی مجلس سنا درباره‌ی ماجرای پرجنجال معامله‌ی تسلیحاتی ایالات‌متحده با ایران و ارسال سود حاصل از آن برای شورشیان ضددولتی نیکاراگوئه که هفته‌ی پیش انتشار یافت به تفصیل منعکس شده است. این گزارش تاکنون مفصل‌ترین اطلاعاتی است که درباره‌ی این ماجرا انتشار یافته است. برطبق این گزارش الیورنورث به منوچهر قربانی‌فر دلال ایرانی اسلحه قول داد که ایالات متحده اطلاعات جنگی مورد نیاز ایران درباره‌ی مواضع عراق در جبهه‌ی جنگ را در اختیارش قرار خواهد داد. بنا به این گزارش بر طبق نقشه‌ای که سرهنگ نورث در سر داشت قرار شد در ۲۶/ژانویه/۱۹۸۶ در اروپا اطلاعاتی بعنوان نمونه به منوچهر قربانی‌فر داده شود. بنا به گزارش کمیته‌ی اطلاعاتی مجلس سنا جان‌مک‌مانن نایب‌رئیس پیشین سازمان اطلاعات مرکزی C.I.A شدیداً با دادن اطلاعات به ایران مخالفت کرد اولاً به این خاطر که منوچهر قربانی‌فر فرد قابل‌اعتمادی نبود و دوم به این دلیل که این اطلاعات ایران را در جنگ یاری می‌داد با وجود این مخالفت‌ها بر طبق گزارش، اطلاعات جمع‌آوری و به منوچهر قربانی‌فر داده شد دو هفته پس از آن در دهم فوریه/۱۹۸۶ نیروهای ایرانی جنوب عراق را مورد حمله‌ی عمده قرار دادند و بندر نفتی استراتژیک فاو را تصرف کردند. این روزنامه می‌نویسد که ایرانیان ظاهراً از اطلاعاتی که C.I.A در اختیارشان قرار داده بود قدردانی کردند. برطبق گزارش سنا، در اواسط ماه مارس ایرانیان با ارائه‌ی فهرستی به مقامات C.I.A خواستار دریافت یک سلسله‌اطلاعات در مورد عراق شدند. بنا به گزارش مجلس سنا، مقامات اطلاعاتی آمریکا در پاسخ به این درخواست، در ماه مه نوشته‌هایی به ایرانیان تحویل دادند. گزارش سنا طبیعت این نوشته‌ها را روشن نمی‌سازد. به نوشته‌ی این روزنامه سومین محموله‌ی اطلاعاتی در اکتبر سال ۱۹۸۶ به یکی از واسطه‌های ایرانی تحویل داده شد... رژیم خمینی پیش از این اطلاعات، از دریافت قطعات یدکی سیستم موشکی ضدهوایی پیشرفته‌ی هاگ ساخت آمریکا بهره برد. گذشته از آن، بر اثر کوشش‌های پنهان ایالات متحده، رژیم اسلامی به بیش از ۲۰۰۰موشک ضدتانک تاو دست یافت. تحلیل‌گران در خاورمیانه گفته‌اند که ارسال سلاح‌های تازه و قطعات یدکی از ایالات متحده به ایران در حمله‌ی جاری ایران به بصره نقش مهمی ایفا کرده است."*

بدنبال افشای گزارش فوق درباره‌ی همکاری‌های اطلاعاتی رژیم خمینی و آمریکا آسوشیتدپرس در تاریخ ۱۴/بهمن گزارش داد که: *سفیر عراق در واشنگتن در یک مصاحبه‌ی تلفنی با آسوشیتدپرس، ناراحتی کشور متبوع خود را از دادن اطلاعات جاسوسی توسط آمریکا به ایران در اوایل ۱۹۸۶، اعلام کرد. وی اینگونه اطلاعات را خطرناکتر از دادن اسلحه دانست.*

این اطلاعات در اواخر ژانویه و اوایل فوریه به ایران داده شد و ایران در ۹/فوریه حمله‌ی خود را برای تسخیر فاو آغاز نمود.

نوجوانانی که از جهنم خمینی گریخته‌اند

به گزارش خبرگزاری فرانسه (۱۵/بهمن): *"کمیته‌ی بشردوستانه‌ی کاپ‌آنامور در آلمان‌غربی از دولت بن خواست که اجازه دهد ۵۰۰نوجوان ایرانی ۱۳ تا ۱۸ساله که از سربازگیری برای جنگ در کشورشان فرار کرده‌اند و در ترکیه وضعیتشان نامتعین است به آلمان‌غربی پذیرفته شوند. این کمیته اعلام نمود که این ایرانی‌های جوان بدون پول و پاسپورت یا کارت هویت به ترکیه فرار کرده‌اند زیرا این مدارک در صورتی به آنها داده می‌شود که وظایف نظامی‌شان را انجام داده باشند.*

این بیانیه خاطرنشان ساخت که تعدادی از این پناهندگان که با پای پیاده از کوههای آذربایجان آمده بودند توسط پلیس ترکیه برگردانیده شده و توسط نیروهای امنیتی ایران اعدام گشتند.

به گفته‌ی کمیته‌ی کاپ‌آنامور، تعداد ایرانی‌های پذیرفته شده در کشورهایی چون آلمان‌فدرال و فرانسه به فقط چند نفر طی ماههای اخیر تقلیل یافته است..."

www.iran-archive.com

اخبار ... و رویدادهای سیاسی

وقتی که پادوهای مستخدمین سیا درد "وطن" و "استقلال" می‌گیرند ...!!

بعد از برملا شدن جزئیات استخدام بقایای دیکتاتوری ننگین سلطنتی توسط سازمان سیا که ضمن آن برخی مهره‌ها و جاسوس‌های استعماری نظیر شاهین فاطمی بطرز بسیار مفتضحانه‌ای رسوا و بلامصرف گردیدند، بنظر می‌رسد که نوبت به برخی پادوهای دست دوم نظیر علیرضا نوری‌زاده قلم‌بمزد نشریات بقایای رژیم فاسد شاه در خارج کشور رسیده است. مزدور نامبرده در مصاحبه‌هایی که طی روزهای ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ بهمن‌ماه جاری از رادیو صدای آمریکا پخش گردید، از یکطرف با زدن به نعل و به میخ و با چرب‌زبانی‌های مشمئزکننده در قبال باندهای درونی ارتجاع حاکم به ابراز امیدواری نسبت به آینده‌داری رژیم متزلزل خمینی پرداخت و از طرف دیگر تقلای مذبوحانه و مضحکی بعمل آورد تا مجاهدین را بحساب خواب‌های پنبه‌دانه‌ی ارتجاعی و امپریالیستی، جریانی نابودشده و فراموش‌شده وانمود نماید. مثلاً وی راجع به آینده و نقش مجاهدین گفت: *"احتمال دارد در ائتلاف با نیروهای دیگر، مجاهدین بار دیگر اسمشان در ایران شنیده بشود"*!! اما معلوم نبود که اگر مجاهدین اینقدر فراموش‌شده هستند پس چرا مزدورانی نظیر او برای حمله به آنان اینطور خود را صدپاره می‌کنند و پیوسته بمنظور لجن‌پراکنی علیه آنان آسمان و ریسمان را بهم می‌بافند!؟

نوری‌زاده معلوم‌الحال درحالیکه هم خشم و سوزش حسرت‌بدلان رژیم مدفون شاه و هم خواب‌های پنبه‌دانه‌ی آخوندهای خمینی‌صفت در اظهاراتش موج می‌زد، با بلاهت بخصوصی راجع به سازمان پولادین مجاهدین خلق ایران که قدرت و انسجام و انضباط و تحرک شگرف داخلی و بین‌المللی آن چشم جهانیان را خیره کرده است گفت: *"به اعتقاد من سازمان مجاهدین خلق آن انضباط سازمانی و تشکیلاتی را که داشتند بکلی از دست داده‌اند و بگفته‌ی خودشان با کشته شدن ۳۰، ۴۰، ۵۰هزار نفر حتی از ساده‌ترین هوادارانشان دیگر در ایران به اعتقاد من قدرتی بحساب نگی‌آید."* مزدور نامبرده که رزق و روزی‌اش توسط جیره‌خواران و مستمری‌بگیران مرخص‌شده‌ی سازمان‌های جاسوسی اجنبی تأمین می‌شود، در این اثنا ناگهان درد "وطن" هم گرفته و با دخیل‌بستن به کدهای افشا شده و حربه‌های زنگ‌زده‌ی امپریالیستی ــ ارتجاعی علیه مجاهدین می‌گوید: *"رفتن آقای رجوی به عراق و مستقر شدن سازمانش در آنجا عملاً سازمان را در برابر رژیم، از نظر معنوی و ادبی هم ضربه‌پذیر کرده... امروز مسئله‌ی وابستگی مستقیم به عراق نیز پشت سر آنها چسبیده"*.

البته وقتی که چماقدارانی مثل هادی غفاری و اراذل فاسدی مثل ناطق‌نوری و دژخیمانی مثل لاجوردی شغل خودشان را "ارشاد" بنامند و اسم شکنجه‌گاه اوین را هم "دانشگاه اوین" بگذارند آنوقت کاملاً طبیعی است که جاسوس‌ها و پادوهای استعماری مثل شاهین فاطمی و علیرضا نوری‌زاده هم از "معنویت" و "ادب" و "میهن‌پرستی" دم بزنند!! و به مجاهدین مارک "وابستگی" بزنند. بدیهی است که خشم و غیظ جاسوس‌ها و پادوهای سرویس‌های استعماری باعث افتخار و سرافرازی ملی و انقلابی مجاهدین است.

جالب اینکه علیرضا نوری‌زاده درحالیکه ادعا می‌کرد مجاهدین فراموش‌شده هستند و فقط "احتمال" دارد که در صورت "ائتلاف با نیروهای دیگر" تازه "اسمشان در ایران شنیده شود"؛ حتی چند لحظه نیز نتوانست بر ادعای سخیف و مسخره‌اش باقی بماند و افزود که: *"من نمی‌خواهم حکم قطعی صادر بکنم. خیلی‌هاشان جوانان پرشور و وطن‌پرست و عاشق ایران هستند که بهرحال با تخصص‌شان در فردای ایران باید نقشی بعهده بگیرند. ولی اینکه بعنوان یک سازمان بیاید و قدرت را در دست بگیرد، من به‌شخصه با نگاهی که می‌کنم. بعلت دانش و بینشم (!!) من چیزی نمی‌بینم برایشان"*. بجا بود که علیرضا نوری‌زاده بجای "دانش و بینش" از مقولات "جیره و مستمری" صحبت می‌کرد! که هم درماندگی و پرت‌وپلاگویی وی در اظهاراتش را تبیین می‌کند و هم هراس روزافزون امثال او از به قدرت رسیدن یک جانشین مردمی و انقلابی در ایران را قابل فهم می‌سازد.

نکته‌ی دیگر اینکه نوری‌زاده در شرایطی ادعا می‌کند که مجاهدین فراموش شده‌اند و انضباط و تشکیلاتشان را "بکلی" از دست داده‌اند؛ که خمینی و سردمداران رژیمش در زیر ضربات سیاسی و نظامی مجاهدین پیوسته زوزه می‌کشند و رفسنجانی در وحشت از مجاهدین و ضربات آنان تصریح می‌کند که: *"جاده‌ها همه زیر نظر است. معبرها همه زیر نظر است، در شهرها مجاهدین، عناصر اصلی جنگ را زیر نظر دارند. مسافرت اینها رفت‌وآمدهای اینها و برنامه‌ی زندگی اینها را زیر نظر دارند، دکترها را زیر نظر دارند. بیمارستان‌ها را زیر نظر دارند، کامیون‌ها را زیر نظر دارند، پمپ‌بنزین‌ها را زیرنظر دارند..."*

یادآوری می‌کنیم که علیرضا نوری‌زاده پادوی بقایای رژیم مدفون سابق چندین سال است که در ورق‌پاره‌های بقایای دیکتاتوری ننگین سلطنتی در خارج کشور با رکیک‌ترین کلمات ویژه‌ی دربار فاسد شاه، مجاهدین و رهبری آنان را مورد حمله قرار می‌دهد. این مزدور ضدخلقی در مقطع انقلاب درونی مجاهدین که ارتجاع و استعمار مرتباً خواب‌های پنبه‌دانه در مورد متلاشی شدن مجاهدین می‌دیدند، چندین هفته درشت‌ترین تیتر ننگین‌نامه‌ی پست ایران را به انتشار خزعبلاتی در این زمینه اختصاص می‌داد و قبل و بعد از آن نیز همواره لجن‌پراکنی علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت را بعنوان وظیفه‌ی اصلی‌اش دنبال می‌نمود. فی‌المثل برحسب خط پیشبرد و جاانداختن کدهای امپریالیستی ارتجاعی، در صفحه‌ی اول شماره ۱۷۳ همان ننگین‌نامه (مورخ اسفند/۶۳) با وقاحتی نظیر خمینی و اراذل حکومت او ادعا نمود که "مجاهدین یاران خود را شکنجه دادند" همچنین وقتی که مجاهدین و شورای ملی مقاومت مواضع احمد مدنی جاسوس و مواجب‌بگیر رسواشده‌ی استعمار را برملا می‌کردند، علیرضا نوری‌زاده در شماره۱۶۳ مورخ نیمه‌ی اول نوامبر/۱۹۸۳ ننگین‌نامه‌ی پست ایران نوشت: *"بالاخره حضرات خلقی شرم و حیا را کنار گذاشتند و صاف و پوست‌کنده علیه کسانی که به جز به ایران و استقرار حاکمیت ملی در وطن رنج‌کشیده و در زنجیر، نمی‌اندیشند!!، شروع به عداوت و سمپاشی کردند... مدنی که مؤمن به خط جبهه‌ی ملی و مصدق است بدیهی است نمی‌تواند با کسانی که از "ملت‌های ایران" سخن می‌گویند و برای رسیدن به هدف‌هایشان هر وسیله‌ای را جایز می‌دانند همراهی کند."*

حال که جزئیات پول گرفتن احمد مدنی و همپالکی‌هایش و اعترافات خود او برملا شده و حال که با افشاء جزئیات پشت پرده، بیشتر روشن شده که بقایای دیکتاتوری ننگین سلطنتی جز جاسوسان استخدام‌شده و عوامل اجیرشده‌ای علیه مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران نبوده‌اند؛ خیلی خوب معلوم می‌شود که چگونه مبلغان کدهای ضدمجاهدی و پادوها و همپالکی‌هایشان سر در یک آخور امپریالیستی داشته‌اند! ولی به یمن مقاومت ظفرنمون مسلحانه و انقلابی جز حسرت و سوختن و آبروباختن ابدی نصیبی نبرده‌اند...

www.iran-archive.com

اخبار ... و رویدادهای سیاسی

افزایش خودکشی
پی‌آمد دیگری از حاکمیت سیاه و ننگین خمینی

فقر، گرانی، گرسنگی، اختناق و مصائب و فشارهای عصبی ناشی از جنگ ضدمیهنی و مزاحمت‌های مزدوران سرکوبگر رژیم خمینی، باعث افزایش چشمگیر موارد خودکشی در میان مردم ستمدیده و خمینی‌زده‌ی میهنمان شده است.

بنا به گزارشات رسیده در شهریورماه سال جاری یک خانم خانه‌دار در اصفهان که با ۵۰تومان پول و مراجعه به چندین قصابی موفق به خرید مقدار اندکی گوشت نشده بود، بخانه بازگشته و با ریختن سم در غذا باعث می‌شود که خودش، شوهرش، مادرشوهرش و ۴فرزندش کشته شوند.

مردم خیابان شیخ‌بهائی اصفهان جنازه‌ی این ۷نفر را که قربانی ظلم و ستم رژیم خمینی شده بودند صبح روز بعد در خانه‌ی آنها پیدا می‌کنند.

در تهران و سایر شهرستان‌ها نیز موارد مشابهی همواره اتفاق افتاده است. تنها به چند نمونه اشاره می‌کنیم: در اوایل آبانماه سال جاری دختر ۱۶ساله‌ای در تهران با خوردن قرص خودکشی کرد. در نوزدهم آذر مردی خود را از طبقه‌ی پنجم بیمارستان آراد به زیر انداخت و دردم جان سپرد. در سی‌ام آذر، جوان ۳۰ساله‌ای خود را از طبقه‌ی سوم یک پاساژ در خیابان میرداماد به پائین پرتاب کرد و کشته شد. در نهم دیماه جوانی در روستایی اطراف شوش خود را حلق‌آویز کرد و جان سپرد. در نیمه‌ی دیماه مرد ۴۳ساله‌ای در منزل خود واقع در آریاشهر خود را حلق‌آویز کرد. و در اوایل بهمن‌ماه جاری مردی در فردیس کرج پس از کشتن همسر و فرزندش، با نفت خود را آتش زد و جان سپرد.

پیش از این نیز از خودکشی یک کارمند اخراجی رادیو-تلویزیون در تهران، خودکشی یک کارگر بیکار در قزوین، خودسوزی یک دستفروش زحمتکش در نتیجه‌ی مزاحمت‌های پی‌درپی مزدوران ستاد سرکوبگر موسوم به ستاد رفع سد معبر در تهران و نیز خودکشی یک راننده‌ی زحمتکش شرکت واحد اتوبوسرانی کرمان در نتیجه‌ی اجحافات و زورگویی‌های رئیس سرسپرده و مزدور این شرکت خبر رسیده است.

چرا سرهنگ صدیق
فرماندهٔ پیشین نیروی هوایی رژیم برکنار شد؟

بنا به گزارشات موثق، علت برکناری سرهنگ صدیق فرمانده‌ی پیشین نیروی هوایی، فرار معاون وی سرهنگ عابدی به خارج از کشور و فشارهای سپاه ضدمردمی برای برکناری وی بوده است.

سرهنگ عابدی که ریاست ستاد نیروی هوایی را نیز بعهده داشت از دوستان نزدیک سرهنگ صدیق در پایگاه یکم شکاری بود و توسط خود وی به این سمت گمارده شده بود. به همین دلیل سرهنگ صدیق نیز در مظان تبانی و همدستی با وی قرار گرفت و سپاه ضدمردمی او را تحت فشار قرار داد.

برکناری فرمانده‌ی پیشین نیروی هوایی، با موافقت دجال جماران و طی حکمی از سوی خامنه‌ای جنایتکار اعلام شد.

فرمانده‌ی جدید نیروی هوایی رژیم خمینی، سرهنگ ستاری از عناصر سرسپرده و مزدور خمینی در نیروی هوایی است و به همین جهت طی مدت کوتاهی بسرعت ارتقاء درجه یافته و از سرگردی به سرهنگ تمامی رسید. وی خلبان نیست و بیشتر یک افسر فنی می‌باشد.

سرهنگ ستاری مزدور از سال ۶۲ با آستانبوسی و تملق‌گویی سران رژیم همراه با ریش گذاشتن و ادا و اطوارهای ارتجاعی، بتدریج خود را به سردمداران جنایتکار رژیم نزدیک کرده و منجمله در جلسات آموزش ضدقرآن خامنه‌ای جنایتکار شرکت می‌نمود. در نتیجه‌ی این چاپلوسی‌ها و اثبات سرسپردگی‌اش به دیو جنگ‌افروز جماران وی به سمت فرماندهی نیروی هوایی رژیم خمینی رسیده است.

از سوی دیگر گزارش می‌رسد که در اوایل بهمن‌ماه جاری یک فروند هواپیمای C-130 ارتش در هنگام پرواز شبانه در مسیر اهواز- امیدیه سقوط کرده که منجر به کشته شدن کلیه‌ی سرنشینان و خدمه‌ی آن گردید. سقوط هواپیمای مزبور بدلیل فقدان حداقل الزامات ایمنی پرواز بوده و تمامی پرسنل و خدمه‌ی پرواز پایگاههای ترابری نیز پیش از این مخالفت خود را با انجام ماموریت‌های شبانه و منجمله پرواز مزبور ابراز کرده بودند اما کارگزاران خائن رژیم بنا به خواست سپاه ضدمردمی دستور انجام این پروازهای شبانه را صادر کردند.

سقوط هواپیمای حامل مهره‌های مهم رژیم

بنا به گزارش فرماندهی بخش ارتش در سازمان مجاهدین خلق ایران، روز یکشنبه ۱۹/بهمن یک فروند هواپیمای اختصاصی از نوع فالکون، حامل ۵سرنشین از ایادی مهم رژیم خمینی در منطقه‌ی امیدیه اهواز مورد اصابت شلیک پدافند نیروهای خود رژیم قرار گرفته و سرنگون گردیده و کلیه‌ی سرنشیان آن بهلاکت رسیده‌اند.

هواپیمای مزبور یکی از مهره‌های مهم رژیم را که در جبهه مجروح شده بود به تهران حمل می‌کرد که مابین ساعت ۴ و ۵بعدازظهر هدف شلیک پدافند قرار گرفت. نام این مهره‌ی مهم رژیم هنوز بطور کامل مشخص نشده اما نفر همراه وی، صفوی رئیس مهندسی سپاه جنگ و جنایت خمینی در جنوب بوده که وی نیز در دم بهلاکت رسیده است. از دیگر مقتولین این سانحه، خلبان هواپیما سرهنگ "یاورپور" فرمانده‌ی گردان فرندشیپ می‌باشد که معمولاً حمل‌ونقل سردمداران و مهره‌های مهم رژیم را در سفرهای هوایی بعهده داشت.

گزارشات رسیده حاکی است که محل سقوط هواپیما، فاینال امیدیه یعنی در فاصله‌ی ده مایلی امیدیه می‌باشد.

شایان ذکر است که هدف قرار گرفتن هواپیماها بوسیله‌ی پدافند خودی در رژیم درهم ریخته و قرون‌وسطایی خمینی یک مسئله‌ی رایج می‌باشد و بنا به گفته‌ی خلبانان و کارشناسان نظامی مجاهد خلق، تعداد هواپیماهایی که به این طریق تا آخر سال۶۴ سرنگون شده‌اند به ۵۴ فروند می‌رسد.

www.iran-archive.com

اخبار ... و رویدادهای سیاسی

درماندگی ساواک خمینی در قبال رزمندگان مجاهد خلق

بدنبال ضربات اخیر رزمندگان دلاور مجاهد خلق در اهواز، ساواک درمانده‌ی خمینی در این شهر با وحشت و زبونی بسیار طلاعیه‌ای صادر کرد و احمقانه از مردم خواست تا علیه مجاهدین رای ساواک خمینی و دیگر ارگان‌های سرکوبگر رژیم جاسوسی کنند. این اطلاعیه که روز گذشته از رادیوی اهواز پخش شد، ماره‌تلفنی را بعنوان تلفن ستاد خبری ساواک خمینی در اهواز اعلام رده و ضمن تأکید بر اینکه تلفن مزبور بطور شبانه‌روزی آماده‌ی ریافت اخبار و اطلاعات از مردم می‌باشد، به خیال خود هنمودهایی هم بمنظور شناسایی رزمندگان مجاهد خلق به مردم اده است.

لازم به یادآوری است که در روز بیستم دیماه یکی از مراکز طلاعاتی سپاه جنگ‌وجنایت خمینی در اهواز مورد تهاجم متهورانه‌ی زمندگان مجاهد خلق قرار گرفت و ۲تن از مزدوران بر اثر رگبار امان مسلسل‌های رزم‌آوران مجاهد، از پای درآمدند. در روز ۲ دیماه نیز طی تهاجم دلاورانه‌ی یک واحد عملیاتی از رزم‌آوران اهد خلق، آخوند جنایتکار فخرالدین طباطبائی دژخیم دادستانی ینی در اهواز بهلاکت رسید و یک تن از مزدوران محافظش نیز روح گردید.

ساواک خمینی و ارگان‌های سرکوبگر او در اهواز که از این یات وحشتزده و کلافه شده‌اند، با صدور این اطلاعیه، عجز و چارگی خود را در قبال عملیات انقلابی رزمندگان دلاور مجاهد ق و استقبال مردم از فرزندان رشید خود ابراز کرده و بر همه‌ی زخوانی‌های رژیم در مورد قدرت ساواک خمینی مهر باطل زدند.

دگان موسوم به بهشتی طی عملیات نفوذی منفجر گردید

بنا به گزارشات موثق رسیده، در اوایل بهمن‌ماه جاری طی یک نامه‌ی محرمانه‌ی حفاظتی و امنیتی که به قسمت‌های مختلف سپاه ردمی در پادگان موسوم به ولیعصر ابلاغ گردید، رژیم برخلاف ی قبلی خود، تصریح کرد که انفجار پادگان بهشتی واقع در نت‌آباد تهران که در آن جدود هزارنفر از مهره‌ها و کارگزاران وجنایت سپاه خمینی بهلاکت رسیدند یک ضربه‌ی نظامی بوده و ط افراد نفوذی انجام گرفته است.

در این بخشنامه که یک سلسله رهنمودهای باصطلاح حفاظتی و ی به مزدوران زبون و وحشتزده‌ی خمینی داده شده، منجمله از خواسته شده که درهای ورود و خروج پادگان‌های سپاه را تحت ، و مراقبت کامل داشته باشند.

در همین رابطه حفاظت پادگان سپاه ضدمردمی موسوم به ولیعصر بازرسی و کنترل مزدوران خود تقاضای ۸۰سکوی بازرسی کرده علاوه بر این مقرر گردیده که حتی کارت‌های شناسایی پاسداران دقت کنترل شود.

زارشات مزبور همچنین حاکیست که رئیس خائن ستاد مرکزی خمینی بنام "محتاج" کلیه‌ی فرماندهان جنایتکار سپاه را جمع و در وحشت از تکرار چنین ضربه‌هایی طی یک بخشنامه‌ی کاملاً سری به آنها دستور داده است که کلیه‌ی پادگان‌ها بایستی با سرعت هرچه‌تمام‌تر مهمات خود را به خارج از شهر منتقل کنند و از جمله بنا بر گزارشات رسیده، قرار است کلیه‌ی مهمات پادگان ضدامام‌حسین به یک انبار در حوالی قم منتقل شود.

"اینست واقعیت ایران" تصویر برگزیده‌ای از مطبوعات سوئیس

مجله‌ی سوئیسی "درشوایتس‌ریشه‌بهاُباختِرا" در شماره‌ی ۱۰ بهمن‌ماه خود مقاله‌ای درباره‌ی رژیم خمینی، اوضاع مقاومت و محکوم‌کردن ماجرای ارسال سلاح از سوئیس به ایران درج کرده است. در روی جلد این مجله که تیراژ آن ۴۷۰هزار است عکسی از خمینی چاپ شده که سمبل آزادی سوئیس را در چنگ دارد و مضمون آن این است که خمینی یک فیگور متناقض با سمبل آزادی یعنی یک سمبل "ضدآزادی" است. بخش‌هایی از این مقاله در زیر آمده است:

"...در دسامبر/۱۹۸۶ نماینده‌ی مجاهدین خلق ایران کشور ما را مورد سرزنش سنگینی قرار داد. مجاهدین قوی‌ترین گروه اپوزیسیون را تشکیل می‌دهند که برعلیه شاه جنگیده‌اند و مدت‌ها است که تحت شدیدترین تعقیب‌ها قرار دارند..." سپس در ادامه به معرفی سازمان مجاهدین می‌پردازد:

"نماینده‌ی اصلی اپوزیسیون ایران مجاهدین خلق هستند. این گروه که در ابتدا از طرف دانشجویان، پزشکان و روشنفکران حمایت می‌شد برعلیه شاه جنگیده است. پس از بدست‌گیری قدرت توسط خمینی، مجاهدین بزودی مورد غضب حکام جدید قرار گرفتند. در نقطه‌ی مقابل خمینی، این گروه اپوزیسیون خواهان گسترش دمکراسی در کشور و برقراری انتخابات آزاد می‌باشد. آنها جهت پایان‌دادن به جنگ بین ایران و عراق تلاش می‌کنند. بیانیه‌ی صلح شورای ملی مقاومت ایران از طرف ۱۵۹سیاستمدار و نمایندگان پارلمان سوئیس مورد حمایت قرار گرفته است..."

در فوریه/۱۹۸۳، مدت کوتاهی قبل از بستن قرارداد بین شرکت اورلیکون بوردل و رژیم ایران وقایع هولناکی در جبهه‌های جنگ برعلیه عراق و در داخل کشور اتفاق افتاد... در پاریس نماینده‌ی اپوزیسیون ایران اعلام کرد که در مدت زمانی ۲۲ تا ۲۸/ژانویه، ۱۵۰۰زندانی سیاسی در زندان اوین اعدام گشته‌اند..." [اشاره به یکی از گزارشات اعدام در سال‌های گذشته]. مقاله سپس چنین ادامه می‌یابد؟

"...از آن موقع تابحال اوضاع در ایران بهتر نشده است... هر کسی که در کشور، خودش بدون قیدوشرط شعارهای رژیم خمینی را دنبال نکند، بایستی برای تحت تعقیب وحشیانه قرار گرفتن، شکنجه و یا اعدام‌گشتن حساب باز کند؛ اعدام‌ها علنی توسط طناب دار، تیرباران بچه‌ها، سنگساران، دستگیری‌های دستجمعی، دادگاه‌هایی که در آنها حکم از قبل تعیین شده. این است واقعیت ایران.

پارلمان اروپا، سازمان ملل، سازمان عفو بین‌الملل و سازمان‌های دیگری دولت ایران را بعلت نقض زیربنایی حقوق‌بشر محکوم کرده‌اند..." این مقاله در ادامه بشدت علیه ماجرای ارسال سلاح از سوئیس برای رژیم خمینی موضع گرفته و آنرا محکوم کرده است.

برای تصرف بصره، یک‌میلیون کشته دادن بهای کمی است!!

بر اساس گزارش نشریه‌ی انگلیسی فارین‌ریپورت (۹/بهمن): دژخیم جنگ‌افروز جماران طی پیامی برای شورایعالی دفاع رژیم ننگینش گفته است که حدود یک‌میلیون شهید، بهای نازلی برای (تصرف) بصره می‌باشد.

www.iran-archive.com

اخبار... و رویدادهای سیاسی

هلاکت نمایندهٔ خمینی در نیروی زمینی سپاه
یک عضو دفتر سیاسی سپاه ضدمردمی
و گروهی دیگر از مهره‌ها و فرماندهان رژیم

در جریان تهاجمات شکست‌خورده‌ی ضدکربلای۵، آخوند میثمی، نماینده‌ی خمینی در نیروی زمینی سپاه و همچنین مهره‌ی جنایتکاری بنام یُسری از عناصر دفتر سیاسی سپاه خمینی نیز بهلاکت رسیده‌اند.

گزارش رسیده در مورد چگونگی هلاکت آخوند جنایتکار میثمی حاکی است که اتومبیل وی حوالی هفتم بهمن‌ماه جاری حین تردد در منطقه‌ی تهاجم شکست‌خورده‌ی ضدکربلای۵ در محلی بنام پنج‌ضلعی در بالای شلمچه مورد اصابت یک گلوله‌ی توپ قرار گرفته و او پس از چند روز بیهوشی در تاریخ یکشنبه دوازدهم بهمن‌ماه جاری بهلاکت رسیده است.

آخوند میثمی بعد از تشکیل سپاه ضدمردمی، تا سال ۶۳ نماینده‌ی خمینی ضدبشر در سپاه شیراز بود و پس از آن بعنوان نماینده‌ی دژخیم جماران در قرارگاه ضدحضرت خاتم در جنوب بکار پرداخت. آخوند جنایتکار میثمی مدتی نیز معاون محلاتی، نماینده‌ی معدوم خمینی در سپاه بود. وی بدنبال هلاکت محلاتی مدتی در این سمت باقی ماند و سپس بعنوان نماینده‌ی خمینی در نیروی زمینی سپاه سرکوبگر در خدمت اهداف جنگ‌افروزانه و جنایتکارانه‌ی دژخیم جماران قرار داشت.

مراسم دفن این سرکرده‌ی جنگ و جنایت خمینی روز سه‌شنبه چهاردهم بهمن در اصفهان برگزار شد و شماری از سرکردگان رژیم نظیر محمدی عراقی نماینده‌ی خمینی در سپاه ضدمردمی و سایر رؤسای دفتر نمایندگی دژخیم جماران جهت شرکت در مراسم بخاک‌سپاری این مزدور به اصفهان رفتند.

گزارشات رسیده همچنین حاکی است که یُسری از مزدوران عضو دفتر سیاسی سپاه جنگ‌وجنایت نیز در منطقه‌ی عملیاتی ضدکربلای۵ و در نتیجه‌ی اصابت ترکش خمپاره بهلاکت رسیده است.

از دیگر مهره‌ها و فرماندهان بهلاکت‌رسیده‌ی رژیم در جریان تهاجمات ضدکربلای۵ بایستی از رئیس جنایتکار ساواک خمینی در گرمسار و همچنین رئیس تیم حفاظتی رفیق‌دوست وزیر خائن سپاه جنگ و جنایت نیز نام برد.

گزارش رسیده در مورد هلاکت حسن کاسبان رئیس جنایتکار اداره‌ی اطلاعات گرمسار حاکی است که وی جهت بازدید از جبهه‌های جنگ و سرکشی به افراد تیپ ۱۲ ضدحضرت قائم سمنان، به منطقه‌ی تهاجم ضدکربلای۵ رفته و در آخرین روزهای دیماه گذشته بهلاکت رسیده است.

"حسن کاسبان" معدوم از دژخیمان جنایتکار خمینی در گرمسار بود که از سال ۶۴ تا زمان هلاکت، بعنوان رئیس اداره‌ی اطلاعات گرمسار در شکنجه و تیرباران تعدادی از مجاهدین و مبارزین دست داشت.

همچنین حسن‌زاده، مهره‌ی جنایتکاری که سرپرستی تیم حفاظتی رفیق‌دوست وزیر سپاه خمینی را برعهده داشت نیز در جریان تهاجمات شکست‌خورده‌ی اخیر بهلاکت رسیده است.

حسن‌زاده‌ی مزدور پیش از این مدتی سرکردگی تیم حفاظتی موسوی‌تبریزی دادستان جنایتکار بیدادگاههای ضدانقلاب خمینی را برعهده داشت.

در همین حال در میان انبوه کشته‌شدگان جنگ‌افروزی‌های اخیر رژیم خمینی، شمار دیگری از مهره‌های سرکوبگر و فرماندهان جنایتکار سپاه ضدمردمی وجود دارند که اسامی برخی از آنها عبارت است از:

ـ آخوند مصطفی انصاری، از عوامل اختناق و سرکوب در مجتمع سیمان و فارسیت درود.

ـ علیرضا نوری، قائم‌مقام فرماندهی لشکر۲۷ ضدحضرت محمد از سپاه جنگ‌وجنایت خمینی

ـ محمدرضا محمودیان، رئیس بسیج ضدمردمی سپاه بلوچستان

ـ غلامرضا بامروّت، فرمانده‌ی گردان سلمان از لشگر موسوم به قدس.

وحشت رژیم جنگ‌طلب خمینی
از اعتراضات مردم بجان‌آمده علیه جنگ ضدمیهنی

در شرایطی که تهاجمات تجاوزکارانه و اصرار خائنانه‌ی اهریمن جماران بر ادامه‌ی جنگ ضدمیهنی باعث تشدید بیسابقه‌ی جنگ فاجعه‌بار شهرها و کشته و مجروح‌شدن هزاران تن از مردم بیدفاع و بلادیده‌ی میهنمان گردیده و خشم و اعتراض آنها را برعلیه رژیم جنگ‌افروز و ضدبشری خمینی برانگیخته است، کارگزاران خائن رژیم خواستار کنترل اعتراضات مردم بجان‌آمده علیه دجال جماران و جنگ ضدمیهنی او شدند.

در همین رابطه ورق‌پاره‌ی کیهان ۱۳/بهمن، ضمن تلاش برای کم‌اهمیت جلوه دادن خسارات و ضایعات انسانی وارده بر مردم میهنمان نوشت:

ـ سعی کنید فضای جان‌پناه از پرخاش و سروصدای بیمورد مصون بماند و افراد عصبی و ناراحت را... دعوت به سکوت کنید.

ـ در موقع بمباران‌ها، بهترین صحبت‌ها توضیح رشادت رزمندگان و دعا برای پیروزی آنان است. در اینگونه مواقع از صحبت کردن راجع به خطراتی که پیش‌بینی می‌شود جداً خودداری کنید.

ـ حتی اگر در خود احساس نگرانی می‌کنید سعی نمائید خود را کنترل کنید.

این باصطلاح توصیه‌های ایمنی و درواقع به مفهوم خطونشان کشیدن‌های سرکوبگرانه برای جلوگیری از فریادهای مرگ بر خمینی، در شرایطی صورت می‌گیرد که رژیم ضدمردمی خمینی از ابعاد انزجار و تنفر عمومی مردم نسبت به این جنگ ضدمیهنی بخوبی آگاه است بعلاوه طی ۶سال‌ونیم جنگ خانمانسوز، رژیم خمینی بی‌اعتنا به جان و هستی مردم از اختصاص کمترین بودجه برای تاسیس پناهگاه و جان‌پناه خودداری کرده و اخیراً نیز رفسنجانی ملیجک دربار خمینی به مردم بی‌پناهی که مایحتاج اولیه‌ی زندگی را هم به سختی بدست می‌آورند گفت که سعی کنید خودتان پناهگاه درست کنید تا ما از پشت‌جبهه تحت فشار قرار نگیریم و مجبور نشویم در جنگ کوتاه بیائیم.

"مسئولیت ادامهٔ کشتار را خمینی بعهده دارد"

روزنامه‌ی "اومانیتا" ارگان حزب سوسیال‌دمکرات ایتالیا در شماره‌ی مورخ ۱/فوریه در مقاله‌ای نوشت: *"... هفته‌ی قبل، بغداد از ایتالیا... خواست تا کشورمان با تهران در رابطه با صلح مذاکره کند. اما این اقدام در برابر "نه" قاطع ایران بلوکه شد. درحالیکه عراق بیش از همیشه حاضر به مذاکره بنظر می‌رسد کسی که واقعاً تقصیر ادامه‌ی کشتار را دارد خمینی است..."*

www.iran-archive.com

اخبار ... و رویدادهای سیاسی

یکبار دیگر لغو مسابقات فوتبال در وحشت از تظاهرات مردم علیه رژیم

رژیم متزلزل خمینی در وحشت از اجتماع مردم و براه افتادن تظاهرات و راهپیمایی‌های اعتراضی در میادین ورزشی، مسابقات فوتبال بین‌المللی را که قصد داشت از آن در جریان مراسم فرمایشی و نمایشات تبلیغاتی خود بعنوان نمایش باصطلاح "ثبات رژیم" سوءاستفاده کند، لغو کرد.

این مسابقات قرار بود از روز ۲۴ بهمن‌ماه در تهران برگزار شود و تیم‌های فوتبال چین، آلمان‌شرقی، پاکستان، لهستان، رومانی و سوریه در آن شرکت کنند.

کارگزاران رژیم درمانده‌ی خمینی در توجیه لغو این مسابقات مدعی شدند که مقررات فدراسیون بین‌المللی فوتبال اجازه می‌دهد تا کشورهای در حال جنگ از میزبانی مسابقات بین‌المللی معاف شوند.

درحالیکه مردم بی‌پناه طعمهٔ تنور جنگ ضدمیهنی خمینی می‌شوند سردمداران جنگ‌افروز رژیم به سوراخ‌های امن خزیده‌اند

درحالیکه صدهاهزار تن از هم‌میهنان محروم و ستمدیده‌ی ما در نتیجه‌ی اصرار خائنانه‌ی خمینی ضدبشر بر ادامه‌ی جنگ ضدمیهنی و تشدید بی‌سابقه‌ی جنگ شهرها، آواره‌ی شهرها و بیابان‌ها شده‌اند، سردمداران و امام جمعه‌های جنایتکار رژیم خمینی به سوراخ‌های نودرتو و پناهگاههای مستحکم حفاظت‌شده خزیده‌اند.

منجمله حسنی امام جمعه‌ی جنایتکار ارومیه برای نجات جان لیدش منزل خود را ترک کرده و به ستاد امنیت شهر در فرمانداری ه دارای پناهگاههای مستحکم می‌باشد، نقل مکان کرده است.

طاهری خائن، امام جمعه‌ی اصفهان و مزدوران دفترش نیز از رس بمباران هوایی در پناهگاههایی که مانند سنگر ساخته شده ندگی می‌کنند.

در قم تعداد زیادی از آخوندهای حوزه‌ی جهل و جنایت ارتجاع مینی بعد از بمباران‌های اخیر، شب‌ها در پناهگاههایی که در رداب‌های خانه‌های خودشان و یا در سرداب‌های حوزه‌ها درست ده‌اند بسر می‌برند و اکثراً نیز در منازل قبلی‌شان نیستند. زرندی ام جمعه‌ی جنایتکار خمینی در کرمانشاه نیز منزلش را ترک کرده و امکاناتی که رژیم برای وی در خارج شهر تهیه کرده بسر می‌برد. ته می‌شود که این آخوند جنایتکار به بهانه‌های مختلف به تهران رود تا هر چه بیشتر از بمباران هوایی در امان باشد.

اگر مردم گرسنه باشند مسئله‌ای نیست!!

رفسنجانی جنایتکار در سخنان رذیلانه‌ی خود در نمازجمعه‌ی م بهمن‌ماه گفت: اکنون مردم ما برای خوابیدن و خوردن زنده تند. اگر همگی ما گرسنه هم باشیم مسئله‌ای نمی‌تواند باشد زیرا ما باز و روشن است!!

نقض سیستماتیک حقوق بشر توسط رژیم خمینی در کمیسیون حقوق بشر ملل‌متحد بررسی می‌شود

بگزارش خبرگزاری رویتر (۱۵/بهمن) پروفسور پیترکویج‌مانس یکی از مقامات رسمی کمیسیون حقوق‌بشر ملل‌متحد که گزارش شکنجه در اجلاس کمیسیون حقوق‌بشر سازمان ملل را قرائت می‌کرد، گفت: *"رفتار رژیم خمینی با مخالفان سیاسی و افراد عادی قابل تحمل نیست"*. وی همچنین خاطرنشان نمود با کسانی که در درگیری‌ها و سرکوب داخلی در ایران شکنجه شده‌اند، از نزدیک دیدار کرده است [پروفسور کویج‌مانس دیدارهایی با تعدادی از مجاهدین شکنجه‌شده داشته است].

اجلاس کمیسیون حقوق‌بشر ملل‌متحد که از تاریخ سیزدهم بهمن‌ماه جاری در ژنو تشکیل گردیده و به مدت ۶هفته ادامه خواهد داشت، وضعیت نقض حقوق‌بشر در ایران تحت حاکمیت خمینی را مورد بررسی قرار خواهد داد.

پروفسور کویج مانس که برای دومین سال پیاپی گزارش شکنجه را به این اجلاس ارائه می‌داد گفت: *"گزارشات متعددی از اعمال شکنجه در ایران دریافت کرده است."*

از سوی دیگر خبرگزاری فرانسه در ۱۴/بهمن گزارش داد که دو کمیسیون حقوق‌بشر در آمریکا، با انتشار گزارشی، رژیم خمینی را رژیمی معرفی کرد که بعنوان ناقض شدید حقوق‌بشر در سطح بین‌المللی شناخته شده است. در گزارش این مجامع حقوق‌بشری هرگونه فروش اسلحه و معاملات تسلیحاتی آمریکا با رژیم خمینی بخاطر نقض شدید و مستمر حقوق‌بشر توسط رژیم خمینی تقبیح شده و مغایر با قوانین ایالات متحده اعلام شده است. قانونی که برحسب آن دولت ایالات متحده از فروش سلاح به رژیمی که جامعه‌ی بین‌المللی آنرا بخاطر نقض حقوق‌بشر محکوم کرده باشد، منع نموده است.

شعارنویسی علیه جنگ ضدمیهنی در اماکن عمومی تهران

بدنبال تهاجمات جنایتکارانه و شکست‌خورده‌ی ضدکربلای۵ که بیش از یکصدهزار تلفات از اتباع ایران بجای گذاشت، مردم بجان‌آمده اعتراضات خود را علیه جنگ، در اشکال مختلف ابراز می‌کنند.

در همین رابطه گزارشات رسیده از تهران حاکی است که میزان شعارنویسی علیه جنگ و علیه خمینی جنگ‌افروز، بخصوص در اتوبوس‌های شرکت واحد بطور چشمگیری افزایش یافته است.

کارگزاران مزدور رژیم در شرکت واحد تهران به کلیه‌ی رانندگان این شرکت دستور داده‌اند به محض مشاهده‌ی این شعارها بر درودیوار و صندلی اتوبوس‌های خود به مرکز مراجعه کنند تا جهت پاک‌کردن شعارها اقدام شود.

گزارشات واصله حاکی است، درحالیکه کارگزاران خمینی مذبوحانه تلاش می‌کنند شعارهایی را که علیه جنگ و در حمایت از صلح بر روی اتوبوس‌ها نوشته شده از بین ببرند، در مراکز، پارکینگ‌ها و ادارات مختلف شرکت واحد نیز شعارهای ضدجنگ و ضدخمینی نوشته می‌شود. به همین خاطر برخی از ایادی رژیم درمانده‌ی خمینی در شرکت واحد، با احتمال اینکه کارکنان این شرکت نیز در شعارنویسی علیه جنگ و علیه دجال جنگ‌افروز جماران دست دارند، درصدد یافتن شعارنویسان و عاملین شعارنویسی در شرکت واحد برآمده‌اند.

* * *

www.iran-archive.com

گزیده مطبوعات جهان

از صفحه‌ی ۲۳

ایران ـ شکنجه به ۶۴ روش

بنا به گزارشی از سازمان ملل متحد که در این هفته منتشر شد، ایران جزو چهار کشوری می‌باشد که در شکنجه کردن زندانیان در دنیا بدترین هستند. این گزارشات شکنجه در ایران را "هشداردهنده" توصیف می‌کنند.

همزمان، بزرگترین گروه مقاومت مخفی در ایران ـ مجاهدین خلق ـ یک سند تکان‌دهنده در مورد شکنجه در زندان‌های ایران منتشر کرد. مجاهدین خلق، رژیم خمینی را متهم به حداقل ۶۴ روش مختلف شکنجه می‌کنند. از این میان ۴۸ نوع شکنجه‌ی فیزیکی و ۱۶ نوع شکنجه‌ی روانی می‌باشند. شلاق زدن با کابل الکتریکی معمولی‌ترین روش می‌باشد. یک زندانی را تقریباً نهٔ هزار ضربه‌ی شلاق زدند تا اینکه مُرد. نمونه‌های دیگر شکنجه: شکنجه با برق، تزریق اجباری مرفین که بطور ناگهانی قطع می‌کنند تا ایجاد درد وحشتناک کند، ضربه‌ی کاراته، "فوتبال": شکنجه‌گران زندانی را بین خود لگد می‌زنند، راه عبور ادرار را با نخ می‌بندند طوری که مثانه می‌ترکد و کلیه‌ها را از بین می‌برد، "باستو": زندانی را در یک اتاق تنگ انداخته و بخار داغی روی او باز می‌کنند. قلاب: یک قلاب را وارد یک بازو و یا پا می‌کنند و زندانی را با آن آویزان می‌کنند، به این ترتیب گوشت بدن به مرور زمان پاره می‌شود. بنابر سند اپوزیسیون، زنان را با همان بیرحمی شکنجه می‌کنند که مردان شکنجه می‌شوند. گفته می‌شود تجاوز در زندان‌ها خیلی عادی است. قبل از اینکه زنان را اعدام کنند آنها را به عقد یک پاسدار درمی‌آورند. یک زن مجاهد بنام زهرا فروغی را در شهر شیراز زنده‌بگور کردند. شکنجه‌گران میخ به سینه‌ی یک زن حامله بنام طاهره حبیب‌پور فرو کردند. همزمان او را شلاق نیز می‌زدند. زنان زندانی را با تراشیدن موی سر آنها تحقیر می‌کنند مجاهدین خلق بعنوان نمونه‌ای از شکنجه‌های روانی چگونگی اعدام مصنوعی زندانیان را می‌نویسند: زندانیان را مجبور می‌کنند که به اعدام زندانیان دیگر و یا شکنجه‌شدن آنها نگاه کنند. زندانیان را همچنین مجبور می‌کنند که اجساد کسانی که اعدام می‌شوند را به بیرون منتقل کنند.

بنا بر گفته‌ی مجاهدین خلق تعداد شمارش‌شده‌ی روش‌های شکنجه تنها "بخش ناچیزی" از حاکمیت وحشت در بیش از پانصد زندان رژیم خمینی می‌باشد.

مجاهدین خلق لیستی با نام نزدیک به چهارهزار شکنجه‌گر را منتشر کرده‌اند.

* * *

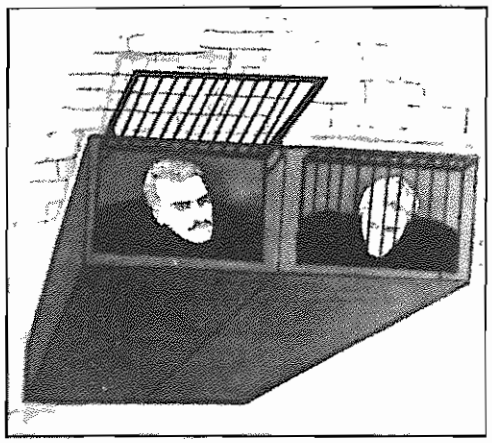

آفتون‌بلادت ـ سوئد

۵/فوریه/۸۷

AFTONBLADET

IRAN

Tortyr på 64 sätt

دیاریو دِ نوتیسیاس ـ پرتغال

۲۳/ژانویه/۸۷

Diário de Notícias

بحران: کودکان را به جبهه‌های مرگ می‌کشاند

شرح غم‌انگیز ۶ سال و نیم جنگ بین ایران و عراق که توسط اپوزیسیون رژیم خمینی، سازمان مجاهدین خلق ایران جمع و گردآوری شده، نشانگر این حقیقت است که تنها در طرف ایران ۵۰۰ هزار تن قربانی و به همین تعداد زخمی و معلول بجای مانده است. در کنار کشته و زخمی‌شدگان سیل ۵ میلیونی آوارگان جنگی بچشم می‌خورند. ۵۰ شهر تقریباً تخریب و از بین رفته‌اند، ۳ هزار روستا و آبادی بکلی خالی از سکنه شده و اهالی آنها بخاطر ابعاد گسترده‌ی جنگ ناچار به ترک خانه‌هایشان شده‌اند و بیش از ۸ هزار کارخانه تعطیل گشته‌اند.

خمینی با ۸۶ سال سن و وضع سلامتی وخامت‌آمیزش هدف اصلی انتقادات این سازمان مخالف می‌باشد، سازمانی که او را نه فقط در پی توسعه و گسترش "خواسته‌های توسعه‌طلبانه‌ی قرون‌وسطایی‌اش" به حفظ و تداوم جنگ متهم می‌کند بلکه درعین‌حال معتقد است که رژیم خمینی از ادامه‌ی جنگ بمنظور پوشاندن بحران‌های وخیم داخلی که در نتیجه‌ی ته کشیدن درآمدهای اقتصادی که این کشور گریبانگیرش شده است حمایت و جانبداری می‌کنند. چنانکه از داده‌های رسمی برمی‌آید درصدی که از بودجه‌ی رژیم به مقاصد جنگی اختصاص داده شده است در سال مالی ۸۷ و ۸۶ به ۳۵٪ می‌رسد درحالیکه در سال گذشته به میزان ۲۵٪ می‌رسید ولی آنطور که از قرائن برمی‌آید مخارج جنگی بایستی میزانی بمراتب بیشتر از این باشد یعنی براحتی می‌تواند از مرز ۵۰٪ نیز پیشی جوید.

اقتصاد کشور کاملاً درهم ریخته و متلاشی شده است؛ رژیم ناچار است ۸۰٪ از تولیدات صنعتی خود را وارد کند. از زمانی که خمینی قدرت را در ایران بدست گرفته تولیدات کشاورزی بمیزان ۵۰٪ کاهش یافته و ۲۵٪ از حاصلخیزترین زمینه‌های کشاورزی تا به حال حتی شخم هم زده نشده است. صادرات نفت بگونه‌ای وحشت‌انگیز تحلیل یافته ارقامی که از طرف اوپک در شش‌ماهه‌ی اول سال ۸۶ اعلام گردیده است میزان این کاهش را ۵۳٪ نشان می‌دهند. ارزی که رژیم از فروش نفت در همین دور بدست آورده نزدیک به ۳/۳ میلیارد دلار می‌رسد درحالیکه هزینه‌ی جنگ در هر ماه نیم‌میلیارد دلار است مردم ایران بدنبال ادامه‌ی جنگ و سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی

بقیه در صفحه‌ی بعد

www.iran-archive.com

گزیده مطبوعات جهان

داگ‌بلادت ـ نروژ

Dagbladet

۲۴/فوریه/۸۷

سال سرنوشت خمینی

بنا بر گفته‌ی جنبش مقاومت مجاهدین، سال اسلامی ۱۳۶۶ که ۲۱/مارس آغاز می‌شود، سال سرنوشت خمینی خواهد بود.

حسین شمسایی از بخش مطبوعاتی مجاهدین در اسکاندیناوی می‌گوید: "خمینی به ایرانی‌ها وعده داده است که جنگ علیه عراق را ببرد. او از عهده‌ی انجام این وعده برنخواهد آمد." شمسایی یک پیروزی علیه عراق را باور ندارد گرچه نیروهای خمینی در این اواخر منطقه‌ی کوچکی از جنوب عراق را تصرف کرده‌اند. رژیم خمینی حمله‌ی اخیر را بعنوان تلاشی برای کاهش تشنجات داخلی در ایران انجام داده است. شمسایی می‌گوید: "برای اینکه توجهات عمومی را از مشکلات اقتصادی، معاملات اسلحه با آمریکا و مبارزه‌ی قدرت منحرف کنند، خمینی مجبور بود که به چنین کاری دست بزند." بنا به گفته‌ی مجاهدین مردم ایران از جنگ ایران و عراق منقلب و بشدت خشمگین هستند...

شمسایی که اکنون ضعف نظامی رژیم خمینی را می‌بیند می‌گوید: "مردم نگران ازدست‌دادن بچه‌های خود در میدان جنگ هستند و اعزام منجمله بچه‌ها به جبهه‌های جنگ همچنان ادامه دارد. اگرچه مردم جرأت نمی‌کنند آنرا به روزنامه‌نگاران بگویند. اینکه پاسداران را به جبهه‌ها اعزام کرده‌اند، نشانه‌ی قدرت نیست، برعکس نشانه‌ی ضعف آنها است."

شمسایی می‌گوید: "قبلاً روی داوطلبین آموزش‌ندیده در خط اول، گروههایی از پاسداران در خط دوم و ارتش در خط سوم سرمایه‌گذاری می‌کردند. اکنون بایستی پاسداران بیش از پیش از خود مایه بگذارند. این هم بعلت کمبود داوطلبین و هم بعلت بی‌اعتمادی به سربازان ارتش می‌باشد."

بنا به گفته‌ی سخنگوی مجاهدین رژیم خمینی دیگر قادر نیست به مردم وعده و وعید بدهد. شمسایی که معتقد است سال آینده خمینی با مشکلات زیادی در داخل ایران مواجه خواهد شد، می‌گوید: "جالب است ببینیم که مقامات رژیم سال آینده را با چه برگی می‌خواهند بازی کنند." و مجاهدین می‌خواهند از این مشکلات خمینی استفاده کنند.

شمسایی می‌گوید: "ما نبرد و مقاومت خود را در آینده‌ی نزدیک افزایش خواهیم داد. منجمله ما در حال سازمان‌دادن مراکز فرماندهی نظامی در استان‌های مهم کشور هستیم."

شمسایی در جواب این سؤال که چرا اپوزیسیون از موقعیت کنونی که ایران نیروهای زیادی را در جبهه‌ی جنوبی عراق متمرکز کرده است استفاده نمی‌کند می‌گوید: "سازماندهی یک جنبش مقاومت نظامی نیاز به حداقل زمان دارد.

چریک‌های مجاهدین طی مدت اخیر ضرباتی علیه چندین رهبر نظامی و سیاسی در ایران وارد کرده‌اند"... حسین شمسایی می‌گوید "پاسداران را در استان‌ها متفرق می‌کنیم و ضربه‌ی نهایی را در تهران وارد خواهیم آورد."

*

بحران:

کودکان را به جبهه‌های مرگ می‌کشاند

بقیه از صفحه‌ی قبل

خمینی خسته و از رمق افتاده‌اند. هر روز ه می‌گذرد از میزان کالاهای ضروری زندگی استه می‌شود. تورم سیر صعودی حشت‌انگیز دارد و سرکوب و اختناق یداد می‌کند. خمینی بمنظور گرم نگهداشتن بهه‌های جنگ، زنان و کودکان را به این بهه‌ها گسیل می‌دارد. درحالیکه از طرف یگر مدارس یکی بعد از دیگری تعطیل شود. اعترافات اکرمی وزیر فرهنگ رژیم ود بیانگر این واقعیت می‌باشد: "طی سال ذشته بیش از ۱۰۰ هزار شاگردمدرسه، ۳ هزار استاد در زمان‌های مخصوص دوره‌های وزش نظامی را طی کرده‌اند."

گزارش یکی از جراید رژیم خود گویای مه‌چیز می‌باشد:

"یکی از آنها ۱۴ ساله و دیگری ۱ ساله می‌باشند و پابپای سربازانی که نشان ۲۰ و ۲۵ می‌رسد خود را با شمانی باز و گوش‌هایی کاملاً شنوا به روی میادین مین رها می‌سازند. آنها بایستی از روی این مین‌ها عبور کنند. در یک لحظه انفجار ناشی از مین بدن‌های تکه‌پاره‌ی این کودکان را در گوشه و کنار صحرا پراکنده می‌سازد. در پشت خطوط سرهای جدا شده‌ی این کودکان معصوم در تابوت‌های کوچک حمل می‌شود."

مجاهدین خلق ایران رژیم خمینی را به تمامی این بیرحمی‌ها و شرارت‌های پایان‌ناپذیر محکوم می‌کنند. شکنجه‌های اعمال‌شده در زندان‌های رژیم که توسط دوربین‌های عکاسی مستند شده‌اند بخوبی چهره‌ی بَربَر و خون‌آشام رژیم را نشان می‌دهد. شورای ملی مقاومت به رهبری مسعود رجوی بمنظور خاتمه دادن به جنگ طرحی برای صلح را تدارک دیده‌اند که دهها کشور و بسیاری از شخصیت‌های جهانی از آن حمایت و پشتیبانی کرده‌اند. علیرغم کوشش‌های دیپلماتیک انجام‌گرفته چشم‌انداز صلح هنوز در خلیج‌فارس دور بنظر می‌رسد.

وقتی خمینی صحنه را ترک کند، آنوقت سیاست‌های ...

بقیه از صفحه‌ی ۲۳

خمینی] هرج‌ومرج خواهد آمد هیچ ریشه‌ای در واقعیت ندارد. آلترناتیو مردمی و دمکراتیکی که حکومت فناتیک خمینی را سرنگون بکند می‌تواند تمامیت ارضی ایران را حفظ کند و همچنین ثبات در خلیج‌فارس را حفظ خواهد کرد.

نه خمینی، و نه هیچ "عنصر مدره‌ای" در داخل رژیمش نمی‌تواند شرایط آشفته‌ی حاضر را آرام نماید. راه‌حل در بیرون از این رژیم است. به کمک خمینی‌آمدن درست در زمانی که رژیم دارد سقوط می‌کند مفهوم استراتژیک مهلکی خواهد داشت. حمایت از شاه در روزهای آخرش برای حفظ رژیم دیکتاتوری او با شکست مواجه شد. فروش سلاح به خمینی هم حکومت بی‌ثبات خمینی را نجات نخواهد داد.

مردم ایران بعد از خلاصی خودشان از جور و ستم یک دیکتاتور، آماده‌ی آزادی ایران از چنگال دیکتاتوری دیگر هستند. وقت آن رسیده است که دنیا جنبش مقاومت مردم ایران برای صلح و آزادی را برسمیت بشناسد.

www.iran-archive.com

گزیده مطبوعات جهان

Information

اینفرماشیون ــ دانمارک

۲۲/ژانویه/۸۷

زندگی روزمره در پشت جبههٔ خمینی:
جیره‌بندی، کمبود ارزاق عمومی و حملات هوایی

مردمی که در تهران زندگی می‌کنند می‌گویند: درحالیکه بیش از ۶سال از جنگ با عراق می‌گذرد، قطع جریان برق، صف‌های طولانی و کارت جیره‌بندی، جزئی از زندگی روزمره در ایران است. رژیم خمینی که بوسیله‌ی آخوندها اداره می‌شود، بدنبال بمباران دو نیروگاه برق توسط جنگنده‌های عراقی در ماه گذشته جریان برق را تا ده‌ساعت در روز قطع کرده‌اند. علاوه بر این مواد سوختی، بنزین و مواد غذایی جیره‌بندی شده است.

یک تلفن به تهران

اگر چه برای خبرنگاران غربی دریافت اجازه‌ی سفر به ایران مشکل است ولی به هر حال می‌توان چگونگی اوضاع (ایران) را ضمن صحبت کردن با یک ایرانی که بتازگی ایران را ترک کرده و یا با تماس تلفنی با مردمی که در ایران زندگی می‌کنند فهمید. یک شب من به خانه‌ی زن خانه‌داری بنام پروانه که در تهران زندگی می‌کند زنگ زدم: "من در *تاریکی نشسته‌ام*"، اینرا پروانه می‌گوید و افزود که او را به اسم کوچکش صدایش کنم. "زندگی *خیلی مشکل است هوا خیلی سرد است و ما سوخت کافی نداریم*". بدنبال بمباران هوایی تأسیسات نفتی ایران، منجمله دو ترمینال بزرگ نفت در خلیج، دولت در سپتامبر/۱۹۸۶، جیره‌بندی بنزین را به اجرا درآورد. مقدار سهمیه‌ی جیره‌بندی ۳۰ لیتر بنزین در ماه برای هر ماشین شخصی است، درآمد ارزی ایران به موازات سقوط قیمت نفت در بازار جهانی کاسته شده است.

دفترچه‌ی ماهانه با کوپن جیره‌بندی در سراسر ایران به قیمت صدریال در مساجد فروخته می‌شود.

هر عضو خانواده تنها حق دریافت یک دفترچه را دارد و همه باید شناسنامه‌ی خود را جهت شناسایی هویت خود نشان دهند. هر دفترچه‌ای دارای یک شماره است که شامل کوپن‌هایی برای مرغ، پنیر و ارزاق عمومی دیگر است. شماره‌ها را از طریق رادیو می‌خوانند. رادیو همچنین مکان، تاریخ و مقداری که یک خانواده می‌تواند بخرد را اعلام می‌کند. جیره‌ی گوشت که یک جیره‌ی غذایی معمولی است تنها یک کیلو در ماه است. خانم ناز که ۳۵ساله می‌باشد و چهار بچه دارد تصویر غمگینی از چگونگی زندگی روزانه‌ی یک مادر خانه‌دار که بایستی با کمبود ارزاق، قیمت‌های سرسام‌آور و نبودن هیچگونه امکانات تفریحی و زندگی خانوادگی (جمعی) نشان می‌دهد. او می‌گوید "من دو ساعت *از صبح را* در صف خرید مرغ می‌گذرانم بعد هم باید *بدنبال* شکر، پنیر و هر چیزی که مورد *نیاز من است* بگردم من بایستی یکساعت در صف هر یک *از این* مواد غذایی صرف کنم. بعد ادامه می‌دهد: "بعد به *خانه* می‌روم و صبحانه درست می‌کنم در ساعت چهار بعدازظهر دوباره بیرون می‌روم تا دنبال مواد غذایی بگردم و مواظب باشم که در کدامیک از مغازه‌ها می‌توانم شیر، کره، تخم‌مرغ و غیره پیدا کنم. به این ترتیب روزم را می‌گذرانم و دیگر وقت اضافی برای چیزهای دیگر باقی نمی‌ماند. بیش از حد خسته و گاهی هم عصبی می‌باشم."

زندگی در اینجا خیلی دشوار است

ساکنان تهران در تماس‌های تلفنی خود با خارج و یا بوسیله‌ی نامه گله کرده‌اند که آنها با چهل‌هزار ریال حقوق متوسط، به سختی می‌توانند زندگی خودشان را بگذرانند. این مقدار معادل ۳۷۰۰کرون با قیمت‌رسمی است ولی فقط ۳۵۰کرون در بازار سیاه ارزش دارد.

خسرو که یک کارمند دولت و پدر یک خانواده می‌باشد و باید پنج نفر را با یک حقوق متوسط اداره کند، می‌گوید: "ما در *خانه تنها نان* و پنیر می‌خوریم" کسان دیگری که در تهران زندگی می‌کنند می‌گویند که چند برابر این حقوق لازم است تا بشود راحت زندگی کرد.

یک آلترناتیو برای صف‌های دائمی، کمبود ارزاق عمومی و کوپن، بازار آزاد است که مقامات رژیم جلوی آنرا باز گذاشته‌اند کالاهای جیره‌بندی‌شده تنها چند ساعت و در روزهای مشخصی از هفته پیدا می‌شوند. بازار آزاد بقیه‌ی وقت‌ها فعال است. ولی قیمت‌ها در بازار آزاد حداقل سه برابر قیمت کوپن‌هاست و در این اواخر افزایش سرسام‌آوری کرده‌اند.

به این ترتیب یک کیلو گوشت رسماً ۲۵۰ ریال قیمت دارد ولی در بازار آزاد چهارهزار ریال می‌باشد. قیمت مزبور چهار برابر بیش از قیمت یکسال پیش می‌باشد. یک کیلو شکر ۳۰ ریال به قیمت رسمی است ولی ۹۰۰ ریال در بازار آزاد است. یکسال پیش یک کیلو شکر را می‌شد به نصف این قیمت یا حدود ۵۰۰ریال خریداری کرد.

بنزین هر لیتر ۱۸۰ ریال

کوپن‌های جیره‌بندی بنزین چهارهزار و پانصد ریال برای نوع بنزینی که فرد می‌تواند ماهانه به مقدار ۳۰لیتر بخرد، قیمت دارند. به آن باید نهصد ریال برای خرید خود ۳۰لیتر بنزین اضافه کرد به این ترتیب هر لیتر برای راننده ۱۸۰ریال تمام می‌شود.

کمبود ارزاق آنچنان گسترده است که یک دیپلمات خارجی در تهران می‌گوید که خیلی از کارکنان سفارتخانه هر هفته از تهران با هواپیما به امارات متحده‌ی عربی می‌روند تا گوشت و میوه‌ی تازه بخرند. مسافت تهران تا امارات عربی هزاروسیصد کیلومتر، معادل مسافت دانمارک تا پاریس است.

می‌توانند به خارج سفر کنند

ایرانیانی که دنبال شرایط بهتری می‌باشند و یا می‌خواهند از جنگ فرار کنند کشور را ترک می‌کنند. اما آنها اجازه ندارند که با خود پول همراه ببرند. گفته می‌شود بیش از یک میلیون ایرانی بعد از انقلاب در فوریه/۱۹۷۹ ایران را ترک کرده‌اند. مهرناز که ۳۷ساله می‌باشد و کارمند یک شرکت دولتی بود ایران را وقتی که پسرش به ۱۵ سالگی رسید ترک کرد تا از به خدمت رفتن پسرش جلوگیری کرده باشد، کمیساریای پناهندگان در ژنو گفته در سال‌های اخیر هر ساله حدود چهارهزار ایرانی نام خود را بعنوان پناهنده ثبت کرده‌اند. ولی اکثر آنها نزد UN ثبت‌نام نمی‌شوند. و برخی منابع می‌گویند که چهارصدهزار ایرانی در ترکیه بسر می‌برند●

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

بقیه از صفحه ی ۱۹

در مرکز مادرید آغاز شد. در پیشاپیش صفوف راهپیمایان پرچم سه رنگ میهنمان، آرم سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران و تصاویر بزرگ رهبری انقلاب مردم ایران مسعود و مریم رجوی و همچنین تصاویر بزرگی از سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار شهید آزادی موسی خیابانی در حرکت بود.

در جلوی صفوف تظاهرکنندگان عده‌ای از کودکان و نوجوانان هموطنانی که بخاطر جنگ و اختناق خمینی ضدبشر مجبور به ترک وطن شده‌اند در صفوف منظم حرکت می‌کردند و جمعیت با شور و حرارت بسیار شعارهای انقلابی و میهنی را تکرار می‌کردند.

در این تظاهرات خبرنگاران مهمترین رسانه‌های خبری اسپانیا و از جمله خبرگزاری رسمی اسپانیا اِفِ (EFE)، روزنامه‌ی ال‌پائیس پرتیراژترین روزنامه‌ی اسپانیا، روزنامه‌ی جا (YA)، روزنامه‌ی A.B.C و آژانس خبری لید شرکت داشتند و از این مراسم گزارش و عکس و فیلم تهیه کردند. تظاهرکنندگان پس از یکساعت راهپیمایی، در یکی از میادین بزرگ مادرید گرد آمدند و درحالیکه تعداد کثیری از مردم اسپانیا نیز به آنان پیوسته بودند به قطعنامه‌ی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) به زبان‌های فارسی و اسپانیولی گوش دادند. این مراسم پرشور در ساعت ۱ و ۳۰ دقیقه‌ی بعدازظهر به‌وقت مادرید، بپایان رسید.

آکسیون‌های بزرگداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در هفت شهر بزرگ جهان

بمناسبت بزرگداشت پنجمین سالگرد شهادت سمبل‌زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار کبیر آزادی مجاهد شهید موسی خیابانی و همزمان با برگزاری تظاهرات سراسری در کشورهای مختلف جهان، آکسیون‌هایی نیز توسط اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان در ۷ شهر بزرگ جهان ترتیب یافت. این آکسیون‌ها روز جمعه ۱۷/بهمن در شهرهای تورنتو (کانادا)ـ سیدنی (استرالیا)ـ برن (سوئیس)ـ آتن (یونان) و روز دوشنبه ۲۰/بهمن در شهرهای لیژ (بلژیک) و وین (اتریش) برگزار گردید.

در جریان برگزاری این آکسیون‌ها در کشورهای مختلف گروه زیادی از هموطنان مقیم این کشورها و همچنین عده‌ی کثیری از شهروندان محل برگزاری آکسیون از آن دیدار و استقبال کرده‌اند.

محل برگزاری آکسیون‌ها با پرچم ایران، آرم سازمان مجاهدین و عکس‌های رهبری انقلاب نوین مردم ایران و همچنین عکس‌های سمبل زن انقلابی مجاهد خلق اشرف رجوی و سردار خلق و آزادی موسی خیابانی و دیگر شهیدان حماسه عاشورای مجاهدین تزئین شده بود. پلاکاردهایی نیز در رابطه با گرامیداشت پنجمین سالگرد حماسه‌ی عاشورای مجاهدین، محکومیت جنایات ضدبشری خمینی جلاد و محکومیت فروش سلاح به این رژیم ضدبشری و همچنین پلاکاردهایی در حمایت از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران و رهبری پاکباز آن در اطراف محل برگزاری آکسیون‌ها بچشم می‌خورد.

ساعت شروع آکسیون‌ها اغلب در ساعت ۱۱ تا ۱۲ قبل از ظهر بود در آغاز برنامه سرودهایی از سازمان مجاهدین خلق پخش شد. سپس صحنه‌هایی از مقاومت سراسری و اعتلایابنده‌ی نیروهای مجاهد خلق علیه رژیم ضدبشری خمینی جلاد، مقاومت اجتماعی مردم علیه جنگ‌طلبی خمینی و اعزام اجباری به جبهه‌های مرگ، نقض شدید حقوق‌بشر، زندان و اعدام وشکنجه توسط رژیم خمینی و صحنه‌هایی از اوجگیری مقاومت و قیام عمومی خلق بنمایش درآمد.

در جریان برگزاری این مراسم، شرکت‌کنندگان با شعارهای "ایران رجوی ـ رجوی ایران، مرگ بر خمینی درود بر رجوی احساسات خود را در حمایت از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران و رهبری آن و همچنین خشم و نفرتشان را نسبت به خمینی و رژیم ضدبشری او ابراز می‌داشتند.

در آخرین بخش از برنامه‌های این آکسیونها طی یک نمایش سمبلیک نیروهای مقاومت بهمراه خلق، خمینی ضدبشر را از صحنه بدر کرده، درب زندان‌ها را گشوده و جشن پیروزی را تجسم می‌بخشیدند.

در حاشیه‌ی محل برگزاری آکسیون‌ها اغلب میز کتاب و دیگر مدارک افشاکننده‌ی جنایات ضدبشری خمینی جلاد و همچنین اوجگیری مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران به نمایش گذاشته شده بود که با استقبال بسیار مواجه شد.

ـ در برن (سوئیس) ۱۰۰۰ نفر، در وین (اتریش) ۴۰۰ نفر، در لیژ (بلژیک) ۵۰۰ نفر، در آتن (یونان) نزدیک به ۴۰۰۰ نفر، در تورنتو (کانادا) ۵۰۰ نفر، در سیدنی (استرالیا) گروه کثیری از برنامه‌های آکسیون‌های برگزارشده توسط اتحادیه‌های انجمن‌های دانشجویان مسلمان (هواداران مجاهدین خلق ایران) دیدن کردند.

ـ در کانادا آکسیون در هوای بسیار سرد و طوفانی برگزار شد. در این مراسم برخی از برگزارکنندگان با پوشیدن لباس‌های اقشار مختلف خلق یادآور حضور گسترده‌ی نیروهای مختلف اجتماعی در مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی شدند. همچنین عده‌ای نیز لباس‌هایی

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

پوشیده بودند که یاد ۵۰ هزار شهید و ۱۴۰ هزار اسیر مقاومت در سیاهچال‌های رژیم خمینی را زنده می‌نمود.

ـ در یونان مقاومت اجتماعی در مقابل اعزام اجباری به مسلخ جنگ توسط خمینی را با نمایش صحنه‌ای از یک کلاس درس به نمایش گذاشتند که مورد استقبال شدید بازدیدکنندگان آکسیون قرار گرفت. همچنین فیلم مانور نظامی رزمندگان مجاهد خلق و تعدادی از سروده‌های مصور سازمان توسط ویدئو نشان داده شد.

ـ در مراسم اتریش بطور سمبلیک تکیه‌ی رژیم خمینی بر ابزارها و سلاح‌های جنگی و جنگ‌طلبی خمینی از یکطرف و اعتراضات مردمی در مقابل جنگ از طرف دیگر بنمایش درآمد. همچنین چشم‌انداز صلح و آزادی با سرنگونی رژیم خمینی ضدبشر عرضه شد. که تأثیر زیادی روی بازدیدکنندگان از آکسیون داشت. یک هموطن ایرانی در این مراسم می‌گفت: من می‌خواهم بروم و با خمینی بجنگم و خواهان رفتن و یاری رساندن نیروهای مقاومت در منطقه‌ی مرزی هستم.

آکسیون‌های مزبور همچنین مورد توجه رسانه‌های خبری در کشورهای مختلف جهان قرار گرفت و تعداد زیادی خبرنگار و فیلمبردار برای تهیه‌ی گزارشات خبری از این آکسیون‌ها حضور داشتند. منجمله در سوئیس خبرنگاران خبرگزاری آسوشیتدپرس (A.P)، خبرگزاری سوئیس (SAD) و تلویزیون سوئیس در محل آکسیون دیده می‌شدند. در اتریش خبرگزاری آسوشیتدپرس و خبرگزاری اتریش (APA)، در محل آکسیون عکس و خبر تهیه می‌کردند. در سایر نقاط نیز واحدهایی از خبرنگاران رسانه‌های خبری در محل آکسیون به تهیه‌ی گزارش و عکس و فیلم از صحنه‌های آکسیون مشغول بودند.

آکسیون‌های مزبور با قرائت قطعنامه‌ی سراسری تظاهرات میتینگ‌ها و آکسیون‌های اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج‌کشور بمناسبت پنجمین سالروز حماسه‌ی "موسی و اشرف" و اجرای دستجمعی سرودهایی از سازمان مجاهدین خلق به پایان رسید.

سوئیس

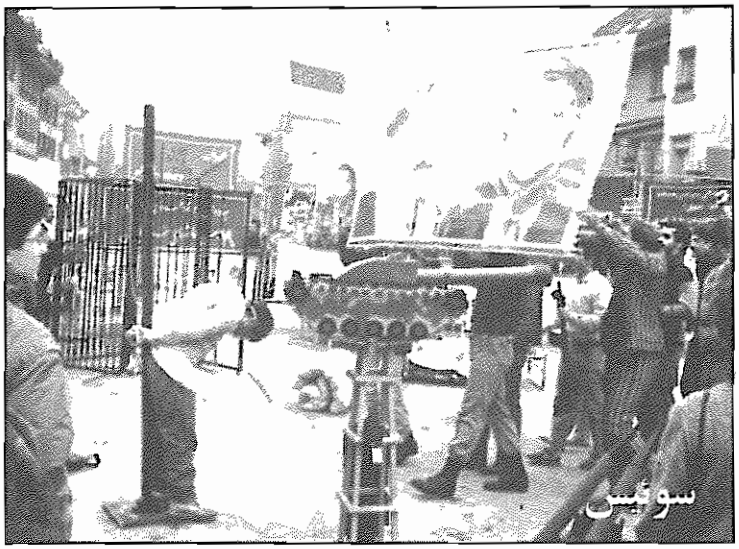
سوئیس

گردهمایی‌های پرشکوه هموطنان مقیم خارج کشور بمناسبت بزرگداشت حماسهٔ عاشورای مجاهدین

فرانسه

روز شنبه ۱۸/بهمن‌ماه گردهمایی باشکوهی با حضور قریب به یکهزار تن از هموطنان آزاده‌ی مقیم فرانسه در شهر پاریس برگزار گردید. این گردهمایی بدعوت اتحادیه‌ی انجن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور (هواداران مجاهدین خلق ایران) و بمناسبت بزرگداشت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین، حماسه‌ی اشرف و موسی تشکیل شد. در بین شرکت‌کنندگان شماری از شخصیت‌های سیاسی و اعضاء شورای ملی مقاومت ایران از جمله آقای هدایت‌الله متین‌دفتری، خانم مریم متین‌دفتری، استاد جلال گنجه‌ای، آقای مهدی سامع و آقایان حسین نقدی، پرویز خزایی و مهدی صدیق‌زاده (نمایندگان شورا در ایتالیا و کشورهای اسکاندیناوی) نیز حضور داشتند.

این مراسم در ساعت ۵ و ۳۰ دقیقه‌ی بعدازظهر با اجرای دستجمعی سرود مصور ایران‌زمین آغاز شد و سپس پیام خواهر مجاهد مریم رجوی بمناسبت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین برای حضار پخش گردید که با استقبال شورانگیز جمعیت حاضر مواجه شد. سپس سرود مصور فاتحان تاریخ بنمایش درآمد که بشدت مورد استقبال هموطنان حاضر در جلسه قرار گرفت. آنگاه درحالیکه جمعیت حاضر در سالن یکپارچه شعار مرگ بر خمینی، درود بر رجوی، ایران رجوی، رجوی ایران را تکرار می‌کرد برادر مجاهد محمد سیدالمحدثین عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین خلق ایران پشت تریبون قرار گرفت و به سخنرانی پرداخت. وی در قسمت‌هایی از سخنرانی خود گفت:

"امروز، پنج سال پس از عاشورای بزرگ مجاهدین، روز درخشش عنصر تابناک فدا و ایثار، ما مجاهدین در اینجا جمع شده‌ایم. پنج سال پس از آنروزی که راهبر و آموزگار کبیر نسل ما مسعود، دو تن از نزدیک‌ترین و بهترین و صدیق‌ترین یارانش را، دو تن از برجسته‌ترین و پاکباخته‌ترین انقلابیون تاریخ معاصر ایران یعنی

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

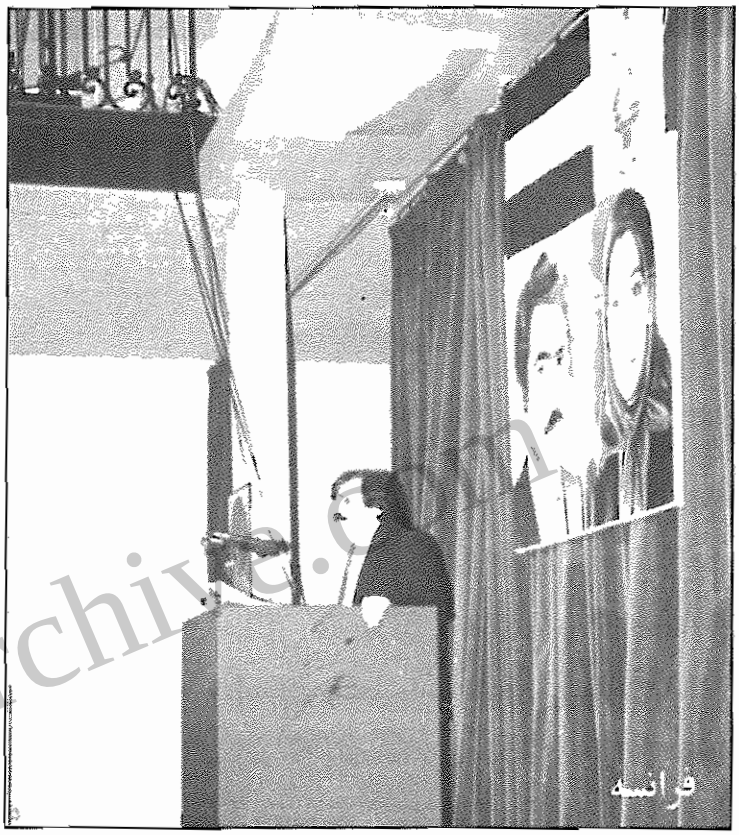

اشرف و موسی را برای رهایی خلق قهرمان ایران از زنجیر سال‌ها ستم و استثمار و دیکتاتوری و خفقان از دست داد... در مورد اشرف و در مورد موسی و در مورد نقشی که در تاریخ میهن ما ایفا کردند و نقشی که برای نجات انقلاب مردم محروم ما از انهدام خمینی ایفا کردند و در مورد شأن عقیدتی و سیاسی آنان زبان من قاصر است. البته مایه‌ی سعادت بود که لحظاتی پیش آنچه را که شنیدنی بود در پیام رهبر و معلممان مریم شنیدیم و خدا کند که ما نیز افتخار و سعادت آنرا داشته باشیم که در راه خدا و خلق سرفراز و رستگار شویم...

امروز، بعد از پنجسال مناسبت دارد که نگاهی به گذشته بیندازیم و ببینیم که پنج سال پس از شهادت سمبل زن انقلابی مجاهد و سردار شهید خلق، ما در چه نقطه‌ای هستیم و دشمن ضدبشری در چه نقطه‌ای است... بعد از گذشت این سال‌ها، خمینی که بلاتردید یگروز محبوب‌ترین رهبر در جهان بود، امروز بدون هیچ شبهه‌ای منفورترین دیکتاتور کره‌ی زمین است. اگر یگروز با ربودن رهبری انقلاب ما و با تزویر و دجالیت، خود را به خلق ایران تحمیل نمود، امروز از شاه در آخرین روزهای حکومتش، صدبار منفورتر است و در معرض لعن و طعن و نفرین مردم ایران قرار دارد. امروز به یمن کار افشاگرانه‌ی عظیم و شبانه‌روزی مجاهدین در سراسر جهان اکثریت مردم آزاده‌ی روی زمین خمینی را بعنوان سمبل کشتار و خونریزی و بعنوان سمبل جنگ و سمبل شکنجه و اعدام و اختناق و سمبل پستی و شیطان‌صفتی می‌شناسند. خمینی تا آنجا نجس و پلید و بدنام شده که هر کس هم که دور از چشم دیگران زیر بال‌وپر او را بگیرد بالاخره مجبور خواهد شد که در ملاءعام از خمینی تبری بجوید. امروز کمتر جمع بین‌المللی و سازمان و ارگان بشردوست و صلح‌طلبی است که عفریت آدمخوار جماران را محکوم نکرده باشد...

رژیم فکر می‌کرد که پس از ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ کار مجاهدین تمام خواهد شد. اما اکنون پس از سال‌ها بوضوح می‌توان دید که رؤیای شوم خمینی نقش بر آب شده و مجاهدین همچنان پرچم عزت و شرف و مقاومت یک خلق را بر دوش می‌کشند. در سرتاسر ایران پرچم پرافتخار مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی را حمل می‌کنند. اگرچه رژیم تاکنون سعی کرده بیشترین ضربات را به ما بزند، ولی ما همچنان روزبروز قوی و قوی‌تر شده‌ایم و امروز بیش از هر زمان دیگر آمادگی آنرا داریم همچنانکه رژیم خمینی را در عرصه‌های ایدئولوژیک و سیاسی و اجتماعی شکست داده‌ایم، در عرصه‌ی نظامی نیز دشمن ضدخلقی را به خاک افکنیم و این لکه‌ی ننگ تاریخ بشریت، این لکه‌ی ننگ تاریخ ایران را برای همیشه از صحنه‌ی وجود پاک سازیم...

چند ماه پیش نیز رژیم خمینی، نه‌تنها رژیم خمینی بلکه امپریالیسم و ارتجاع با هم فکر می‌کردند که با تحت‌فشار قرار دادن رهبری مقاومت و با تحت‌فشار قراردادن مجاهدین در فرانسه، عرصه را بر مجاهدین تنگ خواهند کرد و از این طریق عمر رژیم ننگین خمینی را چند صباحی بیشتر خواهند کرد. ولی چندی نگذشت که همه‌ی خواب و خیال‌های آنها باطل از آب درآمد و یکبار دیگر به مصداق "عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد" انقلاب خلق قهرمان ایران با انتقال مقر ستاد فرماندهی‌اش به کنار مرزهای ایران وارد مرحله‌ی جدیدی از رشد و اعتلای مستمر خود گردید و اقدامات رژیم نتیجه‌ای جز شکست و ننگ برای رژیم و متقابلاً آبرو و حیثیت و پیروزی بیشتر برای مقاومت و سازمان مجاهدین، دربرنداشت. نقطه‌عطفی بود بسیار تعیین‌کننده و جا دارد که باز هم بیشتر رویش صحبت بشود. آثار مختلف سیاسی- نظامی و تشکیلاتی‌اش هنوز در بسیاری از ابعاد بازگو نشده که در این فرصت کوتاه مجال بحث روی آنرا نداریم. عزیمت مسعود به خاک عراق طلسم جنگ‌طلبی رژیم خمینی را کاملاً درهم‌شکست و می‌بینیم که امروز رژیم خمینی در امر جنگ و در درون رژیمش با چه بحران‌هایی مواجه است..."

برادر مجاهد سیدمحمد سیدالمحدثین در قسمت پایانی سخنرانی خود از هم‌میهنان آزاده‌ی حاضر در جلسه خواست در درجه‌ی اول به یاری نیروهای رزمنده‌ی مجاهد خلق در صفوف مقدم جبهه‌ی نبرد، در نوار مرزی ایران و عراق بشتابند و یا با پیوستن و همکاری با انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور (هواداران

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

سازمان مجاهدین خلق ایران) در زمینه‌های مالی- تدارکاتی و تبلیغاتی افشاگرانه، به وظایف مبرم مرحله‌ی کنونی انقلاب نوین ایران پاسخ مثبت دهند.

در طول سخنرانی، جمعیت بارها با کف‌زدن‌های ممتد و با غریو فریادها و شعارهای خود عواطف عمیق و پیوند ناگسستنی‌شان را با مسعود و مریم ابراز کردند.

در قسمت دوم برنامه گروه هنری عارف وابسته به اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) تئاتری از صحنه‌های مقاومت مسلحانه علیه رژیم ضدبشری خمینی دژخیم را بنمایش گذاشت.

سپس، ویدئوی منتخب خاطراتی از سمبل زن انقلابی مجاهد خلق شهید اشرف رجوی و سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی بنمایش گذاشته شد. که با ابراز پرشور احساسات حاضرین و شعارهای خون اشرف می‌جوشد، رجوی می‌خروشد- قسم به خون اشرف، قسم به عزم موسی که تا رهایی خلق دمی ز پا نَشینیم- و همچنین با کف‌زدن‌های ممتد از آن استقبال شد.

در آخرین قسمت این مراسم گروه هنری عارف چند ترانه اجرا کرده و در پایان این برنامه قطعنامه‌ی سراسری تظاهرات- میتینگ‌ها و آکسیون‌های انجمن‌های دانشجویان مسلمان (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) بمناسبت پنجمین سالروز عاشورای مجاهدین حماسه‌ی اشرف و موسی توسط نماینده‌ی انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه قرائت گردید.

این مراسم در ساعت ۱۱ و ۳۰دقیقه شب در میان ابراز احساسات پرشور شرکت‌کنندگان نسبت به رهبری انقلاب نوین مردم ایران بپایان رسید.

آمریکا

یکهزاروپانصد تن از هموطنان ایرانی مقیم آمریکا، در میتینگ باشکوهی که پس از تظاهرات ۳هزار نفره‌ی ایرانیان در گرامیداشت پنجمین سالروز تاریخی ۱۹ بهمن در واشنگتن برگزار گردید، شرکت کردند.

در این میتینگ که روز جمعه ۱۷/ بهمن، در محل سالن سخنرانی دانشگاه "هاوارد" برگزار گردید، با اجرای جمعی سرود مصور ایران‌زمین آغاز شد. سپس ویدئوی پیام خواهر مجاهد مریم رجوی پخش شد که بکرات با ابراز احساسات شدید و همراه با کف‌زدن‌های ممتد حضار روبرو گردید.

سپس مادر رضائی‌های شهید سخنان خود را در بزرگداشت شهدای ۱۹ بهمن آغاز کرد و در قسمتی از آن گفت: *"از شما انتظار دارم با پیگیری هرچه بیشتر آرمانی که شهدای گرانقدر ۱۹ بهمن برای تحقق آن، جان خود را فدا کردند، گام‌های هرچه مؤثرتر در راه سرنگون‌کردن رژیم در حال احتضار خمینی بردارید و با پیوندزدن فریادهایتان به فریاد رسای مسعود و مریم، دین خود را نسبت به مردم رنجدیده و خون‌های پاک به زمین ریخته‌شده‌ی شهیدانمان ادا کنید."*

پس از آن برادر مجاهد سرهنگ خلبان بهزاد معزی در رابطه با جنگ خانمانسوز خمینی بعنوان سرپوش بحران‌های رژیم، سخنانی ایراد نمود.

آنگاه برادر مجاهد محسن رضائی سخنرانی کرد و پس از جمعبندی حرکت‌های سیاسی سازمان در ماههای اخیر و تأثیرات بین‌المللی و داخلی تظاهرات سراسری ایرانیان در خارج کشور در حمایت از مقاومت انقلابی و رهبری انقلاب نوین ایران، رابطه‌ی مردم و سازمان مجاهدین خلق ایران را یک گنجینه‌ی ملی که ثمره‌ی مبارزات قهرمانانه‌ی خلق ستمکشیده‌ی ایران است توصیف کرد و تأکید نمود برای تسریع پیروزی بر رژیم ضدبشری خمینی، ما می‌بایستی این رابطه را بیش از پیش تعمیق کنیم.

در قسمت دوم این میتینگ پس از پخش سرود پرواز رهایی، پروفسور هادی مهابادی عضو شورای ملی مقاومت ایران به سخنرانی پرداخت و ضمن بررسی مراحل مبارزه‌ی مقاومت نشان داد که چگونه ترسیم خطوط روشن مبارزه برای کسب آزادی و استقلال دست همه‌ی مدعیان آزادیخواهی و استقلال‌طلبی را رو کرده و بساط میانه‌بازی و دودوزه‌بازی را از میان برداشته است.

میتینگ بزرگ و باشکوه هموطنان ایرانی در واشنگتن پس از ۵ساعت و درحالیکه شرکت‌کنندگان با شعارهای ایران رجوی- رجوی ایران، حمایت‌های پرشور خود را از رهبری انقلاب نوین مردم ایران ابراز می‌داشتند، بپایان رسید.

ایتالیا

بمناسبت بزرگداشت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین، گردهمایی باشکوهی به دعوت اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان (هواداران مجاهدین خلق

بقیه در صفحه‌ی ۴۳

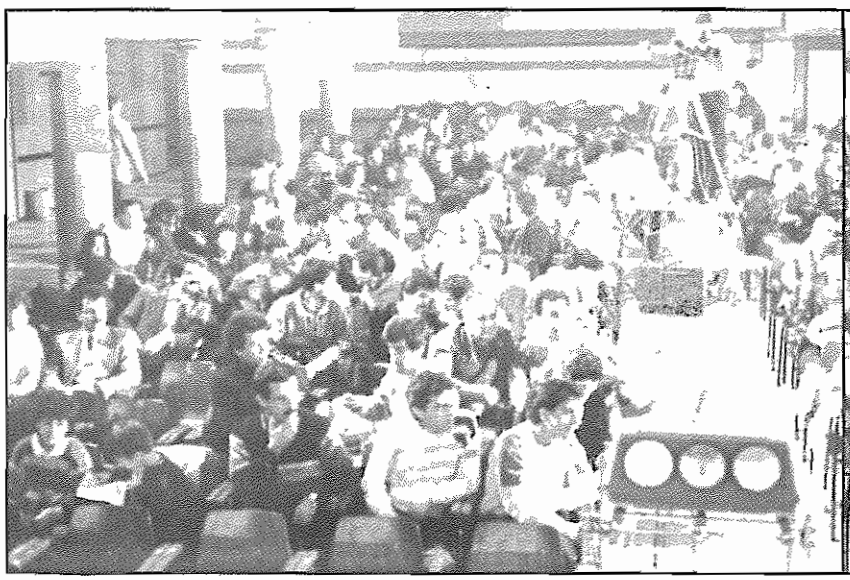

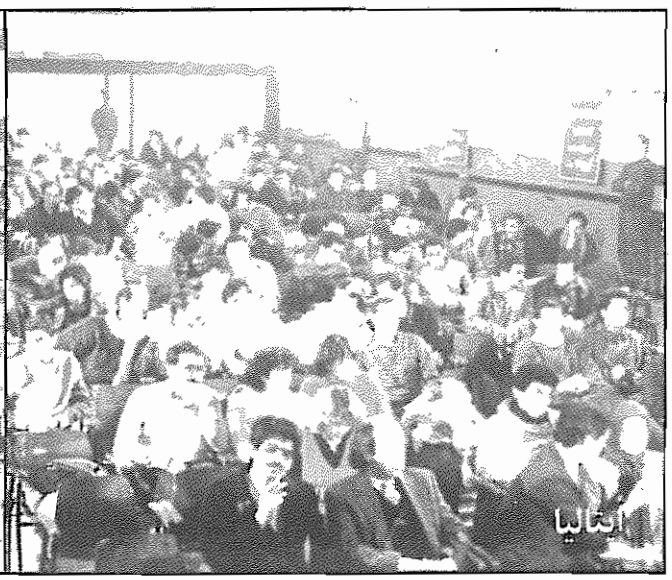

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

قطعنامهٔ سراسری تظاهرات، میتینگ‌ها و آکسیون‌های سراسری انجمن‌های دانشجویان مسلمان بمناسبت ۱۹ بهمن پنجمین سالروز عاشورای مجاهدین «حماسهٔ اشرف و موسی»

بنام خدا
و بنام خلق قهرمان ایران
و
بنام مسعود و مریم رهبری انقلاب نوین ایران
و
با یاد سمبل زن انقلابی مجاهد شهید اشرف رجوی
و
سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی

پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین را در شرایطی برگزار می‌کنیم که رژیم ضدبشری خمینی در مسیر فروپاشی محتوم خود با بن‌بست‌های علاج‌ناپذیر در درون و بیرون این رژیم متزلزل روبروست: رشد و اعتلای روزافزون مقاومت مسلحانه‌ی مردمی، شکست مرگبار حملات کشورگشایانه‌ی اخیر که بیش از یکصدوپنجاه‌هزار کشته و زخمی فقط در طرف ایران بر جای گذاشت، برملاشدن افتضاح عالمگیر روابط پنهانی با "شیطان بزرگ" و اسرائیل و دریافت کمک‌های مستمر تسلیحاتی و اطلاعاتی از آمریکا و اسرائیل، اوجگیری جنگ قدرت بین جناح‌های داخلی رژیم که همچون گرگان هار به دریدن یکدیگر پرداخته‌اند و حذف منتظری ابله از ولایتعهدی خمینی، افشاء تمام‌عیار سیاست‌های جنگ‌افروزانه و سرکوبگرانه و ایزولاسیون تام و تمام بین‌المللی این رژیم ضدبشری.

اما درجانب دیگر، "پرواز تاریخساز صلح و آزادی" و استقرار رهبری مقاومت انقلابی در جوار خاک میهن بمنظور فرماندهی مستقیم نیروهای مقاومت، موجب ورود مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی به مدار جدیدی از رشد و گسترش شده است که نویدبخش سقوط محتوم رژیم جنگ و اختناق خمینی و پیروزی انقلاب نوین مردم ایران در چشم‌اندازی شورانگیز و نزدیک است.

ما شرکت‌کنندگان در تظاهرات، میتینگ‌ها و آکسیون‌های ۱۹ بهمن سالروز عاشورای مجاهدین و "حماسه‌ی اشرف و موسی" ضمن تجدید پیمان با آرمان سرخ شهیدان این روز، اعلام می‌داریم:

۱ــ ما رهبری پاکباز انقلاب نوین ایران مسعود و مریم رجوی را پیام خون اشرف و موسی و تبلور آرمان همه‌ی شهیدان انقلاب نوین و تجلی مقاومت عظیم و رنج و شکنج اسیرانمان می‌دانیم و اعلام می‌کنیم جز در سایه‌ی این رهبری هیچ تضمینی برای تحقق اهداف استقلال‌طلبانه و آزادیخواهانه‌ی خلق قهرمان ایران وجود ندارد.

ما ضمن تجدید عهد با میثاق خونین بیش از ۵۰هزار شهید که با شعار "مرگ بر خمینی، درود بر رجوی" بر طناب دار و بر تیرک اعدام بوسه زدند و یا در زیر شکنجه این فریاد در گلوشان خشکید و همچنین با یاد ۱۴۰هزار اسیر مقاوم که در شکنجه‌گاههای خمینی ضدبشر به بند کشیده شده‌اند، فریاد می‌زنیم: "با مسعود با مریم همسنگر هم‌پیمان، می‌جنگیم تا پایان" ما بار دیگر تکرار می‌کنیم که در راه صلح و آزادی و تحقق آرمان رهائیبخش شهیدان و اسیرانمان تا پایان راه به مبارزه‌ی خود ادامه خواهیم داد.

۲ــ بن‌بست‌های علاج‌ناپذیر رژیم مرگزده‌ی خمینی که انعکاس مقاومت اعتلایابنده‌ی انقلابی در درون این رژیم درمانده است، روند فروپاشی رژیم خمینی را تشدید کرده است. حذف منتظری ابله و جنایتکار از جانشینی او آخرین مهر تایید بر بی‌آیندگی و بی‌ثباتی رژیم محسوب می‌گردد. این رژیم هیچ چاره‌ای جز تسلیم در برابر حکم تاریخ و انقلاب ندارد و در برابر اراده‌ی سترگ خلق قهرمان ایران و فرزندان مجاهدش در آینده‌ی نزدیک به زیر کشیده خواهد شد.

۳ــ آشکار شدن روابط مخفیانه و بندوبست‌های مستمر رژیم خمینی با آمریکا و تغذیه‌ی تسلیحاتی و اطلاعاتی از "شیطان بزرگ" ماهیت رژیم خمینی و ضدامپریالیست‌نمایی‌های آنرا هرچه بیشتر آشکار کرد. مضمون مانورهای احمقانه و ژست‌ها و سخنان متعدد ملیجک دربار خمینی رفسنجانی کثیف و جنایتکار نیز چیزی جز عجز و لابه برای دریافت اسلحه از آمریکا و استمداد از دولت‌های مختلف برای همدست‌شدن با رژیم ضدبشری خمینی علیه مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران، نیست. ما هرگونه تغذیه‌ی تسلیحاتی رژیم خمینی برای ادامه‌ی جنگ خانمانسوز ایران و عراق را محکوم می‌دانیم.

قابل توجه است که بیست ماه پیش وزارت خارجه‌ی آمریکا، همزمان با آغاز روابط پنهانی خود با رژیم خمینی، موجی از تبلیغات سیاسی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران براه انداخت که اکنون پس از افشای این روابط مضمون سیاسی آن اقدامات بهتر درک می‌شود. و بار دیگر روشن می‌شود که چگونه طبق معمول خمینی دجال پیش‌شرط تجدید رابطه‌اش را ضدیت با مجاهدین قرار داده است. همچنین متذکر می‌شویم که فشارهای سال گذشته‌ی رژیم تروریست خمینی به دولت فرانسه برای محدود کردن مقاومت ایران، با انتقال ستاد فرماندهی این مقاومت در مرز ایران و عراق برای خمینی ضدبشر نتیجه‌ی معکوس داده و گشایش فوق‌العاده‌ای را در پیشرفت امور نظامی و تشکیلاتی و ارتباطات اجتماعی مقاومت مسلحانه موجب شده است.

۴ــ در اثر افشای دست‌نشاندگی مدعیان سلطنت و تمامی بازماندگان رژیم شاه و همچنین افشای وابستگی مدعیان "میانه"روی و استحاله‌ی رژیم خمینی کارت سلطنت برای همیشه در ایران سوخت و استحاله‌گرایی نیز به آخر خط خود رسید. از سوی دیگر با حذف منتظری ابله از دور ولایتعهدی خمینی، عهد و روزگار کسانی نیز که با آویختن به عبای منتظری چشم به استحاله‌ی رژیم خمینی دوخته بودند، بطور قطعی بسر آمده است. و به این ترتیب خیانتکارانی همچون امینی و بختیار و بنی‌صدر و مدنی و بازرگان با شاه یا خمینی هم‌سرنوشت شدند. یعنی هم "کارت" سلطنت و هم "خط" استحاله‌گرانی که با نامزدشدن در انتخابات ریاست‌جمهوری خمینی و یا با نامه‌نگاری‌های ننگین به شخص خمینی، قصد خزیدن به زیر قبای "ولایت‌فقیه" دژخیم خون‌آشام جماران را داشتند "برگ خاتمه‌ی خدمت" خود را دریافت کردند!

به این ترتیب در میهن اسیرمان امروز در یک سر رژیم خمینی است و جهل و جنگ و سرکوب و در سوی دیگر سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت که آرمان صلح، آزادی و حاکمیت و استقلال ملی را نگاهبانی می‌کنند.

۵ــ ما نیرویی مترقی و مبارز، خارج از میدان عمل و مبارزه‌ی انقلابی با دشمن ضدبشری یعنی خمینی خون‌آشام نمی‌شناسیم و

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

قطعنامهٔ سراسری تظاهرات، میتینگ‌ها و آکسیون‌های سراسری انجمن‌های دانشجویان مسلمان بمناسبت ...

هر حرکتی را که در جهت مقاومت انقلابی و مسلحانه‌ی مردم ایران و پشت‌جبهه‌ی آن در خارج کشور نباشد، تلاشی بیهوده، مذبوحانه و نامشروع می‌دانیم و آنرا تحت هر عنوانی که باشد اعم از ترقی‌نمایی و ملی‌گرایی پوشالی تا اسلام‌پناهی و چپ‌نمایی ارتجاعی بنفع دشمن قسم‌خورده‌ی خلق یعنی خمینی ضدبشر و علیه منافع مردم ایران ارزیابی می‌کنیم.

باندها و مهره‌های سوخته و آبروباخته‌ی ضدانقلابی که در خارجه جا خوش کرده‌اند و با دریافت "مواجب" و "مستمری" یا بدون جیره و مواجب، فرصت را غنیمت شمرده و با مجاهدین جنگ‌درجنگ شده‌اند و به این ترتیب خود را برای فروش بهتر و بیشتر به امپریالیزم عرضه می‌کنند، باید بدانند که اینگونه سوداها در نهایت برای آنان سودی ندارد و همه‌ی آنها در آینده بایستی پاسخگوی اینگونه اعمال ضدانقلابی خود در پیشگاه خلق قهرمان ایران باشند.

۶ــ حملات جنون‌آمیز رژیم خمینی موسوم به کربلای ۴ و ۵ و ۶ به خاک کشور عراق که با شکست خفت‌بار خمینی همراه بود و بیش از یکصدوپنجاه‌هزار تن تلفات برای مردم محروم ایران به ارمغان آورد، جنگ را وارد دور جدیدی کرد که جنگ فاجعه‌بار شهرها و کشتار مردم بیگناه دو کشور یکی از آثار آن است.

با توجه به تلاش‌های گسترده‌ی مقاومت ایران در زمینه‌ی امر خطیر صلح که در نهایت به دیدار صلح در بغداد انجامید و با توجه به نهضت صلح‌خواهی مردم ایران و جهان و محکومیت جنگ‌طلبی رژیم خمینی از سوی اکثریت قریب‌به‌اتفاق کشورهای جهان، انگیزه‌ی خمینی برای ادامه‌ی جنگ چیزی جز جلوگیری مقطعی از تلاشی درونی خودش نیست. ما ضمن افشای تاکتیک "صدور بحران" رژیم خمینی از کلیه‌ی نیروها و کشورهای جهان مصراً خواستاریم که با تحریم تسلیحاتی رژیم خمینی دست او را در تجاوز و کشتار مردم محروم ایران و عراق ببندند.

۷ــ با گرامیداشت مجدد خاطره‌ی شهدای عاشورای مجاهدین و تمامی شهدای خلق، یادآور می‌شویم که اعتلای مقاومت مسلحانه ورود آن به فاز جدید که تحقق قیام مسلحانه‌ی مردمی را در پی خواهد داشت. وظایف انقلابی سنگینی را در برابر ما قرار داده است. تنها راه پایان دادن به حاکمیت سیاه و ضدبشری خمینی امداد نیروهای رزمنده‌ی مجاهد خلق است. کمک‌رسانی و یاری به آنان مهمترین وظیفه‌ی ملی و میهنی هر ایرانی آزاده محسوب می‌شود بدینوسیله کلیه‌ی هموطنانمان را به امداد هرچه بیشتر رزمندگان مجاهد خلق فرا می‌خوانیم.

مرگ بر خمینی ــ درود بر رجوی
سلام بر خلق ــ مرگ بر امپریالیسم
اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور
هواداران مجاهدین خلق ایران

*

گردهمایی‌های پرشکوه هموطنان مقیم خارج کشور ...

بقیه از صفحه‌ی ۴۱

ایران) در تاریخ ۱۷ بهمن در سالن آویلای شهر رم برگزار شد. در این گردهمایی حدود ۵۰۰تن از ایرانیان شریف و آزاده از دهها شهر مختلف ایتالیا شرکت کردند. سالن جلسه با عکس‌های رهبری انقلاب و پلاکاردهایی در رابطه با بزرگداشت ۱۹ بهمن، عکس‌های بزرگ قهرمانان عاشورای مجاهدین اشرف و موسی که حلقه‌های گل دور آن بود بطرز باشکوهی تزئین شده بود. این میتینگ در ساعت ۵بعدازظهر با پخش سرودهای مصور "گل توفان اشرف" و "فرمان موسی" شروع شد سپس ویدئوی منتخبی از تظاهرات بزرگداشت ۱۹ بهمن اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور در سال ۶۴ پخش گردید. بدنبال آن، ویدئوی "بانگ مسعود" که شامل گوشه‌هایی از سخنرانی‌های پرشور رهبر انقلاب نوین مردم ایران برادر مجاهد مسعود رجوی در مقاطع مختلف ۸سال مبارزه‌ی خونین و درخشان برعلیه رژیم ضدبشری خمینی است، نمایش داده شد که مورد استقبال شدید حضار قرار گرفت. سپس پیام خواهر مجاهد مریم رجوی همردیف مسئول اول و فرمانده‌ی عالی سازمان مجاهدین خلق بمناسبت ۱۹ بهمن حماسه‌ی اشرف و موسی پخش گردید که جمعیت با غریو شعارهای ایران، رجوی ــ رجوی، ایران از پیام خواهر مجاهد مریم رجوی استقبال نمودند.

قسمت دوم برنامه با سخنرانی خواهر مجاهد فاطمه رمضانی عضو هیئت اجرایی و دبیر روابط بین‌المللی سازمان مجاهدین خلق ایران شروع شد. سخنرانی خواهر مجاهد فاطمه رمضانی چندین بار با شعار مرگ بر خمینی ــ درود بر رجوی و کف‌زدن‌های جمعیت قطع گردید. در این سخنرانی خواهر مجاهد فاطمه رمضانی با اشاره به آثار عزیمت تاریخساز رهبری انقلاب نوین مردم ایران به عراق و به کنار رزمندگان مجاهد خلق، گفت: "فرماندهی مستقیم رهبری مقاومت ایران در امر سازماندهی و هدایت نیروهای مقاومت در حال به ثمر نشستن است و امروز ما از بیشترین آمادگی برای رویارویی نهایی با رژیم ضدمردمی خمینی برخورداریم". وی آنگاه به تظاهرات و اعتراضات اجتماعی علیه جنگ و سرکوب خمینی و از جمله تظاهرات شکوهمند مادران اسرای مجاهد خلق که طی ماههای گذشته دشمن ضدبشر را شدیداً درمانده و مستأصل کرده است اشاره کرد و گفت: "مقاومت مسلحانه‌ی مردم ایران اکنون بخوبی خواهد توانست استقبال اجتماعی از این مقاومت و نفرت اجتماعی از رژیم خمینی را در جاده‌ی قیام مسلحانه‌ی مردمی سازمان دهد"

در این میتینگ آقای "پاگانو" مسئول روابط خارجی جوانان حزب سوسیالیست ایتالیا نیز سخنرانی نمود وی در سخنرانی‌اش از مقاومت مردم ایران به رهبری برادر مجاهد مسعود رجوی حمایت نمود او در قسمتی از سخنرانی خود با یادآوری شرکت برادر مجاهد مسعود رجوی در کنگره‌ی قبلی حزب سوسیالیست بر همبستگی این حزب با مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران برای صلح و آزادی تأکید نمود.

میتینگ باشکوه ایرانیان مقیم ایتالیا با قرائت قطعنامه‌ی سراسری تظاهرات انجمن‌های دانشجویان مسلمان بمناسبت ۱۹ بهمن پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین، حماسه‌ی اشرف و موسی ادامه یافت. همه‌ی بندهای این قطعنامه با دست زدن و شعار دادن مورد تأیید قرار گرفت. آنگاه بعد از پخش سرود ایران‌زمین گردهمایی ایرانیان مقیم ایتالیا در میان ابراز احساسات شدید و با غریو شعارهای "ایران رجوی ــ رجوی ایران، قسم بخون اشرف، قسم به عزم موسی که تا رهایی خلق دمی ز پا نَشینیم" به پایان رسید.

www.iran-archive.com

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت
بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران

بقیه از صفحه‌ی ۷

۳ سال بودجه‌ی کل کشور است. بنا به اعتراف روزنامه‌های خودش، رژیم فقط از توزیع قلک‌هایی بشکل نارنجک در بین دانش‌آموزان در اسفندماه گذشته جهت به جیب‌زدن عیدی آنها، مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان اخاذی کرده است.(۱)

ـ کارخانجات تحت پوشش زندان‌های خمینی نیز ۱۰۰ میلیون تومان پرداخت کردند.(۲)

ـ فقط از زندانیان اصفهان ۲۰۰,۰۰۰ تومان اخاذی شده.(۳)

ـ مسئول بسیج ضدخلقی خمینی در اوایل آبان امسال اعلام کرد که طی ۶ ماه اول سال ۶۵ چهارمیلیارد تومان بصورت نقدی و جنسی از مردم دریافت کرده است.(۴)

برخی دیگر از اقلام اخاذی‌ها بشرح زیر است:

از اولیاء دانش‌آموزان ۱۲ میلیون تومان(۵)، از آموزشیاران و نوسوادان یک‌میلیون تومان(۶)، از کارکنان معدن طرزه(۷)، مجموعاً حدود ۳۵ میلیون تومان، از کارکنان وزارت معادن و فلزات مجموعاً ۴۳۰ میلیون تومان(۸)، از شرکت ملی صنایع ایران در ۹ ماهه‌ی اول سال ۶۵ حدود ۱۹ میلیون تومان(۹) و از مردم عادی (اخذ شده توسط کمیته‌ی امداد خمینی) حدود ۱۱۳ میلیون تومان(۱۰) و...

*

اما اخاذی خمینی از مردم فقط منحصر به پول و اشیاء مختلف نیست. بلکه خون هم می‌خواهد. روزنامه‌های خمینی را که ورق بزنید، انبوهی نمونه‌ها خواهید یافت. آنها را هم که نمی‌تواند به تنور جنگ بفرستد بخشی از خونشان را در شهرها و روستاهای مختلف بزور و اجبار دریافت می‌کند و با منتهای وقاحت ضدبشری اخبار آنرا هم با آب و تاب منعکس می‌کند. گوش کنید:

خون‌گیری از آموزشگاه نابینایان(۱۱)، خون‌گیری از زندانیان ندامتگاه دژبان مرکز(۱۲) خون‌گیری از مهاجرین عراقی(۱۳)، ۳۰,۰۰۰ cc خون از روستای زنگی‌آباد کرمان(۱۴)، ۲۸,۰۰۰ cc خون از دهستان اشکنان(۱۵)، ۵۲۵,۰۰۰ cc خون از مردم ایلام(۱۶)، بیش از ۴۴,۰۰۰ گیسه خون از مردم جهرم(۱۷)، بیش از ۱۳,۰۰۰ گیسه خون از واحدهای سیار مستقر در ادارات و شرکت‌ها در مهرماه سال ۶۵ (۱۸).

ضمناً بد نیست بدانیم که خون کشیدن از سربازان در جبهه‌های جنگ به ازای دادن مرخصی امر رایجی است. نمونه‌های متعددی وجود دارد که اگر نمی‌شده مانند پادگان جُلدیان به اجبار از سربازان خون گرفت، فی‌المثل در شهر اهواز در قبال هر ۱۰۰ cc خون یک روز مرخصی و در لشکر موسوم به حمزه به ازای ۳۰۰ cc خون سه روز مرخصی داده می‌شده است.

راستی مگر در دوران حکومت خمینی با اینهمه فقر و گرانی و کمیابی چه میزان خون در بدن‌های مردم ایران تولید شده که او اینهمه را به ناحق بر خاک می‌ریزد و اینهمه را هم بزور و اجبار از بدن‌ها بیرون می‌کشد؟

ننگت‌باد ای دژخیم خون‌آشام، لعنت یک تاریخ بر تو باد و بر هر آنکه دست در دست تو دارد و یا به رژیم تو نظر دوخته است و بر هر آنکه در مقابل تو سکوت کرد و سازش نمود.

*

اخاذی‌ها و اجبارات جنگی خمینی حلقات بیشمار دارد و با انواع و اقسام تحمیلات همراه است. یک شیوه‌ی استثمارگرانه‌ی دیگر اینست که فی‌المثل برای تامین خورد و خوراک مزدورانش اصناف مختلف را به نوبت در جبهه به بیگاری می‌آورد. مثلاً صنف کباب‌پزها هر ۱۵ روز بایستی ۱۰ آشپز جهت تهیه‌ی حلیم برای پاسداران به جبهه‌ها اعزام کنند. یا کارگران و کارمندان جهان‌چیت مجبور شدند تحت شعار "مرگ بر آمریکا" در دیماه گذشته به دو شیفت کار فوق‌العاده مبادرت نموده و حاصل آنرا که حدود ۷۰۰,۰۰۰ تومان می‌شود به حساب جبهه‌ها واریز کنند. به کارخانجات دیگر نیز با همین شعار مرگ بر آمریکا در ۱۳/آبان گذشته یک شیفت ۶ ساعته اضافه‌کاری تحمیل شد. بگذریم که وقتی کارگران زحمتکش با شعار "مرگ بر آمریکا" برای تنور جنگ خمینی بیگاری می‌دادند لابد خمینی و ملیجک دربارش مشغول چنگ و دندان زدن به "گیگ" اهدایی بوده‌اند!

*

تلفات این جنگ ضدمیهنی اکنون تنها در طرف ایران به ۱/۵ میلیون کشته و مجروح و معلول بالغ شده است.

تنها در تهاجم "ضد کربلای"۵، که البته هنوز رسماً پایان نیافته، خمینی حدود ۱۰۰,۰۰۰ کشته و مجروح و معلول برجای گذاشت.

۲ هفته قبل از آن ۵۰,۰۰۰ کشته و مجروح و معلول دستاورد تهاجم "ضدکربلای"۴ بود. تلفات تنور جنگ خمینی در سال ۶۵ علاوه بر اینها ۳۰,۰۰۰ کشته و ۶۰,۰۰۰ مجروح و معلول دیگر را نیز دربرمی‌گیرد که مربوط به "ضدکربلا"های قبلی است.

در سال ۶۴ نیز خمینی مبادرت به تهاجماتی تحت عناوین "قدس" و "ظفر" و باصطلاح "عاشورا" و "والفجر" نمود که حدود ۴۵۰۰۰ کشته و ۸۵۰۰۰ مجروح و معلول بر جای گذاشت. روندی که در تمامی سال ۶۳ و قبل از آن نیز ادامه داشت.

پاورقی:

(۱) ـ روزنامه جمهوری رژیم ـ ۶۵/۷/۱
(۲) ـ اطلاعات خمینی ـ ۶۵/۱۰/۲۰
(۳) ـ اطلاعات خمینی ـ ۶۵/۱۰/۱۳
(۴) ـ رادیو رژیم ـ ۶۵/۸/۳
(۵) ـ جمهوری رژیم ـ ۶۵/۷/۱
(۶) ـ کیهان خمینی ـ ۶۴/۴/۹
(۷) ـ جمهوری رژیم ـ ۶۵/۶/۸ (از آغاز جنگ تا پایان سال ۶۴ کسری یک روز حقوق)
(۸) ـ وزیر مربوطه، اطلاعات خمینی ـ ۶۵/۷/۳
(۹) ـ اطلاعات خمینی ۶۵/۱۰/۸
(۱۰) ـ رسالت رژیم ۶۵/۹/۸
(۱۱) ـ اطلاعات خمینی ۶۵/۸/۱۸
(۱۲) ـ صف شماره ۸۳ آبان ۶۵
(۱۳) ـ خراسان ۶۵/۹/۲
(۱۴) ـ جمهوری ۶۵/۵/۲۲
(۱۵) ـ رسالت ۶۵/۱۰/۱۰
(۱۶) ـ جمهوری ۶۵/۵/۲۲
(۱۷) ـ جمهوری ۶۵/۵/۲۲
(۱۸) ـ رسالت ۶۵/۸/۸

www.iran-archive.com

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت
بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران

خمینی در به باد دادن امکانات عمومی کشور در تنور جنگی‌اش نیز بیداد می‌کند از جمله:

ـ اختصاص دادن پنجاه درصد گوشت وارداتی کشور به جبهه‌ها و نیروهای نظامی و انتظامی

ـ اختصاص دادن پنجاه درصد تولیدات کمپوت و هشتاد درصد کنسرو به جبهه‌های جنگ(۱)

ـ اختصاص دادن چهل درصد از تمامی تولیدات وزارت صنایع سنگین به کار جنگ(۲)

ـ قرار گرفتن پانصد کارخانه‌ی تحت پوشش صنایع ملی در خدمت جنگ. این سازمان دربرگیرنده‌ی هفتاد درصد صنایع دارویی، هفتاد درصد صنایع روغن‌نباتی و چهل درصد صنعت قند در کل کشور است(۳)

ـ بکار گرفتن امکانات فنی هنرستان‌ها برای ساختن مین و انواع خمپاره و جعبه‌های مهمات(۴)

ـ بکار گرفتن کامل کارخانه‌ی ماشین‌سازی اراک برای کارهای جنگی از قبیل ساختن قطعات پل سه شیفت در شبانه‌روز

ـ بکار گرفتن بخش عمده‌ی امکانات حمل‌ونقل کشور در جهت اعزام نیرو و سلاح و وسایل به جبهه‌های جنگ توسط سپاه پاسداران خمینی. از جمله امکانات شرکت حمل‌ونقل ایران‌تانکر همراه با راننده‌های کامیون‌ها و تریلی‌های آن.

ـ بکار گرفتن مهمترین امکانات راه‌سازی و پل‌سازی کشور برای جنگ چه در وزارت راه و چه در شهرداری‌های مختلف.

ـ بکار گرفتن امکانات و مایملک شهرداری‌ها برای جبهه‌های جنگ از جمله شهرداری تهران که بخش‌های مهمی از آن از قبیل ترابری مشخصاً در خدمت جنگ قرار گرفته است.

قسمت عمده‌ی توانایی و کار این اداره مستقیماً در خدمت ایجاد تاسیسات و رساندن تدارکات به جبهه‌های جنگ است. که در سه ماه اول سال جاری فقط در یک مورد چهارمیلیون تومان هزینه برداشته، پس از آن نیز بیش از ۲۵۰قلم لوازم یدکی و ماشین‌آلات از جمله بیل‌های مکانیکی و جرّاثقال و سایر ماشین‌آلات به جبهه‌ها ارسال شده است. البته از چند سال پیش خمینی دستور داده بود تمام امکانات شهرداری‌ها را در خدمت جنگ بگذارند. فی‌المثل استاندار رژیم در خراسان در مردادماه سال۶۲ اعلام کرده بود که بنا به خواست خمینی "اگر لازم باشد شهرداری‌های ما مهمترین پروژه‌های خود را بخوابانند تا وسایل موردنیاز جبهه را تأمین کنند، این کار را خواهیم کرد".

*

ملاحظه می‌شود که در ایران خمینی‌گزیده همه‌چیز یا در خدمت جنگ است و یا سرکوب. خمینی این هیولای آدمخوار از بچه‌های مردم هم درنمی‌گذرد. اعزام اجباری دانش‌آموزان یکی از ننگین‌ترین و زشت‌ترین وجوه این جنگ ضدمیهنی را بزملا می‌کند. رژیم خود اعلام کرده است که سال گذشته بیش از صدهزار دانش‌آموز و ۳۰،۰۰۰معلم را به جبهه‌ها فرستاده است. تصاویر کلاس‌های خالی که حکایت از پرپرشدن هزارها نوجوان دارد و اغلب توسط روزنامه‌های خود رژیم منتشر می‌شود، براستی جگرخراش است. جز برای پیرگفتار خون‌آشام جماران که لعنت خدا و خلق خدا بر او باد. براستی که خمینی مظهر قساوت و شقاوت حداکثر است.

اخیراً شنیدم یکی از زعمای رژیم اندرفواید اعزام دانش‌آموزان به جبهه‌های جنگ گفته است: "دانش‌آموز خودش است و کت و شلوارش، می‌رود لباس بسیجی می‌پوشد، کلاش برمی‌دارد و دیگر تمام است..."

*

هموطنان عزیز،

می‌بینید که خمینی بر آن است تا تمام هستی ایران را در تنور جنگ بسوزاند یعنی مسئله‌ی جنگ و صلح مسئله‌ی هست و نیست اوست. اخیراً یکی از ایادی خمینی گفت: "مردم باید جبهه‌ها را فعال نگهدارند، آنچه مایه‌ی هستی ماست، جنگ است"(۵)

درست است! براستی جنگ مایه‌ی هستی خمینی و صلح راهگشای آزادی ما مردم ایران است. بی‌جهت نیست که مقاومت عادلانه‌ی مردم ما از آغاز شعارهای استراتژیکی "صلح و آزادی" را برگزیده و هیچگاه برای اباطیل میانه‌بازان و چپ‌نمایان پرت‌افتاده از این میهن، و کسانی که با فرومایگی تمام وجه‌المصالحه قراردادن مجاهدین در این رابطه را پیشنهاد می‌کردند، پشیزی ارزش قائل نبوده است.

ما از آغاز اعلام کردیم که تا خمینی هست جنگ و اختناق هم هست و خمینی جز در شرایط ضعف مطلق ـ که او را ضمناً در آستانه‌ی سقوط قرار می‌دهد ـ تن به صلح نخواهد داد. چرا که صلح همانا به نابودی او و رژیمش منتهی می‌شود. از اینجا می‌توان به نقش تاریخساز شعار صلح که پیوسته نصب‌العین شورای ملی مقاومت ایران بوده است راه برد. شعاری که البته برای مطرح کردن، جا انداختن و پیش بردن آن و گسترش داخلی و بین‌المللی‌اش بهایی بس گزاف پرداختیم. بی‌مبالغه می‌گویم مصیبت‌ها کشیدیم و خون‌جگرها خوردیم و برچسب‌ها تحمل کردیم تا طلسم "جنـــگ" درهم شکست. خمینی با همین طلسم راه "آزادی" را سد کرده بود و درست در همین نقطه

ما از آغاز اعلام کردیم که تا خمینی هست جنگ و اختناق هم هست و خمینی جز در شرایط ضعف مطلق ـ که او را ضمناً در آستانه‌ی سقوط قرار می‌دهد ـ تن به صلح نخواهد داد. چرا که صلح همانا به نابودی او و رژیمش منتهی می‌شود. از اینجا می‌توان به نقش تاریخساز شعار صلح که پیوسته نصب‌العین شورای ملی مقاومت ایران بوده است راه برد. شعاری که البته برای مطرح کردن، جا انداختن و پیش بردن آن و گسترش داخلی و بین‌المللی‌اش بهایی بس گزاف پرداختیم. بی‌مبالغه می‌گویم مصیبت‌ها کشیدیم و خون‌جگرها خوردیم و برچسب‌ها تحمل کردیم تا طلسم "جنـــگ" درهم شکست. خمینی با همین طلسم راه "آزادی" را سد کرده بود و درست در همین نقطه میانه‌بازان استحاله‌گرا همراه با ملی‌گرایان پوشالی و بقایای سلطنت مدفون و بسیاری چپ‌نمایان در برابر سیاست انقلابی "صلح" ما برای تنور جنگ خمینی هیزم‌کشی می‌کردند.

پاورقی:

(۱) ـ رسالت ـ ۶۵/۷/۱۴

(۲) ـ کیهان خمینی ـ ۶۵/۷/۶

(۳) ـ رسالت ـ ۶۵/۸/۴

(۴) ـ اطلاعات خمینی ـ ۶۵/۱۰/۱۳

(۵) ـ آخوند جوادی آملی ـ قم ـ ۶۵/۱۱/۵

www.iranarchive.com

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت
بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

میانه‌بازان استحاله‌گرا همراه با ملی‌گرایان پوشالی و بقایای سلطنت مدفون و بسیاری چپ‌نمایان در برابر سیاست انقلابی "صلح" ما برای تنور جنگ خمینی هیزم‌کشی می‌کردند. در این جهت و درست رودرروی مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی بسیاری از بلندگوها و رسانه‌های استعماری نیز که در ادامه‌ی جنگ ایران و عراق منافع کلان داشتند، هیزم‌کشان را علیه ما همراهی کردند. روشن‌تر بگویم: سیاست عملی صلح که مشخصاً در شکستن طلسم جنگ از طریق بیانیه‌ی صلح، طرح صلح شورای ملی مقاومت و دیدار صلح در بغداد پایه‌گذاری شد و در سراسر جهان و بویژه در داخل ایران گسترده‌ترین حمایت‌های مردمی را حاصل نمود، از هوشیاری و سرشت ضدبهره‌کشانه‌ی انقلاب نوین ایران و از شجاعت سیاسی فوق‌العاده‌ی مقاومتی ناشی شده بود که قبل از هر چیز مرزهای تاریخی خود با بورژوازی استثمارگر را (چه در اشکال سنتی و چه حتی در تظاهرات و رگه‌های چپ‌نمایانه‌ی آن) جدا کرده بود. همان بورژوازی که هیچگاه در طول تاریخ معاصر جسارت و جرأت جداسازی تام‌وتمام خود از جنگ‌های غیرعادلانه را که در پوشش‌های ملی و وطنی عرضه می‌شوند نداشته است. اما مقاومت انقلابی ایران بلحاظ تاریخی و ایدئولوژیک بسا خالص‌تر و مردم‌گراتر از این بود که در چنین دام‌هایی گرفتار آید.

تا آنجا که من می‌فهمم مضمون اجتماعی و سیاسی انقلاب درونی مجاهدین در سال ۶۳ در یک کلام تصفیه و تعالی ضدبهره‌کشانه و رهایی هر چه بیشتر و عمیق‌تر از همین عنصر استثمارگر بورژوایی و در پهنه‌های مختلف است. پیام نهایی این انقلاب ایدئولوژیک درونی را که از "رهایی زن" آغاز شد می‌توان در بازشناختن ضرورت و نقش تعیین‌کننده‌ی "رهبری" در نیل به رهایی و یگانگی خلاصه کرد.

اکنون باز هم اجازه بدهید پیلان حکومت خمینی را پیگیری کنیم.

۴ــ انهدام کشاورزی و کشاورزان ایران از دیگر ارمغان‌های شوم حکومت ۸ساله‌ی خمینی است. در این سال‌ها واردات کالاهایی نظیر گندم و برنج ۴۰ الی ۵۰برابر افزایش یافته است.

چندی پیش وزیر کشاورزی خمینی اعلام کرد که هم‌اکنون کشور به حدود ۹/۵میلیون تن گندم و ۱/۶میلیون تن برنج در سال نیاز دارد.(۱)

همین وزیر، خود در اواخر آبان اعلام کرده بود میزان خرید گندم مازاد بر نیاز کشاورزان در کل کشور حدود ۲/۵میلیون تن می‌باشد. از اینجا می‌توان به ابعاد شگفت‌انگیز گندم وارداتی و همچنین به ابعاد انهدام و تخریب کشاورزی ایران و فشارهای طاقت‌فرسایی که بر کشاورزان و دهقانان فقیر و کارگران کشاورزی در دوره‌ی خمینی وارد شده پی برد.

برحسب آمار رژیم، امسال ۷۰۰,۰۰۰تن برنج، ۶۰۰,۰۰۰تن شکر، ۴۰۰,۰۰۰تن روغن‌نباتی، یک‌میلیون تن ذرت، حدود ۲۰۰,۰۰۰تن گوشت، ۸۵,۰۰۰تن پنیر و بیش از ۵۰,۰۰۰تن کره از خارج وارد گردیده است.

بسیاری از این اقلام مانند پنیر و کره به‌هیچوجه کفاف مصرف داخلی را نمی‌دهد و در سال‌های گذشته خیلی بیشتر وارد می‌گردید. دلیل تنزل واردات این اقلام در سال جاری تقلیل شدید درآمد نفت یعنی بی‌پولی و کمبود ارز خارجی است.

واردات شیرخشک مثال دیگری در همین زمینه است. در آبانماه گذشته وزیر بهداشت خمینی اعلام کرد که بودجه‌ی مربوط به واردات شیرخشک که سال گذشته ۱۲۰میلیون دلار بوده امسال به نصف و حوالی هفتادمیلیون دلار کاهش یافته است. البته می‌دانیم که کمبود شیرخشک آثار فوق‌العاده سوئی بر تغذیه‌ی کودکان و وضع و حال مادران دارد. فکر می‌کنم همه شنیده باشند که چندماه پیش چگونه مرد بیچاره‌ای که پس از تلاش‌های بسیار برای پیدا کردن شیرخشک به آن دست نیافته بود، طفل شیرخوار خود را در داروخانه از فرط استیصال و ناراحتی بر زمین کوفت و کُشت. در چنین شرایطی وزیر بهداشت و درمان خمینی جلاد با وقاحت اعلام کرد "۹۸% مادران قادرند شیر موردنیاز کودکان خود را تامین کنند اما در اثر فرهنگ غلط میزان استفاده از شیرخشک سرسام‌آور شده"!

اما واقعیت اینست که مگر خمینی برای مردان ما خون و برای زنانمان شیر باقی گذاشته؟ مگر هر دو را خشک نکرده؟

وزیر بهداشت خمینی همچنین در آبانماه گذشته اعلام کرد: "اینطور نیست که شیرخشک جزء نیازهای اساسی بهداشتی باشد"!(۲)

قبل از این تاریخ در تیرماه اعلام شده بود که "با توزیع کارت‌ها خانواده‌ها هر پانزده‌روز یکبار می‌توانند سه قوطی شیرخشک برای کودکان تا یکسال، بگیرند" (۳)

در همین ایام مدیرعامل سازمان بهداری استان فارس اظهار لحیه کرد که: "شرعاً و عرفاً و از نظر علمی بررسی شده که شیرخشک تا یکسالگی برای بچه لازم است. فقط برای کودکانی کارت صادر می‌شود که سن آنها بین یک روز تا یکسال تمام باشد."!(۴)

بحث اصلی‌مان درباره‌ی تولیدات و محصولات کشاورزی را ادامه بدهیم:

شگفت‌انگیز است که از کل روغن‌نباتی مصرفی در کل کشور که ۴۳۰,۰۰۰تن است

سیاست عملی صلح که مشخصاً در شکستن طلسم جنگ از طریق بیانیه‌ی صلح، طرح صلح شورای ملی مقاومت و دیدار صلح در بغداد پایه‌گذاری شد و در سراسر جهان و بویژه در داخل ایران گسترده‌ترین حمایت‌های مردمی را حاصل نمود، از هوشیاری و سرشت ضدبهره‌کشانه‌ی انقلاب نوین ایران و از شجاعت سیاسی فوق‌العاده‌ی مقاومتی ناشی شده بود که قبل از هر چیز مرزهای تاریخی خود با بورژوازی استثمارگر را (چه در اشکال سنتی و چه حتی در تظاهرات و رگه‌های چپ‌نمایانه‌ی آن) جدا کرده بود. همان بورژوازی که هیچگاه در طول تاریخ معاصر جسارت و جرات جداسازی تام‌وتمام خود از جنگ‌های غیرعادلانه را که در پوشش‌های ملی و وطنی عرضه می‌شوند نداشته است. اما مقاومت انقلابی ایران بلحاظ تاریخی و ایدئولوژیک بسا خالص‌تر و مردم‌گراتر از این بود که در چنین دام‌هایی گرفتار آید.

پاورقی:

(۱) ــ اطلاعات خمینی ــ ۶۵/۹/۱۱
(۲) ــ اطلاعات خمینی ــ ۶۵/۸/۸
(۳) ــ کیهان خمینی ــ ۶۵/۴/۱۷
(۴) ــ خبر جنوب ــ ۶۵/۴/۱۷

www.iran-archive.com

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت
بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران

فقط ۳۰هزار تن (حدود ۷٪) آن در داخله تهیه می‌شود(۱) و مابقی بطرق مختلف از خارج وارد می‌گردد.
همچنانکه سال گذشته نیز به عرض رساندم زعمای رژیم خود معترفند که در حکومت خمینی تولید داخلی محصولات اساسی کشاورزی دست‌کم پنجاه‌درصد تنزل کرده است و حدود $\frac{2}{3}$ از ۵۱میلیون هکتار اراضی قابل کشت معطل و بلااستفاده افتاده است. در اوایل سال جاری یکی از رسانه‌های رژیم بعنوان نمونه اعتراف نمود که طی چند سال اخیر حدود ۴۰۰,۰۰۰هکتار از اراضی قابل کشت نیز تخریب شده و در نتیجه ۱/۷میلیون تن محصولات اساسی کشاورزی از دست رفته است.(۲)

زعمای رژیم خود معترفند که در حکومت خمینی تولید داخلی محصولات اساسی کشاورزی دست‌کم پنجاه درصد تنزل کرده است و حدود دوسوم از ۵۱میلیون هکتار اراضی قابل کشت معطل و بلااستفاده افتاده است. در اوایل سال جاری یکی از رسانه‌های رژیم بعنوان نمونه اعتراف نمود که طی چند سال اخیر حدود ۴۰۰,۰۰۰هکتار از اراضی قابل کشت نیز تخریب شده و در نتیجه ۱/۷میلیون تن محصولات اساسی کشاورزی از دست رفته است.

سطح جنگل‌های غرب کشور نیز طی همین مدت در اثر تخریب و تبدیل، از ۱۲میلیون هکتار، تقریباً به نصف کاهش یافته است. بنحوی که تولیدات آن فقط برای تعلیف ۲۰٪ از دامهای کشور کفایت می‌کند. به همین دلیل قرار بر اینست که در سال جاری حدود ۲/۵میلیون تن علوفه و خوراک دامی از خارج وارد شود.
چندی پیش وزیر صنایع رژیم در همین‌باره گفت: "دامداری هم در این کشور وابسته است، چون تمام خوراک دام و علوفه و خوراک طیور از خارج می‌آید. بخاطر کمبود گازوئیل صنعت مرغداری نیز به خارج وابسته است" (۳)
شیلات کشور نیز وضعی بهتر از دامداری ندارد. درآمد شیلات در بودجه‌ی امسال حدود ۵۵درصد به نسبت سال گذشته کاهش نشان می‌دهد. وضع شیلات جنوب خیلی خراب‌تر است و از ۱۰میلیون تومان درآمدی که پارسال داشت، امسال هیچ خبری نیست.

راجع به زنبورعسل و وضعیت کندوها نیز کافی است خاطرنشان کنیم که فی‌المثل در شهر آمل بعلت دریافت نکردن دارو، تلفات کندوها در یک فاصله‌ی ۶ماهه (از پائیز ۶۴ تا بهار ۶۵) بیش از ۵۵٪ بوده و از ۲۵,۰۰۰ به ۱۱,۰۰۰کندو کاهش یافته است.

۵ــ درهم‌شکستگی صنایع و عقب‌گرد صنعتی بسیار شدید و فشار فوق‌العاده بر کارگران و زحمتکشان، یکی دیگر از بارزترین وجوه حکومت ۸ساله‌ی خمینی است که بوضوح نشان می‌دهد وی تا کجا دشمن حرث و نسل یعنی دشمن نسل‌ها و کشت و تولید ایران است.
چنانکه در سال‌های گذشته نیز بعرض رساندم، کارشناسان اقتصادی رژیم خود معترفند که طی حکومت او تولید ملی کشور ۲۵ تا ۳۵درصد پائین آمده و از توان تولیدی و سرمایه‌ی ثابت داخل کشور نیز ۸۳درصد کاسته شده است. سهم کالاهای صنعتی در کل کشور از رقم تقریبی ۳۰درصد در سال ۵۷ قویاً تنزل یافته و اکنون حتی به ۵درصد هم نمی‌رسد. به جرأت می‌توان گفت که صنعت کنونی ایران هیچ سهم مهمی در تولید ناخالص ملی ندارد.
بویژه در سال جاری به خاطر کاهش درآمد نفت و فقدان ارز خارجی، صنایع کشور که ۸۰درصد مواد اولیه‌ی آن از خارج وارد می‌شود اغلب تعطیل و یا نیمه‌تعطیل بودند.
آمار وزارت کار و امور اجتماعی حاکی از این است که بیش از ۱۲,۰۰۰کارگاه (اعم از کارگاه کوچک و بزرگ) در کل کشور از دولت سر خمینی به تعطیل دائم کشانده شده‌اند.
در مورد آثار فقدان ارز، خوب است اضافه کنیم سهمیه‌ی ارزی وزارت صنایع سنگین در سال ۶۱ حدود ۴میلیارد دلار، در سال ۶۲ بیشتر از ۳میلیارد دلار، در سال ۶۳ بیش از ۲میلیارد دلار و در سال ۶۴ حدود یک‌میلیارد دلار بود، اما امسال تا آذر ماه، بنابه تصریح وزیر مزدور آن، بیش از ۳۰میلیون دلار نصیبش نشده بود. در همین زمینه نمونه‌های زیرین هم قابل توجه است:
ــ تولیدات کارخانه‌ی آلومپارس ساوه طی ۸ماه اول سال جاری ۶۰درصد کاهش نشان می‌دهد. این کارخانه تنها تولیدکننده‌ی کاغذ آلومینیم‌دار در ایران است.
ــ کارخانه‌ی سرم‌سازی تهران که پیش از این ۳۶۰نوع سرم تولید و حتی صادر می‌کرد در معرض تعطیلی است و تنها دو نوع سرم برای جبهه‌های جنگ تولید می‌کند.
ــ کارخانه‌ی مزدا تولید وانت را تعطیل کرده است.
ــ کوره‌ی شماره۱ ذوب‌آهن اصفهان کلاً بحالت تعطیل درآمده است.
ــ بنا به تصریح وزیر صنایع رژیم تولیدات سازمان گسترش صنایع امسال ۶۰درصد کاهش نشان میدهد
ــ شهر صنعتی البرز در قزوین با حدود ۱۵۰کارخانه تقریباً بحالت تعطیل درآمده است
ــ در ۶ماه اول سال جاری ۵۷۰۰تن از آمار پرسنلی ایران ــ ناسیونال کاسته شده و از کار بیکار شده‌اند. از ۷۰۰۰نفر موجود نیز ۱۷۰۰نفر را به جبهه‌های جنگ فرستاده‌اند. خط تولید اتوبوس، مینی‌بوس و وانت تقریباً تعطیل شده و تولید پیکان از ۴۰۰دستگاه در روز اکنون به ۶۰دستگاه کاهش یافته.
ــ شرکت ارج خط تولیدی خود را به یک شیفت ۷ساعته کاهش داده و تولیدات خود را به حداقل رسانده است.
ــ شرکت‌های تولیدکننده‌ی تلویزیون از قبیل فیلیپس، پارس، شهاب و شرکت‌های کابل‌سازی نظیر ساوه و باختران یا تولید خود را به حداقل رسانده و یا بعضاً تعطیل شده‌اند.

پاورقی:
(۱) ــ معاون طرح و برنامه‌ی وزارت صنایع ــ جمهوری اسلامی ــ ۶۵/۹/۱۸
(۲) ــ اطلاعات ۶۴/۱۲/۱
(۳) ــ بهزاد نبوی ــ اطلاعات ــ ۶۵/۱۰/۱۰

www.iran-archive.com

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت
بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

—شرکت زامیاد برخی خطوط تولیدی خود را تعطیل و کارکنان آنرا بازخرید کرده است.

—معدن سرب و روی انگوران در زنجان حدود یک‌میلیارد تومان به بانک بدهکار است و دستمزد کارگران آن ماهها به عقب می‌افتد. ضمناً از وسایل امدادی برای کارگران و آمبولانس و پزشک نیز هیچ خبری در این معدن نیست.

براستی که خمینی آنقدر در صنعت پاسدارسازی و در معدن جنگ‌افروزی فرورفته، که جایی برای سایر صنایع و معادن و رسیدگی باقی نگذاشته است! و البته بدیهی است که بار اینهمه فشار قبل از همه بر دوش طبقه‌ی کارگر ایران است.

۶ — گرانی سرسام‌آور و کشنده و کمبودهایی که پیوسته تحت عنوان "جنگ" توجیه می‌شود، یکی دیگر از سرفصل‌های بیلان حکومت ننگین خمینی است.

در بازار سیاه تهران پنیر کیلویی کمتر از صدوپنجاه تومان و گوشت کیلویی کمتر از ۲۳۰تومان بدست نمی‌آید. قیمت برنج هر کیلو صدتومان، کره کیلویی ۴۸۰تومان و صابون هر قالب ۳۵تومان است. برای یک عدد تخم‌مرغ باید بیش از ۴تومان پرداخت. کوپن ده‌لیتری بنزین نیز صدتومان معامله می‌شود.

کارمندی که ماهیانه با اضافه‌کاری و صرفه‌جویی هشت‌هزار تومان درآمد خالص دارد اخیراً طی نامه‌ای نوشته بود که روزدرمیان بایستی ۱۸۰تومان برای "سرلاک" بچه بپردازد که ماهیانه ۲۷۰۰تومان می‌شود.

بعضی از کارکنان دولت روزانه ۱۶ساعت کار می‌کنند تا بتوانند تعادلی بین دخل و خرج خود ایجاد کنند. فشار روی اقشار کم‌درآمد منجمله معلمین فوق‌العاده زیاد و واقعاً طاقت‌فرساست.

طی ۸سال حکومت خمینی هزینه‌ی حمل‌ونقل تا بیست‌برابر افزایش یافته است. قیمت لوازم‌التحریر ضمن یکسال اخیر حدود ده‌برابر ترقی کرده و یک دفترچه‌ی صدبرگی جلد پلاستیک بیش از هشتادتومان به فروش می‌رسد.

طبق تحقیقات گروه تجارت بین‌المللی، تهران از نظر گرانی سومین شهر جهان است. اجاره‌مسکن که بیش از ده‌برابر افزایش یافته برای اقشار کم‌درآمد سر به آسمان می‌ساید.

از ۴۵۰۰قلم دارو که قبل از خمینی در بازار موجود بود ۳۸۰۰قلم آن دیگر اساساً یافت نمی‌شود.

نحوه‌ی توزیع نفت و بنزین دولتی فقط باعث جنگ اعصاب است. یک فروشنده‌ی نفت که سال گذشته ۱۴۰۰۰لیتر روزانه فروش داشته می‌گوید که امسال فقط ۲۰۰۰لیتر سهمیه دارد.

در تبریز رژیم فقط قادر است یک چهارم نفت موردنیاز مردم را تأمین کند.

—جالب این است که در چنین شرایطی زعمای رژیم دو قورت و نیم‌شان هم باقیست! فی‌المثل چندماه پیش منتظری ولیعهد سفیه خمینی صراحتاً گفت: "سابق که نفت نبود مردم چطوری گیاه‌خوارند و یا باید از دولت سر خمینی تا مرحله‌ی علفخواری هم جلو بروند!

نخست‌وزیر خمینی هم در مورد گوشت ده‌روز پیش گفت: "هیچ کشور در حال جنگ، سیصدمیلیون دلار خودش را در موقعی که برای جنگ احتیاج دارد، نمی‌دهد برای اینکه گوشت وارد کند و ملت گوشت بخورد."

قبل از او نیز رفسنجانی گفته بود: "وقتی جنگ با این وسعت می‌خواهد انجام بشود، در شرایط فشار اقتصادی تحقیقاً فشار می‌آورد روی ارزاق عمومی، روی سوخت، روی ترابری، روی راه، روی طرح‌های عمرانی"

خوب است کلام آخر در این زمینه را از آخوند جنایتکار دیگری بنام مشکینی نقل کنیم که در نمازجمعه گفت: "باید سجده‌های طولانی کنید، با خدایتان راز نیاز کنید، نگوئید جنس گران شد، نگوئید چنین و چنان شده والله سالم‌ترین کشور، کشور شماست."

خامنه‌ای به هنگام بیلان دادن درباره‌ی عملکردهای حکومت خمینی از درهم‌کوبیدن ثروتمندان و رسیدگی به مستضعفان سخن گفته بود. به همین مناسبت بد نیست بدانیم بیش از ۹۵درصد کل نقدینگی کشور متعلق به سه‌درصد مردم است.

جالب توجه است که در همین شرایط دولت خمینی دائماً اسکناس بی‌پشتوانه چاپ و به جریان می‌گذارد. گفته می‌شود که دولت خمینی در سال جاری بمنظور جبران کسر بودجه باز هم درصدد چاپ ۷۰میلیارد تومان اسکناس اضافی بوده است. پس عجب نیست که نرخ برابری

> درهم‌شکستگی صنایع و عقب‌گرد صنعتی بسیار شدید و فشار فوق‌العاده بر کارگران و زحمتکشان، یکی دیگراز بارزترین وجوه حکومت ۸ساله‌ی خمینی است که بوضوح نشان می‌دهد وی تا کجا دشمن حرث و نسل یعنی دشمن نسل‌ها و کشت و تولید ایران است.
> چنانکه در سال‌های گذشته نیز بعرض رساندیم، کارشناسان اقتصادی رژیم خود معترفند که طی حکومت او تولید ملی کشور ۲۵ تا ۳۵درصد پائین آمده و از توان تولیدی و سرمایه‌ی ثابت داخل کشور نیز ۸۳درصد کاسته شده است. سهم کالاهای صنعتی در کل کشور از رقم تقریبی ۳۰درصد در سال ۵۷ قویاً تنزل یافته و اکنون حتی به ۵درصد هم نمی‌رسد. به جرأت می‌توان گفت که صنعت کنونی ایران هیچ سهم مهمی در تولید ناخالص ملی ندارد.

زندگی می‌کردند. ما باید فرض کنیم که نفت نداریم و به سمت اقتصاد منهای نفت پیش برویم.!!

درباره‌ی گوشت نیز ولیعهد سفیه خمینی گفت: "سابق اینقدر گوشت نمی‌خوردند اصلاً این برای ما ننگ است که گوشت از آرژانتین و زلاندنو بیاورند و معلوم نیست که چه کوفتی است اینها را به ملت بدهند. باید مصرف را کم کرد."

خلخالی جانی در همین رابطه گفته است: "آنکه گفته من ۸ یا ۶ماه است گوشت نخورده‌ام، شاید گیاه‌خوار بوده است. آدم گیاه‌خوار ممکن است ۴ یا پنج سال هم گوشت نخورد"(*) وی یکبار دیگر نیز در مجلس گفته بود: "باید کاری کنیم تا جنگ را پیش ببریم. ما انقلاب نکرده‌ایم که نخود و لوبیا و مرغ و گوشتمان مرتب و منظم باشد و هر وقت هم کمبودی شد بزنیم بر سر دولت"

ملاحظه می‌کنید که از نظر خمینی و جلادان رژیمش کارگر و دهقان و عموم زحمتکشان و مردم ایران یا تماماً

پاورقی:
(*) — اطلاعات ۶۴/۱۰/۲۱

www.iran-archive.com

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت
بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران

ریال با دلار دائماً افزایش می‌یابد. هم‌اکنون در بازار آزاد بیش از ۹۰ تومان باید برای یک دلار پرداخت. چندی پیش "واحد اطلاعات اقتصادی" لندن اعلام کرد که ارزش واقعی پول ایران به یک‌دهم ارزش رسمی آن رسیده است.

شایان ذکر است که در چنین وضعیتی دولت خمینی از یکسو دائماً هم سود بازرگانی کالاها و هم میزان مالیات‌ها را به زیان مردم محروم افزایش می‌دهد و از سوی دیگر از کمک‌هزینه‌های مرسوم دولتی برای تأمین برخی کالاهای اساسی می‌کاهد. در نتیجه این زحمتکشان و صاحبان اقشار کم‌درآمد ما هستند که فی‌الواقع بایستی نصف بخورند و نصف بپوشند ولی مضاعف بپردازند...

گفته می‌شود که دولت خمینی در سال جاری بمنظور جبران کسر بودجه باز هم درصدد چاپ ۷۰میلیارد تومان اسکناس اضافی بوده است. پس عجب نیست که نرخ برابری ریال با دلار دائماً افزایش می‌یابد. هم‌اکنون در بازار آزاد بیش از ۹۰ تومان باید برای یک دلار پرداخت. چندی پیش "واحد اطلاعات اقتصادی" لندن اعلام کرد که ارزش واقعی پول ایران به یک‌دهم ارزش رسمی آن رسیده است.

شایان ذکر است که در چنین وضعیتی دولت خمینی از یکسو دائماً هم سودِ بازرگانی کالاها و هم میزان مالیات‌ها را بزیان مردم محروم افزایش می‌دهد و از سوی دیگر از کمک هزینه‌های مرسوم دولتی برای تأمین برخی کالاهای اساسی می‌کاهد. در نتیجه این زحمتکشان و صاحبان اقشار کم‌درآمد ما هستند که فی‌الواقع بایستی نصف بخورند و نصف بپوشند ولی مضاعف بپردازند.

چندی پیش در همین رابطه حتی صدای یکی از نمایندگان مجلس ضدخلقی(۱) نیز بلند شد و گفت "سود بازرگانی را که ۱۸۵میلیارد بود، ۸۰میلیارد در مجلس اضافه کرده‌اند، یعنی اینکه تمام کالاهایی که وارداتی هست و دارای تعرفه‌های مختلف هست قیمت‌ها نیز افزایش پیدا کند، آنطرف قضیه هم یک ۱۰۵میلیارد بابت سوبسید فی‌الواقع حذف شده، نتیجه چه می‌شود؟ بنابراین ما قیمت کالاها را دوباره بالا بردیم..." ضمناً اخذ مالیات که فشار آن مستقیماً و بر گرده‌ی محرومترین اقشار جامعه وارد می‌شود، امسال افزایش یافت و در بودجه‌ی سال جاری ۳۱درصد کل درآمدهای مندرج در بودجه‌ی رژیم خمینی را تشکیل داد. (حدود ۱۲۰میلیارد تومان). اما اخیراً وزیر برنامه و بودجه‌ی خمینی اعلام کرد در بودجه‌ی سال آینده مالیات‌ها به پنجاه‌درصد (درآمد کل) افزایش خواهد یافت. ضمناً برای تحت فشار قرار دادن مردم، اخذ مالیات را به کمیته‌های سرکوبگر واگذار کرده‌اند و محرومیت‌های اجتماعی متعددی برای کسانی که مالیات ندهند درنظر گرفته شده است. در عین حال شگفت‌انگیز است که حدود ۹۷٪ مالیات‌های اخذشده در سال گذشته مربوط به کارمندان و مزدبگیران و اقشار کم‌درآمد بوده است.

۷ــ وضعی که خمینی در طول حکومت خود بر سر دانشگاهها و آموزش و پرورش و فرهنگ و هنر و مطبوعات آورده است نیازمند توصیف نیست. از کودتای سیاه ضدفرهنگی، از انبوه تصفیه‌های ارتجاعی، از سانسور کتب درسی، از تحریف حقایق تاریخی و از گسترش ارگان‌های ارتجاعی و سرکوبگر در دانشگاهها و آموزش و پرورش و مدارس، همگان مطلعند. پس از باز شدن دانشگاهها آنهم در چنبره‌ی افکار سیاه خمینی، پیوسته درصد چشمگیری از ایادی رژیم و ارگان‌های سرکوبگر او به کلاس‌های درس تحمیل گردیده‌اند. خمینی براستی خصم علم و فرهنگ و دشمن آشتی‌ناپذیر آگاهی و آزادی است.

هم‌اکنون دانشگاههای ما به اعتراف خود رژیم شش‌هزار عضو هئیت علمی کمبود دارد. بخصوص که در اثر اختناق هزاران تن از متخصصین و اساتید و اعضای هیئت‌های علمی بناگزیر جلای وطن نموده‌اند.

از نظر کمی نیز تعداد دانشجویان موجود هنوز نسبت به آخرین سال قبل از حکومت خمینی (که دانشگاهها و مدارس عالی حدود ۱۷۰,۰۰۰دانشجو را دربرمی‌گرفت) دهها‌هزار تن کمتر است. امتحانات ورودی دانشگاهها خود مظهری از جهل و ابتذال رژیم قرون‌وسطایی است. ماه گذشته یکی از کارگزاران خمینی بصراحت اعلام کرد که حدود پانزده درصد از قبولی‌های دانشگاه بخاطر نداشتن "صداقت اخلاقی و اسلامی" مردود شده‌اند.(۲)

به موجب "بند ج" آئین‌نامه‌ی گزینش اخلاقی داوطلبین ورود به دانشگاهها مشخصات کامل داوطلبان بایستی برای نظرخواهی ابتدا به ساواک خمینی و دادستانی ضدانقلاب و دادسرای عمومی او برود و تنها پس از تأیید این مراجع، ورود داوطلب به دانشگاه بلامانع است. آنهم تازه در صورتی که "گزارش منفی مستندی از منبع موثق دیگر درباره‌ی وی واصل" نشده باشد. بگذریم که در سر کلاس درس نیز اعضای ساواک خمینی و انجمن‌های ضداسلامی دانشجو را آسوده نمی‌گذارند. منجمله ۱۵۰۰تن عوامل انجمن‌های ضداسلامی را تحت عنوان دانشجو فقط به دانشگاه تهران قالب کرده‌اند.

در آموزش و پرورش نیز وضع بهتر از دانشگاهها نیست. یک قلم هفتادهزار معلم کم است. معلمینی که اغلب ضمن ۵ــ۴ سال گذشته حقوقشان همان است که بود. بیست‌هزار روستا مدرسه ندارد. در مناطقی مثل بم و کهنوج و نرماشیر و خیلی جاهای دیگر دانش‌آموزان روی پیت حلبی می‌نشینند. در سال ۶۵ بخاطر جنگ احداث آموزشگاههای جدید را ممنوع اعلام کردند. مدارس سه شیفته و دو شیفته خیلی زیاد است. یک قلم ۲۱,۰۰۰ کمبود کلاس برآورد شده. در نقاطی مثل کرمان مدارسی هست که گاه در زمستان بچه‌ها را به خاطر سردی کلاس و فقدان سوخت به حیاط مدرسه می‌آورند، بلکه در اشعه‌ی آفتاب جانی بگیرند. در عوض تا بخواهید مزدوران انجمن‌های ضداسلامی و امور ضدتربیتی در همه‌ی فضای آموزش و پرورش پرسه می‌زنند و یکی از وظایف آنها اعزام بچه‌ها برای ادامه‌ی تحصیل! به فاو و دیگر جبهه‌های جنگ است. راجع به سانسور کتب درسی و تحریف حقایق تاریخی و علمی و سانسور سایر کتاب‌ها نیز چون فکر می‌کنم حاجت به بیان ندارد فقط یک نمونه مربوط به

پاورقی:

(۱) ــ بنام الویری

(۲) ــ محمد مهدی املشی

www.iran-archive.com

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت
بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

تکامل طبیعی را یادآور می‌شوم:

آخوند یزدی نماینده‌ی مجلس خمینی در تابستان گذشته بصراحت گفت که: "کتاب‌هایی که در مسئله‌ی خلقت گفتگو کرده و مثلاً فلسفه‌ی داروین را مطرح می‌کنند.... نمی‌تواند آزاد باشد. چرا که اینگونه کتب گمراه‌کننده بود و عقاید مردم را از بین می‌برد.... (۱)

*

راستی که در ایران هیچکس و هیچ چیز از ستم خمینی در امان نیست. از استاد و دانشجو و معلم و محصل گرفته تا متخصصین و هنرمندان و شعرا و نویسندگان و فیلمسازان و هنرمندان تاتر و سینما و خوانندگان و نوازندگان و موسیقی‌دانان ملی. از نقاشان و طراحان گرفته تا اطباء و پرستاران و خبرنگاران و باستان‌شناسان. آخر خمینی نه‌فقط در محیط کار بلکه در زندگی خصوصی نیز آنها را آسوده نمی‌گذارد و لذاست که اگر دستگیر و زندانی نباشند یا گروه‌گروه ترک وطن می‌کنند و یا خانه‌نشین می‌شوند و استعدادهاتشان حبس می‌شود. ای ننگ بر خمینی که همه چیز و همه کس را در میهن ما به بند کشیده. باشد که بندهای ارتجاع بگسلد و استعدادات و خلاقیت اقشار مختلف مردم ایران در حاکمیت مردمی خودشان با آزادی کامل شکوفا شود.

۸ــ بیکاری گسترده که خود معلول جنگ و سرکوب و اوضاع اقتصادی ناشی از آن است یکی دیگر از بارزترین وجوه بیلان ننگین خمینی است و خمینی در این زمینه هم براستی رکورددار است. تعداد بیکاران به حدود ۶ میلیون تن می‌رسد.

چندی پیش اداره‌ی کل آمار رژیم اعلام کرد که ۱۲درصد از روستائیان و ۲۰درصد شهرنشینان بیکارند. سال گذشته درحالیکه یکی از وزرای رژیم به نقل از سرپرست برنامه و بودجه تعداد بیکاران را ۶میلیون اعلام کرده بود.(۲) معاون وزیر کار خمینی اظهار کرد: "نرخ بیکاری از ۱۰٪ تا ۶۰٪ اعلام شده است اما اینکه کدامیک صحیح بوده و متکی به داده‌های آماری مستند است، تابحال نتوانسته‌ایم این امر را تعیین کنیم" !! (۳)

اما امسال برای حل مشکل بیکاری و کاهش درآمد نفت در مطبوعات رژیم این پیشنهاد مطرح شد که خوب است بیش از ۲میلیون نفر را به لیبی و کشورهای حوزه‌ی خلیج‌فارس بفرستند....(۴) یک نماینده‌ی مجلس ضدخلقی ضمن ابراز نگرانی از افزایش شمار بیکاران گفت: "امسال از ۵۸۲,۰۰۰نفر شرکت‌کننده در آزمون دانشگاهها تعداد ۵۲۰,۰۰۰نفر به شمار بیکاران خواهند پیوست."(۵)

۹ــ افزایش شگفت‌انگیز انواع و اقسام مفاسد و بلایای اجتماعی یک نکته‌ی بسیار چشمگیر دیگر در بیلان حکومت خمینی است، مفاسد زنجیره‌ای ناشی از جنگ و اختناق و بیکاری نیازمند شرح و بسط نیست. تنها به برخی نکات اشاره می‌کنیم:

ــنرخ رشد جرائم عادی از قبیل دزدی و قتل و تخلف بیش از صددرصد است. از پارسال تا امسال حدود ۱۴هزار تن بر تعداد زندانیان عادی صرفنظر از تعداد کثیر آزادشدگان افزوده شده و تعداد زندانیان عادی به حدود هفتادهزار تن می‌رسد. فی‌المثل در زندان عمومی بابل که فقط ۶۰۰نفر ظرفیت دارد ۲۶۰۰نفر را جا داده‌اند.

ــبرحسب گزارش فرمانده‌ی کمیته‌های ضدخلقی فقط در ۵ماه اول سال ۱۷,۴۰۰نفر در ارتباط با باصطلاح منکرات اخلاقی دستگیر شده‌اند.

ــبر اساس گزارش شهربانی در ۹ماه اول سال۶۵ تنها در حوزه‌ی اختیارات شهربانی ۱۲,۸۵۰فقره سرقت روی داده است.

ــکشف مواد مخدر در استان هرمزگان ۳۰ برابر بیشتر از سال ۵۸ است.

ــدر تهران نسبت به ۲سال پیش ۸برابر بیشتر مواد مخدر کشف گردیده است.

ــیک کارشناس قضایی که سالیان طولانی است در دادگستری کار می‌کند می‌گوید که این میزان از فساد و دزدی و فحشاء و اعتیاد که از دولت سر خمینی رواج یافته، هیچگاه سابقه نداشته و سنگسارکردن‌ها و دست‌بریدن‌ها و تیرباران قاچاقچیان نیز هیچ فایده‌ای ندارد.

ــمتقابلاً مقامات رژیم در بولتن‌ها و گزارش‌های داخلی خود نگرانی‌شان را از پائین آمدن میزان مطالعه‌ی نشریات و مجلات باصطلاح حزب‌اللهی و بالا رفتن مطالعات مربوط به سرگرمی‌ها و تفریحات و مطالعات غیرمجاز ابراز می‌کنند. در یکی از گزارشات داخلی مربوط به زعمای رژیم ابراز تاسف شده است که چرا "پیام انقلاب" فقط ۱۹۰۰نسخه، "شاهد" ۹۰۰نسخه، "امید انقلاب" ۳۰۰نسخه "راه مجاهد" (متعلق به لطف‌الله میثمی همکار ارگان‌های امنیتی رژیم) ۲۰۰نسخه، "پاسدار اسلام" ۲۰۰۰نسخه و "اقتصاد اسلامی" (وابسته به انجمن‌های ضداسلامی بازار) فقط ۲۰۰نسخه فروش می‌رود.

در همین مبحث باید تاکید نمود که آخوندهای خمینی‌صفت خود مهمترین و عمده‌ترین مروّجان فساد و فحشاء هستند و این حقیقتی است که امروز از چشم هیچکس در ایران پنهان نیست.

۱۰ــ وضعیت بهداشت و درمان نیز

راستی که در ایران هیچکس و هیچ چیز از ستم خمینی در امان نیست. از استاد و دانشجو و معلم و محصل گرفته تا متخصصین و هنرمندان و شعرا و نویسندگان و فیلمسازان و هنرمندان تاتر و سینما و خوانندگان و نوازندگان و موسیقی‌دانان ملی. از نقاشان و طراحان گرفته تا اطباء و پرستاران و خبرنگاران و باستان شناسان. آخر خمینی نه فقط در محیط کار بلکه در زندگی خصوصی نیز آنها را آسوده نمی‌گذارد و لذاست که اگر دستگیر و زندانی نباشند یا گروه‌گروه ترک وطن می‌کنند و یا خانه‌نشین می‌شوند و استعدادهاتشان حبس می‌شود. ای ننگ بر خمینی که همه چیز و همه کس را در میهن ما به بند کشیده. باشد که بندهای ارتجاع بگسلد و استعدادات و خلاقیت اقشار مختلف مردم ایران در حاکمیت مردمی خودشان با آزادی کامل شکوفا شود.

پاورقی:

(۱) ــ رسالت ــ ۶۵/۵/۲
(۲) ــ اطلاعات ــ ۶۴/۱/۲۲
(۳) ــ کیهان ــ ۶۴/۲/۵
(۴) ــ کیهان ــ ۶۵/۳/۱۳
(۵) ــ اطلاعات ــ ۶۵/۴/۲۱

www.iranarchive.com

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت
بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

در دوران حاکمیت خمینی بسیار رقت‌بار است. خمینی بخش اعظم ظرفیت درمانی و بهداشتی کشور را صرف جنگ نموده و این روزها همگان می‌دانند که در اغلب شهرها بخاطر کثرت زخمی‌های جنگ جای سوزن انداختن در بیمارستان‌ها نیست. می‌گویند که به خیلی از معلولین نیز برای دریافت دست و پای مصنوعی ۵ و یا حتی ۱۰سال بعد نوبت داده‌اند. ۳سال پیش که جنگ مثل اینروزها شدت و حدّت نداشت و خمینی "سال سرنوشت" اعلام نگرده بود وزیر بهداری رژیم اعلام کرده بود "برای عمل بچه‌هایی که دچار فلج اطفال هستند در بیمارستان شفاییحیائیان تا ۶سال بعد وقت می‌دهند"! فکرش را بکنید که حالا بعد از ۳سال چه خبر است! وزیر بهداری رژیم همچنین ۳ سال پیش در آبان/۶۲ گفته بود:

"... بعد از انقلاب حتی یک وسیله هم برای وزارت بهداری خریداری نشده است و تمام خودروهای وزارت بهداری را هم که زیر پای افراد بوده تبدیل به آمبولانس کرده‌ایم و به جبهه فرستاده‌ایم که وزارت بهداری هر چهار روز یک آمبولانس در جبهه از دست داده است"

و حالا ۳سال پس از آن تاریخ وضع بمراتب بدتر شده است از جمله:

—در خیلی نقاط کشور برای هر ۱۰ الی ۵۰,۰۰۰نفر فقط یک پزشک وجود دارد.(۱)

—برای رسیدن به یک وضعیت متعادل تقریباً یکصدهزار تخت در بیمارستان‌ها کم است. هم‌اکنون در بیمارستان‌های ۵۰تختخوابی تا ۳۰۰مجروح بستری می‌کنند.

—بیش از ۲۰,۰۰۰بیمار در لیست انتظار نوبت جراحی در بیمارستان قلب تهران قرار دارند.

—شهر تویسرکان با ۱۲۰,۰۰۰نفر جمعیت فقط یک داروخانه دارد.

—دارو بسیار گران و کمیاب است. اگرچه می‌توان در بازار سیاه که سرنخ آنرا کارگزاران رژیم خود بدست دارند شربت "آنسفابول" (مخصوص ناراحتی‌های مغزی کودکان) را که قیمت رسمی آن ۳۲/۵ ریال است با پرداخت ۸۵۰تومان بدست آورد. همچنین می‌توان آمپول "دپروپانکس" را که قیمت رسمی آن ۱۳/۵ریال است با پرداخت ۹۰۰تومان در بازار سیاه بدست آورد.

۱۱ — مهاجرت از روستاها به شهر و مهاجرت بی‌نظیر از داخل به خارج کشور که آمار و ارقام تکان‌دهنده‌ای دارد، یکی دیگر از ارمغان‌های حکومت خمینی است. باین‌ترتیب علیرغم آنکه رئیس‌جمهور خمینی رسیدگی به امور روستاها را در صدر "دستاوردهای" هشت‌ساله‌ی رژیم توصیف می‌کند، بخاطر بیکاری و انهدام مبانی کشاورزی، سیل مهاجرت از روستاها به جانب شهرها ادامه دارد.

اما در رابطه با مهاجرت از داخل به خارج کشور در اثر جنگ و اختناق و سرکوب عمومی، ابعاد آن از بسیاری جهات در تاریخ ایران بی‌نظیر است. تعداد مهاجرین و پناهندگان و آوارگان ایرانی در خارج از کشور را حدود دومیلیون نفر برآورد می‌کنند که اغلب دور از شهر و دیار و میهن خود در شرایط ناراحت‌کننده‌ای بسر می‌برند و با مشکلات مختلف دست‌وپنجه نرم می‌کنند. بسیاری از این هموطنان بخاطر جنگ یا اختناق ناگزیر از ترک میهن شده و آوارگی و دربدری را بر هرگونه کنار آمدن با رژیم خمینی ترجیح داده‌اند.

۱۲ — تحقیر و سرکوب مضاعف زنان بمثابه یک فاجعه‌ی ملی و تاریخی برگ بسیار ننگین دیگری در حاکمیت هشت‌ساله‌ی خمینی است. از آنجا که این واقعیت هر روز در کوچه‌ها و خیابان‌ها از مسئله‌ی حجاب گرفته تا آزار و اذیت‌ها و توهینات متعدد دیگر بر همگان مشهود و معلوم است، نیازی به شرح و بسط آن نمی‌بینم. فقط بایستی متذکر شد که این خمینی همان کسی است که در آغاز فعالیت سیاسی‌اش جز مخالفت با انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان برای نمایندگی مجلس که آنرا خلاف شرع و کفرآمیز می‌دانست حربه‌ی دیگری نداشت. اگرچه اکنون به اجبار زمانه یکی —دو زن را هم در مجلس ضدخلقی‌اش جا داده است. اما چه زنانی! یکی از اینان در مجلس خمینی آشکارا تقاضا می‌کند که "تحصیل در رشته‌های حسابداری، بازرگانی و مهندسی‌کشاورزی‌برای‌زنان‌باید‌ممنوع‌شود"(۲) بگذریم که در قانون اساسی خمینی حق ریاست‌جمهوری و ولایت و قضاوت نیز از زن سلب شده است.

شگفت‌انگیز است که در شرع ناپاک خمینی حق تیرباران‌شدن، حق شکنجه‌شدن تا سرحد مرگ، حق اعدام در حالت بارداری و حق استثمار شدن کاری و جنسی برای زن بسا بیشتر از مرد برسمیت شناخته شده و بیدریغ اعمال می‌شود. اما از این تساوی در جاهای دیگر و در هر آنچه مربوط به اعتلاء و رهایی است خبری نیست! براستی که در شرع و مرام حیوانی خمینی و دارودسته‌ی فرومایه‌ی او زن هیچ چیز جز یک مقوله‌ی جنسی نیست.

همان مرام و مسلک ننگ‌آلود ارتجاعی که مبیّن حضیض بی‌ناموسی عقیدتی و وجدانی است. دور نیست روزی که زنان مجاهد و مبارز این مرزوبوم بند از بند این رژیم فاسد و لئیم جدا کنند.

به دژخیمان و اراذل خمینی بویژه به شکنجه‌گران خواهران و زنان ما اخطار می‌کنم که از آتش بنیان‌سوز مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی گریزی نخواهند داشت و دیر یا زود شعله‌های خشم خروشان خلق دامنگیرشان خواهد شد.

ادامه دارد

تحقیر و سرکوب مضاعف زنان بمثابه یک فاجعه‌ی ملی و تاریخی برگ بسیار ننگین دیگری در حاکمیت هشت‌ساله‌ی خمینی است... در قانون اساسی خمینی حق ریاست‌جمهوری و ولایت و قضاوت نیز از زن سلب شده است.
شگفت‌انگیز است که در شرع ناپاک خمینی حق تیرباران‌شدن، حق شکنجه‌شدن تا سرحد مرگ، حق اعدام در حالت بارداری و حق استثمار شدن کاری و جنسی برای زن بسا بیشتر از مرد برسمیت شناخته شده و بیدریغ اعمال می‌شود. اما از این تساوی در جاهای دیگر و در هر آنچه مربوط به اعتلاء و رهایی است خبری نیست! براستی که در شرع و مرام حیوانی خمینی و دارودسته‌ی فرومایه‌ی او زن هیچ چیز جز یک مقوله‌ی جنسی نیست.
همان مرام و مسلک ننگ‌آلود ارتجاعی که مبیّن حضیض بی‌ناموسی عقیدتی و وجدانی است. دور نیست روزی که زنان مجاهد و مبارز این مرزوبوم بند از بند این رژیم فاسد و لئیم جدا کنند.

پاورقی:

(۱) — اطلاعات — ۶۴/۶/۳

(۲) — نقل از مریم بهروزی نماینده‌ی مجلس ضدخلقی

www.iran-archive.com

اعمال فشارهای ضدبشری خمینی اسیران جنگی عراق بمنظور تغییر مذهب آنان

به گزارش رادیوی رژیم در ه‌ای که روز دوشنبه ۱۳ ن‌ماه با شرکت نماینده‌ی نی دجال در شورایعالی ، رئیس خودفروخته‌ی ستاد رک ارتش و جمعی از زرانی که رژیم برای نمایشات ی خود به تهران آورده ل گردید، گفته شد که ده‌هزاروپانصد نفر از اسرای سلمان عراقی توسط ایادی م تغییر عقیده و مذهب داده‌اند. انتشار خبر مزبور در شرایطی ماهیت ارتجاع منحط و ن‌وسطایی خمینی دجال و نیز بات و ستمگریهای خمینی شر در حق مردم ایران اعم از مان و یا پیروان سایر مذاهب و دات، با تمامی ارزش‌ها و سنن یبخش اسلام در تضاد است، از هر چیز بیانگر فشارها و فاتی است که مزدوران رژیم تغییر عقیده و مذهب این اسرا ن وارد آورده‌اند.

این موضوع پیش از این نیز در گزارشات صلیب‌سرخ جهانی در مورد اردوگاههای اسرای عراقی در ایران تحت عنوان "فشارهای ایدئولوژیک و سیاسی که رژیم خمینی بر اسرا تحمیل می‌کند" مورد تایید قرار گرفته و صلیب‌سرخ جهانی از اعمال فشار بر اسرای عراقی برای تغییر عقیده و مذهبشان بعنوان یکی از موارد نقض حقوق‌بشر و نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد اسرا که باعث درگیری‌های مرگبار و منجمله کشته‌شدن تعدادی از اسرای اردوگاه گرگان در مهرماه ۶۳ گردید، نام برده است.

رادیوی رژیم در ادامه‌ی خبر خود همچنین از نیات شوم کارگزاران جنگ‌وجنایت خمینی دایر بر اعزام اسرای عراقی به جبهه‌های جنگ خمینی، با این بهانه که اسرای مزبور طی طوماری از سران رژیم تقاضای رفتن به جبهه را کرده‌اند پرده برداشت.

گرامی باد خاطرهٔ تابناک شهیدان مجاهد خلق

شهید مقدس
مجاهد قهرمان حسین بابائی

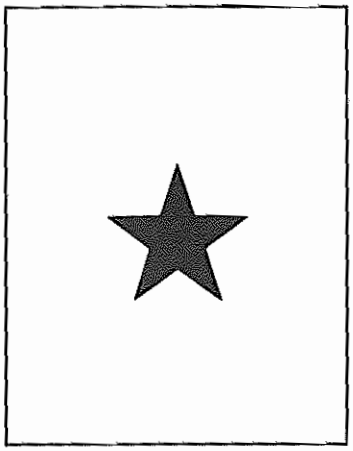

در ۲۹/بهمن/۶۱ طی یک عملیات فداکارانه‌ی حسینی بمنظور مجازات طبسی جنایتکار نماینده‌ی خمینی دژخیم در خراسان جان پاکش را فدیه‌ی رهایی خلق در زنجیر ایران نموده

مجاهد شهید
مهندس محمدعلی متقی

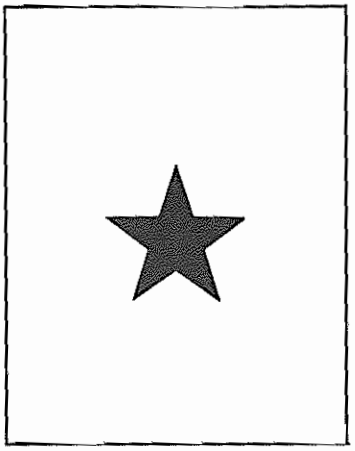

از زندانیان سیاسی رژیم شاه خائن و رئیس سابق ذوب‌آهن ایران که در بهمن‌ماه ۶۰ همراه با ۴۲۰ نفر دیگر از فرزندان دلیر خلق بدست مزدوران خمینی جلاد در زندان اوین تیرباران گردیده

انهدام ۱۰۰ گردان از نیروهای رژیم در تهاجم ضدکربلای ۵

رادیو صدای مجاهد در اخبار چهارشنبه ۱۵ بهمن‌ماه خود اعلام کرد: به گزارشات موثق دریافتی، در جریان تهاجم شکست‌خورده‌ی ربلای۵، حدود ۱۰۰گردان از نیروهای خمینی منهدم شده است. یکه تعدادی از لشکرهای سپاه ضدمردمی هم بلحاظ بدنه و هم بلحاظ دهان نابود شده و از بین رفته است. منجمله لشکر۴۱ موسوم به له بطور کامل متلاشی شده و معدود نفرات باقیمانده از این لشکر به جبهه منتقل شده‌اند.

لشکر موسوم به نصر، لشکره ۱ ضدسیدالشهدا، تیپ ضدقمر بنی‌هاشم، ، موسوم به یازهرا از لشکر۸ و تیپ مستقل۱۲ ضدحضرت قائم نیز ، تلفات سنگینی شده و به افراد باقیمانده آن مرخصی داده‌اند. ات دریافتی همچنین از غرق شدن شمار زیادی از نفرات تیپ ربنی‌هاشم خبر می‌دهد.

ر همین حال گزارشات رسیده در مورد انبوه مجروحین جنگی ت که از طریق بیمارستان بقائی که سرپل اصلی تخلیه و انتقال عین تهاجم ضدکربلای۵ بود تنها در روز اول عملیات بیست‌هزار ج جنگی منتقل شده‌اند. و این درحالی است که بسیاری از مجروحین بیمارستان نبرده و مستقیماً به ستاد تخلیه‌ی مجروح موسوم به منتقل کرده‌اند.

ر میان مجروحین تهاجم تجاوزکارانه‌ی ضدکربلای۵، گروهی از هان جنایتکار سپاه ضدمردمی نیز بوده‌اند که اسامی برخی از بارتست از:

محمد نوری، فرمانده‌ی ستاد

- عباس رنجی، فرمانده‌ی گردان ضدحضرت سجاد از لشکره۱ ضدسیدالشهدا
- علی محمدی، فرمانده‌ی گردان۴۱۸ از لشکر۴۱ موسوم به ثارالله
- ذکاوت، فرمانده‌ی گردان فتح از لشکر ضدامام حسن
- اسماعیلی، فرمانده‌ی گردان تخریب از لشکر موسوم به ثارالله
- فتح‌الله نصرتی، فرمانده‌ی گردان فتح از لشکر۳۳ موسوم به المهدی
- احترامی، فرمانده‌ی گردان فتح از لشکر۸ موسوم به نجف
- عباس حسن‌پور، فرمانده‌ی گردان ضدمالکاشتر از تیپ ضدامیرالمؤمنین
- مجید شکوه، معاون دوم گردان ضدمالکاشتر از تیپ ضدامیرالمؤمنین
- نیکو کلام، فرمانده‌ی کاتیوشا توپخانه‌ی ضد حضرت خاتم
- هاشمی، فرمانده‌ی گردان از لشکر ضدامام حسین
- رحمت‌الله علیپور، فرمانده‌ی گردان از لشکر۳۱ ضدعاشورا
- عادل نسب، فرمانده‌ی گردان ضدامیرالمؤمنین از لشکر۳۱ ضدعاشورا
- نائینی، فرمانده‌ی گردان از لشکر ضدامام حسین

www.iran-archive.com

پاسخ برادر مجاهد مسعود رجوی به سؤال خبرنگار رادیو صدای مجاهد درباره پیام اخیر خمینی دجال و لجن‌پراکنی یزید پلید جماران علیه مجاهدین

نقل از: «صدای مجاهد»

در پاسخ به پیام روز ۱۶/بهمن‌ماه یزید پلید جماران درباره‌ی قربانیان جنگ که طی آن به لجن‌پراکنی علیه مجاهدین مبادرت کرد، برادر مجاهد مسعود رجوی به خبرنگار صدای مجاهد اظهار داشت:

"یزید پلید جماران در آخرین دجالگری که دیروز بمناسبت پنجمین روز از «دهه‌ی ظلماتش» بعمل آورد، به لاف‌وگزاف‌های مضحکی دست یازیده که بیش از پیش مبین ضعف و درماندگی و حاکی از اضمحلال و میرندگی خود او و رژیم ضدبشری‌اش می‌باشد. وی همچنین از فرط کین و غضب افسارگسیخته‌ی خود در قبال جنبش عمومی صلح‌خواهی مردم ایران و اینکه مردم می‌دانند صلح و آزادی چگونه با هم گره خورده، به لجن‌پراکنی علیه مجاهدین پرداخت که البته جز بر افتخارات ما نمی‌افزاید و ما همچنان با برافراشتن پرچم صلح عادلانه‌ای که کاملاً در دسترس است و با آتش مقاومت عادلانه‌مان تیشه به ریشه‌ی رژیمش خواهیم زد.

دژخیم پابگور در پیامی که در گورستان بهشت‌زهرای تهران خوانده شد از جمله مدعی گردیده که از یک «حکومت اسلامی و مردمی و صددرصد تثبیت شده و دارای هواداران بیشمار» برخوردار می‌باشد. یعنی فقط در یک عبارت، ۴دروغ بزرگ گفته است. زیرا که:

ـ هر وجدان منصفی که کمترین اطلاع واقعی از اسلام و مسلمانی و از قرآن و سیره‌ی پیامبر اکرم و روش ائمه‌ی اطهار داشته باشد بوضوح می‌داند که حکومت جهل و جنایت خمینی که در هلاک حرث و نسل ایران یکصدبار روی دست رژیم شاه بلند شده دقیق‌ترین مصداق الدالخصام در قرآن مجید است. یعنی خمینی دشمن‌ترین دشمنان خدا و قرآن و پیامبر اکرم است. چون خونریز و سرگوبگر و بربادده‌نده‌ی جان و مال ایران و ایرانی است.

ـ همچنین همه‌ی مردم ایران برغم ادعای خمینی مبنی بر مردمی‌بودن حکومتش می‌دانند که حکومت خمینی از قضا ضدمردمی‌ترین حکومت تمام ادوار تاریخ ایرانست. زیرا تاریخ ایران بیاد ندارد که مردم ما تحت حکومت یک‌چنین شیخ مشکوکی که اصل و نسبش هم مشبوه و مشکوک است و معلوم نیست استعمار کهنه از کی او را در سلک مرتجعین قم در آستین داشته، به این اندازه رنج و عذاب تحمل کرده باشند. حالا شیخ ضدمردمی ادعای مردمی‌بودن هم می‌کند!

ـ مضحک‌تر از همه این است که خمینی ادعا کرده حکومتش صددرصد تثبیت‌شده است! ملاحظه می‌کنید که از صددرصد حتی یک‌درصد هم حاضر نیست کوتاه بیاید!! اگر حکومت تو صددرصد تثبیت‌شده است پس به این اعدام‌ها و تیرباران‌های روزمره و به اینهمه سیاهچال و شکنجه‌گاه چه نیازی داری و چرا از سیاست اختناق حداکثر پیروی می‌کنی؟ چرا حتی نمایندگان مجلس ضدمردمی خودت اگر یک‌وقت ناغافل ناپرهیزی کنند و خارج از خط سؤالی از یکی از وزرای تو بکنند اینطور پاچه‌شان را می‌گیری؟!

اگر حکومت تو صددرصد تثبیت‌شده پس فلسفه‌ی اینهمه جنگ‌افروزی چیست و چرا تن به صلح نمی‌دهی؟!

پس واضح است و حالا همه‌ی دنیا نیز فهمیده‌اند که خمینی و رژیمش مثل بیمار لاعلاج و پابگوری است که در مَثَل برای راه‌رفتن دوتا چوبدست زیر بغلش زده و بدون آنها یک لحظه سرپا نخواهد بود. یکی چوبدست جنگ و دیگری هم اختناق. که بدون اینها خمینی و رژیم متزلزل او هرگز دوام نخواهد آورد.

ـ و اما جالب‌تر از همه، این ادعای خمینی است که حکومتش را دارای هواداران بیشمار توصیف می‌کند!

خوب اگر حکومت تو هواداران بیشمار دارد و دروغ نمی‌گویی چرا به اینهمه دستگیری و سربازگیری اجباری دست می‌زنی؟! آیا نمونه‌ای هست که علی علیه‌السلام به سربازگیری اجباری دست زده باشد؟ وانگهی اگر هواداران بیشمار داری و ضرب و زور در کارت نیست چرا محصل‌های مدارس را بالاجبار به جبهه‌های جنگ اعزام می‌کنی؟ بنابراین حکومت لرزان، فرتوت، نامشروع و ننگین خمینی نه اسلامی است، نه مردمی و نه تثبیت‌شده و محبوب مردم ایران.

شیخ دجال در سخنان دیروز خود باز هم با وقاحت و رندی خاص خودش آمریکا را در رأس مفاسد عالم خوانده است. باید به او گفت چگونه است که تو و رژیمت اینهمه از جانب همین شیطان بزرگی که در رأس مفاسد عالم قرار دارد امداد غیبی و ارتزاق تسلیحاتی شدید و گیگ و کلت گرفتید؟ با اینهمه خمینی در سخنان دیروزش کماکان سلاح‌های اسرائیلی و آمریکایی را به حساب امدادهای غیبی و عنایات ویژه‌ی الهی که رژیم وی از آن متنعم گردیده است گذاشت. و حال آنکه خودش هم بخوبی می‌داند که مدت‌ها است دستش برای همه‌ی مردم ایران رو شده و اکنون در هیچ خانه و خانواده و محفلی نیست که مردم از کوچک و بزرگ به ریش او و رژیم گندیده‌اش نخندند و در هر فرصتی حتی در تاکسی و اتوبوس اراجیف او را مورد استهزاء قرار ندهند. البته وقاحت و بلاهت دژخیم حدوحصر ندارد. کمااینکه در اوج درماندگی و استیصال خودش و رژیمش در همین حرف‌های دیروز بطرز احمقانه‌ای مدعی شده که «حکومت نه شرقی ـ نه غربی» را در اکثر کشورهای جهان پایه‌ریزی خواهد نمود. باید به او گفت قاچ زین رژیمت را که در آتش مقاومت و انزجار عمومی دارد می‌سوزد و خاکستر می‌شود، بچسب؛ اسب‌سواری در عرصه‌ی بین‌المللی و گسترش حکومت کثیف و ضدبشری‌ات به اکثر کشورهای جهان، پیشکش!

آخرین نکته‌ی قابل توجه در لاطائلات روز گذشته‌ی خمینی این است که هنوز از به‌کشتن‌دادن و به‌تنورریختن بیش از یکصدهزار نفر اتباع کشورمان در تنور جنگ ضدمردمی‌اش در این ضدگربلای شماره‌ی۵ فارغ نشده، در منتهای زبونی و مظلوم‌نمایی آخوندی ـ که از شکست فجیع او در جبهه‌ها در ایام اخیر خبر می‌دهد ـ از جوانان کشور درخواست کرد که به جبهه‌ها هجوم ببرند و تنور پیرگفتار مرگ و تباهی را دیگربار از اجساد خود پُر کنند. دجال خون‌آشام در همین مورد افزود:

«یقیناً احساس همدردی این خدمتگزار و پدر پیر خود را درک می‌کنید که من ویرانی خانه‌های شما را، ویرانی خانه‌ی خود و شهادت و جراحت فرزندان و عزیزان شما را شهادت و جراحت فرزندان خود می‌دانم.»

حق این بود که خمینی آشکارا اعتراف می‌کرد که درحالیکه مسئول این کشته‌ها و خانه‌خرابی‌ها و غم‌ها و مصیبت‌های مردم خود اوست، چگونه بیشترین و بالاترین امکانات را برای حیات ننگین خود فراهم

بقیه در صفحه‌ی بعد

www.iran-archive.com

پاسخ برادر مجاهد مسعود رجوی به سؤال خبرنگار رادیو صدای مجاهد درباره پیام اخیر خمینی دجال و ...

بقیه از صفحه‌ی قبل

کرده و در پشت انواع دژها و انواع پناهگاهها، صدها و هزارها میلیون دلار از دسترنج مردم ستمدیده‌ی ما را صرف حفاظت و ایمنی و آسایش خود می‌کند و به دور از کمترین فشارها و مصائب جنگی که فقط خودش خواستار آنست، میلیون‌ها تن از مردم را بی‌پناه و بی‌دفاع دم برق بمب و موشک می‌گذارد.

از طرف دیگر همه می‌دانند که این دژخیم سفاک و خونریز که اکنون ذلیلانه و در کسوت یک پیر بی‌آزار دعوی خدمتگزاری به مردم ایران می‌کند، همان جانور درنده‌ای است که تا دیروز نعره می‌زد رأی فردِ او بر تمامی آراء ملت ایران ارجحیت و تقدم دارد. اما اگر در وجود این جانور قرون‌وسطایی ذره‌ای انسانیت و مروت می‌بود اینقدر فرزندان و عزیزان مردم را سر نمی‌برید و تیرباران و شکنجه نمی‌کرد، اینقدر بچه‌های مردم را از سر کلاس درس به میدان‌های مین نمی‌فرستاد و گوشت دم توپ تلقی نمی‌کرد. اینقدر مردم را خانه‌خراب و آواره نمی‌کرد و اینقدر حرث و نسل ایران را به تباهی نمی‌کشید. چندی پیش از قول یکی از اطبّاء شخصی او می‌گفتند که از اخبار اعدام رشیدترین جوانان و فرزندان این آب و خاک که سر صبحانه به او می‌دهند، نه‌فقط خمی به ابرو نمی‌آورد بلکه به هیجان می‌آید و اشتهای مارگونه‌اش مضاعف می‌شود. راستی که در وجود خمینی جز شقاوت و دجالگری نیست و این دژخیم پلید از ذره‌ای شرف و عاطفه و انسانیت برخوردار نیست و این را اکثریت قریب‌به‌اتفاق مردم ما خیلی خوب فهمیده‌اند و برای همین همگان به رژیم نامشروع و منفور او، به حکومت او، و به جنگ‌طلبی و سرکوبگری او پشت کرده‌اند. پس دور نیست که ایران‌زمین و خلق قهرمانش این طرفه‌ی ارتجاعی و استعماری را سرنگون ساخته و خاکستر او و رژیمش را در 'تش فروزان مقاومت به باد بدهد. مطمئن باشید که خمینی در آینده در خاک ایران جایی به اندازه‌ی یک قبر نیز نخواهد یافت و جنازه‌اش را خاک ایران هم قبول نخواهد کرد."

۱۷/بهمن‌ماه/۱۳۶۵

نامه‌ای از یک خانم آمریکایی هوادار مجاهدین به خواهر مجاهد مریم رجوی

بنام خداوند بخشنده
و
بنام مجاهدینِ مسعود و مریم

۴/دسامبر/۱۹۸۶

خواهر مریم عزیز؛

مدت‌هاست که می‌خواهم این نامه را برایت بنویسم و خوشحالم که بالاخره توانستم آنرا تکمیل کنم. ایکاش می‌دانستم از کجا شروع کنم. اگر چندماه پیش کسی از من می‌پرسید که راجع به تو و برادر مسعود چه می‌اندیشم، می‌گفتم که شما را بعنوان رهبری مجاهدین ستایش می‌کنم و محترم می‌شمارم. این پاسخ از طرف یک زن ۲۸ ساله‌ی آمریکایی که هرگز به ایران نرفته و درد مستقیم مردمی را که دهها سال است تحت اختناق قرار دارند نچشیده و متأسفانه اطلاعات یا شناخت لازم برای برداشتی متفاوت را نداشته، اشکالی ندارد؛ حتی می‌شود گفت که قابل فهم است.

اما اکنون تقریباً یکسال است که با انجمن هستم و در معرض چنان کیفیت، شرف، فداکاری و عشق قرار گرفته‌ام که نمی‌توان با کلمات بیان کرد. به من چنان امتیاز بزرگی تعلق گرفته که تنها امیدوارم افرادی از سایر ملیت‌ها هم بتوانند اینقدر خوش‌شانس باشند و می‌دانم که حتی این هم به مرور زمان محقق خواهد شد. من واقعاً معتقدم که از خدا هدیه‌ای دریافت کرده‌ام و آن اجازه‌ی ورود به این خانواده بود. من از طریق یک کاتالیزور —یعنی شوهرم— وارد روابط شدم اما بخاطر تو خواهر مریم، و برادر مسعود ماندم. بخاطر خودم ماندم و نه بخاطر همسرم. چقدر زیباست که بتوانم بگویم که روحم روزبروز رشد میکند و می‌توانم حس کنم که انسانیت در وجودم منتشر می‌شود. من دارم می‌آموزم. می‌آموزم که فدا چیست، جامعه چیست. خیلی چیزها است که باید بیاموزم اما هر وقت به عکس تو نگاه می‌کنم یقین می‌کنم که تدریجاً و به مرور زمان خواهم آموخت. قدری خجالت می‌کشم که به تو که این راه را از قبل برایم گشوده‌ای، راجع به این قدم‌های کوچک اولیه‌ی خودم بگویم. من از مجاهدین بخاطر کاری که با زندگی من کرده‌اند بسیار سپاسگزارم منجمله در رابطه با ازدواجم. صادقانه می‌گویم که بعد از انقلاب ایدئولوژیک که تو و برادر مسعود به ما دادید، ازدواجم یک ازدواج واقعی شد. قبل از اینکه تو بندهایمان را پاره کنی من و شوهرم روزبروز می‌کشیدیم، ولی از طریق آنچه تو و برادر مسعود برای ما فدا کردید من و شوهرم توانستیم حقیقتاً به وحدت برسیم. همچنین بخاطر تو و برادر مسعود و این سازمان زیبا بود که من توانستم گذشته‌ام را به فراموشی بسپارم و تصورات غلطی که از زندگی قبلی با خود داشتم اکنون برای همیشه مرا ترک کرده‌اند. البته من آدم شریری نبودم فقط گمراه بودم، در جامعه‌ای که به انحراف کشیده شده. اکنون من از آنچه بدان اعتقاد دارم احساس افتخار می‌کنم و برای همیشه مدیون تو خواهم بود. می‌دانم که همه‌ی خواهران و برادرانم احساس مشابهی نسبت به تو و برادر مسعود دارند بویژه "خارجی‌ها"ی درون سیستم. درون این سازمان عزیز تعداد فزاینده‌ای از ملیت‌های مختلف وجود دارند. من چیزهای زیادی راجع به یک خواهر فرانسوی که در این مسیر رشد کرده شنیدم. همچنین خواهران هلندی، چینی و... در آمریکا ما هشت نفر هستیم و حتی یک برادر آمریکایی هم داریم که اخیراً آمده چون او هم چیزی دیده بود که می‌خواست تجربه کند. این خیلی خوب حقانیت راهی را که برگزیده‌ایم نشان می‌دهد. هر شب قبل از اینکه بخوابم سعی می‌کنم درد و رنج فدای تو و برادر مسعود را همراه با همه‌ی عزیزان شهید و شکنجه‌شده‌مان از خواهر و برادر و مادر و پدر و فرزند برای خودم تصویر کنم. این کار را با این امید می‌کنم که موجب شود روز بعد حتی کمی هم که شده بیشتر کار کنم. همچنین سعی می‌کنم جامعه‌ای عاری از هرگونه بی‌عدالتی برای نسل‌های آینده‌مان را در نظر بیاورم.

خواهر مریم من دارم سعی می‌کنم آنچه در درون وجودم می‌گذرد برایت بنویسم؛ عشق و دین پایان‌ناپذیری که نسبت به تو و برادر مسعود در خودم احساس می‌کنم. بخاطر همه‌ی کارهایی که برایم کرده‌اید، از صمیم قلب و روحم از تو تشکر می‌کنم.

با خالصانه‌ترین آرزوها
برای روزی که همگان براستی آزاد باشند
جولی...

*

www.iran-archive.com

اخبار ... و رویدادهای سیاسی

ر ادامه‌ی موج محکومیت اصرار خمینی بر ادامه‌ی جنگ، پ ژان‌پل دوم رهبر کاتولیک‌های جهان، ابوبکر عطاس ئیس‌جمهوری دمکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی)، ضیاءالحق ئیس‌جمهور پاکستان و معاون بخش خاورمیانه در کمیته‌ی مرکزی زب کمونیست شوروی و همچنین کمیسیون خاورمیانه‌ی ین‌الملل سوسیالیست خواهان پایان‌بخشیدن به این جنگ یرانگر شدند.

وزنامه‌ی کریستین ساینس مانیتور با استناد به گزارش کمیته‌ی طلاعاتی مجلس سنای آمریکا نوشت: *"به مقامات اطلاعاتی آمریکا دستور داده شده بود که اطلاعات پُرارزشی را به نشانه‌ی حسن‌نیت ایالات متحده در قبال ایران در اختیار منوچهر قربانی‌فر قرار دهند... و دو هفته پس از آن در دهم فوریه ۱۹۸۶ نیروهای ایرانی جنوب عراق را مورد حمله قرار دادند و بندر نفتی استراتژیک فاو را تصرف کردند."*

محاصره‌ی چندین‌ماهه‌ی غذایی و دارویی اردوگاههای هزاران آواره‌ی فلسطینی در لبنان توسط گروه مزدور امل با حمایت رژیم خمینی، اسرائیل و سوریه شرایط مرگباری را برای هزاران آواره‌ی ساکن اردوگاههای رشیدیه و برج‌البراجنه بوجود آورده است بطوریکه برای زنده‌ماندن خوردن گوشت سگ و گربه را آغاز کرده‌اند.

* نیویورک‌تایمز ۱۲/بهمن نوشت: *"وزارت دفاع اسرائیل فروش ۵۰میلیون دلار اسلحه‌ی ساخت اسرائیل را تقریباً دو ماه قبل از اولین درخواست گزارش‌شده‌ی آمریکا برای کمک اسرائیل به نزدیک‌شدن به تهران تأیید نمود."*

* به گزارش فرماندهی بخش ارتش در سازمان مجاهدین خلق ایران بر اثر سقوط یک فروند هواپیمای "فالکون" بعلت شلیک پدافند نیروهای خود رژیم در منطقه‌ی امیدیه اهواز، یک مهره‌ی مهم رژیم و همچنین رئیس مهندسی سپاه جنگ و جنایت خمینی در جنوب بهلاکت رسیدند.

* خبرگزاری رویتر: رژیم خمینی از آغاز تهاجم ضدکربلای ۵ که با هدف تصرف بصره آغاز نمود، تاکنون بیش از ۱۵۰هزار نفر تلفات متحمل شده است. (در صفحات ۲۴ تا ۳۴)

گزیده مطبوعات جهان

* آمریکا ـ میامی‌هرالد
* ایتالیا ـ ایل‌ژورناله
ـ تلویزیون سراسری شبکه‌ی۳
ـ رادیو جی‌اِتره
* سوئد ـ آفتون‌بلادت
* پرتغال ـ دیاریودِنوتیسیاس
* نروژ ـ داگ‌بلادت
* دانمارک ـ اینفرماشیون

(در صفحات ۲۲، ۲۳ و ۳۵ تا ۳۷)

مصاحبهٔ سیمای مقاومت با خانم مریم متین دفتری

در صفحه‌ی ۲۰

آخرین طرح‌های جنایتکارانهٔ رژیم به‌منظور اعزام اجباری و به کشتن دادن هرچه بیشتر دانش‌آموزان در جبهه‌های مرگ

در صفحه‌ی ۱۰

آدرس‌های ارتباطی انجمن‌ها و واحدهای هوادار مجاهدین

نام کشور / نام شهر	تلفن روابط عمومی انجمن: شماره تلفن	کد شهر	کد کشور	آدرس پستی
فرانسه ـ پاریس	۴۸۴۱۲۶۷۹	۱	۳۳	A.E.M B.P 49 - 75462 Paris - Cedex 10 France
انگلستان ـ لندن	۲۰۳۵۸۵۵	۱	۴۴	BM BOX 9270 London WC1N 3XX England
سوئد ـ استکهلم	۷۶۰۷۹۸۵	۸	۴۶	M.S.F BOX 7041 16307 Spanga Sweden
آمریکا ـ واشنگتن .دی .سی	۸۲۳۰۴۳۰	۷۰۳	۱	M.I.S.S P.O. BOX 57245 Washington,D.C 20037 U.S.A
آمریکا ـ لس‌آنجلس	۸۳۹۸۳۹۵	۲۱۳	۱	M.I.S.S P.O. BOX 4549 Culver City,CA. 90231 U.S.A
آلمان ـ کلن	۲۴۲۸۰۵	۲۲۱	۴۹	M.S.V Postfach: 420531 5000 KOLN 41 West - Germany
کانادا ـ تورنتو	۷۶۳۰۴۷۲	۴۱۶	۱	M.I.S.S 719 Yongest Suite 205 Toronto, ONT M4Y2B5 Canada
عراق ـ بغداد	۷۱۸۳۰۳۳	۹۶۴	۱	صندوق البرید ۱۲۰
پاکستان ـ کراچی	۴۶۴۱۶۱	۲۱	۹۲	ROOM NO 20 BLOCK 4 - EQBAL HOSTEL UNIVERSITY OF KARACHI
	—	—	—	P.O.BOX NO. 132 G.P.O - KARACHI1

کمک‌های مالی خود را به یکی از حساب‌های زیر واریز نموده و حواله‌ی آنرا به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان
Midland Bank plc
281 Chiswick High Road
London W4 4HJ England
A-Khodabandeh N. 91082078

از خارج فرانسه
BANK SOCIETE GENERAL
No: 50114313 Mr. SAHELI MORAD
AX. TRINITE PARIS FRANCE

در داخل فرانسه
B.N.P. PONTOISE 1269652

www.iran-archive.com

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درماندهٔ خمینی

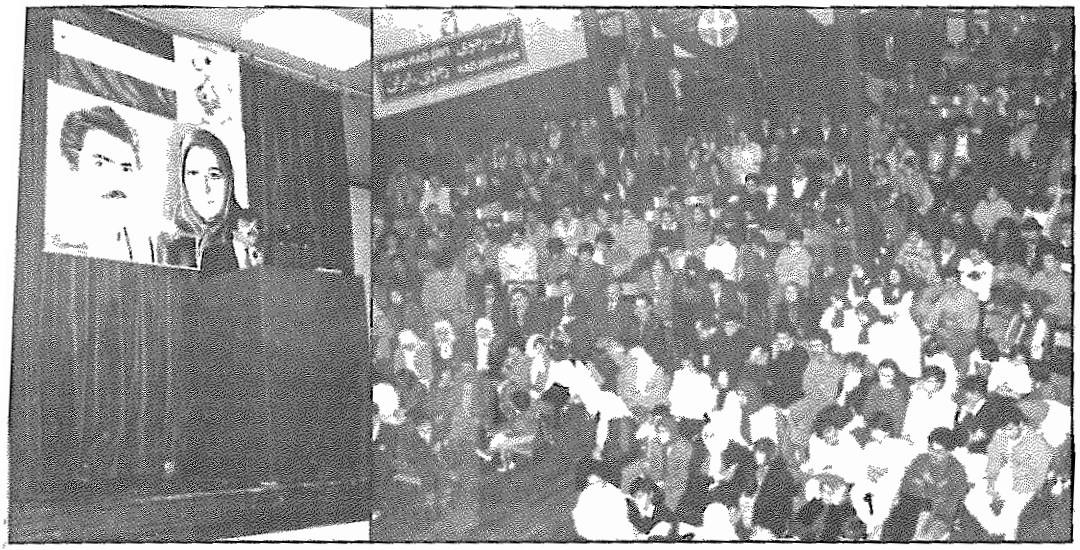

برادر مجاهد محمد سیدالمحدثین عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین در حال سخنرانی در میتینگ پاریس

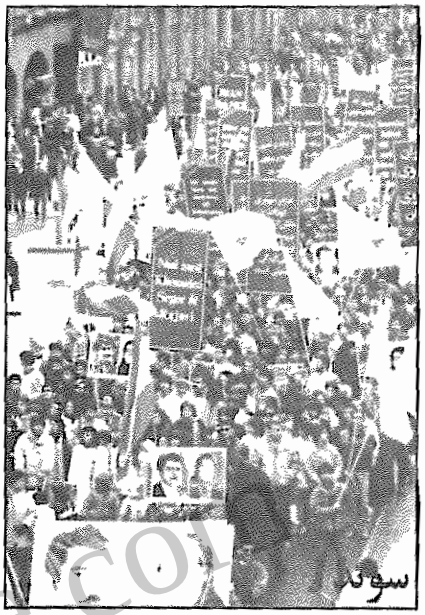

سوئد

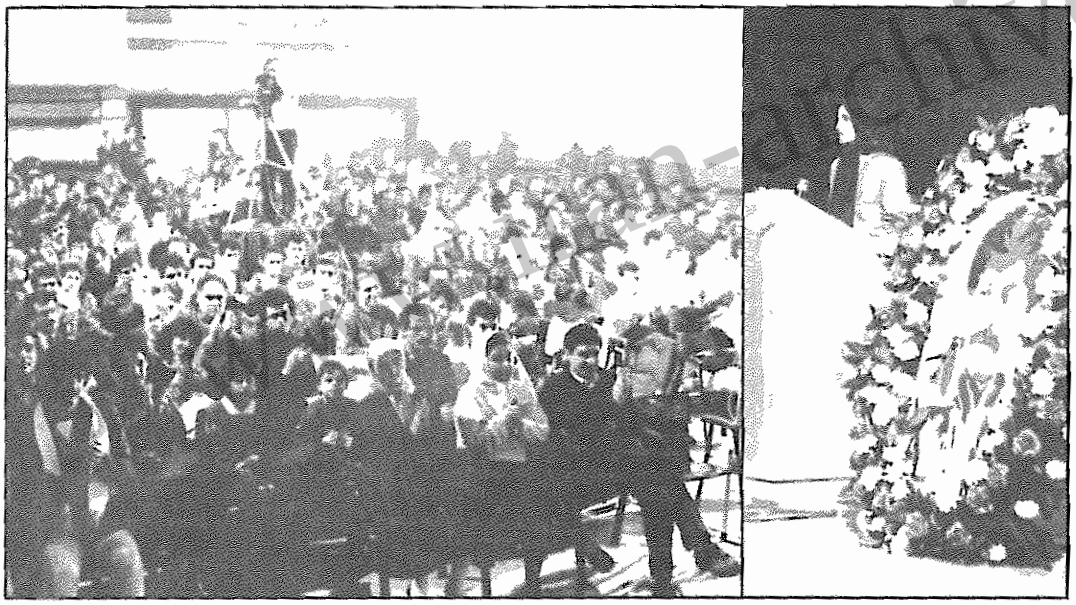

خواهر مجاهد فاطمه رمضانی عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین در حال سخنرانی در میتینگ رُم

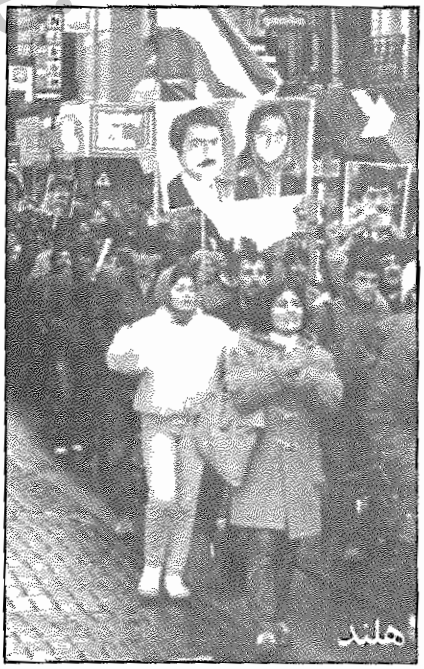

هلند

دانمارک

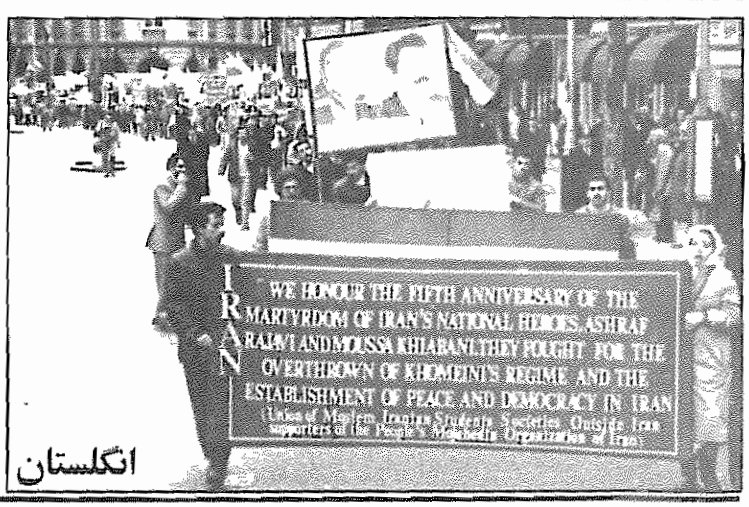

انگلستان